بسم الله الرحمن الرحيم

آموزشگاه مجازی احمدی
Ahmadi63amoozesh.com
@ahmadi63amoozesh

هزینه مطالعه این جزوه، برای دانش‌آموزان، دبیران و دیگر علاقه‌مندان به ادبیّات شیرین فارسی، قرائت یک فاتحه به نیّت پدر و مادر مرحومم است.

سلام و درود خدمت شما دانش‌آموزان، دبیران و علاقه‌مندان زبان و ادبیات فارسی

نسخه ۵ جزوات بنده جدیدترین ویرایش جزوات من است که بعد از کنکور تیر ۱۴۰۲ تالیف شده است. پیش از این، جزوات بنده به صورت نسخه‌های ۱ و ۲ و ۳ و ۴ در اختیارتان قرار گرفته بود. جزوات قبلی نیز بسیار کامل بودند ولی با توجه به اینکه اکثر تست‌ها تالیف دو سه سال قبل بودند، در پی فرصتی بودم که سطح سوالات را کمی بالاتر ببرم تا مطابقت بیشتری با کنکورهای جدید داشته باشند. لذا مهمترین تغییر جزوات نسخه ۵ با نسخه‌های قبلی، در تست‌های آن است. تست‌هایی که اگر کمی به سطح آن‌ها دقّت کنید، متوجّه خواهید شد سوالات بسیار قوی و پُرمحتوایی هستند. برخلاف دبیران دیگر من معتقدم دانش‌آموز باید در حل این تست‌ها، عرق بریزد تا در کنکور نفس راحت بکشد! ولی در بسیاری از کتاب‌ها و پکیج‌ها اینگونه نیست و تست‌های آسان و حل آن‌ها هیچ کمکی در کنکور به دانش‌آموز نمی‌کند. با اطمینان کامل می‌گویم؛ مطالعه این جزوات و حل این تست‌ها و یادگیری آن‌ها شما را از هر تست و درسنامه‌ای بی‌نیاز خواهد کرد. پس پرقدرت و با خیال راحت این جزوات را بخوانید تا درصدی عالی کسب کنید.

۱ – با مطالعه بخش‌بخش و جزءجزء این جزوات خواهید فهمید که این جزوات کامل‌ترین درس‌نامه‌ها را دارند. برای بنده خیلی راحت و اقتصادی‌تر بود که این جزوات را در اختیار موسسه و انتشاراتی قرار دهم و از مزایای مادی و معنوی آن برخوردار شوم. ولی در این صورت اجازه نداشتم که این جزوات را در کانال قرار دهم تا همه افراد به صورت رایگان از پی‌دی‌اف آن استفاده کنند.

۲ – قطعا برای تالیف هر جزوه و کتابی، زحمات بسیاری کشیده می‌شود. با نگاهی سطحی بر این جزوه و دیگر جزوات بنده، خواهید دید که برای تالیف آن زحمت بسیاری کشیده شده است. اینجانب علاوه بر ساعت‌ها تمرکز و نوشتن، برای تایپ و صفحه‌آرایی این جزوه و جزوات دیگر، مبلغ قابل توجّهی هزینه کرده‌ام.

۳ – سال گذشته دبیری پیام داد و گفت: «با اجازه شما این جزوات را داده‌ام تایپ کرده‌اند و در انتهای جزوه از شما یاد خواهم کرد!!!» به چند دلیل این کار دور از انصاف و ناصحیح بوده‌است؛ اوّل اینکه بنده اصلا چنین اجازه‌ای به هیچ دبیری نداده‌ام. دوم اینکه با این تایپ و صفحه‌بندی زیبا چه لزومی داشت مجدّد تایپ شود جز اینکه قضیه‌ای در کار بوده باشد؟ سوم اینکه بسیاری افراد به اعتبار علمی یک مولّف آن اثر را می‌خوانند و با حذف نام بنده از هر صفحه و انتقال آن به آخر جزوه، عملا با یک غلط‌گیر – توسط هر فردی- این اثر بی‌شناسنامه خواهد شد. چهارمین دلیل که از دلایل دیگر بسیار مهمتر است این است که صادقانه و حقیقتا خدمتتان عرض می‌کنم که پس از تایپ این جزوات توسط تایپیست‌های گران‌قیمت موسسات مطرح، برای ویرایش و صفحه‌بندی هر کدام، حداقل بیش از ۳ ماه وقت گذاشته‌ام (اگر ملاحظه کنید می‌بینید در تمام این جزوه حتّی «تشدید» و «نیم‌فاصه» و دیگر علائم ویرایشی رعایت شده است تا زیبایی جزوه، مطالعه را برای دانش‌آموز دلنشین‌تر کند). تالیف این جزوات، اینطور نبوده که پس از تایپ با یک ویرایش خدمتتان ارائه شده باشد. اگر آن دبیر محترم، نهایت انصاف را به خرج دهد و نام بنده را هم در هر صفحه جزوه بیاورد، باز هم در حق من جفا کرده است، چرا که قطعا جزوه‌ای خواهد بود با هزار غلط تایپی و ...

با توجّه به ۳ مورد فوق، از دبیران ارجمند، خواهشمندم، برای ارج‌نهادن به تالیف و کار بنده، از تکثیر جزوات اینجانب، بدون نام بنده خودداری کنند و با توجّه به اینکه اسم خود را نیز از وسط صفحه (واترمارک) برداشته‌ام، توصیه می‌شود برای تدریس از همین پی‌دی‌اف استفاده کنند.

هر گونه کپی‌برداری از این جزوه و جزوات دیگر من، برای تالیف، پیگرد قانونی دارد.

دانش‌آموزان عزیز سلام

جزوه پیش روی شما بدون شک کامل‌ترین، زیباترین و کارآمدترین جزوه‌ای است که برای عروض و قافیه تالیف شده است. با مطالعه جزوه درمی‌یابید برای تالیف آن زحمت بسیاری کشیده شده است. حساسیت بنده در زیبایی منابع درسی دانش‌آموزان، باعث شد کلمه به کلمه جزوه را به طور مجزا رنگ‌بندی کنم. در تمام صفحات جزوه حرکت‌گذاری اصطلاحات عروضی همچون «فاعِلاتُن، مُستَفعِلُن و ...» رعایت شده است تا این اصطلاحات را به طور دقیق و درست و راحت یاد بگیرید. در تمام مثال‌هایی که تقطیع شده‌اند، ما بین حروفِ کلمات، خطِ کشیده آمده است تا کلمات و حروف از همدیگر تفکیک شوند. مشخّص است که این کارِ بسیار زمان‌بَر فقط برای این منظور انجام شد که شما با جزوه‌ای زیبا، مطالب را بهتر یاد بگیرید. این جزوه – و دیگر جزوات بنده – حاصل چندین سال تحصیل بنده در مقاطع عالی دانشگاهی و همچنین ۱۸ سال تدریس بنده در کلاس‌های کنکور است. لذا این اطمینان را به شما می‌دهم، در صورت مطالعه جزوه و مشاهده فیلم‌های آموزشی، قطعا و حتما عروض و قافیه را یاد خواهید گرفت. نکته دیگر اینکه هم در جزوه و هم در درس‌نامه ویدئویی، تدریس به صورتی بوده است که عروض سماعی را نیز یاد بگیرید و إن شاء الله و به امید خدا یاد خواهید گرفت. بدون شک عروض و قافیه مهمترین و ضروری‌ترین مبحث ادبیات اختصاصی است و برای آموختن آن باید تلاشی درخور داشته باشید. توصیه می‌شود حتما تمرین‌های جزوه را انجام دهید و سپس جواب آن را در جزوه ببینید. از عروض سماعی غافل نشوید و با تکرار مطالب آموخته‌های خود را تثبیت کنید.

از ویژگی‌های منحصر به فرد این جزوه ارائه بهترین راهکارهای تستی و آموزش نکات عروض سماعی به جدیدترین و بهترین روش‌هاست. بدون شک با یادگیری و مطالعه جزوه بر هر سوال سختی در مبحث عروض و قافیه پاسخ خواهید داد.

ساختار جزوه به این صورت است که ابتدا درسنامه عروض و قافیه در یازده فصل ارائه شده و در پایان هر فصل تست‌هایی بسیار کاربردی و ارزشمند قرار گرفته است. حتما سعی کنید تست‌ها را پاسخ دهید. پس از آخرین فصل، تمام آزمون‌های سراسری داخل و خارج کشور ۵ سال گذشته آمده و در پایان ۶ آزمون تالیفی و شبیه‌ساز کنکور طراحی شده است.

مجددا اعلام می‌دارم در پکیج‌های VIP تمام این سوالات به صورت ویدئویی و مفصل پاسخ داده شده است.

شاد و سلامت باشید

دوستدار شما: دکتر ابوذر احمدی

آموزشگاه مجازی احمدی
Ahmadi63amoozesh.com
@ahmadi63amoozesh

فهرست مطالب

فصل اول: مقدمه ۱
فصل دوم: انواع واج و هجا ۴
فصل سوم: درست خواندن ۱۶
فصل چهارم: درست نوشتن (خط عروضی) ۲۵
فصل پنجم: تقطیع هجایی ۳۷
فصل ششم: قافیه ۴۹
فصل هفتم: تقسیم به ارکان عروضی ۵۹
فصل هشتم: اوزان همسان و ناهمسان ۷۴
فصل نهم: اختیارات شاعری ۹۵
فصل دهم: نامگذاری اوزان ۱۳۶
فصل یازدهم: نمونه شعر برای اوزان مختلف ۱۴۵
فصل دوازدهم: آزمون‌های سراسری ۱۶۵
فصل سیزدهم: آزمون‌های تالیفی و شبیه‌ساز کنکور ۱۸۳
پاسخنامه ۱۹۳

توجّه: تا پایان فصل ششم برای علوم و فنون سال دهم، فصل هفتم و تا نیمه فصل هشتم برای علوم و فنون سال یازدهم و از نیمه دوم فصل هشتم تا پایان فصل دهم برای علوم و فنون سال دوازدهم و فصل یازده برای هر ۳ سال، فصل دوازدهم آزمون‌های سراسری سال‌های گذشته و فصل سیزدهم آزمون‌های تالیفی و شبیه‌ساز کنکور می‌باشند.

آموزشگاه مجازی احمدی
برای خرید نسخه چاپی یا تدریس ویدئویی این جزوه به سایت و یا کانال تلگرامی «آموزشگاه مجازی احمدی» مراجعه کنید.
برای کسب اطلاعات بیشتر در مورد این جزوات و پکیج‌ها به شماره ۰۹۱۲۳۷۰۸۴۷۶ در تلگرام یا واتساپ و یا به صورت SMS پیام بدهید.
Ahmadi63amoozesh.com
@ahmadi63amoozesh

فصل اول

مقدمه

۱	علم شناخت وزن شعر را «**عروض**» می‌گویند.
۲	**عاطفه**، اساسی‌ترین عامل پیدایش شعر است.
۳	شاعر برای انتقال عاطفه از زبان بهره می‌گیرد.
۴	پس از عاطفه، مهم‌ترین و موثرترین عامل «**وزن**» است.
۵	وزن جزء طبیعی شعر است و **جنبه‌ی تزئینی ندارد**.
۶	تأثیر وزن بر انتقال پیام یا احساس و عاطفه غیر انکار است.
۷	حتّی کتب مقدس نیز از این امتیاز (وزن) بهره برده‌اند.
۸	«**وزن**» آشکارترین ابزار موسیقی شعر است.
۹	تناسب و هم‌سویی وزن و عاطفه بر قدرت کلام و اثرگذاری آن می‌افزاید. مثلاً: اگر قرار است از مطلبی شاد سخن بگوئیم، بهتر است وزنی تند و ضربی انتخاب کنیم. اگر قرار است اندوهی را بیان کنیم، از وزنی آهسته بهره می‌گیریم.
۱۰	توجّه به فضای عاطفی و آهنگ متن، **سبب کشف لحن** می‌شود.
۱۱	تشخیص **لحن** مناسب هر متن، خواندن را دلنشین‌تر و درک محتوا را آسان‌تر می‌کند.
۱۲	وزن، ادراکی است که از احساس یک نظم مشخّص حاصل می‌شود. مثل حرکت منظّم چرخش لاستیک دوچرخه یا یک آب‌نمای موزیکال و یا حتّی پختنِ نان توسّط نانوایان.
۱۳	وسیله ادراک وزن، حواس پنجگانه هستند. در شعر این حس، بر عهده‌ی حس شنوایی است.
۱۴	در واقع وزن یک شعر، تکرار منظّم پایه‌های آوایی است که گوش، آن نظم را در می‌یابد و لذّت می‌برد.
۱۵	**«علم عروض» علم شناخت کمّیّت و کیفیّت این پایه‌های آوایی است.** مثلاً بتوانیم تشخیص بدهیم هر مصراع بیت زیر، از چهار بار تکرار پایه آوایی «فَعولُن» ساخته شده است.

مرنجان دلم را که این مرغِ وحشی — زِ بامی که برخاست، مشکل نشیند

فَعولُن فَعولُن فَعولُن فَعولُن — فَعولُن فَعولُن فَعولُن فَعولُن

یا تشخیص بدهیم ابیات زیر از کدام پایه‌های آوایی ساخته شده‌اند.

خواب بودی که لبت بوسیدم فاعلاتُن فَعَلاتُن فَعِلُن	قند دزدی چقَدر شیرین است! فاعلاتُن فَعَلاتُن فَعِلُن
آب طلب‌نکرده همیشه مراد نیست مَفعولُ فاعلاتُ مَفاعیلُ فاعِلُن	گاهی بهانه‌ای است که قربانی‌ات کنند مَفعولُ فاعلاتُ مَفاعیلُ فاعِلُن
در کوی تو معروفم و از روی تو محروم مَفعولُ مَفاعیلُ مَفاعیلُ فَعولُن	گرگ دهن‌آلوده‌ی یوسف ندریده مَفعولُ مَفاعیلُ مَفاعیلُ فَعولُن

علم عروض به ما یاد می‌دهد که با شنیدن هر بیتی، وزن آن را تشخیص بدهیم.

برای تشخیص وزن یک شعر دو راه وجود دارد:

۱- شنیداری و سماعی

۲- استفاده از تقطیع و ... (علم عروض)

۱- شنیداری و سماعی: حالتی است که با شنیدن شعر، وزن آن را می‌گوئیم.

ما به تو	یکباره	مقیّد	شدیم		مرغ به	دام آمد و	ماهی به	شَست
مُفتَعِلُن	مُفتَعِلُن		فاعِلُن		مُفتَعِلُن	مُفتَعِلُن		فاعِلُن

۲- استفاده از تقطیع و ... (علم عروض): حالتی است که با تقطیع شعر به هجاهای کوچک و دسته‌بندی آن‌ها و انجام چند عمل دیگر، به وزن شعر می‌رسیم. این روش زمان بیشتری نیاز دارد ولی کم‌تر خطاپذیر است.

در روش استفاده از تقطیع، مراحل زیر را به ترتیب انجام می‌دهیم:

۱- درست خواندن شعر: ما به تو یکباره مقیَّد شدیم

۲- نوشتن به خط عروضی: ما بِ تُ یک بار مُقَیَّد شُدیم

۳- تقطیع هجایی:

۴ – علامت‌گذاری هجایی:

۵- تقسیم به پایه‌های آوایی (ارکان عروضی) و نوشتن معادل آن‌ها:

ما بِـ تُ یکـ	با رِ مُ قَی	یَد شُ دیم
— U U —	— U U —	— U —
مُفتَعِلُن	مُفتَعِلُن	فاعِلُن

۶- اعمال اختیارات شاعری

۷- دسته‌بندی اوزان

۸ – نام‌گذاری اوزان

توجّه: مورد ۶ گاه زودتر از مورد ۵ اعمال می‌شود.

به نظر شما کدام روش بهتر و مطمئن‌تر است؟ سماعی یا عروضی؟

هر کدام از این روش‌ها حُسن و عیب خاص خود را دارند. مثلاً سماعی، زودتر به وزن می‌رسیم، ولی امکان اشتباه بیشتری وجود دارد و در روش تقطیع هجایی دیرتر به جواب می‌رسیم، ولی جواب دقیق‌تر است.

توجّه: در بعضی از سوالات کنکور ناچارید که از روش سماعی استفاده کنید ولی توصیه می‌شود دانش‌آموز هر دو روش را یاد بگیرد و از هر دو استفاده کند. به این صورت که با روش سماعی وزن را خیلی سریع تشخیص دهد و سریعا با روش عروضی، وزن تشخیص‌داده شده را بررسی کند. بنابر این، هم اوزان را تمرین و تکرار کنید تا در روش سماعی مهارت یابید و هم، درس‌نامه عروض را خوب بخوانید تا یک روش مطمئن را هم یاد گرفته باشید.

توجّه: اگر تست به صورتی بود که یک بیت آورده بود و از آن چند سوال مطرح کرده بود، سعی کنید از روش تقطیع استفاده کنید. ولی اگر هر گزینه یه بیت وجود داشت قطعا باید از روش سماعی استفاده کنید.

تست فصل اول

تست ۱ کدام گزینه درست است؟

۱) اساسی‌ترین عامل پیدایی شعر، وزن و آهنگ است.
۲) پس از وزن، مهم‌ترین و مؤثرترین عامل، عاطفه است.
۳) بدون ردیف، کم‌تر می‌توان عواطف را برانگیخت.
۴) وزن در شعر، جنبه‌ی تزیینی ندارد؛ بلکه جزء طبیعت شعر است.

تست ۲ کدام گزینه صحیح است؟

۱) بعد از وزن، عاطفه مهم‌ترین عامل و مؤثرترین عنصر در تأثیر موسیقایی شعر است.
۲) عاطفه‌ی شاعر، امری حسّی است که ما آن را از احساس نظم در یک شعر درک می‌کنیم.
۳) وزن در شعر جنبه‌ی تزئینی دارد و علّت محبوبیّت شعر، برانگیخته‌شدن عواطف آدمی است.
۴) توجّه به فضای عاطفی و آهنگ متن، سبب کشف لحن می‌شود.

تست ۳ با توجّه به فضای عاطفی و آهنگ متن، لحن کدام بیت با سایر ابیات متفاوت است؟

۱) بخت جوان دارد آنکه با تو قرین است / پیر نگردد که در بهشت برین است
۲) درخت غنچه برآورد و بلبلان مستند / جهان جوان شد و یاران به عیش بنشستند
۳) شب فراق کـه داند که تا سحر چند است / مگر کسی که به زندان عشق در بند است
۴) شب است و شاهد و شمع و شراب و شیرینی / غنیمت است در این شب که دوستان بینی

تست ۴ کدام بیت ازنظر آهنگ و موسیقی (وزن یا ریتم) با دیگر ابیات تفاوت دارد؟

۱) همه گو باد ببر خرمن عمر / دو جهان بی تو نیرزد دو جوَم
۲) یار با ما بی‌وفایی می‌کند / بی گناه از من جدایی می‌کند
۳) یا رب آن روی است یا برگ سمن / یا رب آن قد است یا سرو چمن
۴) یار زیبا گر بریزد خون یار / زشت نتوان گفت زیبا می‌کند

تست ۵ وزن کدام بیت نادرست است؟

۱) مرا تو غایت مقصودی از جهان ای دوست / هزار جان عزیزت فدای جان ای دوست
۲) چنان به دام تو الفت گرفت مرغ دلم / کـه یاد می‌نکند عهد آشیان ای دوست
۳) گرم تو در نگشایی کجا توانم رفت / به راستان که بمیرم بر آستان ای دوست
۴) به لطف اگر بخوری خون من رواست / به قهرم از نظـر خویشتن مران ای دوست

تست ۶ کدام بیت حال و هوای متفاوتی دارد؟

۱) چه حاجت که نه کرسی آسمان / نهـی زیـر پـای قـزل‌ارسـلان
۲) مجلس و پیشگه از طلعت او فرد مباد / که از او پیشگه و مجلس با فرّ و بهاست
۳) ای وای سپاهی که به جنگ ملک آید / ای وای درختی که به زیر تبر آید
۴) گهی به تیغ ستاننده‌ی خراج جهان / گهی به تیر گشاینده‌ی بلند حصار

تست ۷ محتوای کدام بیت با وزن آن هماهنگی ندارد؟

۱) نبینی تو زین لشکر بی‌کران / یکی مرد جنگی و گرز گران
۲) من همه شب در تبم و رنج و غم / درد فراقش نشود هیچ کم
۳) کس این کند که دل از یار خویش بردارد؟ / مگر کسی که دل از سنگ سخت‌تر دارد
۴) باد بهاری وزید از طرف مرغزار / باز به گردون رسید ناله هر مرغ زار

تست ۸ وزن کدام بیت نادرست است؟

۱) چشمت خوش است و بر اثر خواب خوشتر است / طعم دهان تو از شکر ناب خوشتر است
۲) زنهار از آن تبسّم شیرین که می‌کنی / کز خنده‌ی شکوفه‌ی سیراب خوشتر است
۳) شمعی بـه پیش روی تـو گفتم که بر کنم / حاجت به شمع نیست که مهتاب خوشتر است
۴) دوش آرزوی خواب خوشم بود یک زمان / امشب نظر بـه روی تو از خواب خوشتر است

فصل دوم

انواع واج و هجا

انواع واج در زبان فارسی

به تجزیه‌ی هجایی واژه‌ی «سعادتمند» توجّه کنید.

الگوی هجایی	سَ	عا	دَت	مَند
الگوی واجی	س ـَ	ع ا	د ـَ ت	م ـَ ن د

واژه‌ی «سعادتمند» از ۴ هجا تشکیل شده است و هر هجا نیز به ترتیب از ۲ ، ۲، ۳ و ۴ واج ساخته شده‌اند.

واج: کوچک‌ترین واحد آوایی زبان است. و به دو نوع صامت و مصوّت تقسیم می‌شود.

صامت: واج‌های بی‌صدا هستند که در زبان فارسی ۲۳ مورد می‌باشند. **(ء ـ ع)، ب، پ، (ت ـ ط)، (س ـ ث ـ ص)، ج، چ، (ح ـ هـ)، خ، د، (ذ ـ ز ـ ض ـ ظ)، ر، ژ، ش، (غ ـ ق)، ف، ک، گ، ل، م، ن، و، ی.**

مصوّت: واج‌های صدادار هستند که در زبان فارسی ۶ مورد می‌باشند و در ۲ دسته جای می‌گیرند.

مصوّت کوتاه: ـَـ ـِـ ـُـ (سَر - دِل - گُل)

مصوّت بلند: **ا ، و ، ی** (با - بو - بی)

نکته مهم: «ا، و، ی» هم می‌توانند صامت باشند و هم مصوّت بلند. (البته « و » مصوّت کوتاه نیز می‌شود.) زمانی مصوّت بلند محسوب می‌شوند که:

اولاً؛ واج دوم هجا باشند (مصوّت نمی‌تواند اوّلین واج هجا باشد).

ثانیاً؛ صدایی کشیده داشته باشند. مثلاً حروف مشخّص‌شده در کلمات زیر، مصوّت بلند نیستند و صامت می‌باشند.

اَسب (ا) **میل** (ی) وَقت (و)

نکته بسیار مهم :

۱ – حرف، نمود نوشتاری زبان و واج، نمود آوایی زبان است. مثلاً «دِرَخت» ۴ حرف و ۶ واج است.

۲ - « یـ ، ی » هم می‌تواند صامت باشد (صِید) و هم مصوّت بلند (سیب)

۳ - « و » چندین حالت دارد.

مصوّت کوتاه است. تو ← تُ

مصوّت بلند است. سود ← سود

صامت است: وَقت ← وَقت

هم مصوّت کوتاه است و هم صامت: نو ← نَ وُ

نه صامت است و نه مصوّت (واج نیست و خوانده نمی‌شود): خواهر ← خاهَر

۴ - « ا » هم می‌تواند صامت همزه « ء » باشد (اَبـر) و هم مصوّت بلند (یار)

Ahmadi63amoozesh.com
@aboozar_ahmadi63
@ahmadi63amoozesh

انواع هجا در زبان فارسی

الگوی هجایی زبان فارسی ۶ نوع است که در ۳ دسته کوتاه، بلند، کشیده جای می‌گیرند:

انواع هجا	کوتاه (U)	۱	صامت + مصوّت کوتاه: تو (تُ)، به (بِ)، نَــ ، دو= دُ (عدد)
	بلند (—)	۲	صامت+ مصوّت بلند: ما، بو، سی
		۳	صامت + مصوّت کوتاه + صامت: سَر، دِل، گُل
	کشیده (— U)	۴	صامت+ مصوّت بلند + صامت: کار، بود، سیب
		۵	صامت + مصوّت بلند + صامت + صامت: کاشت، دوست، بیست
		۶	صامت + مصوّت کوتاه + صامت + صامت: رَفت، گُفت، زِشت

چند نکته مهم در مورد الگوهای هجایی

۱- اوّلین واج هر هجا حتماً صامت است. (هیچ هجایی با مصوّت شروع نمی‌شود، چه مصوّت کوتاه، چه مصوّت بلند)

۲- دومین واج هر هجا حتماً مصوّت است.

۳- در هیچ هجایی بیش از یک مصوّت وجود ندارد.

۴- هیچ‌گاه ۲ مصوّت در کنار هم قرار نمی‌گیرند.

۵- مصوّت‌های بلند از نظر آوایی ۲ برابر صامت‌ها یا مصوّت‌های کوتاه، امتداد دارند.

۶- هجای کوتاه و بلند را با مصوّت کوتاه و بلند اشتباه نگیرید.

به الگوی هجایی و واجی واژگان زیر توجّه کنید:

نجابت							
الگوی هجایی	نِ		جا		بَت		
الگوی واجی	ن	ـِ	ج	ا	ب	ـَ	ت
نوع واج‌ها	صامت	مصوّت کوتاه	صامت	مصوّت بلند	صامت	مصوّت کوتاه	صامت
نوع هجا	کوتاه U		بلند —		بلند —		

توجّه: مثال فوق نکته‌ی خاصی نداشت و بر مبنای الگوهای هجایی، هجابندی شد. اکثر مواقع همینطور است و نکته خاصی وجود ندارد. ولی گاه باید به نکاتی دقّت کرد.

نکات بسیار مهم: در هر یک از تقطیع‌های هجایی زیر یک نکته‌ی مهم وجود دارد.

معلّم								
الگوی هجایی	مُ		عَل			لِم		
الگوی واجی	م	ـُ	ع	ـَ	ل	ل	ـِ	م
نوع واج‌ها	صامت	مصوّت کوتاه	صامت	مصوّت کوتاه	صامت	صامت	مصوّت کوتاه	صامت
نوع هجا	کوتاه U		بلند —			بلند —		

نکته مثال فوق: واجی که تشدید داشته باشد، ۲ بار نوشته می‌شود. چون ۲ بار تلفّظ می‌شود.

خواهر					
الگوی هجایی	خا		هَر		
الگوی واجی	خ	ا	هـ	ـَ	ر
نوع واج‌ها	صامت	مصوّت بلند	صامت	مصوّت کوتاه	صامت
نوع هجا	بلند —		بلند —		

نکته مثال فوق: حرفی که تلفّظ نشود، نوشته نمی‌شود.

خانه	الگوی هجایی	خا		نِ	
	الگوی واجی	خ	ا	ن	ـِ
	نوع واجها	صامت	مصوّت بلند	صامت	مصوّت کوتاه
	نوع هجا	بلند —		کوتاه U	

نکته‌مثال فوق: « ه » غیرِ ملفوظ (ناخوانا) به صورت مصوّت کوتاه « ـــِ » نوشته می‌شود. « ه » ملفوظ را می‌توانیم با افزودن « ی » به آخر کلمه تشخیص بدهیم. ده ← دهی (ملفوظ)، میوه ← میوه‌ای (غیر ملفوظ)

توجّه: « ه » در کلماتی مانند: رَه، چَه، شَه، مَه، گَه و ... که مخفّف راه، چاه، شاه، ماه، گاه و ... می‌باشند، ملفوظ است.

« ه » در بن مضارع یا افعال امری همچون: بده، بجه، بنه و ... ملفوظ است.

چند نمونه « ه » غیر ملفوظ: ستاره، ترانه، لانه، خانه، طاقه، رابطه، زاغه، دستگیره، هنرکده، تابه، به، که، چه و ....

آرش	الگوی هجایی	آ		رَش		
	الگوی واجی	ء	ا	ر	ـَ	ش
	نوع واجها	صامت	مصوّت بلند	صامت	مصوّت کوتاه	صامت
	نوع هجا	بلند —		بلند —		

نکته‌مثال فوق: « آ » از دو واج تشکیل شده است. همزه « ء » و مصوّت بلند « ا ».

احمد	الگوی هجایی	اَح			مَد		
	الگوی واجی	ء	ـَ	ح	م	ـَ	د
	نوع واجها	صامت	مصوّت کوتاه	صامت	صامت	مصوّت کوتاه	صامت
	نوع هجا	بلند —			بلند —		

نکته‌مثال فوق: « اَ ، اِ ، اُ » در ابتدای خود یک همزه دارند و « ا » برای زیبایی آمده است. واج آن‌ها به ترتیب « اَ: ء ، ـَ»، « اِ: ء ، ـِ » و « اُ: ء ، ـُ » می‌باشد.

ایجاز	الگوی هجایی	ای		جاز		
	الگوی واجی	ء	ی	ج	ا	ز
	نوع واجها	صامت	مصوّت بلند	صامت	مصوّت بلند	صامت
	نوع هجا	بلند —		کشیده — U		

نکته‌مثال فوق: در کلماتی مانند «ایجاز، ایران، ایمان، ایراد و...» هجای اول به صورت «ای: ء ، ی» می‌باشد.

اوستا	الگوی هجایی	اوس			تا	
	الگوی واجی	ء	و	س	ت	ا
	نوع واجها	صامت	مصوّت بلند	صامت	صامت	مصوّت بلند
	نوع هجا	کشیده — U			بلند —	

نکته‌مثال فوق: در کلماتی مانند «او، اوستا، اوره و...» هجای اول به صورت «او: ء ، و» می‌باشد.

Ahmadi63amoozesh.com

نوش‌آباد							
الگوی هجایی	نو		شا		باد		
الگوی واجی	ن	و	ش	ا	ب	ا	د
نوع واج‌ها	صامت	مصوّت بلند	صامت	مصوّت بلند	صامت	مصوّت بلند	صامت
نوع هجا	بلند —		بلند —		کشیده — U		

نکته مثال فوق: همان‌طور که می‌بینید «ء» از «آ» حذف شده است. هرگاه پیش از همزه، صامت باشد، معمولا همزه حذف می‌شود و صامت قبل آن به مصوّت بعد آن می‌چسبد.

کل واج‌ها	ن	و	ش	ء	ا	ب	ا	د
بدون حذف همزه	نوش U —			آ —		باد U —		
با حذف همزه	نو —			شا —		باد U —		

نکته مثال فوق: حذف همزه، نوع هجای قبل خود را تغییر می‌دهد.

مسائل							
الگوی هجایی	مَ		سا		ئِل		
الگوی واجی	م	ـَ	س	ا	ء	ـِ	ل
نوع واج‌ها	صامت	مصوّت کوتاه	صامت	مصوّت بلند	صامت	مصوّت کوتاه	صامت
نوع هجا	کوتاه U		بلند —		بلند —		

نکته مثال فوق: همزه یک واج صامت است و واج‌های آن به صورت فوق مشخّص می‌شود.

حالت‌های مختلف همزه						
هیئت		مسأله			مؤمن	
هِی	ئَت	مَس	أَ	لِ	مُؤ	مِن
هـ ـِ ی	ء ـَ ت	م ـَ س	ء ـَ	ل ـِ	م ـُ ء	م ـِ ن

پیمان						
الگوی هجایی	پی			مان		
الگوی واجی	پـ	ـِ	ی	م	ا	نْ
نوع واج‌ها	صامت	مصوّت کوتاه	صامت	صامت	مصوّت بلند	صامت
نوع هجا	بلند —			بلند —		

نکته مثال فوق: «نْ» (نون ساکن) بعد از مصوّت‌های بلند « ا، و، ی » در وزن حذف می‌شود و خوانده نمی‌شود، لذا هجاهای « بان، بون، بین » معادل هجاهای « با، بو، بی » بـه حساب می‌آیند. در واقع « ن » حذف نمی‌شود بلکه مصوّت بلند کمی کوتاه‌تر از همیشه تلفّظ می‌شود. یعنی « بان، بون، بین » چیزی شبیه « بَن، بُن، بِن » تلفّظ می‌شوند. (در این جزوه « نْ » را هم به صورت حذف‌شده و هم به صورت حذف‌نشده در نظر گرفتم تا با هر دو حالت آشنا باشید.)

بیابان						
الگوی هجایی	بِ		یا		بان		
الگوی واجی	ب	ـِ	ی	ا	ب	ا	ن
نوع واج‌ها	صامت	مصوّت کوتاه	صامت	مصوّت بلند	صامت	مصوّت بلند	صامت
نوع هجا	کوتاه U		بلند —		بلند —		

نکته مثال فوق: در واژه‌های «بیابان، سیاست، بیا، میان و...»، «ی» ۲ بار تلفّظ می‌شود، در حالی‌که تشدید ندارد. در این‌گونه واژه‌ها، تلفّظ را به صورت «بِیابان، سِیاسَت، بِیا، مِیان و...» در نظـر می‌گیریم. (در علم زبان‌شناسی این فرآیند را «فرایند واجی افزایش» می‌گویند.)

Ahmadi63amoozesh.com

بنتُ الحیدر													
الگوی هجایی	بِن			تُل			حِی			دَر			
الگوی واجی	ب	ـِ	ن	ت	ـُ	ل	ح	ـِ	ی	د	ـَ	ر	
نوع واجها	صامت	م کوتاه	صامت	صامت	م کوتاه	صامت	صامت	م کوتاه	صامت	صامت	م کوتاه	صامت	
نوع هجا	بلند —			بلند —			بلند —			بلند —			

نکته‌مثال فوق: همان‌طور که گفتیم هجا مربوط به آن چیزی است که خوانده می‌شود، لذا در واژه‌ها و ترکیبات عربی (حتّی فارسی) به این نکته باید توجّه داشته باشید که هجاهایی را که می‌خوانیم، باید بنویسیم. نه آن‌چه که می‌بینیم.

بوی خوش این نسیم، از شکن زلف اوست		شعشعه این خیال، زان رخ چون وَالضُّحاست

وَالضُّحا							
الگوی هجایی	وَض			ضُ		حا	
الگوی واجی	و	ـَ	ض	ض	ـُ	ح	ا
نوع واجها	صامت	مصوّت کوتاه	صامت	صامت	مصوّت کوتاه	صامت	مصوّت بلند
نوع هجا	بلند —			کوتاه U		بلند —	

ترکیبات دیگر: اناالحق: أ نَل حَق		بیت النّور: بِی تُن نور		وَالله: وَل لاه

ترکیبات دیگر نیز همین‌طورند. یعنی آن‌گونه که می‌خوانیم هجاها را می‌نویسیم، نه آن‌گونه که می‌بینیم.

دل و جان						
الگوی هجایی	دِ		لُ		جان	
الگوی واجی	د	ـِ	ل	ـُ	ج	ا
نوع واجها	صامت	مصوّت کوتاه	صامت	مصوّت کوتاه	صامت	مصوّت بلند
نوع هجا	U		U		—	

نکته‌مثال فوق: «واو» عطف (حسن و حسین) و ربط (گفت و رفت) و میانوند (جست و جو) به صورت مصوّت کوتاه، برای واژه قبل خود در می‌آیند. (حسنُ حسین و گفتُ رفت و جستُ جو)

تمرین

کلمات زیر را مانند نمونه‌های بالا تقطیع هجایی و واجی کنید. دقّت داشته باشید که در هر یک از مثال‌های زیر نکته‌ای وجود دارد!

خوش‌طلعت ، خطاپوش ، سرچشمه ، کیخسرو ، صبحگاهی ، عزّتگه ، زیستگاه ، دستبند ، جهان‌بین ، زورآور ، حقّ‌النّاس، غم‌انگیز ، انگشت‌نمایی ، نوآوری ، ستاره‌باران ، سؤال‌برانگیز ، مأمن، تغییر ، مَآخذ ، مصطبه ، قافله ، دهکده ، شریعتی ، خویشتن‌داری ، خیال‌بافی ، جلال‌الدّین ، زد و خورد ، موجودی ، پناهگاه ، استدعا، شکّرشکن ، مومیایی ، ضروریّت ، بیابان‌گرد ، دهخدا ، محصّل ، جورکشی ، گیسوان ، ابروان ، میوه‌ای ، عیسوی ، آهوان ، مشغله ، غالیه ، قتلگه ، اوضاع ، عفوکردن ، معمّا ، عـودت، داوود ، موالی ، سیاووش ، تعبیه ، نیایش

خوش‌طلعت				خطاپوش		
خُش	طَل	عَت	الگوی هجایی	خَ	طا	پوش
خ ـُـ ش	ط ـَـ ل	ع ـَـ ت	الگوی واجی	خ ـَـ	ط ا	پ و ش
ص م.ک ص	ص م.ک ص	ص م.ک ص	نوع واج‌ها	ص م.ک	ص م.ب	ص م.ب ص
بلند —	بلند —	بلند —	نوع هجا و علامت	کوتاه U	بلند —	کشیده — U

سرچشمه				کیخسرو		
سَر	چِش	مِ	الگوی هجایی	کِی	خُس	رُو
س ـَـ ر	چ ـِـ ش	م ـِـ	الگوی واجی	ک ـِـ ی	خ ـُـ س	ر ـُـ و
ص م.ک ص	ص م.ک ص	ص م.ک	نوع واج‌ها	ص م.ک ص	ص م.ک ص	ص م.ک ص
بلند —	بلند —	کوتاه U	نوع هجا و علامت	بلند —	بلند —	بلند —

صبح‌گاهی				عزّتگه		
صُبح	گا	هی	الگوی هجایی	عِز	زَت	گَه
ص ـُـ ب ح	گ ا	ه ی	الگوی واجی	ع ـِـ ز	ز ـَـ ت	گ ـَـ ه
ص م.ک ص ص	ص م.ب	ص م.ب	نوع واج‌ها	ص م.ک ص	ص م.ک ص	ص م.ک ص
کشیده — U	بلند —	بلند —	نوع هجا و علامت	بلند —	بلند —	بلند —

زیستگاه			دستبند	
زیست	گاه	الگوی هجایی	دَست	بَند
ز ی س ت	گ ا ه	الگوی واجی	د ـَـ س ت	ب ـَـ ن د
ص م.ب ص ص	ص م.ب ص	نوع واج‌ها	ص م.ک ص ص	ص م.ک ص ص
کشیده — U	کشیده — U	نوع هجا و علامت	کشیده — U	کشیده — U

جهان‌بین				زورآور		
جَ	هان	بین	الگوی هجایی	زو	را	وَر
ج ـَـ	ه ا ~~ه~~	ب ی ~~ه~~	الگوی واجی	ز و	ر ا	و ـَـ ر
ص م.ک	ص م.ب	ص م.ب	نوع واج‌ها	ص م.ب	ص م.ب	ص م.ک ص
کوتاه U	بلند —	بلند —	نوع هجا و علامت	بلند —	بلند —	بلند —

حق‌النّاس				غم‌انگیز		
حَق	قُن	ناس	الگوی هجایی	غَ	مَن	گیز
ح ـَـ ق	ق ـُـ ن	ن ا س	الگوی واجی	غ ـَـ	م ـَـ ن	گ ی ز
ص م.ک ص	ص م.ک ص	ص م.ب ص	نوع واج‌ها	ص م.ک	ص م.ک ص	ص م.ب ص
بلند —	بلند —	کشیده — U	نوع هجا و علامت	کوتاه U	بلند —	کشیده — U

انگشت‌نما					نوآوری			
اَن	گُشت	نُ یا نَ یا نِ	ما	الگوی هجایی	نُو	آ	وَ	ری
ء ـَـ ن	گ ـُـ ش ت	ن ـُـ	م ا	الگوی واجی	ن ـُـ و	ء ا	و ـَـ	ر ی
ص م.ک ص	ص م.ک ص ص	ص م.ک	ص م.ب	نوع واج‌ها	ص م.ک ص	ص م.ب	ص م.ک	ص م.ب
بلند —	کشیده — U	کوتاه U	بلند —	نوع هجا و علامت	بلند —	بلند —	کوتاه U	بلند —

Ahmadi63amoozesh.com

ستاره‌باران						سوال برانگیز				
سِ	تـا	رِ	بـا	ران	الگوی هجایی	سُ	ءال	بَ	رَن	گیـز
س ـِ	ت ا	ر ـِ	ب ا	ر ا	الگوی واجی	س ـُ	ء ا ل	ب ـَ	ر ـَ ن	گ ی ز
ص م.ک	ص م.ب	ص م.ک	ص م.ب	ص م.ب	نوع واج‌ها	ص م.ک	ص م.ب ص	ص م.ک	ص م.ک ص	ص م.ب ص
کوتاه U	بلند —	کوتاه U	بلند —	بلند —	نوع هجا و علامت	کوتاه U	کشیده — U	کوتاه U	بلند —	کشیده — U

مأمن			تغییر	
مأ	مَن	الگوی هجایی	تَغ	ییر
م ـَ ء	م ـَ ن	الگوی واجی	ت ـَ غ	یـ ی ر
ص م.ک ص	ص م.ک ص	نوع واج‌ها	ص م.ک ص	ص م.ب ص
بلند —	بلند —	نوع هجا و علامت	بلند —	کشیده — U

مآخذ				مصطبه		
مَ	آ	خِذ	الگوی هجایی	مِص	طَ	بِ
م ـَ	ء ا	خ ـِ ذ	الگوی واجی	م ـِ ص	ط ـَ	ب ـِ
ص م.ک	ص م.ب	ص م.ک ص	نوع واج‌ها	ص م.ک ص	ص م.ک	ص م.ک
کوتاه U	بلند —	بلند —	نوع هجا و علامت	بلند —	کوتاه U	کوتاه U

قافله				دهکده		
قا	فِ	لِ	الگوی هجایی	دِه	کَ	دِ
ق ا	ف ـِ	ل ـِ	الگوی واجی	د ـِ ه	ک ـَ	د ـِ
ص م.ب	ص م.ک	ص م.ک	نوع واج‌ها	ص م.ک ص	ص م.ک	ص م.ک
بلند —	کوتاه U	کوتاه U	نوع هجا و علامت	بلند —	کوتاه U	کوتاه U

شریعتی					خویشتن‌داری			
شَ	ری	عَ	تی	الگوی هجایی	خیش	تَن	دا	ری
ش ـَ	ر ی	ع ـَ	ت ی	الگوی واجی	خ ی ش	ت ـَ ن	د ا	ر ی
ص م.ک	ص م.ب	ص م.ک	ص م.ب	نوع واج‌ها	ص م.ب ص	ص م.ک ص	ص م.ب	ص م.ب
کوتاه U	بلند —	کوتاه U	بلند —	نوع هجا و علامت	کشیده — U	بلند —	بلند —	بلند —

خیال‌بافی					جلال الدین			
خِ	یال	با	فی	الگوی هجایی	جَ	لا	لُد	دین
خ ـِ	ی ا ل	ب ا	ف ی	الگوی واجی	ج ـَ	ل ا	ل ـُ د	د ی
ص م.ک	ص م.ب ص	ص م.ب	ص م.ب	نوع واج‌ها	ص م.ک	ص م.ب	ص م.ک ص	ص م.ب
کوتاه U	کشیده — U	بلند —	بلند —	نوع هجا و علامت	کوتاه U	بلند —	بلند —	بلند —

زد و خورد				موجودی		
زَ	دُ	خُرد	الگوی هجایی	مُو	جو	دی
ز ـَ	د ـُ	خ ـُ ر د	الگوی واجی	م ـُ و	ج و	د ی
ص م.ک	ص م.ک	ص م.ک ص ص	نوع واج‌ها	ص م.ک ص	ص م.ب	ص م.ب
کوتاه U	کوتاه U	کشیده — U	نوع هجا و علامت	بلند —	بلند —	بلند —

Ahmadi63amoozesh.com
@ahmadi63amoozesh
@aboozar_ahmadi63

پناهگاه				استدعا		
پَ	ناه	گاه	الگوی هجایی	اِس	تِد	عا
پ ـَ	ن ا ه	گ ا ه	الگوی واجی	ء ـِ س	ت ـِ د	ع ا
ص م.ک	ص م.ب ص	ص م.ب ص	نوع واج‌ها	ص م.ک ص	ص م.ک ص	ص م.ب
کوتاه U	کشیده — U	کشیده — U	نوع هجا و علامت	بلند —	بلند —	بلند —

شکّرشکن					مومیایی			
شِک	کَر	شِ	کَن	الگوی هجایی	مو	مِ	یا	یی
ش ـِ ک	ک ـَ ر	ش ـِ	ک ـَ ن	الگوی واجی	م و	م ـِ	ی ا	یـ ی
ص م.ک ص	ص م.ک ص	ص م.ک	ص م.ک ص	نوع واج‌ها	ص م.ب	ص م.ک	ص م.ب	ص م.ب
بلند —	بلند —	کوتاه U	بلند —	نوع هجا و علامت	بلند —	کوتاه U	بلند —	بلند —

ضروریّت					بیابان‌گرد			
ضَ	رو	ری	یَت	الگوی هجایی	بِ	یا	بان	گَرد
ض ـَ	ر و	ر ی	ی ـَ ت	الگوی واجی	ب ـِ	ی ا	ب ا	گ ـَ ر د
ص م.ک	ص م.ب	ص م.ب	ص م.ک ص	نوع واج‌ها	ص م.ک	ص م.ب	ص م.ب	ص م.ک ص ص
کوتاه U	بلند —	بلند —	بلند —	نوع هجا و علامت	کوتاه U	بلند —	بلند —	کشیده — U

دهخدا				محصّل		
دِه	خُ	دا	الگوی هجایی	مُ	حَص	صِل
د ـِ ه	خ ـُ	د ا	الگوی واجی	م ـُ	ح ـَ ص	ص ـِ ل
ص م.ک ص	ص م.ک	ص م.ب	نوع واج‌ها	ص م.ک	ص م.ک ص	ص م.ک ص
بلند —	کوتاه U	بلند —	نوع هجا و علامت	کوتاه U	بلند —	بلند —

جورکشی				گیسوان		
جُور	کِ	شی	الگوی هجایی	گی	سُ	وان
ج ـُ و ر	ک ـِ	ش ی	الگوی واجی	گ ی	س ـُ	و ا
ص م.ک ص ص	ص م.ک	ص م.ب	نوع واج‌ها	ص م.ب	ص م.ک	ص م.ب
کشیده — U	کوتاه U	بلند —	نوع هجا و علامت	بلند —	کوتاه U	بلند —

ابروان				میوه‌ای		
اَب	رُ	وان	الگوی هجایی	می	وِ	ای
ء ـَ ب	ر ـُ	و ا	الگوی واجی	م ی	و ـِ	ء ی
ص م.ک ص	ص م.ک	ص م.ب	نوع واج‌ها	ص م.ب	ص م.ک	ص م.ب
بلند —	کوتاه U	بلند —	نوع هجا و علامت	بلند —	کوتاه U	بلند —

عیسوی				آهوان		
عی	سَ	وی	الگوی هجایی	آ	هـُ	وان
ع ی	س ـَ	و ی	الگوی واجی	ء ا	هـ ـُ	و ا
ص م.ب	ص م.ک	ص م.ب	نوع واج‌ها	ص م.ب	ص م.ک	ص م.ب
بلند —	کوتاه U	بلند —	نوع هجا و علامت	بلند —	کوتاه U	بلند —

Ahmadi63amoozesh.com

مشغله				غالیه		
مَش	غَ	لِ	الگوی هجایی	غا	لِ	یِ
م ـَ ش	غ ـَ	ل ـِ	الگوی واجی	غ ا	ل ـِ	ی ـِ
ص م.ک ص	ص م.ک	ص م.ک	نوع واج‌ها	ص م.ب	ص م.ک	ص م.ک
بلند —	کوتاه U	کوتاه U	نوع هجا و علامت	بلند —	کوتاه U	کوتاه U

قتلگه			اوضاع	
قَتل	گه	الگوی هجایی	اَو	ضاع
ق ـَ ت ل	گ ـَ ه	الگوی واجی	ء ـَ و	ض ا ع
ص م.ک ص ص	ص م.ک ص	نوع واج‌ها	ص م.ک ص	ص م.ب ص
کشیده — U	بلند —	نوع هجا و علامت	بلند —	کشیده — U

عفوکردن				معمّا		
عَفو	کَر	دَن	الگوی هجایی	مُ	عَم	ما
ع ـَ ف و	ک ـَ ر	د ـَ ن	الگوی واجی	م ـُ	ع ـَ م	م ا
ص م.ک ص ص	ص م.ک ص	ص م.ک ص	نوع واج‌ها	ص م.ک	ص م.ک ص	ص م.ب
کشیده — U	بلند —	بلند —	نوع هجا و علامت	کوتاه U	بلند —	بلند —

عودت			داوود	
عَو	دَت	الگوی هجایی	دا	وود
ع ـَ و	د ـَ ت	الگوی واجی	د ا	و و د
ص م.ک ص	ص م.ک ص	نوع واج‌ها	ص م.ب	ص م.ب ص
بلند —	بلند —	نوع هجا و علامت	بلند —	کشیده — U

موالی				سیاوش		
مَ	وا	لی	الگوی هجایی	سِ	یا	وَش
م ـَ	و ا	ل ی	الگوی واجی	س ـِ	ی ا	و ـَ ش
ص م.ک	ص م.ب	ص م.ب	نوع واج‌ها	ص م.ک	ص م.ب	ص م.ک ص
کوتاه U	بلند —	بلند —	نوع هجا و علامت	کوتاه U	بلند —	بلند —

تعبیه				نیایش		
تَع	بِ	یِ	الگوی هجایی	نِ	یا	یِش
ت ـَ ع	ب ـِ	ی ـِ	الگوی واجی	ن ـِ	ی ا	ی ـِ ش
ص م.ک ص	ص م.ک	ص م.ک	نوع واج‌ها	ص م.ک	ص م.ب	ص م.ک ص
بلند —	کوتاه U	کوتاه U	نوع هجا و علامت	کوتاه U	بلند —	بلند —

Ahmadi63amoozesh.com

تست فصل دوم

تست ۹ کلمات کدام گزینه تماما هم‌وزن هستند؟

۱) کبوتر، گلرخ، مهربان ۲) ساربان، نازنین، دلستان ۳) افتادگی، پیمانه‌ها، جادوگر ۴) خندان، خاندان، ستایش

تست ۱۰ هر دو واژه کدام گزینه ۳ علامت هجایی دارد؟

۱) خاکسار، بادپا ۲) مستانه، بینوایان ۳) باغبان، جانشین ۴) جلسات، آهنین

تست ۱۱ مصراع «دگرش چو باز بینی غم دل مگوی سعدی» چند مصوت دارد؟

۱) دوازده ۲) سیزده ۳) چهارده ۴) پانزده

تست ۱۲ مصراع «سفر دراز نباشد به پای طالب دوست» چند علامت هجایی دارد؟

۱) شانزده ۲) پانزده ۳) چهارده ۴) سیزده

تست ۱۳ بیت زیر به ترتیب چند هجای بلند و کشیده دارد؟

روی بنمای که صبر از دل صوفی ببری   پرده بردار که هوش از تن عاقل برود

۱) سیزده - چهار ۲) سیزده - سه ۳) چهارده - چهار ۴) چهارده - سه

تست ۱۴ حرف «ه» در چند مورد از واژگان «میله، گهواره، دهیار، افتاده، سامانه، موجّه، مه‌روی، شهنواز، آرامگه، سایه، لحظه، کوته‌دست»، غیرملفوظ است؟

۱) شش ۲) هفت ۳) هشت ۴) نه

تست ۱۵ حرف «ی» در چند مورد از کلمات زیر مصوت بلند است؟

« قیامت، بینوا، پیمودن، نیایش، کیمیا، یگانه، تعبیه، میستان، عیبناک، رهنمای، جادویی»

۱) دو ۲) سه ۳) چهار ۴) پنج

تست ۱۶ مصراع «من بی می ناب زیستن نتوانم» چند مصوت کوتاه دارد؟

۱) پنج ۲) شش ۳) هفت ۴) هشت

تست ۱۷ تعداد هجاهای کدام مصراع کمتر است؟

۱) اوقات خوش آن بود که با دوست به سر شد ۲) سرسبزترین بهار تقدیم تو باد
۳) ناگهان پرده درانداخته‌ای یعنی چه؟ ۴) یک روز به شیدایی در زلف تو آویزم

تست ۱۸ به ترتیب در چند واژه، حرف «و» مصوّت کوتاه و حرف «ی»، صامت است؟

«دوگانه - هاون - چهارپایه – سیل بار - موسی - سینا - دوستی – وحدت - میدان - یادآوری»

۱) یک - سه ۲) دو - سه ۳) دو - چهار ۴) یک - چهار

تست ۱۹ عبارت «پیدایش نخستین انسان» چند واج دارد؟

۱) ۲۱ ۲) ۲۲ ۳) ۲۳ ۴) ۲۵

تست ۲۰ تعداد واج‌های مصراع «آن کس که تو را خواست نیاسود» در کدام گزینه آمده است؟

۱) بیست و دو ۲) بیست و سه ۳) بیست و چهار ۴) بیست و پنج

تست ۲۱ اگر مصراع زیر را با قوانین شعری بخوانیم، چند واج را تلفظ خواهیم کرد؟

«ویران شود آن شهر که میخانه ندارد»

۱) ۳۰ ۲) ۳۱ ۳) ۳۲ ۴) ۳۳

Ahmadi63amoozesh.com

تست ۲۲ در بیت زیر به ترتیب چند هجای بلند و کشیده وجود دارد؟

گوی خوبی که برد از تو کـه خورشید آنجا	نـه سواری است کـه در دست عنانی دارد

۱) پانزده - سه	۲) پانزده - دو	۳) چهارده - سه	۴) چهارده - دو

تست ۲۳ بیت زیر در مجموع چند هجای کوتاه و بلند و کشیده دارد؟

تو خواهی خشم بر ما گیر و خواهی چشم بر ما کن	که ما را با کس دیگـــر نمانده است از تو پروایی

۱) بیست‌ونه	۲) سی	۳) سی‌ویک	۴) سی‌ودو

تست ۲۴ تقطیع هجایی واژگان «سرافراز، دانشکده، مودّب» در کدام گزینه به ترتیب درست آمده است؟

۱) (U — — —) ، (— U — —) ، (— — U)
۲) (U — — U) ، (— U — —) ، (— — —)
۳) (U — — U) ، (U U — —) ، (— — U)
۴) (U — — —) ، (U U — —) ، (— — —)

تست ۲۵ در بیت زیر چند مصوت بلند وجود دارد؟

رفته بودیم به خلوت که دگر می نخوریم	ساقیا باده بده کـز سـر آن گردیدیم

۱) نه	۲) ده	۳) یازده	۴) دوازده

تست ۲۶ در بیت زیر چند مصوت کوتاه وجود دارد؟

هوا خواه توأم جانا و می‌دانم که می‌دانی	که هم نادیده می‌بینی و هم ننوشته می‌خوانی

۱) هجده	۲) هفده	۳) شانزده	۴) پانزده

تست ۲۷ در چند واژهٔ زیر حرف «ی» صامت است؟

«مینا و آسمان – میدان بزرگ – سیر و سفر – لیلا و مجنون – ناحیه – باستانی – یار غار – شمع آجین – قیّم – خویشاوند – یکّه تاز – دیوان‌سالار – دیر و حرم – دو بیت شعر»

۱) هفت	۲) هشت	۳) نه	۴) ده

تست ۲۸ بیت زیر چند هجای بلند دارد؟

از من به عشق روی تو می‌زاید این سخن	طوطی شکر شکست که شیرین کلام شد

۱) چهارده	۲) پانزده	۳) شانزده	۴) هفده

تست ۲۹ در هر مصراع از شعر زیر به ترتیب چند هجای بلند وجود دارد؟

من ترک عشق و شاهد و ساغر نمی‌کنم	صد بار توبه کردم و دیگـــر نمی‌کنم

۱) هشت - هشت	۲) هفت - هفت	۳) هشت - هفت	۴) هفت - هشت

تست ۳۰ در بیت زیر به ترتیب چند هجای بلند و کوتاه وجود دارد؟

گفتم گره نگشوده‌ام زان طرّه تا من بوده‌ام	گفتا منش فرمـوده‌ام تا با تـو طرّاری کند

۱) ۲۴ - ۸	۲) ۲۳ - ۹	۳) ۲۲ - ۱۰	۴) ۲۱ - ۱۱

تست ۳۱ تقطیع هجایی هر دو واژه‌ی همه گزینه‌ها درست است به جز گزینه‌ی ....

۱) شریعت (U — —) ، کوکبه (— U U)
۲) ریاضت (U — —) ، مهر آباد (— — — U)
۳) کشتگاه (— U — U) ، روزنه (— U U)
۴) نوروز (U — U) ، سودجویی (— U — —)

Ahmadi63amoozesh.com
@aboozarahmadi63
@ahmadi63amoozesh

تست ۳۲ تقطیع هجایی چند واژه نادرست است؟

« سوغات (U – U) – گره گشا (U U U –) – عُقبی (– –) – خیال‌پرداز (U – U – – U) – جور و جفا (– U U –)
– ملک زاده (– U – U) – توبه (– U) – آواره (– – U) »

۱) دو ۲) سه ۳) چهار ۴) پنج

تست ۳۳ تعداد هجاهای کوتاه کدام مصراع بیشتر است؟

۱) طمـــع وصـل تو می‌دارم و اندیشه هجـــر
۲) مـا بماندیم و خیـال تـو بـه یـک جـای مقیم
۳) غـــم زمانـــه خورم یـــا فـــراق یـار کشم
۴) چـاره‌ی کـار عشـق را بـا همـه عقـل جاهلیم

تست ۳۴ در کدام بیت، تعداد کلماتی که حرف « و » در جایگاه صامت است، بیشتر است؟

۱) من غلام توأم از روی حقیقت لیکن / با وجودت نتوان گفت که من خود هستم
۲) روزی سرت ببوسم و در پایت اوفتم / پروانه را چه حاجت پروانه دخول
۳) چنـان تصوّر معشوق در خیـال من است / که دیگرم متصوّر نمی‌شود معقول
۴) خار است و گل در بوستان هرچو او کند نیکوست آن / سهل است پیش دوستان از دوستان بردن ستم

تست ۳۵ در همه ابیات، واژه‌ای یافت می‌شود که حرف « و » کاربردی مانند واژه «نوروز» داشته باشد به جز گزینه ....

۱) یا رب آن شاه‌وش ماه‌رخ زهره‌جبین / دُرّ یکتای که و گوهر یکدانه کیست
۲) آنچه زر می‌شود از پرتو آن قلب سیاه / کیمیایی است که در صحبت درویشان است
۳) گـر نور عشق حق به دل و جانت اوفتد / بالله کز آفتاب فلک خوب‌تر شوی
۴) یعنی بیا که آتش موسی نمود گل / تا از درخت نکته توحید بشنوی

آموزشگاه مجازی احمدی
برای خرید نسخه چاپی یا تدریس ویدئویی این جزوه به سایت و یا کانال تلگرامی «آموزشگاه مجازی احمدی» مراجعه کنید.
برای کسب اطلاعات بیشتر در مورد این جزوات و پکیج‌ها به شماره ۰۹۱۲۳۷۰۸۴۷۶ در تلگرام یا واتساپ و یا به صورت SMS پیام بدهید.
Ahmadi63amoozesh.com
@ahmadi63amoozesh

فصل سوم

درست خواندن

گفتیم وزن شعر مربوط به حس شنوایی است، پس مهم‌ترین نکته در به دست آوردن وزن شعر، **درست‌خواندن** شعر است. با وجودی که اشعار با خط چاپی و سلیس و روان فارسی نوشته شده‌اند، باز هم شاهد تُپق‌های دانش‌آموزان هستم. با توجّه به روخوانی‌های دانش‌آموزانم در ۱۸ سال تدریسم در کلاس‌های حضوری، اشتباهات رایج و محتمل آن‌ها را جمع‌آوری کرده‌ام. با رعایت موارد زیر، از این اشتباهات در امان خواهید ماند.

اشتباهات رایج در شعرخوانی

۱ – توجّه یا عدم توجّه به نقش‌نمای اضافه « ـِ یا یِ»: یکی از اشتباهات بسیار رایج قرار دادن « ـِ » بعد از واژه‌ای است که نیازی به آن ندارد، یا حذف « ـِ » بعد از واژه‌ای کـه حتماً باید به صورت ترکیب اضافی خوانده شود. با توجّه به رسم‌الخط فارسی، «نقش نمای اضافه» معمولاً نمود نوشتاری ندارد و بودن یا نبودن آن را خودمان باید متوجّه شویم. مثلاً اگر در بیت زیر، بعد از « بَـرِ » به اشتباه « ـِ » قرار ندهیم، وزن بیت تغییر زیادی خواهد کرد.

آیتی بـــود عذاب انـــده حافـــظ بی تـــو — کـه بـرِ هیچ کسش حاجَـتِ تفسیر نبـود

بدون « ـِ » : که بَـر هیچ کسش حاجت تفسیر نبود ← کِ بَــر هیـچ کَـسَـش حـاجَـتِ تَـفـسیـر نَـبـود

U —

با « ـِ »: که بَـرِ هیچ کسش حاجت تفسیر نبود ← کِ بَــرِ هیـچ کَـسَـش حـاجَـتِ تَـفـسیـر نَـبـود

U U U

همان‌طور که می‌بینید هجاها بسیار متفاوت می‌شود.

سوال: در چه مواقعی ممکن است نقش‌نُمای اضافه « ـِ یا یِ» وجود داشته باشد؟ آمدن یک اسم، ضمیرِ جدا یا صفت، بعد از یک اسم، ترکیب اضافی یا وصفی می‌سازد و قاعدتا ما بین این‌ها، نقش‌نمای اضافه می‌آید.

پدرِ خانه — پدرِ من — پدرِ خوب

نکته: گاه بعد از ضمیر جدا نیز صفت یا مضاف‌الیه می‌آید.

منِ بیچاره — شمایِ دانش‌آموز

توجّه: پس از اولین خوانش، حتما نقش‌نماهای « ـِ یا یِ» در شعر وارد کنید.

سوال زیر در کنکور ریاضی سال ۹۹ آمده است. پاسخ درست در گرو خوانش صحیح بود. به خوانش قسمت‌هایی که رنگی کرده‌ام دقّت کنید. (توجّه: قسمت‌های رنگی را من رنگی کرده‌ام که توضیح بدهم و در کنکور یک رنگ است.)

در کدام ابیات، «صفت مضاف‌الیه» وجود دارد؟

الف) غنیمت دان در این عالم وصال سبزخطّان را — که باغ خلد این ریحان جان پرور نمی‌دارد

ب) مگر دیده است چشم خوش نگاه آن سمن‌بر را؟ — زمین خانه‌بردوشان عمارت برنمی‌دارد

ج) نپیچد سر ز زخم گاز شمع ما سیه‌روزان — گل این باغ شبنم از لطافت برنمی‌دارد

د) دل خود را به صد امیّد کردم چاک از این غافل — که بار شانه آن زلف معنبر برنمی‌دارد

هـ) عرق رخسار آن خورشید طلعت برنمی‌دارد — که چشم از پشت پا نرگس ز خجلت برنمی‌دارد

۱) الف، ب، هـ ۲) الف، ج، د ۳) ب، ج، د ۴) ب، ج، هـ

توضیح: در گزینه‌های « الف » و « د » قبل از ضمیر اشاره «این و آن» باید مکث کرد. انتظار نداشته باشید که طراح کنکور در متن ویرگول بگذارد! زیرا که طراح تست دقیقا درست‌خواندن ابیات را از شما خواسته است. ولی در گزینه‌های «ب، ج، هـ» عبارات «آن سمن‌بر»، «این باغ» و «آن خورشیدطلعت» به کلمه قبلی اضافه شده‌اند.

۲- توجّه به «واو» عطف و ربط و ...: « و » در یک درصد موارد به صورت « وَ – ءُ – وُ » تلفّظ می‌شود و در باقی موارد به صورت مصوّت کوتاه برای صامت قبل خود در می‌آید.

فرو ماند در لطف و صنع خدای ← فرو ماند در لطفُ صنع خدای

تاج سر گُلبن و صحرا منم ← تاج سر گلبنُ صحرا منم

رفت و ز مبدأ چو کمی گشت دور ← رفتُ ز مبدأ چو کمی گشت دور

توجّه: « و » میان‌وند در کلمات وندی‌مرکّب یا مشتق‌مرکّب نیز همین‌گونه است و به مصوّت کوتاه « ـُ » تبدیل می‌شود. جست و جو ← جستُ جو، رفت و آمد ← رفتُ آمد، دید و بازدید ← دیدُ بازدید

توجّه: اگر پیش از « و » عطف و ربط، واژه‌ای با مصوت بلند « ا » یا « و » آمده باشد، « و » را به صورت « ءُ » می‌خوانیم. (پا و سر : پا ءُ سر) (مینو و مریم: مینو ءُ مریم) (بگو و بخوان: بگو ءُ بخوان) (بیا و ببین: بیا ءُ ببین)

۳- توجّه به تشدید: تشدید در شعر ۳ حالت دارد.

الف) کلمه‌ای که تشدید دارد و در شعر مشدّد خوانده می‌شود. (حالت عادی)

دگر روز باز اتّفاق اوفتاد — که روزی‌رسان قوت روزش بداد

ب) کلمه‌ای که تشدید دارد ولی در شعر مشدّد خوانده نشده است. (حالت غیر عادی)

اتّفاقاً شاه روزی شد سوار — با خواص خویش از بهر شکار

«خواصّ» در اصل تشدید دارد. ولی در صورت مشدّد خواندن، وزن آن خراب می‌شود. لذا در این بیت، مشدّد نیامده است.

گفت اگر خیر است خیر اندیش — تو شری جز شرت نیاید پیش

«شرّ» در اصل تشدید دارد ولی در هر ۲ بار بدون تشدید تلفّظ شده‌است.

ج) کلمه‌ای که در اصل تشدید ندارد ولی بنا به ضرورت وزن، مشدّد خوانده شده است. (حالت غیر عادی)

نسوزد جان من یک‌باره در تاب — که امّیدم زند گه‌گه بر او آب

«اُمید» در اصل بدون تشدید است ولی بنا به ضرورت شعری مشدّد (اُمّید) آمده است.

توجّه: بعضی از کلمات مانند «شفقت، دوم و...» تشدید ندارند ولی امروزه، گاهی به اشتباه مشدّد خوانده می‌شوند. توجّه داشته باشید که شاعران این واژگان را به صورت درست (یعنی بدون تشدید) تلفّظ می‌کرده‌اند. لذا ما نیز باید بدون تشدید بخوانیم. (در واقع با توجّه به نوشتار می‌خوانیم. و نوشتار نیز قطعا موارد فوق را رعایت می‌کند. در واقع، در این موارد بیشتر دقّت می‌کنیم.)

اشک من رنگ شفق یافت زِ بی‌مهری یار	طالع بی‌شَفَقَت بین کــه در این کار چه کرد

نکته مهم : در کنکور اگر تشدید لازم به خواندن باشد، نوشته خواهد شد. ملاک ما متن کنکور است. متنی که می‌بینیم.

توجّه: واژگانی چون «حق، خط، جر، مد، سر و...» در اصل مشدّد هستند. اگر به صورت تنها آمده باشند، معمولاً بدون تشدید به کار می‌روند. اما اگر به کلمه‌ای اضافه شده باشند مانند « حقّ مطلب » و یا به صورت معطوف مانند «خطّ و خال»، اکثرا مشدّد خوانده می‌شوند.

رقم مغلطه بر دفتر دانش نزنیم	سرِّ حق بر ورق شعبده ملحـق نکنیم
دل می‌برد این خطّ نگارین	گویی خط روی دلستان است

توجّه: استثناهایی هم وجود دارد که این کلمات ممکن است با وجود اضافه‌شدن باز هم مشدّد خوانده نشوند.

زاهد ظاهرپرست از حال ما آگـاه نیست	در حَـقِ ما هــر چه گوید جای هیچ اکراه نیست
دانست که خواهد شدنم مرغ دل از دست	وز آن خَطِ چون سلسله دامی نفرستاد

۴- توجّه بـه حذف همزه: گفتیم که کلماتی مانند «آسیاب، آهن، آمد و...» و «اعتماد، احمد، امید، این، ایمان، ایران، اوستا، اورشلیم و...» با « ء » شروع می‌شوند و گفتیم که اگر قبل از این واژه‌ها، صامت بیاید، در اغلب مواقع این «همزه - ء » حذف می‌شود و صامتِ قبل همزه به مصوّت بعد از همزه می‌چسبد. مانند: یار آمد ← یا را مد   روح انگیز ← رو حَن گیز

نکته مهم: یکی از بزرگ‌ترین اشتباهات خوانشی، حذف‌نکردن این همزه یا حذف نابه‌جای آن است. توجّه داشته باشید اگر این همزه در آخر مصراع باشد با توجّه به ریتم قبل آن، به حذف یا عدم حذف آن، پی خواهیم برد. و اگر در ابتدای مصراع باشد با توجّـه به ریتم بعد از آن، بودن یا حذف آن را خواهیم فهمید. بهترین کار این است که مصراع‌های دارای همزه را ۲ بار بخوانیم تا با توجّه به ریتم و آهنگ به حذف یا ابقای آن پی ببریم.

البته همان‌طور که گفته‌ام در اغلب مواقع این همزه حذف می‌شود ولی ممکن است طرّاح بیتی را بیاورد که همزه حذف نشده باشد.

نکته بسیار مهم : ممکن است پیش از همزه مصوّت بیاید و باز هم همزه حذف شود. در فصل نهم در قسمت اختیارات شاعری زبانی به طور کامل به مبحث «حذف همزه» پرداخته‌ام.

۵- توجّه به تغییر در ساختار واژه و تلفّظ آن: شاعران بنا به ضرورت وزن گاه تغییری در شکل ظاهری کلمات ایجاد می‌کنند. مانند «اوفتاد» به جای «اُفتاد» و «بُدم» به جای «بودم» در شعر زیر:

چون شبنـم اوفتـاده بُدَم پیــش آفتاب	مِهـرم به جان رسید و به عیّوق بر شدم

۶- توجّه به تغییر تلفّظ: بعضی از واژه‌ها در شعر دو تلفّظ متفاوت دارند؛ مانند: تُرُش و تُرش یا حِیوان و حَیوان، یا خِضْر و خِضِر و کلمات متفاوتی مانند جوی و جُوی و ...

مگر خِضْر مبارک‌پی تواند	که این تنها بدان تنها رساند
آبی که خِضِر حیات از او یافت	در میکده جو که جام دارد

دهان شهد تو داده رواج آب خِضِر	لب چــو قند تو برد از نبات مصر رواج
لب تو خِضْر و دهان تو آب حیوان است	قد تو سرو و میان موی و بر به هیئت عاج

یا مثلاً بعضی افعال مانند « بود » و « بُوَد » ظاهری یکسان و وزنی متفاوت دارند. رعایت‌نکردن این تلفّظ، باعث اخلال در وزن می‌شود.

تَوانا بُـود هر که دانا بُـود	ز دانـش دل پیر برنا بَـود
بُـود آیـا کـه در میکده‌ها بگشایند؟	گره از کار فروبسته ما بگشایند؟
نه پیل و نه تخت و نه بار و بنه	به نانی تو سیری و هم گرسنِه

توجّه: تفاوت این مورد با مورد ۵ در این است که در این حالت شکل ظاهری کلمه تغییر تلفّظ را نشان نمی‌دهد. زیرا تغییر تلفّظ در تغییر مصوّت‌های کوتاه است که معمولا ظاهری نیستند.

در بیت زیر شاعر واژه «طَرَف» را بنا به ضرورت وزنی «طَرْف» تلفّظ کرده است.

همّت از باد سحر می‌طلبم گر ببرد　　　خبر از من به رفیقی که به طَرْف چمن است

توجّه: پسوند «سْتان» نیز در بعضی شعرها به صورت «سِتان» می‌آید.

چه باید مرا جنگ زابلسِتان　　　و گر جنگ ایران و کابلسِتان؟

واژگان «زابـلِستان و کابـلِستان» بنا به ضرورت «زابلسِتان و کابلسِتان» تلفّظ شده‌اند.

به تلفّظ دو واژه «سنبلستان» و «گلستان» در دو بیت زیر توجّه کنید.

مژه‌ها و چشم یارم به نظر چنان نماید　　　که میان سنبلستان چرد آهوی ختایی

در گلستان چشمم ز چه رو همیشه باز است　　　به امید آنکه شاید تو به چشم من درآیی

۷- ساکن‌تلفّظ‌کردن حرف دوم فعل امر: بنا به ضرورت وزنی گاه حرف دوم فعل امر (که حرف اوّل بن مضارع می‌شود)، به صورت ساکن تلفّظ می‌شود. در مثال‌های زیر «بِشِتاب، بِستان، بِفکن و بُگسل» به صورت «بِشتاب، بستان، بِفکن و بُگسل» تلفّظ شده‌اند.

گفت: ای پسر این نه جای بازی است　　　بشتاب که جای چاره‌سازی است

از عمر من آن‌چه هست بر جای　　　بستان و به عمر لیلی افزای

بفکن ز پی این اساس تزویر　　　بگسل ز هم این نژاد و پیوند

۸ - حذف مصوّت کوتاه « ـَ یا ـِ » پیش از ضمیر متّصل (ـَم ، ـَت ، ـَش ، ـِمان ، ـِتان ، ـِشان):

گر آتش دل نهفته داری　　　سوزد جانَت به جانْت سوگند

شاعر به جای «جانَت» دوم، بنا به ضرورت وزنی «جانْت» آورده است.

ستم‌دیده را پیش او خواندند　　　بر نامدارانْش بنشاندند

شاعر به جای «نامدارانَش» بنا به ضرورت وزنی « نامدارانْش » آورده است.

نه سودای خودْشان نه پروای کس　　　نه در کنج توحیدشان جای کس

شاعر به جای «خودِشان» بنا به ضرورت وزنی «خودْشان» گفته است.

۹- حذف همزه و مصوّت قبل آن: پیش‌تر گفتم اگر پیش از همزه « ء »، مصوّت باشد، همزه معمولا حذف نمی‌شود. ولی در بعضی مواقع همزه و مصوّت قبل آن، هر دو حذف می‌شوند، از جمله موارد زیر:

که از= کَز (ک ـِ ء ـَ ز)　　　که او = کاو = کو (ک ـِ ء و)

که آن = کان (ک ـِ ء ا ن)　　　داده است = دادست (د ا د ـِ ء ـَ س ت)

گر بگویم که مرا با تو سر و کاری نیست　　　در و دیوار گواهی بدهد که آری هست

در بیت فوق قسمت مشخص شده به صورت «کاری» خوانده می‌شود.

۱۰- ویرگول « ، » یا دو نقطه « : » و امثال آن:

مکث قبل از ویرگول یا دو نقطه و ... در وزن عروضی تأثیری ندارد. به ابیات زیر که مطابق نگارش و ویرایش کتاب درسی است، توجّه کنید:

گویا طلوع می‌کند از مغرب، آفتاب　　　کآشوب در تمامی ذرّات عالم است

ظاهراً این‌طور است که بعد از واژه «مغرب»، مکث می‌کنیم، امّا در واقع «ب» به مصوّت واژه بعد می‌چسبد و به صورت مقابل خوانده می‌شود.

گویا طُلوع می‌کُنَدَز مَغرِبافتاب

بدو روی بنمود و گفت: ای دلیر　　　میان دلیران به کردار شیر

ظاهراً این‌طور است که بعد از واژه «گفت»، مکث می‌کنیم، امّا در واقع «ت» به مصوّت واژه بعد می‌چسبد و به صورت مقابل خوانده می‌شود.

بِدو روی بِنمودُ گُفتِی دَلیر...

۱۱- واژگان دو تلفظی با هر دو تلفّظ وزن یکسان خواهند داشت. مثلاً واژه «**یادگار**» با هر دو تلفظ «**یادِگار**» یا «**یادْگار**» به صورت « **U — U —** » هجابندی می‌شود. (به گفته کتاب درسی، تلفّظ با حرکت بر تلفّظ با سکون ترجیح دارد.)

۱۲- تفاوت‌های تلفّظی مانند «خَجِل ـ خِجِل، عِطر ـ عَطر، مَحَبَّت ـ مُحَبَّت و...»، در وزن تاثیری ندارند.

۱۳- توجّه به نیم‌فاصله‌ها: اگر فاصله دو واژه کم‌تر از حدّ معمول و به صورت نیم‌فاصله بود، آن یک واژه است و به هیچ وجه بین آن‌ها نمی‌تواند نقش‌نمای اضافه بیابد. (البته با توجّه به سوالات کنکور، زیاد به نیم‌فاصله و حتّی علائم نگارشی دلخوش نباشید! زیرا متاسفانه سوالات کنکور در این سال‌ها درست ویرایش نشده بودند!)

۱۴- بعضی از واژه‌ها دو نوشتار و خوانش دارند مانند «آینه و آیینه»، و بعضی واژگان شبیه یکدیگرند، مانند «مُقَدَّم و مَقدَم»، در هر مورد باید دقّت کنیم که کدام در شعر به کار رفته است. زیرا هر کدام تقطیع و وزن متفاوتی دارد.

۱۵- توجّه به یکسانی ظاهری فعل ماضی ساده سوم شخص مفرد (خوانْد) و مضارع ساده (مضارع التزامی بدون ب) سوم شخص مفرد (خوانَد). با توجّه به محتوای شعر و افعال دیگر، باید متوجّه شویم، به کدام صورت بخوانیم. زیرا وزن متفاوتی خواهند داشت.

همه کارم ز خودکامی به بدنامی کشید آخر — نهان کی مانَد آن رازی کزو سازند محفل‌ها

عشق در دل مانْد و یار از دست رفت — دوستان دستی که کار از دست رفت

۱۶ – بعضی از افعال در فارسی معیار و غیر شعر نیز به دو صورت خوانده می‌شوند. مانند: بِنِشین و بنشین، بِگُذَر و بُگذَر و ... این افعال در شعر دو حالت دارند.

الف: محل قرارگیری آن‌ها نشان می‌دهد که کدام خوانش را باید انتخاب کرد. در مثال زیر، با توجه به وزن شعر قطعا واژه « بنشین » را « بِنِشین » باید بخوانیم.

نفسی بیا و بنشین سخنی بگو و بشنو — که قیامت است چندان سخن از دهان خندان

ب: محل قرارگیری آن‌ها و وزن شعر هر دو حالت را می‌پذیرد. در مثال زیر وزن شعر به صورتی است که به هر دو صورت می‌توان این واژه را خواند.

عقل را گفتم از این پس به سلامت بنشین — گفت خاموش که این فتنه دگر پیدا شد

۱۷ – درست است که در عروض کلماتی مانند «بیا، سیاست، بیابان و ...» به صورت « بِیا، سِیاست، بِیابان و ...» در نظر می‌گیریم، امّا در خوانش این کلمات مطابق معیار تلفّظ می‌کنیم.

۱۸ – در خوانش کلماتی مانند «مَلَک، مَلِک، مِلک و مُلک» دقّت شود، زیرا تفاوت وزنی ایجاد می‌کنند.

۱۹ – توجّه به شباهت ظاهری بعضی ترکیبات با بعضی واژگان. در بیت زیر ترکیب «گَرَم» (گر + ضمیر متصل ـَ م) ربطی به واژه «گَرم» ندارد. یا در بیت بعدی ترکیب «مَنَت» (من + ضمیر متصل ـَ ت) به واژه «منّت» ارتباطی ندارد.

مهربانی ز من آموز و گَرَم عمر نماند — به سر تربت سعدی بطلب مهرگیا را

ای که رحمت می‌نیاید بر مَنَت — آفرین بر جان و رحمت بر تنت

۲۰ – در خوانش کلماتی مانند « کاین » ، « کاو » دقّت شود که به صورت « کین » و « کو » خوانده می‌شوند.

۲۱ – « زان » و « وان » در دو بیت زیر در اصل « زِ آن » و « وَ آن » بوده‌اند.

زان یار دلنوازم، شُکری است با شکایت — گر نکته‌دان عشقی، بشنو تو این حکایت

وان دل گرم که جان داشت هنوز — اوفتاد از کف آن بی‌فرهنگ

Ahmadi63amoozesh.com

@aboozarahmadi63
@ahmadi63amoozesh

تست فصل سوم

تست ۳۶ تلفظ فعل «بود» در کدام مصراع متفاوت است؟

۱) چو بانگ دهل هولم از دور بود
۲) چو خواهی که نامت بود جاودان
۳) طمع بود از بخت نیک اخترم
۴) دری بود از روشنایی چو روز

تست ۳۷ وزنِ واژه‌ی «ملک» در کدام گزینه متفاوت است؟

۱) به تمکین و جاه از ملک درگذشت
۲) ندیدم چنین گنج و ملک و سریر
۳) که معمار ملک است پرهیزگار
۴) ز روشن دلش ملک پرتو گرفت

تست ۳۸ در کدام بیت «حذف همزه» صورت نگرفته است؟

۱) برق عشق ار خرمن پشمینه‌پوشی سوخت سوخت — جور شاه کامران گر بر گدایی رفت رفت
۲) عشق‌بازی را تحمل باید ای دل پای دار — گر ملالی بود بود و گر خطایی رفت رفت
۳) گر دلی از غمزه‌ی دلدار باری برد برد — ور میان جان و جانان ماجرایی رفت رفت
۴) از سخن چینان ملالت‌ها پدید آمد ولی — گر میان همنشینان ناسزایی رفت رفت

تست ۳۹ تلفظ واژه «طرف» در کدام گزینه متفاوت است؟

۱) جز طرف جویبار و می خوشگوار چیست
۲) از هر طرف که رفتم جز وحشتم نیفزود
۳) دل ضعیفم از آن می‌کشد به طرف چمن
۴) هدهد خوش‌خبر از طرف سبا باز آمد

تست ۴۰ با توجّه به خوانش صحیح، واژه «شکر» در کدام گزینه باید به صورت مشدّد نوشته و خوانده شود؟

الف- گه زهر روید گه شکر گه درد روید گه دوا
ب- که تعبیه است در آن لعل شکرافشانت
ج- وان یوسف چون شکر ناگه ز سفر آمد
د- جواب همچو شکر او دهد که محتاج است
هـ- در فراق لب چون شکر او تلخ شدیم

۱) الف – ب - هـ
۲) ب – ج – د
۳) الف – ج - د
۴) ب – ج - هـ

تست ۴۱ تلفظ و زمان فعل «خواند» در کدام گزینه متفاوت است؟

۱) ماهت نتوان خواند بدین صورت و گفتار
۲) گر رخی را ماه باید خواند باری روی تو
۳) بالا نتوان خواند که سرو چمن است آن
۴) دلش ببخشد و بر جانت آفرین خواند

تست ۴۲ فعل مشخص‌شده در هیچ گزینه‌ای نمی‌تواند به‌صورت «بِنِشین» خوانده شود به‌جز گزینه‌ی ....

۱) بنشین که هزار فتنه برخاست
۲) گفتی به غمم بنشین یا از سر جان برخیز
۳) به گوشه‌ای بنشین شعر صائب از برکن
۴) نفسی بیا و بنشین سخنی بگو و بشنو

تست ۴۳ فتحه قبل از ضمیر « ـَ ت » در کدام گزینه خوانده نمی‌شود؟

۱) بدو گفت کای سگزی بدگمان — نشد سیر جانت ز تیر و کمان
۲) بر این کار یزدان تو را راز نیست — اگر جانت با دیو انباز نیست
۳) چنان داد پاسخ که از کار بند — منال ار نیاید به جانت گزند
۴) بدو گفت کای مرد گم‌کرده راه — نه من خواستم رفته جانت ز شاه

تست ۴۴ تمام واژگان مشخّص‌شده تلفظ متفاوتی با تلفظ معیار دارند به جز گزینه‌ی ....

۱) باد بهار می‌وزد از گلستان شاه — وز ژاله باده در قدح لاله می‌رود
۲) دویدند هر کس که بد گرسنه — به تاراج گندم شدند از بنه
۳) چو خورشید تابان ز گنبد بگشت — تهمتن نیامد به لشکر ز دشت
۴) روی بالا کرد و گفت ای عندلیب — از بیان حال خودمان ده نصیب

تست ۴۵ واژه «گلستان» در کدام مصراع تلفظ متفاوت دارد؟

۱) شرابش ده بخوابانش برون بر از گلستانش
۲) جز رنگ‌های دلکش از گلستان چه خیزد
۳) ز فـراق گلستانش چو در امتحان خـارم
۴) تـا بـاغ گلسـتان جمـال تو دیده‌ایم

تست ۴۶ تلفظ « نماند» در کدام گزینه متفاوت است؟

۱) ما را دگر معامله با هیچ کس نماند / بیعی کـه بی حضور تـو کردم اقالت است
۲) شمایلی که در اوصاف حسن ترکیبش / مجال نطق نماند زبان گویا را
۳) مهربانی ز من آموز و گرم عمر نماند / بـه سر تربت سعدی بطلب مهـرگیا را
۴) دنیا و دین و صبر و عقل از من برفت اندر غمش / جایی که سلطان خیمه زد غوغا نماند عام را

تست ۴۷ تلفظ « ترش» در کدام گزینه متفاوت است؟

۱) لعبت شیرین اگر ترش ننشیند / مدعیانش طمع کنند به حلوا
۲) اگر تو مست وصالی رخ تو ترش چراست / برون شیشه ز حـال درون شیشه گواست
۳) قضا به تلخی و شیرینی ای پسر رفته است / تو گر ترش بنشینی قضا چه غم دارد
۴) من از تو سیر نگردم و گـر تـرش کنی ابرو / جواب تلخ ز شیرین مقابل شکر آید

تست ۴۸ در کدام یک از ابیات زیر، حذف همزه صورت <u>نگرفته</u> است؟

۱) بخوان ای مرغ اگر داری زبانی / بخند ای صبح اگر داری دهانی
۲) سردفتـر آیـت نکـویـی / شاهنشـه ملـک خـوبرویـی
۳) غرور حسنت اجازت مگر نداد ای گل / که پرسشی نکـنی عندلیب شیدا را
۴) هرگز نمیرد آن‌که دلش زنده شد به عشق / ثبت است بر جریدهٔ عالم دوام ما

تست ۴۹ در بیت کدام گزینه، همزه حذف <u>نمی‌شود</u>؟

۱) گـذر از دست رقیبان نتوان کـرد به کویت / مگر آن وقت که در سایه‌ی زنهار تو باشم
۲) دوش گـفتـم بکند لـعل لبش چاره‌ی من / هاتف غیب ندا داد که آری بکند
۳) یار بار افتاده را در کـاروان بگـذاشتند / بی‌وفـا یاران که بربستند بار خویش را
۴) دیگری را در کمند آور که ما خود بنده‌ایم / ریسمان در پای حاجـت نیست دست‌آموز را

تست ۵۰ در کدام گزینه حذف همزه دیده می‌شود؟

۱) گفتم مگر به گریه دلش مهربان کنم / چون سخت بود در دل سنگش اثر نکرد
۲) نگارم دوش در مجلس به عزم رقص چون برخاست / گره بگشود از ابرو و بر دل‌های یاران زد
۳) رقیب آزارها فرمود و جای آشتی نگذاشت / مگر آه سحرخیزان سوی گردون نخواهد شد
۴) بر چشم پر خون چون ابر گریم / بر دور گردون چون برق خندم

تست ۵۱ در کدام گزینه، در کلمه‌مشخّص‌شده، مصوّت کوتاه پیش از ضمیر، حذف شده است؟

۱) و گر خویش راضـی نباشد ز خویش / چو <u>بیگانگانش</u> براند ز پیش
۲) به <u>امرش</u> وجود از عدم نقش بست / که داند جز او کردن از نیست، هست
۳) به درگاه لطف و <u>بزرگیش</u> بر / بزرگان نهاده بزرگی ز سر
۴) جهان متّفق بر الهیّتش / فرومانده از کُنه <u>ماهیّتش</u>

تست ۵۲ در کدام مصراع حتما باید حذف همزه رخ بدهد تا وزن شعر درست بشود؟

۱) پخته گردد چو نظر بر می خـام اندازد
۲) مصلحت نیست که از پرده برون افتد راز
۳) شاهد عهد شباب آمده بودش به خواب
۴) ببیـن تفـاوت ره کـز کجاست تا به کجا

Ahmadi63amoozesh.com

@ahmadi63amoozesh
@aboozarahmadi63

تست ۵۳ در کدام گزینه قسمت مشخّص‌شده به صورت ترکیب اضافی خوانده نمی‌شود؟

۱) عقل دیوانه شد آن سلسله مشکین کو / دل ز ما گوشه گرفت، ابروی دلدار کجاست
۲) آن کس است اهل بشارت کـه اشارت داند / نکته‌ها هست بسی، محرم اسرار کجاست
۳) باز پرسید ز گیسوی شکن در شکنش / کاین دل غمزده سرگشته گرفتار کجاست
۴) هر سر موی مرا با تو هزاران کار است / ما کجاییم و ملامت‌گر بی‌کار کجاست

تست ۵۴ واژه «شکر» در کدام گزینه باید به صورت مشدّد خوانده شود تا وزن عروضی شعر درست باشد؟

۱) از چاشنی قند مگو هیچ و ز شکر / زان رو کـه مرا از لـب شیرین تو کام است
۲) طوطی‌ای را به خیال شکری دل، خوش بود / ناگهش سیل فنا نقش امل باطل کرد
۳) شکرفروش که عمرش دراز باد چرا / تفقّدی نکند طوطی شکرخا را
۴) ای دوست شکر بهتر، یا آنکه شکر سازد؟ / خوبی قمر بهتر، یا آنکه قمر سازد؟

تست ۵۵ در کدام گزینه تلفّظ واژه «بود» متفاوت است؟

۱) اوقات خوش آن بود که با دوست به سر شد / باقی همه بی‌حاصلی و بی‌خبری بود
۲) نبود نقش دو عالم که رنـگ الفت بود / زمانه طرح محبّت نه این زمان انداخت
۳) چه ره بود این که زد در پرده مطرب / که می‌رقصند با هم مست و هشیار
۴) من چه در پای تو ریزم که پسند تو بود / جان و سر را نتوان گفـت کـه مقداری هست

تست ۵۶ در کدام گزینه هنگام خواندن حرکت قبل ضمیر «ت» حذف می‌شود؟

۱) بدو گفت کای سگزی بدگمان / نشد سیر جانت ز تیر و کمان
۲) بر این کار یزدان تو را راز نیست / اگر جانت با دیو انباز نیست
۳) چنان داد پاسخ که از کار بند / منال ار نیاید به جانت گزند
۴) بدو گفت کای مرد گم‌کرده راه / نه من خواستم رفته جانت ز شاه

تست ۵۷ واژه «جوی» در کدام گزینه تلفظ متفاوت دارد؟

۱) پدرم روضه رضوان به دو گندم بفروخت / من چرا ملک جهان را به جوی نفروشم
۲) صد جوی آب بسته‌ام از دیده بـرکنار / بر بوی تخم مهر که در دل بکارمت
۳) بنشین بر لب جوی و گذر عمر ببین / کاین اشارت ز جهان گذران ما را بس
۴) صحبت حکّام ظلمت شب یلداست / نور ز خورشید جوی بو که برآید

تست ۵۸ در کدام گزینه هم همزه و هم مصوت کوتاه قبل آن حذف می‌شود؟

۱) سراسر پرآشوب گردد زمین / ز بهره سیاوش به جنگ و به کین
۲) نه کاووس خواهد ز من نیز کین / نه آشوب گردد سراسر زمین
۳) شیراز پرغوغا شده است از فتنه چشم خوشت / ترسم کـه آشوب خوشت برهم زند شیراز را
۴) جهان از فتنه و آشوب یـک‌چندی برآسودی / اگر نه روی شهرآشوب و چشم فتنه‌انگیـزت

تست ۵۹ در کدام مصراع حتماً باید حذف همزه رخ بدهد تا وزن شعر درست باشد؟

۱) بروید ای حریفان بکشید یار ما را
۲) ما نیز یکی باشیم از جمله‌ی قربان‌ها
۳) بگذار تا بگریم چون ابر در بهاران
۴) ای پادشـــه خوبان داد از غم تنهـایی

تست ۶۰ در کدام گزینه ویرگول در محل نامناسبی قرارگرفته است و مکث در آن هجا وزن شعر را برهم می‌زند؟

۱) عشرت خوش است و بر طرف جوی، خوش‌تر است — می بر سماع بلبل خوش‌گوی خوش‌تر است
۲) عیش است در کنار سمن‌زار، خواب صبح — نی در کنار یار سمن بوی خوش‌تر است
۳) آب از نسیم باد، زره‌روی گشته گیر — مفتول زلف یار زره موی خوش‌تر است
۴) گر شاهد است سبزه بر اطراف گلستان — بر عارضین، شاهد گل‌روی خوش‌تر است

تست ۶۱ هیچ‌کدام از قسمت‌های مشخص‌شده به‌صورت ترکیب اضافی خوانده نمی‌شوند به‌جز گزینه‌ی ....

۱) فکر عشق آتش غم در دل حافظ زد و سوخت — یار دیرینه ببینید که با یار چه کرد
۲) غنچه‌ی بلبل وصلم ز نسیمش بشکفت — مرغ خوش‌خوان طرب از برگ گل سوری کرد
۳) تا لشکر غمت نکند ملک دل خراب — جان عزیز خود به نوا می‌فرستمت
۴) یا بخت من طریق مروّت فروگذاشت — یا او به شاهراه طریقت گذر کند

برای خرید نسخه چاپی یا تدریس ویدئویی این جزوه به سایت و یا کانال تلگرامی «آموزشگاه مجازی احمدی» مراجعه کنید.
برای کسب اطلاعات بیشتر در مورد این جزوات و پکیج‌ها به شماره ۰۹۱۲۳۷۰۸۴۷۶ در تلگرام یا واتساپ و یا به صورت SMS پیام بدهید.
Ahmadi63amoozesh.com
@ahmadi63amoozesh

Ahmadi63amoozesh.com

فصل چهارم

درست نوشتن (خط عروضی)

پس از درست‌خواندن شعر، برای رسیدن به هجاهای بیت، ضروری است بیت را همانگونه که خوانده‌ایم، بنویسیم. به این نوشتار که دقیقاً مطابق خوانش است، خط عروضی می‌گویند. در خط عروضی تمام نکاتی را که در فصل دوم (انواع واج و هجا) گفتیم، باید رعایت کنیم. در واقع یک مصراع را همچون یک واژه بزرگ در نظر می‌گیریم و آن نکات را در آن رعایت می‌کنیم. یعنی به موارد زیر توجّه می‌کنیم.

توجّه به تشدید	معلّم	←	مُعَلْلِم	←	مُ	عَل	لِم	
توجّه به حروف ناخوانا	خواهر	←	خاهَر	←	خا	هَر		
نوشتن هر چه که به صدا در می‌آید	توسنی	←	تُوسَنی	←	تُو	سَ	نی	
توجّه به « ه » غیرِ ملفوظ	خانه	←	خانِ	←	خا	نِ		
حذف «نْ» بعد از مصوّت بلند	جانان	←	جانا	←	جا	نا		
توجّه به فرآیند واجی افزایش	بیا	←	بِـیـا	←	بِ	یا		
توجّه به نگارش کلمات تنوین‌دار	دقیقاً	←	دَقیقَن	←	دَ	قی	قَن	
توجّه به ترکیبات عربی و یا مشابه آن‌ها	اناالحق	←	اَ نَـلـحَق	←	اَ	نَل	حَق	
توجّه به «واو» عطف و ربط	دل و جان	←	دِلُ جا	←	دِ	لُ	جا	
حذف همزه	اغراق‌آمیز	←	اِغراقامیز	←	اِغ	را	قا	میز

توجّه: موارد فوق مهمترین نکاتی است که در خط عروضی باید به آن توجّه کرد، امّا موارد دیگری نیز وجود دارد که در فصول قبل به آن اشاره شد.

توجّه: همانطور که گفته شد، در اصل «نْ» بعد از مصوّت بلند حذف نمی‌شود و در واقع مصوّت بلند در این گونه موارد، مانند مصوّت کوتاه تلفّظ می‌شود. **خون = خُن**، **خان = خَن** ، **سین = سِن**

اکنون به خطّ عروضی ابیات زیر دقّت کنید:

گشت یکی چشمه ز سنگی جدا	غلغله‌زن چهره‌نما تیز پا
گُشت یِکی چِشمِ زِ سَنگی جُدا	غُلغُل زَن چِهرِ نُما تیز پا
چو در وقت بهار آیی پدیدار	حقیقت پرده برداری ز رخسار
چِ دَر وَقتِ بَهارایی پَدیدار	حَقیقَت پَردِ بَرداری زِ رُخسار
نباشی بس ایمن به بازوی خویش	خورد گاو نادان ز پهلوی خویش
نَباشی بَسیمَن بِ بازویِ خیش	خُرَد گاوِ نادا زِ پَهلویِ خیش
گفت: اگر خیر است خیراندیش	تو شری جز شرت نیاید پیش
گُفتَگَر خِیر اَست خِیرَندیش	تُ شَری جُز شَرَت نَیایَد پیش

Ahmadi63amoozesh.com

توجّه: بسیار پیش آمده دانش‌آموز، شعر را درست خوانده است، ولی در خط عروضی به دلیل کاهش سرعت، اشتباه نوشته است. برای جلوگیری از این اشتباه، پس از نوشتن شعر به خط عروضی، یک بار شعر را از روی خط عروضی بخوانید تا مشخّص شود، شعر را درست می‌خوانید یا خیر. از مهم‌ترین اشتباهات در این مرحله، بحث حذف همزه یا عدم توجّه به کسره اضافه است. چون وقتی به خط عروضی می‌نویسیم نگاهمان از مصراع، محدود به واژه می‌شود. و یک واژه را به خط عروضی می‌نویسیم و بعد سراغ واژه‌ی دیگر می‌رویم. به اشتباه مثال بعد توجّه کنید:

بیا تا برآریم دستی ز دل   که نتوان برآورد فردا ز گِل

بِیا تا بَرآریم دَستی زِ دِل   کِ نَتوا بَرآوَرد فَردا زِ گِل

در خط عروضی مثال قبل ظاهرا به نظر می‌رسد شعر را به درستی به خط عروضی نوشته‌ایم. ولی همانطور که در تقطیع زیر می‌بینیم، به حذف همزه توجّه نکرده بودیم.

بیا تا بَراریم دَستی زِ دِل   کِ نتوان بَراوَرد فَردا زِ گِل

نکته بسیار مهم: خط عروضی از مهم‌ترین قسمت‌های تشخیص وزن یک بیت است، حتماً بعد از نوشتن، آن را چک کنید. زیرا ما هجاها را از روی خط عروضی مشخّص می‌کنیم. و اگر اشتباهی در این مرحله داشته باشیم، قطعاً تقطیع نهایی ما اشتباه خواهد شد.

توجّه: نوشتن کسره اضافه بین دو واژه (نقش‌نمای اضافه) بسیار الزامی است.

Ahmadi63amoozesh.com

@aboozarahmadi63
@ahmadi63amoozesh

تمرین: ابیات زیر را به خط عروضی بنویسید و تقطیع هجایی کنید.

۱ – چـــو حاکم به فـــرمان داور بـود / خدایـش نگهـــبان و یـــاور بـــود
۲ – نصیحت کسی سودمند آیدش / که گفتار سعدی پسند آیدش
۳ – خدا را بر آن بنده بخشایش است / که خلـق از وجودش در آسایش است
۴ – چو ده ساله شد زان میان کس نبود / که یارست با وی نبرد آزمود
۵ – هر کسی را بهر کاری ساختند / میل آن را در دلش انداختند
۶ – خوش‌تر آن باشد که سرّ دلبران / گفته آید در حدیث دیگران
۷ – هر کسی از ظنّ خود شد یار من / از درون من نجست اسرار من
۸ – می نمود آن مرغ را هر گون شگفت / تا که باشد که اندر آید او به گفت
۹ – گفت آری گر وفا بینم نه مکر / مکرها بس دیده‌ام از زید و بکر
۱۰ – تا نزاید بخت تو فرزند نو / خون نگـردد شیر شیرین خوش شنو
۱۱ – ای همه هستی ز تو پیدا شده / خاک ضعیف از تو توانا شده
۱۲ – چاره‌ی ما ساز که بیچاره‌ایم / گر تو برانی به که روی آوریم
۱۳ – هر ســحر از عـــشق دمی می‌زنـم / روز دگــــر می‌شنـــــوم بـرمَـلا
۱۴ – دَست از این پیش که دارد کـه مـا؟ / زاری از ایـن بیـش کـــه دارد کـه مــا؟
۱۵ – ای نـــام تو بـــهترین ســـرآغـــاز / بی نـــام تـــو نامـــه کـــی کنـم بـــاز
۱۶ – حاجتگه جملـه‌ی جـهـــان اوســـت / محـــراب زمیـــن و آسمـــان اوســـت
۱۷ – از عـــمر من آنچه هست بر جـــای / بســـتان و بـــه عمـــر لیلـــی افـــزای
۱۸ - گفت: ای پسر این نه جای بازی است / بشتـاب کـه جـای چاره ســازی است
۱۹ – هر آن وصفـی که گویـم بیش از آنی / یقیـن دانـم کـه بی شـک جـان جـانی
۲۰ – بـه نـــام کردگـــار هفـت افـلاک / کـــه پیـــدا کـرد آدم از کفـی خـــاک
۲۱ – فـروغ رویـت اندازی سـوی خـاک / عجایـب نقش‌ها سـازی ســـوی خـاک
۲۲ – خوشـا شیـراز و وضـع بی مثالـش / خـداوندا نگـــه دار از زوالـــش
۲۳ – بـه شیــراز آی و فیـض روح قدسی / بجـــوی از مـردم صاحـــب کمالـــش
۲۴ – شب وصل است و طی شد نامه‌ی هَجر / ســـلامٌ فیـــهِ حتّی مطلعِ الفَجر

توجّه: اختیارات شاعری (یعنی تفاوت هجاها) اصلاح نشده است. پس از آموختن اختیارات شاعری در فصل نهم، اختلاف هجاها را تصحیح کنید. همچنین « نْ » ساکن بعد از مصوّت بلند نیز در بسیاری از موارد حذف نشده است تا مشخّص شود. **(در فصل دوم در مورد این موضوع مفصل توضیح داده‌ام.)**

توجّه: ممکن است بعد از تقطیع ابیات، درحالیکه تمام مراحل را به درستی انجام داده‌اید، گاه ببینید هجاهای رو به روی هم از نظر هجای کوتاه و بلند بودن با هم تفاوت داشته باشند، این تفاوت‌ها ناشی از اختیارات شاعری است که در فصول بعد با آن آشنا خواهید شد. نگران این موضوع نباشید. در جداول زیر این اختیارات با علامت * مشخص شده‌اند.

توجّه: ادبیات از جمله علومی است که اختلاف نظر در آن بسیار است. ممکن است موردی را مشاهده کنید که با آموخته‌های شما کمی تفاوت داشته باشد. واقعیت این است که من نیز با چند مورد خاصی که نوشته‌ام موافق نیستم ولی **در این جزوه بنا را بر سوالات کنکور قرار داده‌ام و با توجه به طبع طراحان سوالات کنکور عمل کرده‌ام.**

Ahmadi63amoozesh.com

بیت ۱	چو حاکم به فرمان داور بود خدایش نگهبــان و یاور بود										
خط عروضی مصراع اول	چُ حــاکِــم بِ فَــرمـــانِ داوَر بُــوَد										
هجاهای مصراع اول	چُ	حا	کِم	بِ	فَر	ما	نِ	دا	وَر	بُ	وَد
علامت هجایی مصراع اول	U	—	—	U	—	—	U	—	—	U	—
اختلاف هجاهای رو به روی هم											
علامت هجایی مصراع دوم	U	—	—	U	—	—	U	—	—	U	—
هجاهای مصراع دوم	خُ	دا	یَش	نِ	گَهـ	با	نُ	یا	وَر	بُ	وَد
خط عروضی مصراع دوم	خُـدایَـش نِـگَـهـبـانُ یـاوَر بُـوَد										

بیت ۲	نصیحت کسی سودمند آیدش کـه گفتـار سعدی پسند آیدش										
خط عروضی مصراع اول	نَـصـیـحَـت کَـسـی سـودمَـنـدایَـدَش										
هجاهای مصراع اول	نَ	صی	حَت	کَ	سی	سو	د	مَن	دا	یَ	دَش
علامت هجایی مصراع اول	U	—	—	U	—	—	U	—	—	U	—
اختلاف هجاهای رو به روی هم											
علامت هجایی مصراع دوم	U	—	—	U	—	—	U	—	—	U	—
هجاهای مصراع دوم	کِ	گُف	تا	رِ	سَعـ	دی	پَ	سَن	دا	یَ	دَش
خط عروضی مصراع دوم	کِ گُـفـتـارِ سَـعـدی پَـسَـنـدایَـدَش										

بیت ۳	خدا را بر آن بنده بخشایش است که خلق از وجودش در آسایش است										
خط عروضی مصراع اول	خُـدا را بَـــران بَـندِ بَـخـشـایِـشَـســت										
هجاهای مصراع اول	خُ	دا	را	بَ	ران	بَن	دِ	بَخ	شا	یِ	شَست
علامت هجایی مصراع اول	U	—	—	U	—	—	U	—	—	U	—
اختلاف هجاهای رو به روی هم											
علامت هجایی مصراع دوم	U	—	—	U	—	—	U	—	—	U	—
هجاهای مصراع دوم	کِ	خَل	قَز	وُ	جو	دَش	دَ	را	سا	یِ	شَست
خط عروضی مصراع دوم	کِ خَـلـقَـز وُجـودَش دَراسـایِـشَـسـت										

بیت ۴	چو ده‌ساله شد زان میان کس نبود کـه یارست بـا وی نبـرد آزمود										
خط عروضی مصراع اول	چُ دَه سـالِ شُـد زان مِـیـان کَـس نَـبـود										
هجاهای مصراع اول	چُ	دَه	سا	لِ	شُد	زان	مِ	یا	کَس	نَ	بود
علامت هجایی مصراع اول	U	—	—	U	—	—	U	—	—	U	—
اختلاف هجاهای رو به روی هم											
علامت هجایی مصراع دوم	U	—	—	U	—	—	U	—	—	U	—
هجاهای مصراع دوم	کِ	یا	رِسـ	ت	با	وی	نَ	بَر	دا	ز	مود
خط عروضی مصراع دوم	کِ یـارِسـت بـا وِی نَـبَـردازمـود										

بیت ۵	هر کسی را بهر کاری ساختند میـل آن را در دلـش انداختند										
خط عروضی مصراع اول	هَـر کَـسـی را بَـهـرِ کـاری ساخـتَـنـد										
هجاهای مصراع اول	هَر	کَ	سی	را	بَه	رِ	کا	ری	سا	خ	تَند
علامت هجایی مصراع اول	—	U	—	—	—	U	—	—	—	U	—
اختلاف هجاهای رو به روی هم											
علامت هجایی مصراع دوم	—	U	—	—	—	U	—	—	—	U	—
هجاهای مصراع دوم	مِی	لِ	آن	را	دَر	دِ	لَش	اَن	دا	خ	تَند
خط عروضی مصراع دوم	مِـیـلِ آن را دَر دِلَـش اَنـداخـتَـنـد										

بیت ۶	خوش تر آن باشد که سرّ دلبران گفته آید در حدیث دیگران										
خط عروضی مصراع اول	خُشتَرا باشَد کِ سِررِ دِلبَران										
هجاهای مصراع اول	خُش	تَ	ران	با	شَد	کِ	سِر	رِ	دِل	بَ	ران
علامت هجایی مصراع اول	—	U	—	—	—	U	—	U	—	U	—
اختلاف هجاهای رو به روی هم											
علامت هجایی مصراع دوم	—	U	—	—	—	U	—	U	—	U	—
هجاهای مصراع دوم	گُف	تِ	آ	یَد	دَر	حَ	دی	ثِ	دی	گَ	ران
خط عروضی مصراع دوم	گُفتِ آیَد دَر حَدیثِ دیگَران										

بیت	هر کسی از ظنّ خود شد یار من از درون من نجست اسرار من										
خط عروضی مصراع اول	هَر کَسی اَز ظَنِّ خُد شُد یارِ مَن										
هجاهای مصراع اول	هَر	کَ	سی	اَز	ظَن	نِ	خُد	شُد	یا	رِ	مَن
علامت هجایی مصراع اول	—	U	—	—	—	U	—	—	—	U	—
اختلاف هجاهای رو به روی هم											
علامت هجایی مصراع دوم	—	U	—	U	—	U	—	—	—	U	—
هجاهای مصراع دوم	اَز	دَ	رو	نِ	مَن	نَ	جُس	تَس	را	رِ	مَن
خط عروضی مصراع دوم	اَز دَرونِ مَن نَجُستَسرارِ مَن										

بیت	می نمود آن مرغ را هر گون شگفت تا که باشد که اندر آید او به گفت										
خط عروضی مصراع اول	می نِمودان مُرغ را هَر گون شِگُفت										
هجاهای مصراع اول	می	نِ	مو	دان	مُر	غ	را	هَر	گو	شِ	گُفت
علامت هجایی مصراع اول	—	U	—	—	—	U	—	—	—	U	—
اختلاف هجاهای رو به روی هم											
علامت هجایی مصراع دوم	—	U	—	—	—	U	—	—	—	U	—
هجاهای مصراع دوم	تا	کِ	با	شَد	کَن	دَ	را	یَد	او	بِ	گُفت
خط عروضی مصراع دوم	تا کِ باشَد کَندَرایَد او بِ گُفت										

بیت ۹	گفت آری گر وفا بینم نه مکر مکرها بس دیده‌ام از زید و بکر										
خط عروضی مصراع اول	گُفت آری گَر وَفا بینَم نَ مَکر										
هجاهای مصراع اول	گُف	ت	آ	ری	گَر	وَ	فا	بی	نَم	نَ	مَکر
علامت هجایی مصراع اول	—	U	—	—	—	U	—	—	—	U	—
اختلاف هجاهای رو به روی هم											
علامت هجایی مصراع دوم	—	U	—	—	—	U	—	—	—	U	—
هجاهای مصراع دوم	مَک	ر	ها	بَس	دی	دِ	اَم	اَز	زَی	دُ	بَکر
خط عروضی مصراع دوم	مَکرها بَس دیدِ اَم اَز زَیدُ بَکر										

بیت ۱۰	تا نزاید بخت تو فرزند نو خون نگردد شیر شیرین خوش شنو										
خط عروضی مصراع اول	تا نَزایَد بَختِ تُ فَرزَندِ نُو										
هجاهای مصراع اول	تا	نَ	زا	یَد	بَخ	تِ	تُ	فَر	زَن	دِ	نُو
علامت هجایی مصراع اول	—	U	—	—	—	U	U	—	—	U	—
اختلاف هجاهای رو به روی هم											
علامت هجایی مصراع دوم	—	U	—	—	—	U	—	—	—	U	—
هجاهای مصراع دوم	خو	نَ	گَر	دَد	شی	رِ	شی	رین	خُش	شِ	نُو
خط عروضی مصراع دوم	خون نَگَردَد شیرِ شیرین خُش شِنُو										

بیت ۱۱	ای همه هستی ز تو پیدا شده خاک ضعیـــف از تو توانا شده										
خط عروضی مصراع اول	اِی هَـمِ هَـسـتـی زِ تُ پـیـدا شُـد										
هجاهای مصراع اول	اِی	هَـ	مِ	هَس	تی	زِ	تُ	پِی	دا	شُ	دِ
علامت هجایی مصراع اول	—	U	U	—	—	U	U	—	—	U	—
اختلاف هجاهای رو به روی هم											
علامت هجایی مصراع دوم	—	U	U	—	—	U	U	—	—	U	—
هجاهای مصراع دوم	خا	کِ	ضَ	عی	فَز	تُ	تَ	وا	نا	شُ	دِ
خط عروضی مصراع دوم	خـاکِ ضَـعـیـفَـز تُ تَـوانـا شُـد										

بیت ۱۲	چاره‌ی ما ساز که بیچاره‌ایم گر تو برانی به که روی آوریم										
خط عروضی مصراع اول	چـارِیِ مـا سـاز کِ بـیـچـارِایـم										
هجاهای مصراع اول	چا	رِ	یِ	ما	سا	ز	کِ	بی	چا	رِ	ایم
علامت هجایی مصراع اول	—	U	U	—	—	U	U	—	—	U	—
اختلاف هجاهای رو به روی هم											
علامت هجایی مصراع دوم	—	U	U	—	—	U	U	—	—	U	—
هجاهای مصراع دوم	گَر	تُ	بِ	را	نی	بِ	کِ	رو	یا	وَ	ریم
خط عروضی مصراع دوم	گَـر تُ بِـرانـی بِ کِ رو یـا وَریـم										

بیت ۱۳	هر سحر از عشق دمی می‌زنم روز دگـر می‌شنـــوم برمَلا										
خط عروضی مصراع اول	هَـر سَـحَـرَز عِـشـق دَمـی می زَنـم										
هجاهای مصراع اول	هَر	سَ	حَ	رَز	عِشـ	ق	دَ	می	می	زَ	نَم
علامت هجایی مصراع اول	—	U	U	—	—	U	U	—	—	U	—
اختلاف هجاهای رو به روی هم											
علامت هجایی مصراع دوم	—	U	U	—	—	U	U	—	—	U	—
هجاهای مصراع دوم	رو	زِ	دِ	گَر	می	شِ	نَ	وَم	بَر	مَ	لا
خط عروضی مصراع دوم	روزِ دِگَـر مـی شِـنَـوَم بَـر مَـلا										

بیت ۱۴	دَست از این پیش که دارد که ما؟ زاری از این بیش که دارد که ما؟										
خط عروضی مصراع اول	دَسـت اَزیـن پـیـش کِ دارَد کِ مـا										
هجاهای مصراع اول	دَسـ	ت	ءَ	زین	پیـ	ش	کِ	دا	رَد	کِ	ما
علامت هجایی مصراع اول	—	U	U	—	—	U	U	—	—	U	—
اختلاف هجاهای رو به روی هم											
علامت هجایی مصراع دوم	—	—	U	—	—	U	U	—	—	U	—
هجاهای مصراع دوم	زا	ری	یَ	زین	بیـ	ش	کِ	دا	رَد	کِ	ما
خط عروضی مصراع دوم	زاریـیَـزیـن بیـش کِ دارَد کِ مـا										

بیت ۱۵	ای نام تو بهترین سرآغاز بی نام تو نامه کی کنم باز										
خط عروضی مصراع اول	اِی نـامِ تُ بِـهتَـرین سَـراغـاز										
هجاهای مصراع اول	اِی	نا	مِ	تُ	بِهـ	تَ	رین	سَ	را	غاز	
علامت هجایی مصراع اول	—	—	U	U	—	U	—	U	—	—	
اختلاف هجاهای رو به روی هم											
علامت هجایی مصراع دوم	—	—	U	U	—	U	—	U	—	—	
هجاهای مصراع دوم	بی	نا	مِ	تُ	نا	مِ	کِی	کُ	نَم	باز	
خط عروضی مصراع دوم	بـی نـامِ تُ نـامِ کِـی کُـنَـم بـاز										

بیت ۱۶	حاجتگه جمله‌ی جهان اوست محراب زمین و آسمان اوست										
خط عروضی مصراع اول	حاجَتگَهِ جُملِ یِ جَها اوست										
هجاهای مصراع اول	حا	جَت	گَ	هِ	جُم	لِ	یِ	جَ	هان	اوست	
علامت هجایی مصراع اول	—	—	U	U	—	U	U	U	—	—	
اختلاف هجاهای رو به روی هم											
علامت هجایی مصراع دوم	—	—	U	U	—	U	—	U	—	—	
هجاهای مصراع دوم	مِح	را	بِ	زَ	می	نُ	آ	سِ	مان	اوست	
خط عروضی مصراع دوم	مِحرابِ زَمینُ آسما اوست										

بیت ۱۷	از عمر من آن چه هست بر جای بستان و به عمر لیلی افزای										
خط عروضی مصراع اول	اَز عُمرِ مَنا چِ هَست بَر جای										
هجاهای مصراع اول	اَز	عُم	رِ	مَ	نان	چِ	هَس	ت	بَر	جای	
علامت هجایی مصراع اول	—	—	U	U	—	U	—	U	—	—	
اختلاف هجاهای رو به روی هم											
علامت هجایی مصراع دوم	—	—	U	U	—	U	—	—	—	—	
هجاهای مصراع دوم	بِس	تا	نُ	بِ	عُم	رِ	لِی	لی	یَف	زای	
خط عروضی مصراع دوم	بِستانُ بِ عُمرِ لِیلی یَفزای										

بیت ۱۸	گفت ای پسر این نه جای بازی است بشتاب که جای چاره سازی است										
خط عروضی مصراع اول	گُفتی پِسَرین نَ جایِ بازیست										
هجاهای مصراع اول	گُف	تی	پِ	سَ	رین	نَ	جا	یِ	با	زیست	
علامت هجایی مصراع اول	—	—	U	U	—	U	—	U	—	—	
اختلاف هجاهای رو به روی هم											
علامت هجایی مصراع دوم	—	—	U	U	—	U	—	U	—	—	
هجاهای مصراع دوم	بِش	تا	ب	کِ	جا	یِ	چا	رِ	سا	زیست	
خط عروضی مصراع دوم	بِشتاب کِ جایِ چارِ سازیست										

بیت ۱۹	هر آن وصفی که گویم بیش از آنی یقین دانم که بی شک جان جانی										
خط عروضی مصراع اول	هَران وَصفی کِ گویَم بیشَزانی										
هجاهای مصراع اول	هَـ	ران	وَص	فی	کِ	گو	یَم	بی	شَ	زا	نی
علامت هجایی مصراع اول	U	—	—	—	U	—	—	—	U	—	—
اختلاف هجاهای رو به روی هم											
علامت هجایی مصراع دوم	U	—	—	—	U	—	—	—	U	—	—
هجاهای مصراع دوم	یَ	قی	دا	نَم	کِ	بی	شَک	جا	نِ	جا	نی
خط عروضی مصراع دوم	یَقین دانَم کِ بی شَک جانِ جانی										

بیت ۲۰	به نام کردگار هفت افلاک که پیدا کرد آدم از کفی خاک										
خط عروضی مصراع اول											
هجاهای مصراع اول	بِ	نا	مِ	کِر	د	گا	رِ	هَف	ت	اَف	لاک
علامت هجایی مصراع اول	U	—	U	—	U	—	U	—	U	—	—
اختلاف هجاهای رو به روی هم											
علامت هجایی مصراع دوم	U	—	—	—	U	—	—	—	U	—	—
هجاهای مصراع دوم	کِ	پی	دا	کَر	د	آ	دَم	اَز	کَ	فی	خاک
خط عروضی مصراع دوم	کِ پیدا کَرد آدَم اَز کَفی خاک										

Ahmadi63amoozesh.com

بیت ۲۱	فروغ رویت اندازی سوی خاک عجایب نقش‌ها سازی سوی خاک										
خط عروضی مصراع اول	فـروغِ رویَـتَــنـــدازی ســویِ خـاک										
هجاهای مصراع اول	فُ	رو	غِ	رو	یَ	تَن	دا	زی	سو	یِ	خاک
علامت هجایی مصراع اول	U	—	U	—	U	—	—	—	—	U	—
اختلاف هجاهای رو به روی هم											
علامت هجایی مصراع دوم	U	—	—	—	U	—	—	—	—	U	—
هجاهای مصراع دوم	عَ	جا	یِب	نَقـ	ش	ها	سا	زی	سو	یِ	خاک
خط عروضی مصراع دوم	عَـجـایِـب نَـقـش ها ســازی ســویِ خـاک										

بیت ۲۲	خوشا شیراز و وضع بی‌مثالش خداوندا نگه دار از زوالش										
خط عروضی مصراع اول	خُـشـا شـیــرازُ وَضـعِ بــی مِـثـالَـش										
هجاهای مصراع اول	خُ	شا	شی	را	زُ	وَض	عِ	بی	مِ	ثا	لَش
علامت هجایی مصراع اول	U	—	—	—	U	—	U	—	U	—	—
اختلاف هجاهای رو به روی هم											
علامت هجایی مصراع دوم	U	—	—	—	U	—	—	—	U	—	—
هجاهای مصراع دوم	خُ	دا	وَن	دا	نِ	گه	دا	رَز	زَ	وا	لَش
خط عروضی مصراع دوم	خُـداوَنـدا نِـگـــــه دارَز زَوالَـــــش										

بیت ۲۳	به شیراز آی و فیض روح قدسی بجوی از مردم صاحب کمالش										
خط عروضی مصراع اول	بِ شیــرازایُ فِـیــضِ روحِ قُـدسی										
هجاهای مصراع اول	بِ	شی	را	زا	یُ	فِی	ضِ	رو	حِ	قُد	سی
علامت هجایی مصراع اول	U	—	—	—	U	—	U	—	U	—	—
اختلاف هجاهای رو به روی هم											
علامت هجایی مصراع دوم	U	—	—	—	U	U	—	—	U	—	—
هجاهای مصراع دوم	بِ	جو	یَز	مَر	دُ	مِ	صا	حِب	جَ	ما	لَش
خط عروضی مصراع دوم	بِـجـویَـز مَـردُمِ صـاحِـب کَـمـالَـش										

بیت ۲۴	شب وصل است و طی شد نامه‌ی هَجر ســـلامٌ فیــــهِ حتّی مطلعِ الفَجر										
خط عروضی مصراع اول	شَـبِ وَصـلَـســتُ طِـی شُـد نـامِ یِ هَـجـر										
هجاهای مصراع اول	شَ	بِ	وَص	لَس	تُ	طِی	شُد	نا	مِ	یِ	هَجر
علامت هجایی مصراع اول	U	U	—	—	U	—	—	—	U	U	—
اختلاف هجاهای رو به روی هم											
علامت هجایی مصراع دوم	U	—	—	—	U	—	—	—	U	—	—
هجاهای مصراع دوم	سَ	لا	مُن	فی	هِ	حَتـ	تا	مَط	لَ	عِل	فَجر
خط عروضی مصراع دوم	سَـلـــامُـن فـیـــهِ حَـتـتـا مَـطـلَـعِـل فَـجر										

Ahmadi63amoozesh.com

تست فصل چهارم

تست ۶۲ خط عروضی کدام مصراع غلط است؟

۱) کارم چو زلف یار پریشان و درهم است (کارَم چُ زُلفِ یار پَریشانُ دَرهَمَست)

۲) این مطرب از کجاست که برگفت نام دوست (این مُطرِب اَز کُجاست کِ بَرگُفت نامِ دوست)

۳) درد عشق از تندرستی خوش‌تر است (دَردِ عِشقَز تَندُرُستی خُشتَرَست)

۴) پنجه بر زور آوران انداختن فرهنگ نیست (پَنجِ بَر زوراوَران اَنداختَن فَرهَنگ نیست)

تست ۶۳ خط عروضی مصراع «نه به صدق آمده بود این که به آزار برفت» در کدام گزینه به‌درستی آمده است؟

۱) نَ بِ صِدق آمَدِ بودین کِ بِ آزار بِرَفت

۲) نَ بِ صِدقـامَدِ بودین کِ بِ آزار بِرَفت

۳) نَ بِ صِدق آمَدِه بودین کِ بِ آزار بِرَفت

۴) نَ بِ صِدقامَدِ بود این کِ بِ آزار بِرَفت

تست ۶۴ خط عروضی مصراع «سعدی چو جورش می‌بری نزدیک او دیگر مرو» در کدام گزینه به درستی آمده است؟

۱) سَعدی چُ جُورَش می بَری نَزدیکِ او دیگَر مَرُو

۲) سَعدی چُ جُرَش می بَری نَزدیکِ او دیگَر مَرُو

۳) سَعدی چُ جُورَش می بَری نَزدیکِ او دیـگَر مَرُ

۴) سَعدی چُ جُرَش می بَری نزدیک او دیگَـر مَرُ

تست ۶۵ «ن» واژه «آسمان» در کدام گزینه ساکن نیست؟

۱) ببند یک نفس ای آسمان دریچه‌ی صبح

۲) آسمان حیران بماند از اشک چون پروین من

۳) گر به کنار آسمان چون تو برآید اختـری

۴) کـه دسـتـــ نیســـت بـــر آن آســمـــان برین را

تست ۶۶ خط عروضی کدام مصراع درست است؟

۱) ز عشق تا به صبوری هزار فرسنگ است (زِ عِشق تا بِ صَبوری هِزار فَرسَنگ است)

۲) ملامت از دل سعدی فرو نشوید عشق (مَلامَت اَز دِلِ سعدی فُرو نَشویَد عِشق)

۳) زهرم مده به دست رقیبان تندخوی (زَهرَم مَدِ به دَستِ رَقیبانِ تُند خوی)

۴) دگر از حربه‌ی خون‌خوار اجل نندیشم (دِگَرَز حَربِ یِ خون خارِ اَجَل نَندیشَم)

تست ۶۷ خط عروضی کدام مصراع غلط است؟

۱) امروز که در دست توأم مرحمتی کن (اِمروز کِ دَر دَستِ تُ ءَم مَرحِمَتی کُن)

۲) دوش آگهی ز یار سفر کرده داد باد (دوشاگَهی زِ یارِ سَفَر کردِ داد باد)

۳) گره ز دل بگشا و از سپهر یاد مکن (گِرِ زِ دِل بِگُشا وَز سِپِهر یاد مَکُن)

۴) گفتم به باد می‌دهدم باده نام و ننگ (گُفتَم بِ باد می دَهَدَم بادِ نامُ نَنگ)

تست ۶۸ خط عروضی کدام مصراع به درستی نوشته شده است؟

۱) دامن دولت چو به دست اوفتاد (دامَنِ دُلَت چُ بِ دَستوفتاد)

۲) غایب مشو که عمر گرانمایه ضایع است (غایِب مَشُ کِ عُمرِ گِران مایِ ضایِعَست)

۳) به خطّ و خال گدایان مده خزینه دل (بِ خَططُ خالِ گِدایان مَدِ خزینِ یِ دِل)

۴) منهزم از خروج او خسرو خطّه خطا (مُنهَزِمَز خُروجِ او خُسرُوِ خِططِ یِ خَطا)

تست ۶۹ خط عروضی کدام مصراع غلط است؟

۱) برفشان طرّه‌ای مه محمل (بَرفِشان طُرِرِ ای مَهِ مَحمِل)

۲) نهم پی بر پی آن ابرو کمان را (نَهَم پِی بَر پِی آن اَبرو کَمان را)

۳) او خون جگر خورده و من خون دل ریش (او خونِ جِگَر خُردِ وُ مَن خونِ دِلِ ریش)

۴) روی زردم بین در آب دیده همچون زر در آب (رویِ زَردَم بین دَراب دیدِ هَمچُن زَر دَراب)

Ahmadi63amoozesh.com
@ahmadi63amoozesh
@aboozarahmadi63

تست ۷۰ هجای پایانی کدام یک از کلمات زیر متفاوت است؟

۱) مـویی چنـین دریغ نباشد گره زدن
۲) وی هر دلـی از شوق تو آواره به سویی
۳) باد گیسـوی درختـان چمن شانه کند
۴) می‌کُشد با ارّه از سنگین دلی قاتل مرا

تست ۷۱ « ه » واژگان مشخص شده در کدام موارد ملفوظ است و در خط عروضی نوشته می‌شود؟

الف- مـن مــــاه کلـــــــــه ندیده‌ام دار
ب- پـیـوسته صـدر مـصطـبه‌ها بـــود مسکنم
ج- کــه شیـــخ مذهـب مـــا عاقلـــی گنه دانست
د- کــه عشـق از پرده‌ی عصمت برون آرد زلیخا را
هـ - ســاربان رخـــت منــه بــر شتـر و بار مبند

۱) الف ـ ج
۲) ب ـ هـ
۳) ج ـ هـ
۴) ب ـ د

تست ۷۲ خط عروضی مصراع «زَهره‌ی مردان نداری چون زنان در خانه باش» در کدام گزینه به‌درستی آمده است؟

۱) زَهرِی مَردان نَـداری چُن زنانِ درَ خـانِ باش
۲) زهرِه یِ مَردان نَداری چُن زَنانِ دَر خانِ باش
۳) زَهرِه یِ مَردان نَداری چُن زنان در خانِ باش
۴) زَهـرِیِ مَردان نَداری چُن زَنـان دَر خانِ باش

تست ۷۳ خط عروضی کدام گزینه مناسب مصراع دوم بیت زیر است؟

«هنوزم با همه دردم امید درمان است — کـــه آخـری بـود آخر شبـان یلـدا را»

۱) کِ آخِری بُوَداخِر شَبانْ یَلدا را
۲) کِ آخِری بُوَداخِر شَبانِ یَلدا را
۳) کاخِری بُوَد آخِـر شَبانْ یَلدا را
۴) کاخِـری بُوَداخِـر شَبانِ یَلدا را

تست ۷۴ خط عروضی کدام مصراع درست است؟

۱) اوصــاف تــو پیش کـس نخوانـم (اُصافِ تُ پیشِ کَس نَخانَم)
۲) بربـــود جمالـت ای مـــه نـو (بِـر بـــود جَمـــالَتِی مَهـ نُو)
۳) ستایش به آفاق موجود گشت (ستایِش بِ آفاق مُجـود گشـت)
۴) دست از این پیش که دارد که ما (دَستَزین پیش کِ دارَد کِ ما)

تست ۷۵ در هر دو بیت کدام گزینه حذف همزه وجود ندارد؟

الف- در ده قدح که مردم چشمم نشسته است — در آرزوی نرگس مست تو در شراب
ب- من بنده‌ام و تو شاه من ابر سیه تو ماه — من زنم آه تو راه من ناله کنم تـو خواب
ج- هر دمی روی از من مسکین بتابی از چه روی — هـر زمان از درگـه خویشم برانی از چه باب
د- بر روی چون مـه را چه بتابی کمند زلف — باری به هیچ روی ز من روی بر متاب

۱) الف – ب
۲) ج – د
۳) الف – ج
۴) ب – د

تست ۷۶ در ۳ بیت زیر جمعاً چند «حذف همزه» دیده می شود؟

- مـرغ دل با قفسه سینه بـه پرواز آمد — باز این مطـرب تردست چـه آواز گرفت؟
- هـر که از اهل جهان گوشه عزلت نگرفت — رفت از دست و رگ خـواب فراغت نگـرفت
- اگر ادب نکند آه را عنان‌داری — توان ز چهـره مطلب نقاب‌ها انداخت

۱) یک
۲) دو
۳) سه
۴) چهار

تست ۷۷ خط عروضی کدام مصراع‌ها درست است؟

الف- منظور اگر نظر بودش با تو خوش بود (مَنظورَ گر نَظَر بُودَش با تُ خوش بُوَد)

ب- آبی است که سرچشمه‌اش از آتش سینه است (آبیست کِ سَرچِشمِ اَشَز آتَشِ سینَست)

ج- روز عید است مگر یا شب نوروز امشب (روز عیدَست مَگَر یا شَبِ نُوروزِمشَب)

د- در خنده آن عقیق شکرریز خوش تر است (دَر خَندِهان عَقیقِ شِکَرریز خُشتَرَست)

۱) الف – ج ۲) الف – د ۳) ب – ج ۴) ب- د

تست ۷۸ «ه» مشخص‌شده در کدام گزینه در خط عروضی وضعیت متفاوتی دارد؟

۱) ای که گفتی مرو اندر پی خونخواره‌ی خویش
۲) چون حلقه در گوشم کند هر روز لطفش وعده‌ای
۳) جز چشم تو که فتنه‌ی قتّال عالم است
۴) شراب وصلت اندر ده که جام هجر نوشیدم

تست ۷۹ «ن» مشخص‌شده در خط عروضی کدام مصراع حذف می‌شود؟

۱) کمان سخت که داد آن لطیف بازو را
۲) مکن رغبت به هر سویی به یاران پراکنده
۳) اگر خود نعمت قارون کسی در پایت اندازد
۴) دیدم همه دلبران آفاق

تست ۸۰ خط عروضی کدام بیت درست است؟

۱) مکن ای شمع نهان چهره ز پروانه من / که ز خاکسترم این آینه پرداز گرفت
مَکُنی شَمع نَهان چِهرِ زِ پَروانِ مَن / کِ زِ خاکِستَرَمین آینِ پَرداز گِرِفت

۲) خار سودای تو آویخته در دامن دل / ننگم آید که به اطراف گلستان گذرم
خارِ سُدایِ تُ آویختِ دَر دامَنِ دِل / نَنگَمایَد کِ بِ اَطرافِ گُلِستان گُذَرَم

۳) تو نیز اگر نشناسی مرا عجب نبود / که هر چه در نظر آید از آن ضعیفترم
تُ نیزَ گَر نَشِناسی مَرا عَجَب نَبُوَد / کِ هر چِ دَر نَظَرایَد ازان ضَعیفتَرَم

۴) بی دهان تو اگر صد قدح نوش دهند / به دهان تو که زهر آید از آن نوش مرا
بی دَهانِ تُ اَگَر صَد قَدَحِ نوش دَهَند / بِ دَهانِ تُ کِ زَهرایَد ازان نوش مَرا

تست ۸۱ خط عروضی مصراع:«روضه‌ی امیّد تویی راه ده ای یار مرا» در کدام گزینه به درستی آمده است؟

۱) رُوضِ یِ اُمید تُ یی راه دِه ای یار مَرا
۲) رُضِ یِ اُمید تُ یی راه دِه ای یار مَرا
۳) رُوضِ یِ اُمید تُ یی راه دِهی یار مَرا
۴) رُضِ یِ اُمید تو یی راه دِهی یار مَرا

تست ۸۲ خط عروضی کدام مصراع در مقابل آن نادرست آمده است؟

۱) سعدیا دی رفت و فردا همچنان موجود نیست (سَعدِیا دی رَفتُ فَردا هَمچُنان مُوجود نیست)
۲) چون سرآمد دولت شب‌های وصل (چُن سَرامَد دُلَتِ شَبهایِ وَصل)
۳) هم تو منزّهی ز جا هم همه جای حاضری (هَم تُ مُنَززَهی زِ جا هَم هَمِ جایِ حاضِری)
۴) این نقد بگیر و دست از آن نسیه بدار (این نَقد بِگیرُ دَستَزان نِسیِ بِدار)

تست ۸۳ خطّ عروضی کدام مصراع در مقابل آن صحیح است؟

۱) سر همنبرد اندر آرد به گرد (سَرِ هَم نَبَرد اَندَرارَد بِ گَرد)
۲) ناله‌ای دارم کش از دل گر بر آرم بگسلد (نالِ ای دارَم کِشَز دِل گَر بَرارَم بُگسَلَد)
۳) سیمرغ ما چه لایق زاغآشیان توست (سیمُرغِ ما چِ لایِقِ زاغاشیانِ توست)
۴) مگر بویی از عشق مستت کند (مَگَر بویی اَز عِشقِ مَستَت کُنَد)

Ahmadi63amoozesh.com
@ahmadi63amoozesh
@aboozarahmadi63

تست ۸۴ خط عروضی بیت زیر در کدام گزینه صحیح است؟

«یار شو ای مونس غم خوارگـان   چاره کـن ای چـارهٔ بیچارگان»

۱) یار شُ ای مونسِ غَم خوارِگان / چارِ کن ای چارِیِ بیچارِگان
۲) یار شُ ای مونسِ غَم خارِگان / چارِ کُن اِی چارِیِ بیچارِگان
۳) یار شُو اِی مونسِ غَم خوارِگان / چارِ کُنِی چارِ یِ بیچارِگان
۴) یار شُ وِی مونسِ غَم خارِگان / چارِ کُنِی چارِ یِ بیچارِگان

تست ۸۵ خطّ عروضی کدام مصراع در مقابل آن درست است؟

۱) دریای جمال تو چون موج زند ناگه ← دَریایِ جِمالِ تُ چُن مُج زَنَد ناگَه
۲) همی زد چشمک آن نرگس به سـوی گل که خندانی ← هَمی زَد چِشمَک آن نَرگِس بِ سویِ گُل کِ خَندانی
۳) رها کن این‌همه را نام یار و دلبر گیر← رَها کُنین هَمِ را نامِ یارُ دِلبَرگـو
۴) به گرد چرخ استاره چو مشتاقان آواره ← بِ گِردِ چَرخِ اِستارِ چُ مشتاقانا وا رِ

آموزشگاه مجازی احمدی
برای خرید نسخه چاپی یا تدریس ویدئویی این جزوه به سایت و یا کانال تلگرامی «آموزشگاه مجازی احمدی» مراجعه کنید.
برای کسب اطلاعات بیشتر در مورد این جزوات و پکیج‌ها به شماره ۰۹۱۲۳۷۰۸۴۷۶ در تلگرام یا واتساپ و یا به صورت SMS پیام بدهید.
Ahmadi63amoozesh.com
@ahmadi63amoozesh
Ahmadi63amoozesh.com

فصل پنجم

تقطیع هجایی

پیش‌تر با الگوی هجایی واژه‌ها آشنا شدیم و نکاتی را نیز درباره آن آموختیم. در این مرحله از عروض، پس از نوشتن شعر به خط عروضی، هجاهای آن را مشخّص می‌کنیم. و اصطلاحاً آن را تقطیع هجایی می‌کنیم. اکنون هجاهای دو بیت از ابیات فوق را که به خط عروضی نوشته بودیم، مشخّص می‌کنیم:

گشت یکی چشمه ز سنگی جدا   غلغله‌زن چهره‌نما تیز پا

گَشت یِکی چِشمِ زِ سَنگی جُدا   غُلغُلِ زَن چِهرِ نُما تیز پا

دا	جُ	گی	سَن	زِ	مِ	چِش	کی	یِ	گَشـــت	
—	U	—	—	U	U	—	—	U	U	—
—	U	—	—	U	U	—	—	U	U	—
پا	تیـــز		ما	نُ	رِ	چه	زَن	لِ	غُ	غُل

نباشی بس ایمن به بازوی خویش   خورد گاو نادان ز پهلوی خویش

نَباشی بَسیمِن بِ بازویِ خیش   خُرَد گاوِ نادانْ ز پَهلویِ خیش

خیش	یِ	زو	با	بِ	مِن	سی	بَ	شی	با	نَ
—	U	—	—	U	—	—	U	—	—	U
—	U	—	—	U	—	—	U	—	—	U
خیش	یِ	لو	پَهـ	زِ	دان	نا	وِ	گا	رَد	خُ

توجّه: هجای پایانی مصراع را همیشه بلند در نظر می‌گیریم، حتّی اگر هجای کوتاه یا کشیده باشد. مانند «خیش» در بیت قبل که در اصل هجای کشیده است، ولی چون آخرین هجای مصراع است، هجای بلند در نظر گرفتیم.

توجّه: رسیدن به وزن شعر چندین مرحله دارد، مثلاً خود تقطیع هجایی در هر مصراع ۱۰ تا ۱۶ مرحله دارد. لذا کوچک‌ترین اشتباه در محل قرار دادن هجاها، ممکن است تمام زحمت ما را بر باد بدهد. برای جلوگیری از این اشتباه توصیه می‌شود، در ابتدای کار و روزهای آغازین و قبل از راه افتادن دستتان، از خانه‌های هجایی استفاده کنید.

بیـــا تـــا برآریـــم دستـــی ز دل   کـــه نتـــوان بـــرآورد فـــردا ز گل

بِیـــا تـــا بَراریـــم دَستـــی زِ دِل   کِ نَتـــوانْ بَـــراوَرد فَـــردا زِ گِـــل

دِل	زِ	تی	دَس	ریـــم		را	بَ	تا	یا	بِ
—	U	—	—	U	—	—	U	—	—	U
—	U	—	—	U	—	—	U	—	—	U
گِل	زِ	دا	فَر	وَرد		را	بَ	وان	نَت	کِ

توجّه: نکته‌ی مهمی که در این روش باید به آن دقّت کنیم، این است که هر هجا در یک خانه قرار می‌گیرد، ولی هجای کشیده را طوری می‌نویسیم که قسمت آخر آن، در خانه‌ی بعدی جای بگیرد. (هجای کشیده از نظر امتداد، برابر با یک هجای بلند و یک هجای کوتاه است.)

توجّه: معمولاً هجاهای دو مصراع از نظر کمّی (تعداد) و کیفی (نوع) برابرند، مگر این‌که اختیار شاعری وجود داشته باشد که در فصول بعد به آن اشاره خواهم کرد.

نکته: برای این‌که مطمئن شویم همه هجاها را نوشتیم، بهتر است شعر را، یک بار از روی هجاها بخوانیم. با این روش از صحّت خط عروضی هم مطمئن می‌شویم.

نکته مهم: اصل بر این است که تعداد و نوع هجاهای دو مصراع دقیقاً با هم منطبق باشند، پس در صورت بروز اختلاف، یک بار عملکرد خود را بررسی کنید، ممکن است شما به هر دلیل اعمّ از حواس‌پرتی و یا هر دلیل دیگر، اشتباه کرده باشید، در این فرصت می‌توانید آن اختلافِ ناشی از اشتباه را تصحیح کنید. ولی اگر شما درست عمل کرده باشید، اختلاف به دلیل استفاده از اختیارات شاعری است و باید از آن جهت بررسی کنید. به تقطیع بیت زیر توجّه کنید.

دید پر روغن و دکان و جامه چرب | بر سرش زد گشت طوطی کل ز ضرب

دید پُر رُوغَن دُکّانُ جامِ چَرب | بَر سَرَش زَد گَشت طوطی کَل زِ ضَرب

دیـــد		پُر	رو	غن	دُک	کا	نُ	جا	مِ	چَرب
—	U	—	—	—	—	—	U	—	U	—
—	U	—	—	—	U	—	—	—	U	—
بَر	سَ	رَش	زَد	گَشــــت		طو	طی	کَل	زِ	ضَرب

ما در دو ستون اختلاف داریم. ستون ششم و هشتم. گفتیم که ابتدا به تقطیع خودمان شک می‌کنیم و سریع آن را بررسی می‌کنیم. پس از بررسی متوجّه می‌شویم که واژه «دُکان» را به اشتباه مشدّد خوانده‌ایم و «دّ» را به اشتباه «دُک» نوشته‌ایم و اختلاف هجایی، ناشی از اشتباه ماست. آن را اصلاح می‌کنیم. در مورد خانه هشتم مطمئن می‌شویم که همه مراحل را درست رفته‌ایم و درست نوشته‌ایم ولی هنوز علامت هجاها متفاوت است. در این مرحله در می‌یابیم که این اختلاف، به دلیل استفاده شاعر از اختیار شاعری است.

پس زمانی اختلاف هجا را به اختیار شاعری مؤکول می‌کنیم که از تقطیع هجایی و مراحل قبل آن مطمئن باشیم.

توجّه: اختلافِ نوع هجا، اختیار شاعریِ پرکاربردی است و بسیار پیش می‌آید. ولی تفاوت در تعداد هجا، فقط در یک حالت پیش می‌آید و آن زمانی است که شاعر به جای دو هجای کوتاه، یک هجای بلند آورده باشد، مانند مواردی که پایان یک مصراع به صورت « U U — » و پایان مصراع دیگـــری به صورت « — — » باشد. در غیـــر این صورت، اختلاف تعداد هجا، ناشی از اشتباه ماست. (در واقع یکی از اختیارات شاعری، آوردن یک هجای بلند به جای دو هجای کوتاه است که در چند رکن به وجود می‌آید. به اختیار شاعری ابدال مراجعه کنید.)

تو به سیمای شخص می‌نگری | ما در آثار صُنع حیرانیم

تُ بِ سیمای شَخص مِی‌نِگَری | ما دراثارِ صُنع حِیرانیم

تُ	بِ	سی	ما	ی	شَخـ	ص	می	نِ	گَ	ری
U	U	—	—	U	—	U	—	U	U	—
—	U	—	—	U	—	U	—	—		—
ما	دَ	را	ثا	رِ	صُن	ع	حِی	را		نیم

در این بیت، بعد از مشاهده اختلاف تعداد هجا، سریع عملکرد خود را بررسی می‌کنیم. همه چیز درست انجام شده است. در می‌یابیم این اختلاف مربوط به اختیارات شاعری است. به این صورت که «به جای دو هجای کوتاه، در مصراع دیگر، یک هجای بلند» آمده است.

تمرین: ابیات زیر را به خط عروضی بنویسید و تقطیع هجایی کنید.

۲۵ - جمله حیوانات وحشی ز آدمی / باشد از حیوان انسی در کمی
۲۶ - بفکن ز پی این اساس تزویر / بگسل ز هم این نژاد و پیوند
۲۷ - دگر روز باز اتّفاق اوفتاد / که روزی رسان قوت روزش بداد
۲۸ - پرورش‌آموز درون پروران / روز برآرنده‌ی روزی‌خوران
۲۹- ای ضیاءالحق حسام الدّین راد / که فلک و ارکان چو تو شاهی نزاد
۳۰ - بود بقّالی و وی را طوطی‌ای / خوش نوایی سبز گویا طوطی‌ای
۳۱ - ای خطبه‌ی تو تبارک الله / فیض تو همیشه بارک الله
۳۲ - ای تو به صفات خویش موصوف / ای نهی تو منکر، امر معروف
۳۳ - حبیب خدای جهان‌آفرین / نگه کرد بر روی مردان دین
۳۴ - آمد نوروز هم از بامداد / آمدنش خرّم و فرخنده باد
۳۵ - کیست در این دیرگه دیرپای / کاو «لِمَن المُلک» زند جز خدای
۳۶ - دستکش کس نیم از بهر گنج / دستکشی می‌خورم از دسترنج
۳۷ - تأمّل کنان در خطا و صواب / به از ژاژخایان حاضر جواب
۳۸ - چرا گوید آن چیز در خفیه مرد / که گر فاش گردد شود روی‌زرد
۳۹ - چو دیدند کاوصاف و خلقش نکوست / به طبعش هواخواه گشتند و دوست
۴۰ - ما گدایان خیل سلطانیم / شهربند هوای جانانیم
۴۱ - تو به سیمای شخص می‌نگری / ما در آثار صنع حیرانیم
۴۲ - دل سراپرده محبّت اوست / دیده آیینه‌دار طلعت اوست
۴۳ - من و دل گر فدا شدیم چه باک / غرض اندر میان سلامتِ اوست
۴۴ - من بیچاره گردن به کمند / چه کنم گر به رکابش نروم
۴۵ - گر به عقلم سخنی می‌گویند / بیم آن است که دیوانه شوم
۴۶ - من از اینجا به ملامت نروم / که من اینجا به امیدی گروم
۴۷ - همه گو باد ببر خرمن عمر / دو جهان بی تو نیرزد دو جوم

Ahmadi63amoozesh.com
@ahmadi63amoozesh
@aboozarahmadi63

بیت ۲۵	جمله حیوانات وحشی زآدمی باشد از حیوان انسی در کمی										
خط عروضی مصراع اول	جُـمـلِ حِـیـوانـاتِ وَحـشـی زادَمی										
هجاهای مصراع اول	جُم	لِ	حِی	وا	نا	تِ	وَح	شی	زا	دَ	می
علامت هجایی مصراع اول	—	U	—	—	—	U	—	—	—	U	—
اختلاف هجاهای رو به روی هم											
علامت هجایی مصراع دوم	—	U	—	—	—	U	—	—	—	U	—
هجاهای مصراع دوم	با	شَ	دَز	حِی	وا	نِ	اِن	سی	دَر	کَ	می
خط عروضی مصراع دوم	باشَدَز حِـیـوانِ اِنـسی دَر کَـمی										

بیت ۲۶	بفکن زپی این اساس تزویر بگسل ز هم این نژاد و پیوند										
خط عروضی مصراع اول	بِـفکَـن زِپِـیـیـن اَساسِ تَـزویر										
هجاهای مصراع اول	بِف	کَن	زِ	پِ	یین	ءَ	سا	سِ	تَز	ویر	
علامت هجایی مصراع اول	—	—	U	U	—	U	—	U	—	—	
اختلاف هجاهای رو به روی هم											
علامت هجایی مصراع دوم	—	—	U	U	—	U	—	U	—	—	
هجاهای مصراع دوم	بُگ	سَل	زِ	هَـ	مین	نِ	ژا	دُ	پِی	وَند	
خط عروضی مصراع دوم	بُـگسَـل زِهَـمـیـن نـژادُ پـیـوَنـد										

بیت ۲۷	دگر روز باز اتّفاق اوفتاد که روزی رسان قوت روزش بداد										
خط عروضی مصراع اول	دِگـــر روز بازِتـتِــفـــاقـــوفـــتـــاد										
هجاهای مصراع اول	دِ	گر	رو	ز	با	زِت	تِ	فا	قو	فَ	تاد
علامت هجایی مصراع اول	U	—	—	U	—	—	U	—	—	U	—
اختلاف هجاهای رو به روی هم											
علامت هجایی مصراع دوم	U	—	—	U	—	—	U	—	—	U	—
هجاهای مصراع دوم	کِ	رو	زی	رِ	سا	قو	تِ	رو	زَش	بِ	داد
خط عروضی مصراع دوم	کِ روزی رِســان قـــوتِ روزَش بـــداد										

بیت ۲۸	پرورش‌آموز درون‌پروران روز برآرنده روزی‌خوران										
خط عروضی مصراع اول	پَـروَرِشـامـوزِ دَرون پَـروَران										
هجاهای مصراع اول	پَر	وَ	رِ	شا	مو	زِ	دَ	رو	پَر	وَ	ران
علامت هجایی مصراع اول	—	U	U	—	—	U	U	—	—	U	—
اختلاف هجاهای رو به روی هم											
علامت هجایی مصراع دوم	—	U	U	—	—	U	U	—	—	U	—
هجاهای مصراع دوم	رو	زِ	بَ	را	رَن	دِ	یِ	رو	زی	خَ	ران
خط عروضی مصراع دوم	روز بَــرارَنـدِ یِ روزی خُــران										

بیت ۲۹	ای ضیاء الحق حسام الدّین راد که فلک و ارکان چو تو شاهی نزاد										
خط عروضی مصراع اول	اِی ضِـیـاءُلـحَـــق حُـســامُـد دیـن راد										
هجاهای مصراع اول	اِی	ضِ	یا	ءُل	حَق	حُ	سا	مُد	دی	نِ	راد
علامت هجایی مصراع اول	—	U	—	—	—	U	—	—	—	U	—
اختلاف هجاهای رو به روی هم											
علامت هجایی مصراع دوم	U	U	—	—	—	U	U	—	—	U	—
هجاهای مصراع دوم	کِ	فَ	لَک	وَر	کا	چُ	تُ	شا	هی	نَ	زاد
خط عروضی مصراع دوم	کِ فَـلَـک وَرکـان چُ تُ شـاهی نَـزاد										

بیت ۳۰	بود بقّالی و وی را طوطی‌ای خوش‌نوایی سبز گویا طوطی‌ای										
خط عروضی مصراع اول	بـود بَـقـقـالـی یُ وِی را طـوطـی‌ای										
هجاهای مصراع اول	بو	د	بَق	قا	لی	یُ	وِی	را	طو	طی*	ای
علامت هجایی مصراع اول	—	U	—	—	—	U	—	—	—	—	—
اختلاف هجاهای رو به روی هم											
علامت هجایی مصراع دوم	—	U	—	—	—	U	—	—	—	—	—
هجاهای مصراع دوم	خُش	نَ	وا	یی	سَبـ	ز	گو	یا	طو	طی*	ای
خط عروضی مصراع دوم	خُـش نَـوایـی سَـبـز گـویـا طـوطـی‌ای										

بیت ۳۱	ای خطبه‌ی تو تبارک الله فیض تو همیشه بارک الله										
خط عروضی مصراع اول	اِی خُـطـبِ یِ تُ تَـبـارَکَـلـلـاه										
هجاهای مصراع اول	اِی	خُط	بِ	یِ	تُ	تَ	با	رَ	کَل	لاه	
علامت هجایی مصراع اول	—	—	U	U	U	U	—	U	—	—	
اختلاف هجاهای رو به روی هم											
علامت هجایی مصراع دوم	—	U	U	U	—	U	—	U	—	—	
هجاهای مصراع دوم	فِی	ضِ	تُ	هَـ	می	شِ	با	رَ	کَل	لاه	
خط عروضی مصراع دوم	فِـیـضِ تِ هَـمـیـشِ بـارَکَـلـلـاه										

بیت ۳۲	ای تو به صفات خویش موصوف ای نهی تو منکر، امر معروف										
خط عروضی مصراع اول	اِی تُ بِ صِـفـاتِ خـیـشِ مُـوصـوف										
هجاهای مصراع اول	اِی	تُ	بِ	صِ	فا	تِ	خیـ	ش	مُو	صوف	
علامت هجایی مصراع اول	—	U	U	U	—	U	—	U	—	—	
اختلاف هجاهای رو به روی هم											
علامت هجایی مصراع دوم	—	—	U	U	—	U	—	U	—	—	
هجاهای مصراع دوم	اِی	نَهـ	یِ	تُ	مُن	کَ	رَمـ	ر	مَع	روف	
خط عروضی مصراع دوم	اِی نَـهـیِ تُ مُـنـکَـرَمـر مَـعـروف										

بیت ۳۳	حبیب خدای جهان آفرین نگه کرد بر روی مردان دین										
خط عروضی مصراع اول	حَـبـیـبِ خُـدایِ جَـهـان آفَـریـن										
هجاهای مصراع اول	حَ	بی	بِ	خُ	دا	یِ	جَ	هان*	آ	فَ	رین
علامت هجایی مصراع اول	U	—	U	U	—	U	U	—	—	U	—
اختلاف هجاهای رو به روی هم											
علامت هجایی مصراع دوم	U	—	—	U	—	—	U	—	—	U	—
هجاهای مصراع دوم	نِ	گه	کَر	د	بَر	رو	یِ	مَر	دا	نِ	دین
خط عروضی مصراع دوم	نِـگَـه کَـرد بَـر رویِ مَـردانِ دیـن										

بیت ۳۴	آمد نوروز هم از بامداد آمدنش خرّم و فرخنده باد										
خط عروضی مصراع اول	آمَـد نُـوروز هَـمَـز بـامـداد										
هجاهای مصراع اول	آ	مَد		نُو	رو	ز	هَ	مَز	با	م	داد
علامت هجایی مصراع اول	—	—		—	—	U	U	—	—	U	—
اختلاف هجاهای رو به روی هم											
علامت هجایی مصراع دوم	—	U	U	—	—	U	U	—	—	U	—
هجاهای مصراع دوم	آ	مَ	دَ	نَش	خُر	رَ	مُ	فَر	خَن	دِ	باد
خط عروضی مصراع دوم	آمَـدَنَـش خُـررَمُ فَـرخَـنـدِ بـاد										

Ahmadi63amoozesh.com

بیت ۳۵	کیست در این دیرگـــه دیـرپای کـو «لِمَن المُلـک» زند جـز خدای									
خط عروضی مصراع اول	کـیـسـت دَریـن دِیـرگَـهِ دیـرپـای									
هجاهای مصراع اول	کیـ	ست	دَ	ری	دِیـ	ر	گَ	هِ	دیـ	ر	پای
علامت هجایی مصراع اول	—	U	U	—	—	U	U	U	—	U	—
اختلاف هجاهای رو به روی هم											
علامت هجایی مصراع دوم	—	U	U	—	—	U	U	—	—	U	—
هجاهای مصراع دوم	کو	لِ	مَ	نُل	مُلـ	ک	زَ	نَد	جُز	خُ	دای
خط عروضی مصراع دوم	کـو لِـمَـنُـلـمُـلـک زَنَـد جُـز خُـدای									

بیت ۳۶	دستکش کس نیــم از بهـر گنـج دستکشــی می‌خورم از دستــرنج									
خط عروضی مصراع اول	دَسـتـکِـشِ کَـس نِـیَـمَـز بَـهـرِ گَـنـج									
هجاهای مصراع اول	دَسـ	ت	کِ	شِ	کَس	نِ	یَ	مَز	بَهـ	رِ	گَنج
علامت هجایی مصراع اول	—	U	U	U	—	U	U	—	—	U	—
اختلاف هجاهای رو به روی هم											
علامت هجایی مصراع دوم	—	U	U	—	—	U	U	—	—	U	—
هجاهای مصراع دوم	دَسـ	ت	کِ	شی	می	خُ	رَ	مَز	دَسـ	ت	رَنج
خط عروضی مصراع دوم	دَسـت کِـشـی می خُـرَمَـز دَسـتـرَنـج									

بیت ۳۷	تأمّـل کنـان در خطـا و صـواب بـه از ژاژخـایـان حاضر جـواب									
خط عروضی مصراع اول	تَـئَـمـمُـل کُـنـان دَر خَـطـا وُ صَـواب									
هجاهای مصراع اول	تَ	ءَم	مُل	کُ	نا	دَر	خَ	طا	وُ*	صَ	واب
علامت هجایی مصراع اول	U	—	—	U	—	—	U	—	U	U	—
اختلاف هجاهای رو به روی هم											
علامت هجایی مصراع دوم	U	—	—	U	—	—	U	—	—	U	—
هجاهای مصراع دوم	بِ	هَز	ژا	ژ	خا	یا	نِ	حا	ضِر	جَ	واب
خط عروضی مصراع دوم	بِـهَـز ژاژ خـایـانِ حـاضِـر جَـواب									

بیت ۳۸	چـرا گـوید آن چیـز در خفیه مرد کـه گـر فـاش گردد شود روی‌زرد									
خط عروضی مصراع اول	چِـرا گـویَـدان چـیـز دَر خُـفـیِـ مَـرد									
هجاهای مصراع اول	چِ	را	گو	یَ	دا	چیـ	ز	دَر	خُف	یِ	مَرد
علامت هجایی مصراع اول	U	—	—	U	—	—	U	—	—	U	—
اختلاف هجاهای رو به روی هم											
علامت هجایی مصراع دوم	U	—	—	U	—	—	U	—	—	U	—
هجاهای مصراع دوم	کِ	گَر	فا	ش	گَر	دَد	شَ	وَد	رو	ی	زَرد
خط عروضی مصراع دوم	کِ گَـر فـاش گَـردَد شَـوَد روی زَرد									

بیت ۳۹	چو دیدند که اوصاف و خلقش نکوست به طبعش هواخواه گشتند و دوست									
خط عروضی مصراع اول	چُ دیـدَنـد کُـوصـافُ خُـلـقَـش نِـکـوسـت									
هجاهای مصراع اول	چُ	دی	دَنـ	د	کُو	صا	فُ	خُل	قَش	نِ	کوست
علامت هجایی مصراع اول	U	—	—	U	—	—	U	—	—	U	—
اختلاف هجاهای رو به روی هم											
علامت هجایی مصراع دوم	U	—	—	U	—	—	U	—	—	U	—
هجاهای مصراع دوم	بِ	طَب	عَش	هَـ	وا	خا	ه	گَش	تَن	دُ	دوست
خط عروضی مصراع دوم	بِ طَـبـعَـش هَـوا خـاه گَـشـتَـنـدُ دوسـت									

Ahmadi63amoozesh.com

@ahmadi63amoozesh

@aboozarahmadi63

بیت ۴۰	مـا گدایـان خیـل سلطانیـم شهـــربند هـــوای جـانانیم										
خط عروضی مصراع اول	مـا گِـدایـانِ خَـیـلِ سُـلـطـا نـیـم										
هجاهای مصراع اول	ما	گِ	دا	یا	نِ	خَیـ	لِ	سُل	طا	نیم	
علامت هجایی مصراع اول	—	U	—	—	U	—	U	—	—	—	
اختلاف هجاهای رو به روی هم											
علامت هجایی مصراع دوم	—	U	—	U	U	—	U	—	—	—	
هجاهای مصراع دوم	شَهـ	ر	بَن	دِ	هَـ	وا	یِ	جا	نا	نیم	
خط عروضی مصراع دوم	شَـهـر بَـنـدِ هَـوایِ جـانـا نـیـم										

بیت ۴۱	تو بـه سیمای شخـص می‌نگری مـا در آثـار صنـع حیـرانیم										
خط عروضی مصراع اول	تُ بِ سیـمـایِ شَـخـص مـی نِـگَـری										
هجاهای مصراع اول	تُ	بِ	سی	ما	یِ	شَخـ	ص	می	نِ	گَ	ری
علامت هجایی مصراع اول	U	U	—	—	U	—	U	—	U	U	—
اختلاف هجاهای رو به روی هم											
علامت هجایی مصراع دوم	—	U	—	—	U	—	U	—	—		—
هجاهای مصراع دوم	ما	دَ	را	ثا	رِ	صُنـ	ع	حِی	را		نیم
خط عروضی مصراع دوم	مـا دَراثـارِ صُـنـع حِـیـرا نـیـم										

بیت ۴۲	دل سراپرده محبّت اوست دیده آیینه‌دار طلعت اوست										
خط عروضی مصراع اول	دِل سَـراپَـردِیِ مُـحَـبـبَـتِ اوست										
هجاهای مصراع اول	دِل	سَ	را	پَر	دِ	یِ	مُ	حَب	بَ	تِ	اوست
علامت هجایی مصراع اول	—	U	—	—	U	U	U	—	U	U	—
اختلاف هجاهای رو به روی هم											
علامت هجایی مصراع دوم	—	U	—	—	U	—	U	—	U	U	—
هجاهای مصراع دوم	دی	دِ	آ	یی	نِ	دا	رِ	طَل	عَ	تِ	اوست
خط عروضی مصراع دوم	دیـدِ آیـیـنـِدارِ طَـلـعَـتِ اوسـت										

بیت ۴۳	من و دل گـر فدا شدیم چه باک غرض اندر میـان سلامت اوست										
خط عروضی مصراع اول	مَـنُ دِل گَـر فَـدا شُـدیـم چِ بـاک										
هجاهای مصراع اول	مَ	نُ	دِل	گَر	فَ	دا	شُ	دیـ	م	چِ	باک
علامت هجایی مصراع اول	U	U	—	—	U	—	U	—	U	U	—
اختلاف هجاهای رو به روی هم											
علامت هجایی مصراع دوم	U	U	—	—	U	—	U	—	U	U	—
هجاهای مصراع دوم	غَ	رَ	ضَن	دَر	مِ	یا	سَ	لا	مَ	تِ	اوست
خط عروضی مصراع دوم	غَـرَضَـنـدَر مِـیـا سَـلـامَـتِ اوسـت										

بیت ۴۴	من بیچاره گردن به کمند چه کنم گر به رکابش نروم										
خط عروضی مصراع اول	مَـنِ بیـچـارِیِ گَـردَن بِ کَـمَـنـد										
هجاهای مصراع اول	مَ	نِ	بی	چا	رِ	یِ	گَر	دَن	بِ	کَ	مَند
علامت هجایی مصراع اول	U	U	—	—	U	U	—	—	U	U	—
اختلاف هجاهای رو به روی هم											
علامت هجایی مصراع دوم	U	U	—	—	U	U	—	—	U	U	—
هجاهای مصراع دوم	چِ	کُ	نَم	گَر	بِ	رِ	کا	بَش	نَ	رَ	وَم
خط عروضی مصراع دوم	چِ کُـنَـم گَـر بِ رِکـابَـش نَـرَوَم										

Ahmadi63amoozesh.com

بیت ۴۵	گر به عقلم سخنی می‌گویند بیم آن است که دیوانه شوم										
خط عروضی مصراع اول	گر بِ عَقلَم سُخَنی می گویَند										
هجاهای مصراع اول	گر	بِ	عَق	لَم	سُ	خَ	نی	می	گو		یَند
علامت هجایی مصراع اول	—	U	—	—	U	U	—	—	—		—
اختلاف هجاهای رو به روی هم											
علامت هجایی مصراع دوم	—	U	—	—	U	U	—	—	U	U	—
هجاهای مصراع دوم	بی	مِ	آ	نَس	ت	کِ	دی	وا	نِ	شَ	وَم
خط عروضی مصراع دوم	بیمِ آنست کِ دیوانِ شَوَم										

بیت ۴۶	من از اینجا به ملامت نروم که من اینجا به امیدی گروم										
خط عروضی مصراع اول	مَنَزین جا بِ مَلامَت نَرَوَم										
هجاهای مصراع اول	مَ	نَ	زین	جا	بِ	مَ	لا	مَت	نَ	رَ	وَم
علامت هجایی مصراع اول	U	U	—	—	U	U	—	—	U	U	—
اختلاف هجاهای رو به روی هم											
علامت هجایی مصراع دوم	U	U	—	—	U	U	—	—	U	U	—
هجاهای مصراع دوم	کِ	مَ	نین	جا	بِ	ءُ	می	دی	گِ	رَ	وَم
خط عروضی مصراع دوم	کِ مَنین جا بِ اُمیدی گِرَوَم										

بیت ۴۷	همه گو باد ببر خرمن عمر دو جهان بی تو نیرزد دو جوم										
خط عروضی مصراع اول	هَمِ گو باد بِبَر خَرمَنِ عُمر										
هجاهای مصراع اول	هَ	مِ	گو	با	د	بِ	بَر	خَر	مَ	نِ	عُمر
علامت هجایی مصراع اول	U	U	—	—	U	U	—	—	U	U	—
اختلاف هجاهای رو به روی هم											
علامت هجایی مصراع دوم	U	U	—	—	U	U	—	—	U	U	—
هجاهای مصراع دوم	دُ	جَ	هان	بی	تُ	نَ	یَر	زَد	دُ	جُ	وَم
خط عروضی مصراع دوم	دُ جَهان بی تُ نَیَرزَد دُ جُوَم										

تست فصل پنجم

تست ۸۶ علامت هجایی کدام مصراع نادرست است؟

۱) دیگر چه برگ باشد درویش بی‌نوا را (— — U — U — — — — U — U — —)

۲) هر آن‌که با رخ منظور ما نظر دارد (U — U — UU — — U — U — — —)

۳) سرو را قامت خوب است و قمر را رخ زیبا (— U — — UU — — UU — — UU — —)

۴) نه مردی گر به شمشیر از جفای دوست برگردی (U — — — U — — U— U — U — U — U — — — —)

تست ۸۷ در تقطیع بیت زیر چند علامت هجایی وجود دارد؟

«در زبان‌آوری مکوش که چرخ   سرت اندر سر زبان نکند»

۱) بیست   ۲) بیست‌ویک   ۳) بیست‌ودو   ۴) بیست‌وسه

تست ۸۸ تعداد هجای کدام مصراع نادرست است؟

۱) هرگز نشان ز چشمه‌ی کوثر شنیده‌ای (۱۴هجا)

۲) هیچ کس عیب هوس باختن ما نکند (۱۴ هجا)

۳) وه که گر من باز بینم روی یار خویش را (۱۳ هجا)

۴) بیا که بر سر کویت بساط چهره‌ی ماست (۱۵ هجا)

تست ۸۹ **تقطیع هجایی کدام مصراع به‌صورت (ــ ــ ــ ــ U ــ U ــ ــ U U) می‌باشد؟**

۱) شب هجرانم آرمیدن نیست
۲) چاره جز پیرهن دریدن نیست
۳) ندهم دل به قد و قامت سرو
۴) که مرا در جهان نظیر تو نیست

تست ۹۰ **تقطیع هجایی کدام مصراع به‌صورت (ــ U ــ U ــ ــ U U ــ U ــ U ــ ــ) نمی‌باشد؟**

۱) ما را دگر به سرو بلند اختیار نیست
۲) هرگز حسد نبرده و حسرت نخورده‌ام
۳) بیداد و داد و رد و قبول اختیار اوست
۴) ای یار آشنا علم کاروان کجاست؟

تست ۹۱ **در بیت زیر چند هجای کوتاه وجود دارد؟**

«چه فتنه بود که حسن تو در جهان انداخت — که یک دم از تو نظر بر نمی‌توان انداخت»

۱) ده
۲) یازده
۳) دوازده
۴) سیزده

تست ۹۲ **در بیت زیر به ترتیب چند هجای کوتاه و کشیده وجود دارد؟**

گر هنرمند از اوباش جفایی بیند — تا دل خویش نیازارد و درهم نشود

۱) نه ـ سه
۲) ده ـ سه
۳) نه ـ چهار
۴) ده ـ چهار

تست ۹۳ **در بیت زیر به ترتیب چند هجای کوتاه و کشیده وجود دارد؟**

«مپرس کشته‌ی شمشیر عشق را چونی — چنان‌که هر که ببیند بر او ببخشاید»

۱) ده ـ دو
۲) ده ـ سه
۳) یازده ـ دو
۴) یازده ـ سه

تست ۹۴ **کدام مصراع هجای کشیده ندارد؟**

۱) چرا و چون نرسد دردمند عاشق را
۲) دگر مپای که عمر این همه نمی‌پاید
۳) چه ارمغانی از آن به که دوستان بینی
۴) دلی چه باشد و جانی چه در حساب آید

تست ۹۵ **تقطیع هجایی کدام مصراع صحیح نمی‌باشد؟**

۱) ما به افسون کجا رویم از راه (ــ ــ ــ U ــ U ــ ــ U ــ)
۲) هر شب خیالش آید به پیشم (ــ ــ U ــ ــ ــ ــ U ــ ــ)
۳) صبح جمالش بدمید از شب گیسو (ــ ــ U U ــ U ــ U U ــ ــ U U ــ)
۴) ز پا فتادم بگیر دستم (ــ ــ U ــ U ــ ــ U ــ U)

تست ۹۶ **تقطیع هجایی کدام مصراع به‌صورت زیر نیست؟**

(ــ U ــ U ــ ــ U U ــ U ــ U ــ ــ)

۱) از کیمیای مهر تو زر گشت روی من
۲) بس نکته غیر حسن بباید که تا کسی
۳) گویند سنگ لعل شود در مقام صبر
۴) حافظ چو نافه‌ی سر زلفش به دست‌توست

تست ۹۷ **در کدام گزینه ۳ هجای کشیده وجود دارد؟**

۱) نه بوی مهر می‌شنویم از تو ای عجب — نه روی آنکه مهر دگر کس بپروریم
۲) کیست آن فتنه که با تیر و کمان می‌گذرد — وان چه تیر است که در جوشن جان می‌گذرد
۳) کسی که روی تو دیده است حال من داند — که هر که دل به تو پرداخت صبر نتواند
۴) چه کسی که هیچ‌کس را به تو بر نظر نباشد — که نه در تو باز ماند مگرش بصر نباشد

تست ۹۸ تعداد هجای کدام مصراع درست نیست؟

۱) مرو ای دوست که ما بی تو نخواهیم نشست (۱۴)
۲) گناه توست اگر وقتی بنالد ناشکیبایی (۱۶)
۳) سلسلهٔ موی دوست حلقه دام بلاست (۱۴)
۴) تو به آرام دل خویش رسیدی سعدی (۱۳)

تست ۹۹ تعداد هجای کدام مصراع کمتر است؟

۱) اثر مهر در رخش پیداست
۲) از صبا بوی روح می‌شنوم
۳) سخن باده با لبت باد است
۴) هر که بینی به جان بود قائم

تست ۱۰۰ در بیت زیر چند هجای بلند وجود دارد؟

«ز دست برد صبا گرد گل کلاله نگر — شکنج گیسوی سنبل ببین به روی سمن»

۱) دوازده ۲) سیزده ۳) چهارده ۴) پانزده

تست ۱۰۱ در بیت زیر به ترتیب چند هجای بلند و کشیده وجود دارد؟

«ساقی بیار باده که رمزی بگویمت — از سرّ اختران کهن سیر و ماه نو»

۱) چهارده - یک ۲) پانزده - یک ۳) چهارده - دو ۴) پانزده - دو

تست ۱۰۲ تقطیع هجایی مصراع «گویند سنگ لعل شود در مقام صبر» در کدام گزینه به درستی آمده است؟

۱) گو / یَند / سَن / گِ / لَعل / شَ / وَد / دَر / مَ / قا / مِ / صَبر
۲) گو / یَند / سَنگ / لَعل / شَ / وَد / دَر / مَ / قام / صَبر
۳) گو / یَند / سَن / گِ / لَعل / شَ / وَد / دَر / مَ / قام / صَبر
۴) گو / یَند / سَنگ / لَعل / شَ / وَد / دَر / مَ / قا / مِ / صَبر

تست ۱۰۳ علامت هجایی مصراع «پیمان‌شکن هرآینه گرد شکسته‌حال» با توجه به اختیارات شاعری در کدام گزینه آمده است؟

۱) (ـــ ـــ U ـــ U ـــ U U ـــ ـــ U ـــ U ـــ)
۲) (ـــ ـــ U ـــ U ـــ U U ـــ ـــ U ـــ U ـــ U)
۳) (ـــ ـــ U ـــ ـــ ـــ U U ـــ ـــ U ـــ U ـــ)
۴) (ـــ ـــ U U ـــ ـــ ـــ U ـــ ـــ U ـــ U ـــ)

تست ۱۰۴ در بیت زیر چند هجای بلند و هجای کوتاه وجود دارد؟

چون دست قدرتم به تمنّا نمی‌رسد — صبر از مراد نفس به‌ناچار می‌کنم

۱) چهارده - دو ۲) چهارده - سه ۳) پانزده - دو ۴) پانزده - سه

تست ۱۰۵ تقطیع هجایی کدام مصراع درست است؟

۱) ای تنم از پای درآورده به افسوس (ای / تَ / نَم/ اَز/ پای/ دَ / را / وَر / دِ / بِ / اَف / سوس)
۲) ما قلم در سر کشیدیم اختیار خویش را (ما / قَ / لَم / دَر / سَر / کِ / شی/ دیم/ اِخ / تِ / یا / رِ / خیش / را)
۳) منه به جان تو بار فراق بر دل ریش (مَ / نِه / بِ / جا / نِ / تُ / با / رِ / فِ / راق / بَر / دِ / لِ / ریش)
۴) تا به هر نوعی که باشد بگذرانم روز را (تا / بِ / هَر / نُ / عی / کِ / با / شَد / بُگ / ذَ / را / نَم / روز / را)

تست ۱۰۶ تقطیع هجایی کدام مصراع درست است؟

۱) مبرید نام عنبر بر زلف چون کمندش (مَ / بَ / رید / نا / مِ / عَن / بَر / بَر / زُل / فِ / چُن / کَ / مَن / دَش)
۲) به جز آه و اشک میگون نکشد دل ضعیفم (بِ / جُز / آ / هُ / اَش / کِ / مِی / گون / نَ / کَ / شَد / دِ / لِ / ضَ / عی / فَم)
۳) بروید و رخت هستی ببرید از آستانت (بِ / رَ / وی / دُ / رَخ / تِ / هَس / تی / بِ / بَ / ریم / اَ / زاس / تا / نَت)
۴) برو ای فقیه و پندم مده این زمان که مستم (بُ / رُ / وی / فَ / قی / هُ / پَن / دَم / مَ / دِ / هین / زَ / مان / کِ / مَس / تَم)

Ahmadi63amoozesh.com

تست ۱۰۷ تقطیع هجایی کدام گزینه نادرست است؟

۱) نه خرقه‌پوشم که باده‌نوشم (— — U — U — — U — U)
۲) راستی را صنما بی قد تو (— U — — — U U — — U —)
۳) عاقبت از لعل توأم کام برآید (— — U U — — U U — — U U —)
۴) ای که هر لحظه در خاطرم بگذری (— U — — U — — U — — U —)

تست ۱۰۸ مرز هجاهای کدام گزینه به درستی نیامده است؟

۱) کمال دوستی باشد مراد از دوست نگرفتن

کَ ما لِ دو س تی با شَد مُ را دَز دو ست نَگ رِف تَن

۲) هر صبحدم نسیم گل از بوستان توست

هَر صُب ح دَم نَ سی مِ گُ لَز بو س تا نُ تُست

۳) ز اندازه بیرون تشنه‌ام ساقی بیار آن آب را

زَن دا زِ بی رون تِش نِ اَم سا قی بِ یا ران آ ب را

۴) با یکی افتاده‌ام که او بگسلد زنجیر را

با یِ کی اُف تا دِ اَم کو بُگ سِ لَد زَن جیـ ر را

تست ۱۰۹ هجاهای کدام مصراع به درستی نشان داده شده است؟

۱) گه از من خار رویانی گهی گل

گَ اَز مَن خا ر رو یا نی گَ هی گُل

۲) مشنو آن را کان زبان دارد زبان

مَش نُ آن را کان زِ یان دَر دا زِ یان

۳) زحمت مده آن ساقی اصحاب درآمد

زَح مَت مَ دِ آن سا قی یِ اَص حا ب دَ را مَد

۴) باور از مات نباشد تو در آیینه نگه کن

با وَ رَز ما ت نَ با شَد تُ دَ را یی نِ نِ گه کُن

تست ۱۱۰ تقطیع هجایی کدام بیت، به شکل زیر است؟

«U — — — U — — — U — — U — — — U — — — U — —»

۱) بنازم به بزم محبت که آنجا / گدایی به شاهی مقابل نشیند
۲) من از بینوایی نی‌اَم روی‌زرد / غم بینوایان رخم زرد کرد
۳) مرا خود با تو چیزی در میان هست / و گر نه روی زیبا در جهان هست
۴) تو را خود یک زمان با ما سر صحرا نمی‌باشد / چو شمست خاطر رفتن به جز تنها نمی‌باشد

تست ۱۱۱ نشانه‌های هجایی کدام مصراع به‌صورت (U U — — U U — — U U — — U U —) می‌باشد؟

۱) در من این هست که صبرم ز نکورویان نیست
۲) دل گم‌کرده در این شهر نه من می‌جویم
۳) همه عالـم سخنم رفت و بـه گوشت نرسید
۴) نفسی وقـت بهـارم هـوس صحـرا بود

تست ۱۱۲ با در نظر گرفتن اختیارات شاعری در کدام مصراع هجای کشیده‌ی بیشتری وجود دارد؟

۱) گـر سرت مست کند بـوی حقیقـت روزی
۲) هر که دانست که منزلگه معشوق کجـاست
۳) هر که مجموع نشسته است پریشـان نرود
۴) عشـق را عقل نمی‌خواسـت کـه بیند لیکن

Ahmadi63amoozesh.com

تست ۱۱۳ نشانه‌های هجایی کدام گزینه به شکل زیر است؟

«— U U — U — U — — — U U — U — U»

۱) دل همچو سنگت ای دوست به آب چشم سعدی — عجب است اگر نگردد که بگردد آسیابی
۲) مدامم مست می‌دارد نسیم جعد گیسویت — خرابم می‌کند هر دم فریب چشم جادویت
۳) نه من بر آن گل خندان غزل سرایم و بس — که عندلیب تو از هر طرف هزارانند
۴) نه سایه دارم و نه بر، بیفکنندم و سزاست — و گر نه بر درخت تر، کسی تبر نمی‌زند

تست ۱۱۴ تقطیع هجایی کدام گزینه نادرست است؟

۱) واعظان کاین جلوه در محراب و منبر می‌کنند — — U — — — U — — — U — — — U —
۲) دلم خون شد از غصّه ساقی کجایی — — — U — — U — — U — — U
۳) جهانا عهد با من جز چنین بستی — — U U — — U U — — U U
۴) پرده برانداخت ز رخ یار نهان گشتهٔ ما — — U U — — U U — — U U — — U U —

تست ۱۱۵ هجاهای تقطیع شدهٔ زیر، علایم هجایی کدام مصراع است؟

« — — U — — — U — — — U»

۱) جهانا مرا خیره مهمان چه خواهی؟
۲) ندیدم کار دنیا را کناره
۳) مرنجان دلم را که این مرغ وحشی
۴) ای گشته جهان و خوانده دفتر

تست ۱۱۶ تقطیع هجایی کدام بیت مطابق الگوی هجایی زیر نیست؟

«— U — U — — U U — U — U — —»

۱) با خود مرا به خشم میار ای چرخ — گردن مخار ضیغم غضبان را
۲) ای نوبهار حسن بیا کان هوای خوش — بر باغ و راغ و گلشن صحرا مبارکست
۳) شیدا از آن شدم که نگارم چو ماه نو — ابرو نمود و جلوه‌گری کرد و رو ببست
۴) ای دل شباب رفت و نچیدی گلی ز عیش — پیرانه سر مکن هنری ننگ و نام را

تست ۱۱۷ تعداد هجای کشیده کدام بیت نادرست است؟

۱) گر من از دوست بنالم نفسم صادق نیست — خبر از دوست ندارد که ز خود باخبر است (۴ مورد)
۲) اوّل نظر ز دست برفتم عنان عقل — وان را که عقل رفت چه داند صواب را (۵ مورد)
۳) خنک آن درد که یارم به عیادت به سر آید — دردمندان به چنین درد نخواهند دوا را (۵ مورد)
۴) خلق را بر ناله من رحمت آمد چند بار — خود نگویی چند نالد سعدی مسکین من (۴ مورد)

تست ۱۱۸ مصراع «مدامم مست می‌دارد نسیم جعد گیسویت» چند علامت هجایی دارد؟

۱) شانزده
۲) پانزده
۳) چهارده
۴) سیزده

Ahmadi63amoozesh.com

فصل ششم

قافیه

یکی دیگر از بایسته‌های شعر که بر بار موسیقایی و خوش‌آهنگی آن می‌افزاید «**قافیه**» است. قافیه به زیبایی شعر می‌افزاید و گوش را نوازش می‌دهد.

در مبحث قافیه به موارد مقابل می‌پردازیم: ۱ - قافیه ۲ – ردیف ۳ - حروف قافیه (حرف یا حروف اصلی، حرف یا حروف الحاقی، حرف یا حروف مشترک) ۴ – قواعد قافیه ۵ – قافیه درونی ۶ – ذوقافیتین ۷ - قافیه در شعر نو

۱- قافیه: واژه‌هایی که حرف یا حروف آخر آن‌ها مشترک است و در پایان هر دو مصراع یا مصراع‌های دوم بعضی از قوالب شعری قرار می‌گیرند.

هزار جهد بکردم که سرِّ عشق بپوشم — نبود بر سر آتش میسّرم که نجوشم
به هوش بودم از اوّل که دل به کس نسپارم — شمایل تو بدیدم، نه صبر ماند و نه هوشم

۲- ردیف: کلمه یا کلماتی که بعد از واژه قافیه، عیناً (ازنظر لفظ و معنا) تکرار می‌شود.

گل بی رخ یار خوش نباشد — بی باده بهار خوش نباشد
طرف چمن و طواف بستان — بی لاله‌عذار خوش نباشد

توجّه: کلمات یکسان در پایان ابیات، اگر معنای متفاوت داشته باشند «ردیف» محسوب نمی‌شوند و خود «قافیه» می‌باشند.

گلاب است گویی به جویش روان — همی زنده گردد ز بویش، روان
روان: رونده، صفت فاعلی — روان: روح آدمی

۳- **حروف قافیه:** حرف یا حروف مشترکی که در پایان واژه‌های قافیه می‌آید.

ما، درِ خلوت به روی خلق ببَستیم — از همه باز آمدیم و با تو نشَستیم

«ـَ ستیم» در بیت فوق حروف مشترک واژه‌های قافیه است.

توجّه: کتاب‌های نظام جدید توضیحی درباره حروف مشترک قافیه نداده است در حالی‌که دانستن حروف اصلی و حروف الحاقی بسیار حائز اهمیت است. شایان ذکر است که قافیه ممکن است الحاقیّاتی داشته باشد که جزء خود کلمه نباشند و به واژه‌ی قافیه اضافه‌شده باشند. مانند شناسه «یم» در بیت فوق.

به مجموع حروف اصلی و حروف الحاقی، «حروف مشترک» قافیه می‌گویند.

به این وابسته‌ها و حروفی که به اصل واژه قافیه، اضافه شده‌اند «حرف الحاقی» می‌گویند.

به حروف مشترک خودِ واژه‌های قافیه «حروف اصلی» می‌گویند.(حروف اصلی: حروف مشترک منهای حروف الحاقی)

واژه‌های قافیه: ببَستیم و نشَستیم؛ حروف مشترک «ـَ ستیم»؛ حروف اصلی «ـَ ست» و حروف الحاقی «یم».

Ahmadi63amoozesh.com

بیا، بیا که مرا با تـو ماجرایی هست / بگـو اگر گُنهی رفت و گر خطایی هست

واژه‌های قافیه: ماجرایی، خطایی — حروف مشترک: «ایی»

حروف الحاقی: «یی» — حروف اصلی: «ا »

توجّه: مشخّص است اگر واژه‌های قافیه، حرف یا حروف الحاقی نداشته باشند، حروف مشترک و حروف اصلی یکسان خواهند بود.

توجّه: حروف مشترک را از آخرین مصوّت اصل کلمه قافیه به بعد در نظر می‌گیریم. مثلا اگر دو کلمه «قامَتی و ندامَتی» هم‌قافیه شدند، حروف مشترک آن‌ها «ـَ تی » و یا اگـر دو کلمـه « جفایی و وفایی» با هم قافیه شدند، حروف مشترک آن‌ها «**ایی**» می‌باشد.

۴- قواعد قافیه: قواعد قافیه ۲ نوع می‌باشند و می‌توان گفت مهمترین قسمت مبحث قافیه این مبحث است.

قاعده۱: برای قافیه شدن ۲ واژه، اشتراک چند واج لازم است، ولی طبق «قاعده ۱» هـر کدام از **مصوّت‌های بلند** « ا » یا « و » به تنهایی می‌توانند اساس قافیه قرار بگیرند.

بـه ملازمان سلطان که رساند این دعا را / که بـه لطـف پادشاهی، ز نظر مَران گدا را

ردیف: «را» — واژه‌های قافیه: «دعا» و «گدا»

حروف مشترک: « ا » — حروف الحاقی: ندارند

حروف اصلی: « ا » — قاعده: ۱

ای چشم تو، دل‌فریب و جادو / در چشم تو، خیره، چشم آهو

ردیف: ندارد — واژه‌های قافیه: «جادو» و «آهو»

حروف مشترک: « و » — حروف الحاقی: ندارند

حروف اصلی: « و » — قاعده: ۱

همان‌طور ملاحظه می‌شود. حروف مشترک دو بیت فوق **فقط یک واج** است.

قاعده۲: یک مصوّت با یک یا دو صامت بعد از خود، قافیه می‌سازد.

اگر واژه‌های قافیه به مصوّت‌های بلند « ا » و « و » (یعنی قاعده ۱) ختم نشوند، حروف اصلی باید در مصوّت پایانی و صامت‌های بعد از آن یکسان باشند، تا دو کلمه بتوانند هم‌قافیه شوند.

بگذار تا مقابل روی تو بگذَریم / دزدیده در شمایل خوب تو بنگَریم

ردیف: ندارد — واژه‌های قافیه: «بگذَریم» و «بنگَریم»

حروف مشترک: « ـَ ریم» — حروف الحاقی: «یم»

حروف اصلی: « ـَ ر» — قاعده: ۲

همان‌طور که مشاهده می‌شود حروف مشترک « ـَ ر» می‌باشد، یعنی یک مصوّت و یک صامت بعد آن، یکسان هستند.

شب فـراق که داند که تا سحر چند است؟ / مگر کسی کـه به زندانِ عشق، دربند است

ردیف: «است» — واژه‌های قافیه: «چند» و «بند»

حروف مشترک: « ـَ ند» — حروف الحاقی: ندارند

حروف اصلی: « ـَ ند» — قاعده: ۲

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، حروف مشترک « ـَ ند» می‌باشد. یعنی یک مصوّت و دو صامت بعد آن، یکسان هستند.

تبصره : به آخر واژه‌های قافیه ممکن است حرف یا حروفی الحاق شود. حروف الحاقی نیز جزء حروف مشترک قافیه‌اند و رعایت آن‌ها الزامی است.

ای پادشه خوبـان، داد از غـم تنهایی / دل بی تو به جـان آمد وقت است که باز آیی

«ا + یی » حروف قافیه: « ا » حرف اصلی (طبق قاعده ۱) و « یی » حروف الحاقی.

حروف الحاقی را بشناسیم

شناسه‌ها، ضمایر متصل، پسوندها، مخفّف صیغه‌های زمان حال بودن (ـَم ، ی ، یم ، ید ، ـَ ند) و « ی » آخر بعضی واژه‌های مختوم به «ا» و «و» مثلا در واژه‌های «خدای»، «جای»، «موی» و بوی».

نکته بسیار مهم : دو واژه قافیه، در صورت داشتن حروف الحاقی باید، الحاقیات مشترکی داشته باشند. مثلا **نمی‌توانیم** دو واژه «دستان و مستها» را قافیه کنیم.

نکته: در قاعده ۲، مصوّت هر دو واژه قافیه باید یکسان باشد، ولی اگر واژه‌های قافیه الحاقی داشته باشند، مصوّت می‌تواند متفاوت باشد.

چنانچه در مثال زیر مصوّت‌های قافیه‌سازِ واژه‌های قافیه متفاوت است.

آمدمت که بنگرم، باز نظر به خود کنم سیر نمی‌شود نظر، بس که لطیف منظَری
گفتم اگـر نبینمت، مِهر فرامُشم شود می‌روی و مقابلی، غایب و در تصوُّری

نکته بسیار مهم: قاعده ۱ و ۲ مربوط به حروف اصلی قافیه است. یعنی پس از جدا کردن حروف الحاقی، حروف مشترک دو واژه قافیه باید طبق یکی از دو قاعده فوق باشد. یکی از غلط‌های بسیار رایج قافیه، زمانی است که شاعر فقط الحاقی‌ها را یکسان آورده و در صورت حذف الحاقیات، دو واژه قافیه حروف مشترک برای قافیه‌شدن را طبق هیچ کدام از دو قاعده قافیه ندارند.

دیدار تـو حلّ مشکلات است صبر از تو خلاف ممکنات است
در این زمانه بتی نیست از تو نیکوتر نـه بر تو بر شمنی از رهیت مشفق‌تر
شب سیاه بدان زلفکان تـو ماند سپید روز به پاکی رخان تـو ماند

نکته: قافیه مبحثی شنیداری است ولی شکل نوشتاری حروف قافیه نیز باید مشابه و همسان باشد. لذا هم‌قافیه کردن کلماتی مانند: «عزیز و حضیض» «بساط و حیات» «گناه و مزاح» و ... صحیح نمی‌باشد.

توجّه: با توجّه به اینکه این جزوات در اختیار شاعران و دیگر علاقه‌مندان ادبیّات فارسی قرار می‌گیرد، ذکر این نکته ضروری است که؛ در شعر امروز این قافیه خطی گاه رعایت نشده است. ولی برای کنکور و امتحان، قوانین شعر کلاسیک ملاک است نه قوانینی که شعر مُدرن و پُس‌مُدرن به ارمغان آورده‌اند.

۵- قافیه درونی: بعضی شاعران برای غنی‌تر کردن موسیقی شعر، گاه در درون مصرع‌ها نیز قافیه می‌آورند.

مرده بدم زنده شدم، گـریه بدم خنده شدم دولت عشق آمد و مـن، دولت پاینده شدم

در بیت فوق، قافیه‌های الزامی برای شعر دو واژه «خنده» و «پاینده» می‌باشند. ولی شاعر برای افزایش موسیقی، مصراع اول را ۲ پاره کرده است و با آوردن واژه «زنده» یک قافیه درونی و غیرضروری ساخته است.

به ابیاتی از غزل زیبای سعدی توجّه کنید.

ای سـاربـان آهسـتـه ران، کآرام جـانـم مـی‌رود و آن دل که بـا خود داشتم، با دلستانم می‌رود
من مانـده‌ام مـهـجور از او، بیچاره و رنجور از او گویی که نیشی دور از او، در استخوانم می‌رود
گفتم به نیرنگ و فسون، پنهان کنم ریش درون پنهـان نمی‌ماند که خون، بـر آسـتـانم می‌رود
مـحـمل بـدار ای ساروان، تندی مکن با کاروان کز عشـــق آن سـرو روان، گویی روانم می‌رود
او مـی‌رود دامـن‌کـشان، من زهر تنهایی چشان دیگر مپرس از من نشان، کز دل، نشانم می‌رود

در شعر فوق واژه‌ی «جانم، دلستانم، استخوانم، آستانم، روانم و نشانم» قافیه می‌باشند. سعدی برای افزودن موسیقی شعر، علاوه بر قافیه‌های فوق، کلمات دیگری را با یکدیگر هم‌قافیه کرده است که الزامی بر آن نبوده است. این قافیه‌های غیرِ ضروری را «قافیه درونی» می‌گویند.

توجّه: کتاب‌های نظام جدید، قافیه درونی و قافیه میانی را یکسان در نظر گرفته و با عنوان «قافیه درونی» آورده‌اند.

Ahmadi63amoozesh.com

۶ – ذوقافیتین: بعضی از شاعران برای افزودن موسیقی شعر، دو کلمه پایانی هر دو مصراع را هم‌قافیه کرده‌اند. این ابیات را «ذوقافیتین» می‌گویند.

گُزید از غنیمت ظرایف بسی — کـزان سان نبیند طرایف کسی

برای سالم بودن قافیه بیت فوق، وجود دو واژه‌ی «بسی» و «کسی» کافی بود. ولی شاعر برای افزایش موسیقی، واژگان قبلی آن‌ها (ظرایف و طرایف) را نیز هم‌قافیه کرده است.

توجّه: قافیه اصلی در ابیات ذوقافیتین، واژه‌های آخری مصراع‌هاست (یعنی: بسی و کسی).

توجّه: در ابیاتی که ذوقافیتین هستند، گاه یک واژه یکسانی بین قافیه‌ها می‌آید. چنانکه واژه «داری» در رباعی زیر. این واژه را «حاجب» می‌گویند.

ای شاه زمین بر آسمان داری تخت — سست است عـدو تا تو کمان داری سخت
حمله سبک آری و گران داری رخت — پیری تو به تدبیر و جوان داری بخت

نکته مهم: گاه شاعر با آوردن ردیف، کلماتی مانند «فریاد، افتاده، نگشاده، باد، آزاد و ...» را با هـم، هم‌قافیه می‌کند. چنانکه حافظ در غزل زیر این واژگان را با هم به عنوان قافیه آورده است.

بـرو به کار خود ای واعظ این چه فریاد است — مـرا فتاد دل از ره تو را چه افتاده است
میان او که خدا آفریده است از هیچ — دقیقه‌ای است که هیچ آفریده نگشاده است
به کام تا نرساند مـرا لبش چون نای — نصیحت همه عالم به گوش من باد است
گدای کوی تو از هشت خلد مستغنی است — اسیر عشق تو از هر دو عالم آزاد است

سعدی نیز در شعری کلماتی مشابه را به این صورت هم‌قافیه کرده است.

شب فـراق که داند که تا سحر چند است — مگر کسی کـه به زندان عشق در بند است
گرفتم از غم دل راه بوستان گیرم — کدام سـرو به بالای دوست مانند است
بیا که بر سر کویت بساط چهره ماست — به جـای خاک که در زیر پایت افکنده است
خیال روی تو بیخ امید بنشانده است — بلای عشق تو بنیاد صبر برکنده است

توجّه: این حالت می‌تواند برای ترکیباتی مانند «دیده است و بید است و ...» پیش بیاید. وجود ردیف با همزه آغازین الزامی است!

نکته: گاه شاعر کلماتی را با هم هم‌قافیه می‌کند که امروزه ممکن است، یکی از آن کلمات را نادرست تلفّظ شود. مثلا واژه «عید» را، امروزه بیشتر به صورت «عِید» تلفّظ می‌کنند. دقّت داشته باشید که مثلا واژه‌ی «عید» در شعر کلاسیک ما با کلماتی مانند «بید و سعید و سپید و ...» هم‌قافیه می‌شود نه با کلماتی مانند «صِید». به بیت زیر از سعدی توجّه کنید.

به روز همایـون و سال سعید — به تاریخ فرّخ میان دو عید
شنیدم که وقتی سحرگاه عید — ز گرمابه آمد برون بایزید
چو عاصی تُرش کرده روی از وعید — چو ابروی زندانیان روز عید

۷- قافیه در شعر

قافیه در شعر نو محدودیّت‌های شعر کهن را ندارد و شاعر خود را اسیر قافیه نمی‌کند، بلکه معمولاً در هر بخش سروده، دو یا چند مصرع یا سطر قافیه‌دار به کار گرفته می‌شود.

از تهی سرشار،

جویبار لحظه‌ها جاری است.

چون سبوی تشنه کاندر خواب بیند آب، و اندر آب بیند سنگ،

دوستان و دشمنان را می‌شناسم من

زندگی را دوست می‌دارم

مرگ را دشمن

وای، امّا با که باید گفت این؟ من دوستی دارم

که به دشمن خواهم از او التجا بردن

جویبار لحظه‌ها جاری

چند نکته مهم

نکته بسیار مهم: مصوّت بلند «ی» و مصوت کوتاه ـِ کـه بـه صورت «ه» در پایان کلمـات می‌آیند، الحـاقی محسوب می‌شوند. یعنی «ی» در واژه‌هایی مانند «علی، بازی و ..» و «ه» در واژه‌هایی مانند «خسته، گیره و ...» الحاقی محسوب می‌شوند. توجّه داشته باشید «ی» ممکن است در کلماتی مانند «دِی، مِی و ...» صامت باشد و در این صورت الحاقی محسوب نمی‌شود. همچنین «ه» ملفوظ نیز مانند «بِه، دِه و ...» قطعا الحاقی نیستند.

نکته بسیار مهم: همان‌طور گفته شد شاعر نمی‌تواند دو واژه یکسان را در پایان مصراع‌ها به‌عنوان قافیه بیاورد ولی اگر معنای آن دو متفاوت باشد، نه تنها عیب نیست بلکه حُسن نیز محسوب می‌شود و آرایه‌ی «جناس تام» می‌سازد.

خـرامان بشـد سـوی آب روان	**چنـان چـون شـده، بـاز جـوید روان**
رونده، جاری	روح و روان
آتش اسـت ایـن بانـگ و نـای و نیست باد	**هـر کـه این آتـش نـدارد، نیست باد**
باد نیست	نابود بشود

توجّه: مبحث قافیه نکات بسیار ضروری دیگر دارد ولی چون این جزوه ماهیّت کنکوری دارد، و در کتاب نظام جدید آن مطالب نیامده است و به تَبَع آن در کنکور نیز نباید بیاید، برای جلوگیری از سر در گمی دانش‌آموزان و پرهیز از افزودن مطالب غیرِ ضروری از آوردن آن‌ها خودداری کردم.

نکته بسیار مهم: در اشعار شاعران بزرگ و مطرح ما – به جز موارد بسیار معدود - هیچگاه واژگان قافیه، غلط به کار نرفته‌اند. در مبحث قافیه، گاه با قافیه‌هایی مواجه می‌شویم که تصوّر می‌شود، غلط می‌باشند! ولی باید دقّت داشت که این واژگان در قدیم تلفّظ دیگری داشته‌اند و شاعر با توجّه به تلفّظ زمان خود، دو واژه را هم‌قافیه کرده است. چنان‌چه سعدی دو واژه «شش» و «خوش» را که تلفّظ قدیم آن‌ها «شَش» و «خَش» بوده، در شعر زیر هم‌قافیه کرده است.

در آن سالی کـه مـا را بخت، خوش بود	**ز هجرت ششصد و پنجاه و شش بود**

در بیت زیر نیز تلفظ واژه «خود»، « خَد » می باشد و قافیه درست است.

پس پرده بیند عمل‌های بد	**هم او پرده پوشد به آلای خود**

علاقمندان به این مبحث می‌توانند در کانال تخصّصی بنده این مطالب را پیگیری کنند.

Ahmadi63amoozesh.com
@ahmadi63amoozesh
@aboozarahmadi63

تست فصل ششم

تست ۱۱۹ در کدام گزینه قافیه میانی بر اساس قاعده ۲ و تبصره است؟

۱) مقدار یار هم‌نفس چون من نداند هیچ کس | ماهی که بر خشک اوفتد قیمت بداند آب را
۲) ما خار غم در پای جان در کوی ای گل‌رخ روان | وان گه که را پروای آن کز پای نشتر برکند؟
۳) گر گلشن خوشبو تویی ور بلبل خوشگو تویی | ور در جهان نیکو تویی ما نیز هم بد نیستیم
۴) باری به ناز و دلبری گر سوی صحرا بگذری | واله شود کبک دری طاووس شهپر بر کند

تست ۱۲۰ ساختار قافیه کدام بیت به‌صورت «مصوت + صامت + صامت + الحاقی» است؟

۱) زاهد خلوت‌نشین دوش به میخانه شد | از سر پیمان برفت با سر پیمانه شد
۲) نه هر که چهره برافروخت دلبری داند | نه هر که آینه سازد سکندری داند
۳) بیا بیا که مرا با تو ماجرایی هست | بگوی اگر گُنهی رفت و گر خطایی هست
۴) چو ترک دلبر من شاهدی به شنگی نیست | چو زلف پُرشکنش حلقه‌ی فرنگی نیست

تست ۱۲۱ قاعده قافیه کدام بیت به‌درستی نوشته‌نشده است؟

۱)کمان سخت که داد آن لطیف بازو را | که تیر غمزه تمام است صید آهو را (قاعده ۱)
۲) عیب‌جویانم حکایت پیش جانان گفته‌اند | من خود این پیدا همی‌گویم که پنهان گفته‌اند (قاعده ۲)
۳) دوست می‌دارم من این نالیدن دلسوز را | تا به هر نوعی که باشد بگذرانم روز را (قاعده۱)
۴) آن که بر نسترن از غالیه خالی دارد | الحق آراسته خلقی و جمالی دارد (قاعده ۲)

تست ۱۲۲ کدام بیت قافیه درونی دارد؟

۱) ور نیاید دهنت در نظر ای جان جهان | نکنم میل سوی جان و جهان یک سر موی
۲) روی تو گر بدیدمی جان به تو بر فشاندمی | صبرم اگر مدد شدی دل ز تو واستاندمی
۳) صد رهم ار به آستین دورکنی ز آستان | دستم و آستین تو رویم و آستان تو
۴) لحظه به لحظه هر سحر قامت یار را نگر | ناز و ادای او بخر گر که به جان فروشد او

تست ۱۲۳ قافیه کدام بیت الحاقی ندارد؟

۱) سینه از آتش دل در غم جانانه بسوخت | آتشی بود در این خانه که کاشانه بسوخت
۲) بنفشه دوش به گل گفت و خوش نشانی داد | که تاب من به جهان طُرّه‌ی فلانی داد
۳) تاب بنفشه می‌دهد طرّه‌ی مشک‌سای تو | پرده‌ی غنچه می‌درد خنده‌ی دلگشای تو
۴) چو بشنوی سخن اهل دل مگو که خطاست | سخن‌شناس نه‌ای جان من خطا اینجاست

تست ۱۲۴ قافیه چند بیت غلط است؟

الف) چربش اینجا دان کـه جان فربه شود | کار نامید اینجا به شود
ب) که تو جانبازی نمودی بهر او | خوش نباشد دادن آن جز به تو
ج) تو بفرمودی که حق را یاد کن | زان که حق من نمی گردد کهن
د) چون کـه درویشی بیایی سوی فقـر | نیست مر درویش را با فقر صبر

۱) یک ۲) دو ۳) سه ۴) چهار

تست ۱۲۵ قافیه کدام بیت غلط است؟

۱) تا دلت آیینه گردد پر صور / اندر او هر سو ملیحی سیمبر
۲) نخستین به نوک مژه راه رفت / دعا کرد و با آن دعا کرده گفت
۳) گر تو روی یار ما را دیده‌ای / پس تو جان را جان و ما را دیده‌ای
۴) لیک افزون گشت اثر ز ایجاد خلق / در میان این دو افزونی است فرق

تست ۱۲۶ با توجّه به مبحث قافیه، کدام گزینه غلط است؟

۱) گلاب است گویی به جویش روان / همی زنده گردد ز بویش روان (بیت ذوقافیتین است)
۲) در رفتن جان از بدن گویند هر نوعی سخن / من خود به چشم خویشتن دیدم که جانم می‌رود (بیت قافیه درونی دارد)
۳) ساعتی کز درم آن سرو روان باز آمد / راست گویی به تن مرده روان باز آمد (قافیه بیت نادرست است)
۴) دوش می‌آمد و رخساره برافروخته بود / تا کجا باز دل غمزده‌ای سوخته بود (قافیه بر مبنای قاعده ۲)

تست ۱۲۷ قاعده قافیه در کدام بیت متفاوت است؟

۱) لاابالی چه کند دفتر دانایی را / طاقت وعظ نباشد سر سودایی را
۲) صرف بیکاری مگردان روزگار خویش را / پرده روی توکّل ساز، کار خویش را
۳) کی دو بین می شود از سایه تماشایی سرو؟ / هر سیه‌رو نشود پرده یکتایی سرو
۴) خامش گویا بود، چشم سخنگوی تو / نقطه بسم الله است خال بر ابروی تو

تست ۱۲۸ در پاسخ به این سوال که «قافیه این بیت صحیح است یا غلط؟» کدام گزینه پاسخ اشتباهی داده است؟

۱) جانب دیگر گرفت آن شخص زخم / بی محابا بی مواسا بی ز رحم (غلط)
۲) غم خویش در زندگی خور که خویش / به مرده نپردازد از حرص خویش (درست)
۳) گفت هر کس را که او مشفق‌تر است / نور حق در قلب او روشن‌تر است (درست)
۴) بلکه عکس آن فساد و کفر او / این خیال منکری را زد بر او (غلط)

تست ۱۲۹ قافیه در کدام گزینه الحاقی دارد؟

۱) چون غافل است دل ز حق از دل چه فایده؟ / بی لیلی از نظاره محمل چه فایده؟
۲) چمن را داغ دارد رویت از گل‌های پی در پی / ز ریحان‌های جان‌پرور، ز سنبل‌های پی در پی
۳) تا دیده خود کرد چو دستار شکوفه / بر کرد سر از پیرهن یار شکوفه
۴) یک نفس فارغ ز وسواس تمنّا نیستی / از پریشان خاطری یک لحظه یک جا نیستی

تست ۱۳۰ قافیه کدام بیت براساس «مصوت + صامت» نمی باشد؟

۱) راه نزدیک و بماندم سخت دیر / سیر گشتم زین سواری سیر سیر
۲) هم به مسجد باز یابی هم به دیر / راه حق را قلب تو می‌کرد سیر
۳) گفت ای ناقه چو هر دو عاشقیم / ما دو ضد پس همره نالایقیم
۴) که یکی رقعه نوشتم پیش شه / ای عجب آنجا رسید و یافت ره

تست ۱۳۱ قافیه چند بیت نادرست است؟

الف) پس قرین هر بشر در نیک و بد / آن ملک باشد که هم قدرش بود
ب) گوی شو می‌گرد بر پهلوی صدق / غلط غلطان در خم چوگان عشق
ج) چون رسید آن وقت و آن تاریخ راست / زاده شد آن شاه و نرد ملک یافت
د) غنج و نازت می نگنجد در جهان / باش تا که من شوم از تو جهان

۱) چهار ۲) سه ۳) دو ۴) یک

تست ۱۳۲ کدام بیت «ذوقافیتین» است؟

۱) دعوتش کردند و سیرش داشتند / تخم رحمت در زمینش کاشتند
۲) صد هزاران چشم را آن راه نیست / هیچ چشمی از سماع آگاه نیست
۳) خامشی بحر است و گفتن هم چو جو / بحر می‌جوید تو را جو را مجو
۴) کوری کوران ز رحمت دور نیست / کوری حرص است که آن معذور نیست

تست ۱۳۳ الگوی ساخت قافیه کدام شعر بر اساس قاعده « ۲ » و داشتن الحاقی است؟

۱) آن تویی یا سرو بستانی به رفتار آمده است / یا ملک در صورت مردم به گفتار آمده است
۲) ای جان خردمندان گوی خم چوگانت / بیرون نرود گویی کافتاد به میدانت
۳) تا کی ای دلبر دل من بار تنهایی کشد / ترسم از تنهایی احوالم به رسوایی کشد
۴) خوبرویان جفاپیشه وفا نیز کنند / به کسان درد فرستند و دوا نیز کنند

تست ۱۳۴ الگوی ساخت قافیه کدام شعر بر اساس «مصوّت + صامت + صامت» نیست؟

۱) متناسبند و موزون حرکات دلفریبت / متوجّه است با ما سخنان بی‌حسیبت
۲) نکونام و صاحبدل و حق‌پرست / خط عارضش خوشتر از خطّ دست
۳) چنین است رسم سرای درشت / گهی پشت بر زین، گهی زین به پشت
۴) سرو چمن پیش اعتدال تو پست است / روی تو بازار آفتاب شکسته است

تست ۱۳۵ نوع قاعدهٔ قافیه در چند بیت به درستی مشخّص‌شده است؟

الف) عشق ورزیدم و عقلم به ملامت برخاست / کآن که عاشق شد از او راه سلامت برخاست (قاعده۲)
ب) اگر مراد تو ای دوست بی‌مرادی ماست / مراد خویش دگر باره من نخواهم خواست (قاعده ۱)
پ) فرهاد را چو بر رخ شیرین نظر فتاد / دودش به سر در آمد و از پای در فتاد (قاعدهٔ۱)
ت) الا ای شاه یغمایی، شدم پر شور و شیدایی / مرا یکتایی‌ای فرما، دو تا گشتم ز یکتایی (قاعدهٔ ۲)
ث) دل نمانده است که گوی خم چوگان تو نیست / خصم را پای گریز از سر میدان تو نیست (قاعدهٔ ۱)

۱) دو ۲) یک ۳) چهار ۴) سه

تست ۱۳۶ کدام بیت قافیه درونی ندارد؟

۱) گه جانب خوابش کشی گه سوی اسبابش کشی / گه جانب دشت بقا گه جانب دشت فنا
۲) سلسله موی دوست حلقه دام بلاست / هر که در این حلقه نیست فارغ از این ماجراست
۳) مجلس به تو فرخنده عشرت ز دمت زنده / چون شمع فروزنده تا روز مشین از پا
۴) ای دلبر و مقصود ما ای قبله و معبود ما / آتش زدی در عود ما نظّاره کن نظّاره کن

تست ۱۳۷ چند بیت از ابیات زیر، بیش از یک قافیه پایانی دارد؟

الف) شکر یزدان را که چون او شد پدید	در خیالش جان خیال خود بدید
ب) در من این هست که صبرم ز نکورویان نیست	از گل و لاله گزیر است و ز گلرویان نیست
پ) تا چند زند نرگس مستت تیرم	فرصت ندهد دست که دستت گیرم
ت) بی تو حرام است به خلوت نشست	حیف بود در به چنین روی بست
ث) به میدان وفا یارم چنان آمد که من خواهم	ز دیوان هوا کارم چنان آمد که من خواهم
ج) زین سبب بر انبیا رنج و شکست	از همه خلق جهان افزون‌تر است

۱) سه ۲) چهار ۳) دو ۴) پنج

تست ۱۳۸ الگوی قافیه در کدام بیت به شکل «مصوّت + صامت + حروف الحاقی» **نیست**؟

۱) که بودش نگینی به انگشتری	فرو مانده در قیمتش جوهری
۲) هر خار این گلستان مفتاح دلگشایی است	هر شبنمی در این باغ جام جهان نمایی است
۳) نیست بر خاطر غباری از پریشانی مرا	جامه فتح است چون شمشیر عریانی مرا
۴) صاف کن ای سنگدل با دردمندان سینه را	می‌کند در بسته آهی خانه آیینه را

تست ۱۳۹ در کدام گزینه ردیف وجود **ندارد**؟

۱) روز وصل دوستداران یاد باد	یاد باد آن روزگاران یاد باد
۲) گر ز دست زلف مشکینت خطایی رفت رفت	ور ز هندوی شما بر ما جفایی رفت رفت
۳) رواق منظر چشم من آشیانه توست	کرم نمای و فرود آ که خانه خانه توست
۴) دوش آگهی ز یار سفر کرده داد باد	من نیز دل به باد دهم هر چه باد باد

تست ۱۴۰ همه ابیات به جز بیت گزینه................ دارای قافیه درونی هستند.

۱) با آن همه بیداد او وین عهد بی‌بنیاد او	در سینه دارم یاد او یا بر زبانم می‌رود
۲) از کف تو ای قمر باغ دهان پر شکر	وز کف تو بی خبر با همه برگ و نوا
۳) ای صنم خانگی مایه دیوانگی	ای همه خوبی تو را پس تو کرایی در آ
۴) هر چه ز اجزای تو رو ننهد سر کشد	پای بزن بر سرش هین سر و پایش بکوب

تست ۱۴۱ از میان گروه‌واژه‌های زیر چند گروه **نمی‌توانند** هم قافیه باشند؟

(موسی ـ سرا) (سهل ـ رحل) (زشت - گشت) (آمده ـ شده) (ظن - زن) (بِـه ـ دِه) (دستی ـ رفتی) (تو ـ جُو) (رفت - نرفت)

(دهشت ـ دشت) (زنده ـ مرده) (دلی ـ گُلی)

۱) پنج ۲) شش ۳) هفت ۴) هشت

تست ۱۴۲ قاعدهٔ قافیه ابیات کدام گزینه با یکدیگر یکسان **نیست**؟

الف) اگر زیر دستی درآید به پای	حذر کن ز نالیدنش بر خدای
ب) یک گفتش ای خسرو نیکروز	ز دیبای چینی قبایی بدوز
ج) بدیشان نبد ز آتش مهر تیو	به یک ره بر آمد ز هر دو غریو
د) نه تدبیر محمود و رای نکوست	که دشمن نداند شهنشه ز دوست
هـ) بگو آنچه دانی که حق گفته به	نه رشوت ستانی و نه عشوه ده

۱) ب - ج ۲) ب - د ۳) الف - د ۴) هـ - ج

Ahmadi63amoozesh.com

تست ۱۴۳ قاعدهٔ قافیه کدام بیت متفاوت است؟

۱) مرا بارها در حضر دیده‌ای / ز خیل و چراگاه پرسیده‌ای
۲) با خردمندی و خوبی پارسا و نیکخوست / صورتی هرگز ندیدم کاین همه معنی در اوست
۳) کشت نو کارید بر کشت نخست / این دوم فانی است و آن اوّل درست
۴) یار من آنکه لطف خداوند یار اوست / بیداد و داد و رد و قبول اختیار اوست

تست ۱۴۴ با توجّه به مبحث قافیه، کدام گزینه غلط است؟

۱) ز فضلش هر دو عالم گشت روشن / ز فیضش خاک آدم گشت گلشن (بیت ذوقافیتین است)
۲) من ز سلام گرم او آب شدم ز شرم او / وز سخنان نرم او آب شوند سنگ‌ها (بیت قافیه درونی دارد)
۳) چون ز بند هوس رها هستی / می‌شود بند تو همه هستی (قافیه بر مبنای قاعده ۱)
۴) بت زنجیر موی از گفتن او / برآشفت ای خوشا آشفتن او (قافیه بر مبنای قاعده ۲)

تست ۱۴۵ قاعده قافیه در کدام بیت متفاوت است؟

۱) زهی رفیق که با چون تو سرو بالایی است / که از خدای بر او نعمتی و آلایی است
۲) چو ترک دلبر من شاهدی به شنگی نیست / چو زلف پُرشکنش حلقه فرنگی نیست
۳) حدیث عشق به طومار در نمی‌گنجد / بیان دوست به گفتار در نمی‌گنجد
۴) گر آن مراد شبی در کنار ما باشد / زهی سعادت و دولت که یار ما باشد

Ahmadi63amoozesh.com

آموزشگاه مجازی احمدی
برای خرید نسخه چاپی یا تدریس ویدئویی این جزوه به سایت و یا کانال تلگرامی «آموزشگاه مجازی احمدی» مراجعه کنید.
برای کسب اطلاعات بیشتر در مورد این جزوات و پکیج‌ها به شماره ۰۹۱۲۳۷۰۸۴۷۶ در تلگرام یا واتساپ و یا به صورت SMS پیام بدهید.
Ahmadi63amoozesh.com
@ahmadi63amoozesh

فصل هفتم

تقسیم به ارکان عروضی

در مثال‌های پنج فصل قبل، از چندین نوع وزن متفاوت استفاده کردم. **به تعداد هجاها یا نوع چینش هجاهای کوتاه و بلندِ آن‌ها دقّت کردید؟** یک بار دیگر از هر کدام یک بیت را با هجاهای آن می‌آورم. به تعداد و ترکیب آن‌ها دقّت کنید.

۱- مرنجان دلم را که این مرغ وحشی
— — U — — U — — U — — U
زِ بامی کـه برخاست مشکل نشیند
— — U — — U — — U — — U

۲- بیا تا برآریم دستی ز دل
— U — — U — — U — — U
که نتوان برآورد فردا زِ گل
— U — — U — — U — — U

۳- دید پُـر روغن دکان و جامه چرب
— U — — — U — — — U —
بر سرش زد گشت طوطی کَل زِ ضرب
— U — — — U — — — U —

۴- چو در وقت بهار آیی پدیدار
— — U — — — U — — — U
حقیقت پرده، برداری ز رخسار
— — U — — — U — — — U

۵- گشت یکی چشمه ز سنگی جدا
— U — — U U — — U U —
غلغلـه‌زن چهره‌نمـا تیـز پـا
— U — — U U — — U U —

۶- هر نفس آواز عشق، می‌رسد از چپّ و راست
—U— —U U — — U— — U U—
ما به فلک می‌رویم، عزم تماشا که راست
—U— —U U — — U— — U U—

۷- ای پادشه خوبان، داد از غـم تنهایی
——— U U—— ———U U ——
دل بی تو به جـان آمد، وقت است که باز آیی
——— U U—— ———U U ——

۸- تنگ چشمـان نظر بـه میوه کنند
— U U — U — U — — U —
ما تماشاکنان بستانیم
— U U — U — U — — U —

۹- باز این چه شورش است که در خلق عالم است
—U — U — — U U — U — U — —
باز این چـه نوحـه و چه عزا و چه ماتم است
—U — U — — U U — U — U — —

گفتیم وزن تکرار منظّم یک حرکت، رفتار، صدا و ... است و «وزنِ شعر» تکرار صدایی است که گوش با شنیدن آن، نظم خاصّی را درک می‌کند. با دقّت در هجاهای پنج مثال اوّل، در می‌یابیم که هر مصراع از تکرار الگوی هجایی خاصّی به دست آمده است. با جدا کردن این الگوها از همدیگر، نظم خاصّی را در مصراع برقرار می‌کنیم. این فاصله‌ها، مرز پایه‌های آوایی هستند.

۱- مرنجان دلم را که این مرغ وحشی	— — U	— — U	— — U	— — U
۲- بیـا تـا برآریـم دستـی ز دل	— — U	— — U	— — U	— U
۳- دید پر روغن دکان و جامه چرب	— — U —	— — U —	— U —	
۴- چـو در وقـت بهـار آیی پدیدار	— — — U	— — — U	— — U	
۵- گشت یکی چشمه ز سنگی جدا	— U U —	— U U —	— U —	

وزن شعر مثال اوّل ۴ بار تکرار الگوی هجایی « — — U » شد. امّا وقتی وزن این شعر را از ما بپرسند؛ نمی‌گوئیم چهار بار « — — U ». بلکه ساختارِ « — — U » در علم عروض، معادل خاصی دارد و آن «فَعولُن» است. در واقع اگر وزن این شعر را از ما پرسیدند؛ می‌گوئیم: فَعولُن فَعولُن فَعولُن فَعولُن. «فَعولُن» یک «رُکن» یا «وزن‌واژه» یا «پایه‌ی آوایی» است.

رُکن، وزن‌واژه، پایه آوایی

مهمترین ارکان عروضی فارسی ۱۹ مورد می‌باشند و در ۳ دسته جای می‌گیرند، که ذیلاً با آن‌ها آشنا می‌شوید:

الف) ارکانی که هم در پایان مصراع می‌آیند و هم غیرپایان می‌توانند قرار بگیرند.

۱	فاعِلاتُن	— — U —	۷	فاعِلُن	— U —
۲	مَفاعیلُن	— — — U	۸	مُفاعِلُن	— U — U
۳	مُستَفعِلُن	— U — —	۹	فَعِلُن	— U U
۴	فَعولُن	— — U	۱۰	مَفعولُن (مُستَفعَل)	— — —
۵	مُفتَعِلُن	— U U —	۱۱	فَع لُن (مُستَف)	— —
۶	فَعَلاتُن	— — U U			

ب) ارکان غیر پایانی، که در آخر مصراع قرار نمی‌گیرند. (زیرا آخرین هجای آن‌ها کوتاه است)

۱	فاعِلاتُ	U — U —	۴	مُستَفعِلُ	U U — —
۲	فَعَلاتُ	U — U U	۵	مَفعولُ	U — —
۳	مَفاعیلُ	U — — U	۶	مَفاعِلُ	U U — U

ج) ارکان پایانی که فقط در آخر مصراع می‌آیند:

۱	فَعَل	— U	۲	فَع	—

توجّه: خوبی این وزن‌واژه‌ها، هم‌وزنی با الگوی هجایی آن‌هاست. به الگوی هجایی آن‌ها توجّه کنید.

فاعِلاتُن	فا عِ لا تُن	— — U —
مَفاعیلُن	مَ فا عیـ لُن	— — — U
مُستَفعِلُن	مُس تَف عِ لُن	— U — —
مُفتَعِلُن	مُف تَ عِ لُن	— U U —
فاعِلُن	فا عِ لُن	— U —
فَعولُن	فَ عو لُن	— — U
فَعَل	فَ عَل	— U

Ahmadi63amoozesh.com
@ahmadi63amoozesh
@aboozarahmadi63

تشخیص مرز پایه‌های آوایی و رسیدن به ارکان یا وزن‌واژه‌های یک مصراع به دو روش انجام می‌شود.

الف) با توجّه به تقطیع و چینش هجاها، تشخیص بدهیم کـه هجاها را «چند تا چند تا» جدا کنیم تا به ترتیب منظّمی برسیم. مثلاً در مثال ۱ و ۲ اگر هجاها را «۳ تا ۳ تا» جدا کنیم به ترتیب منظّمی می‌رسیم. حال اگر ابیات مثال‌های ۳ و ۴ و ۵ را «۳ تا ۳ تا» جدا کنیـم، نظمی در آن‌ها دیده نمی‌شود. ولی اگر «۴ تا ۴ تا» جدا کنیم، نظم می‌گیرند و همسان می‌شوند. اوزان ۱ تا ۵ را اوزان همسان یا همسان تک‌پایه‌ای می‌گویند. در مثال ۶ ابتدا هجاها را ۳ تا ۳ تا جدا می‌کنیم، نظمی ندارد، ۴ تا ۴ تا جدا می‌کنیـم، باز هم نظمی ندارد. ولی وقتی «۴ تا ۳ تا» جدا می‌کنیم، متوجّه می‌شویم، هر مصراع از الگوی منظّمی پیروی می‌کند، به این صورت که رکن اول در رکن سوم، و رکن دوم در رکن چهارم تکرار شده‌اند. این‌گونه اوزان را نیز همسان می‌گوئیم ولی چون با اوزان همسان ۱ تا ۵ تفاوت دارند و ارکان، کلاً یکسان نیستند، و از ۲ پاره یا ۲ لَخت تشکیل شده‌اند، آن‌ها را اوزان همسان دولختی (دَوری) می‌گویند. مثال ۷ نیز همینطور است با این تفاوت که اگر هجاها را «۳ تا ۴ تا» جدا کنیم، شاهد این تناوب خواهیم بود.

در مثال‌های ۸ و ۹ ابتدا هجاها را «۳ تا ۳ تا» جدا می‌کنیم، نظمی مشاهده نمی‌شود. بار دیگر هجاها را «۴ تا ۴ تا» جدا می‌کنیم، باز هم نظمی مشاهده نمی‌شود. مدل‌های مرسوم دیگر مانند «۴ تا ۳ تا» یا «۳ تا ۴ تا» را امتحان می‌کنیم ولی باز هم هیچ نظمی مشاهده نمی‌شود.

این‌گونه اوزان را که هیچ نظم مشخّصی ندارند ولی در کل آهنگین هستند، اوزان ناهمسان می‌گوئیم.

در واقع با توجّه به نظم هجاها سه نوع نظم در آن‌ها دیده می‌شود:

الف) همسان تک‌پایه‌ای: شعری که هر سه یا چهار رکن آن یکسان هستند. مانند: مثال‌های ۱ تا ۵

ب) همسان دو لختی: شعری با چهار رکن که «رکن ۱ و ۳» و «رکن ۲ و ۴» یکسان هستند. مانند: مثال‌های ۶ و ۷

ج) ناهمسان: شعری که حداقل سه رکن متفاوت داشته باشد. مانند مثال‌های ۸ و ۹

توجّه: پایه‌ی آوایی، وزن‌واژه و رکن آوایی یا عروضی هر سه اصطلاحاتی هستند که برای الگوهای هجایی منظّمِ درون مصراع به کار می‌روند. فاصله یک رکن و رکن دیگر را «مرز آوایی» می‌گویند.

دَر بُ نِ این	پَر دِ یِ نی	لو فَ ری
— U U —	— U U —	— U —
مُفتَعِلُن	مُفتَعِلُن	فاعِلُن

ب) روش دیگری که مرز پایه‌های آوایی را مشخّص می‌کند، روش سماعی است. در این روش، بدون تقطیع هجایی با توجّه بـه فراز و فرودهای آوایی، متوجّه مکث‌هایی درون یک مصراع می‌شویم. مثلا وقتی بیتی را می‌خوانیم، در محل‌هایی مکث می‌کنیم، آن مکث، محل مرز آوایی وزن‌واژه‌هاست.

به خوانش و مکث‌های موجود در بیت زیر دقّت کنید.

غمش در نهان‌خانه‌ی دل نشیند   به نازی که لیلی به محمل نشیند

غمش در | نهان‌خا | نه یِ دل | نشیند   به نازی | که لیلی | به محمل | نشیند

Ahmadi63amoozesh.com
@ahmadi63amoozesh
@aboozarahmadi63

اکنون برای قسمت‌های تفکیک‌شده «وزن‌واژه» مناسب را می‌آوریم.

غمـــــش در نهـــان‌خانـــه‌ی دل نشیـــند		به نازی که لیلی به محمـل نشیند
غمش در / نهان‌خا / نه یِ دل / نشیند		به نازی / که لیلی / به محمل / نشیند
فَعولُن فَعولُن فَعولُن فَعولُن		فَعولُن فَعولُن فَعولُن فَعولُن

چند مثال دیگر:

ای ساربان آهسته ران کارام جانم می‌رود		وان دل که با خود داشتم با دلستانم می‌رود
ای ساربان / آهسته ران / کارام جا / نم می‌رود		وان دل که با / خود داشتم / با دلستا / نم می‌رود
مُستَفعِلُن مُستَفعِلُن مُستَفعِلُن مُستَفعِلُن		مُستَفعِلُن مُستَفعِلُن مُستَفعِلُن مُستَفعِلُن

من از آن حُسن روزافزون که یوسف داشت دانستم		که عشق از پردهٔ عصمت، برون آرد زلیخا را
من از آن حُس / نِ روزافزون / که یوسف دا / شت دانستم		که عشق از پر / ده یِ عصمت / برون آرد / زلیخا را
مَفاعیلُن مَفاعیلُن مَفاعیلُن مَفاعیلُن		مَفاعیلُن مَفاعیلُن مَفاعیلُن مَفاعیلُن

ای نام تو بهترین سر آغاز		بی نام تو نامه کِی کنم باز؟
ای نامِ / تو بهترین / سر آغاز		بی نامِ / تو نامه کِی / کنم باز
مَفعولُ مَفاعِلُن فَعولُن		مَفعولُ مَفاعِلُن فَعولُن

توجّه داشته باشید در این روش باید بدون تقطیع هجایی و از راه شنیدن به مرز آوایی و وزن‌واژه‌ها برسیم.

به خوانش و تقطیع بیت زیر توجّه کنید.

وقتـی دل سودایی، می‌رفت بستان‌ها   بی‌خویشتنم کـردی، بوی گـل و ریحان‌ها

وقتی این شعر را می‌خوانیم، در وهله اوّل متوجّه مکثی میان هر مصراع می‌شویم. و هر مصراع را دو پاره می‌کنیم.

وقتی دل سودایی	می‌رفت به بستان‌ها		بی‌خویشتنم کردی	بوی گل و ریحان‌ها

در مرحله دوم متوجّه مکثی درون نیم‌مصراع‌ها می‌شویم.

وقتی دِ	لِ سودایی	می‌رفت	به بستان‌ها		بی‌خویشـــ	تَنم کردی	بوی گـــ	لُ ریحان‌ها

در هر دو روش اولین و اصلی‌ترین شرط، درست‌خواندن شعر است.

تمرین: ابیات زیر را به خط عروضی بنویسید و تقطیع هجایی کنید.

۴۸ - هرکسی را دلربایی همچو ذره در هوایی قبله هرکس به جایی قبله سعدی سرایت
۴۹ - عمر سعدی گر سرآید در حدیث عشق شاید کاو نخواهد ماند بی‌شک وین بماند یادگاری
۵۰ - هر که شیرینی فروشد مشتری بر وی بجوشد یا مگس را پر ببندد یا عسل را سر بپوشد
۵۱ - نه من انگشت‌نمایم به هواداری کویت که تو انگشت‌نمایی و خلایق نگرانت
۵۲ - رشکم از پیرهن آید که در آغوش تو خسبد زهرم از غالیه آید که بر اندام تو ساید
۵۳ - گر مخیّر بکنندم به قیامت که چه خواهی دوست ما را و همه نعمت فردوس شما را
۵۴ - محمل بدار ای ساروان تندی مکن با کاروان کز عشق آن سرو روان گویی روانم می‌رود
۵۵ - آن کیست کز روی کرم با ما وفاداری کند بر جای بدنامی چو من یک دم نکوکاری کند
۵۶ - برخیز تا یک سو نهیم این دلق ازرق‌فام را بر باد قلّاشی دهیم این شرک تقوا نام را
۵۷ - یار مرا غار مرا عشق جگرخوار مرا یار تویی غار تویی خواجه نگهدار مرا
۵۸ - این تن اگر کم تندی راه دلم را زندی راه شدی تا نبدی این همه گفتار مرا
۵۹ - رستم از این بیت و غزل ای شه و سلطان ازل مفتعلن مفتعلن مفتعلن کشت مرا
۶۰ - اگر آن ترک شیرازی به دست آرد دل ما را به خال هندویش بخشم سمرقند و بخارا را
۶۱ - تو گر خواهی که جاویدان جهان یک‌سر بیارایی صبا را گو که بردارد زمانی برقع از رویت
۶۲ - چنانت دوست می‌دارم که گر روزی فراق افتد تو صبر از من توانی کرد و من صبر از تو نتوانم
۶۳ - تو از هر در که باز آیی بدین خوبی و زیبایی دری باشد که از رحمت به روی خلق بگشایی
۶۴ - غمش در نهان‌خانه‌ی دل نشیند به نازی که لیلی به محمل نشیند
۶۵ - به دنبال محمل سبک‌تر قدم زن مبادا غباری به محمل نشیند
۶۶ - خردمند شاها رعیّت پناها که مخصوص بادی به تأیید سرمد
۶۷ - ای که گفتی هیچ مشکل چون فراق یار نیست گر امید وصل باشد همچنان دشوار نیست
۶۸ - فتنه ام بر زلف و بالای تو ای بدر منیر قامت است آن یا قیامت عنبر است آن یا عبیر
۶۹ - مطلب طاعت و پیمان و صلاح از من مست که به پیمانه‌کشی شهره شدم روز الست
۷۰ - زلف آشفته و خوی کرده و خندان لب و مست پیرهن چاک و غزل‌خوان و صراحی در دست
۷۱ - عیب رندان مکن ای زاهد پاکیزه‌سرشت که گناه دگران بر تو نخواهند نوشت
۷۲ - صوفی ار باده به اندازه خورد نوشش باد ور نه اندیشه این کار فراموشش باد
۷۳ - من که شب ها ره تقوا زده‌ام با دف و چنگ این زمان سر به ره آرم چه حکایت باشد

بیت ۴۸	هرکسی را دلربایی همچو ذرّه در هوایی قبله‌ی هر کس به جایی قبله‌ی سعدی سرایت															
خط عروضی مصراع اول	هَـر کَـسی را دِلـرُبـایـی هَـمـچُ ذَررِ دَر هَـوایی															
هجاهای مصراع اول	هَر	کَ	سی	را	دِل	رُ	با	یی	هَم	چُ	ذَر	رِ	دَر	هَ	وا	یی
علامت هجایی مصراع اول	—	U	—	—	—	U	—	—	—	U	—	U	—	U	—	—
اختلاف هجاهای روبه‌روی هم																
علامت هجایی مصراع دوم	—	U	U	—	—	U	—	—	—	U	U	—	—	U	—	—
هجاهای مصراع دوم	قِب	لِ	یِ	هَر	کَس	بِ	جا	یی	قِب	لِ	یِ	سَع	دی	سَ	را	یَت
خط عروضی مصراع دوم	قِـبـلِ یِ هَـر کَـس بِ جـایـی قِـبـلِ یِ سَـعـدی سَـرایَـت															

بیت ۴۹	عمر سعدی گر سرآید در حدیث عشق شاید کاو نخواهد ماند بی‌شک وین بماند یادگاری															
خط عروضی مصراع اول	عُـمـرِ سَـعدی گَـر سَـرایَـد دَر حَـدیـثِ عِـشق شـایَـد															
هجاهای مصراع اول	عُم	رِ	سَع	دی	گَر	سَ	را	یَد	دَر	حَ	دی	ثِ	عِشـ	ق	شا	یَد
علامت هجایی مصراع اول	—	U	—	—	—	U	—	—	—	U	—	U	—	U	—	—
اختلاف هجاهای روبه‌روی هم																
علامت هجایی مصراع دوم	—	U	—	—	—	U	—	—	—	U	—	—	—	U	—	—
هجاهای مصراع دوم	کو	نَ	خا	هَد	ما	ند	بی	شَک	وین	بِ	ما	نَد	یا	دِ	گا	ری
خط عروضی مصراع دوم	کـو نَـخـاهَـد مـانـد بی شَـک ویـ(ن) بِـمانَـد یـادِگـاری															

بیت ۵۰	هرکه شیرینی فروشد مشتری بر وی بجوشد یا مگس را پر ببندد یا عسل را سر بپوشد															
خط عروضی مصراع اول	هَـر کِ شـیـریـنـی فُـروشَـد مُـشـتَـری بَـر وِی بِـجـوشَـد															
هجاهای مصراع اول	هَر	کِ	شی	ری	نی	فُ	رو	شَد	مُش	تَ	ری	بَر	وِی	بِ	جو	شَد
علامت هجایی مصراع اول	—	U	—	—	—	U	—	—	—	U	—	—	—	U	—	—
اختلاف هجاهای روبه‌روی هم																
علامت هجایی مصراع دوم	—	U	—	—	—	U	—	—	—	U	—	—	—	U	—	—
هجاهای مصراع دوم	یا	مَ	گَس	را	پَر	بِ	بَن	دَد	یا	عَ	سَل	را	دَر	بِ	پو	شَد
خط عروضی مصراع دوم	یـا مَـگَـس را پَـر بِـبَـنـدَد یـا عَـسَـل را سَـر بِـپـوشَـد															

بیت ۵۱	نه من انگشت نمایم به هواداری رویت که تو انگشت نمایی و خلایق نگرانت															
خط عروضی مصراع اول	نَ مَـنَـنـگُـشـت نُـمـایَـم بِ هَـواداری یِ رویَـت															
هجاهای مصراع اول	نَ	مَ	نَن	گُشـ	ت	نِ	ما	یَم	بِ	هَ	وا	دا	ری	یِ	کو	یَت
علامت هجایی مصراع اول	U	U	—	—	U	U	—	—	U	U	—	—	—	U	—	—
اختلاف هجاهای روبه‌روی هم																
علامت هجایی مصراع دوم	U	U	—	—	U	U	—	—	U	U	—	—	U	U	—	—
هجاهای مصراع دوم	کِ	تُ	اَن	گُشـ	ت	نِ	ما	یی	یُ	خَ	لا	یِق	نِ	گَ	را	نَت
خط عروضی مصراع دوم	کِ تُ اَنـگُـشـت نُـمـایـی یُ خَـلـایِـق نِـگَـرانَـت															

بیت ۵۲	رشکم از پیرهن آید که در آغوش تو خسبد زهرم از غالیه آید که بر اندام تو ساید															
خط عروضی مصراع اول	رَشـکَـمَـز پـیـرهَـنـایَـد کِ دَراغـوشِ تُ خُـسـبَـد															
هجاهای مصراع اول	رَش	کَ	مَز	پیـ	ر	هَـ	نا	یَد	کِ	دَ	را	غو	شِ	تُ	خُس	بَد
علامت هجایی مصراع اول	—	U	—	—	U	U	—	—	U	U	—	—	U	U	—	—
اختلاف هجاهای روبه‌روی هم																
علامت هجایی مصراع دوم	—	U	—	—	U	U	—	—	U	U	—	—	U	U	—	—
هجاهای مصراع دوم	زَهـ	رَ	مَز	غا	لِ	یِ	آ	یَد	کِ	بَ	رَن	دا	مِ	تُ	سا	یَد
خط عروضی مصراع دوم	زَهـرَمـز غـالِ یِ آیَـد کِ بَـرَنـدامِ تُ سـایَـد															

Ahmadi63amoozesh.com

بیت ۵۳	گر مخیّر بکنندم به قیامت که چه خواهی — دوست ما را و همه نعمت فردوس شما را															
خط عروضی مصراع اول	گَـر مُـخَـیـیَـر بُـکُـنَـنـدَم بِ قِـیـامَـت کِ چِ خـاهـی															
هجاهای مصراع اول	گَر	مُ	خَیـ	یَر	بُ	کُ	نَن	دَم	بِ	قِ	یا	مَت	کِ	چِ	خا	هی
علامت هجایی مصراع اول	—	U	—	—	U	U	—	—	U	U	—	—	U	U	—	—
اختلاف هجاهای روبه‌روی هم																
علامت هجایی مصراع دوم	—	U	—	—	U	U	U	—	U	U	—	—	U	U	—	—
هجاهای مصراع دوم	دو	ست	ما	را	وُ	هَ	مِ	نِع	مَ	تِ	فِر	دُو	س	شُ	ما	را
خط عروضی مصراع دوم	دوســـت مـا را وُ هَـمِ نِـعـمَـتِ فِـردُوس شُـــمـا را															

بیت ۵۴	محمل بدار ای ساروان تندی مکن با کاروان — کز عشق آن سرو روان گویی روانم می‌رود															
خط عروضی مصراع اول	مَـحـمِـل بِـداری سـاروا تُـنـدی مَـکُـن بـا کـاروا															
هجاهای مصراع اول	مَح	مِل	بِ	دا	رِی	سا	رِ	وان	تُن	دی	مَ	کُن	با	کا	رِ	وان
علامت هجایی مصراع اول	—	—	U	—	—	—	U	—	—	—	U	—	—	—	U	—
اختلاف هجاهای روبه‌روی هم																
علامت هجایی مصراع دوم	—	—	U	—	—	U	U	—	—	—	U	—	—	—	U	—
هجاهای مصراع دوم	کَز	عِش	قِ	آ	سَر	وِ	رَ	وا	گو	یی	رَ	وا	نَم	می	رَ	وَد
خط عروضی مصراع دوم	کَـز عِـشـقِ آن سَروِ رَوان گـویـی رَوانَـــم مـی‌رَوَد															

بیت ۵۵	آن کیست کز روی کرم با ما وفاداری کند — بر جای بدنامی چو من یک دم نکوکاری کند															
خط عروضی مصراع اول	آ کـیـسـت کَـز رویِ کَـرَم بـا مـا وَفـاداری کُـنَـد															
هجاهای مصراع اول	آ	کیـ	ست	کَز	رو	یِ	کَ	رَم	با	ما	وَ	فا	دا	ری	کُ	نَد
علامت هجایی مصراع اول	—	—	U	—	—	U	U	—	—	—	U	—	—	—	U	—
اختلاف هجاهای روبه‌روی هم																
علامت هجایی مصراع دوم	—	—	U	—	—	—	U	—	—	—	U	—	—	—	U	—
هجاهای مصراع دوم	بَر	جا	ی	بَد	نا	می	چُ	مَن	یِک	دَم	نِ	کو	کا	ری	کُ	ند
خط عروضی مصراع دوم	بَـرجـایِ بَـدنـامـی چُد مَـن یِـک دَم نِـکـوکـاری کُـنَـد															

بیت ۵۶	برخیز تا یک سو نهیم این دلق ازرق فام را — بر باد قلّاشی دهیـم این شـرک تقـوا نام را															
خط عروضی مصراع اول	بَـرخـیـز تـا یـک سـو نَـهـیـمـیـ~~ن~~ دَلـقِ اَزرَق فـام را															
هجاهای مصراع اول	بَر	خیـ	ز	تا	یِک	سو	نَ	هیـ	مین	دَل	قِ	اَز	رَق	فا	م	را
راعلامت هجایی مصراع اول	—	—	U	—	—	—	U	—	—	—	U	—	—	—	U	—
اختلاف هجاهای روبه‌روی هم																
علامت هجایی مصراع دوم	—	—	U	—	—	—	U	—	—	—	U	—	—	—	U	—
هجاهای مصراع دوم	بَر	با	دِ	قَل	لا	شی	دَ	هی	مین	شِر	کِ	تَق	وا	نا	م	را
خط عروضی مصراع دوم	بَـر بـادِ قَـلـلـاشی دَهـیـمـیـ~~ن~~ شِـرکِ تَـقـوا نـام را															

بیت ۵۷	یار مـرا غار مـرا عشـق جگـرخوار مـرا — یار تویـی غار تویـی خواجـه نگـه دار مرا															
خط عروضی مصراع اول	یـار مَـرا غـار مَـرا عِـشـقِ جِـگَـر خـار مَـــرا															
هجاهای مصراع اول	یا	ر	مَ	را	غا	ر	مَ	را	عِش	قِ	جِ	گَر	خا	ر	مَ	را
علامت هجایی مصراع اول	—	U	U	—	—	U	U	—	—	U	U	—	—	U	U	—
اختلاف هجاهای روبه‌روی هم																
علامت هجایی مصراع دوم	—	U	U	—	—	U	U	—	—	U	U	—	—	U	U	—
هجاهای مصراع دوم	یا	ر	تُ	یی	غا	ر	تُ	یی	خا	جِ	نِ	گَه	دا	ر	مَ	را
خط عروضی مصراع دوم	یـار تُ یـی غـار تُ یـی خـاجِ نِـگَـه دار مَـــرا															

Ahmadi63amoozesh.com

@ahmadi63amoozesh

@aboozarahmadi63

بیت ۵۸	این تن اگر کم تندی راه دلم را زندی راه شدی تا نبدی این همه گفتار مرا															
خط عروضی مصراع اول	ایـــ~~ن~~ تَـنَـگَـر کَـم تَـنَـدی راه دِلَـــم را زَنَـدی															
هجاهای مصراع اول	این	تَ	نَ	گَر	کَم	تَ	نَ	دی	را	هِ	دِ	لَم	را	زَ	نَ	دی
علامت هجایی مصراع اول	—	U	U	—	—	U	U	—	—	U	U	—	—	U	U	—
اختلاف هجاهای روبه‌روی هم																
علامت هجایی مصراع دوم	—	U	U	—	—	U	U	—	—	U	U	—	—	U	U	—
هجاهای مصراع دوم	را	ه	شُ	دی	تا	نَ	بُ	دی	این	هَـ	مِ	گُف	تا	ر	مَ	را
خط عروضی مصراع دوم	راه شُـــدی تـا نَـبُـدی ایـــ~~ن~~ هَـمِ گُـفـتـار مَـــرا															

بیت ۵۹	رستم از این بیت و غزل ای شه و سلطان ازل مفتعلـــن مفتعلـــن مفتعلـــن کشـت مــرا															
خط عروضی مصراع اول	رَسـتَـمَـزیـن بِـیـتُ غَـزَل اِی شَـهُ سُـلـطـانِ اَزَل															
هجاهای مصراع اول	رَس	تَ	مَ	زین	بِی	تُ	غَ	زَل	اِی	شَـ	هُ	سُل	طا	نِ	ءَ	زَل
علامت هجایی مصراع اول	—	U	U	—	—	U	U	—	—	U	U	—	—	U	U	—
اختلاف هجاهای روبه‌روی هم																
علامت هجایی مصراع دوم	—	U	U	—	—	U	U	—	—	U	U	—	—	U	U	—
هجاهای مصراع دوم	مُف	تَ	عِ	لُن	مُف	تَ	عِ	لُن	مُف	تَ	عِ	لُن	کُشـ	ت	مَ	را
خط عروضی مصراع دوم	مُـفـتَـعِـلُـن مُـفـتَـعِـلُـن مُـفـتَـعِـلُـن کُـشت مَـرا															

بیت ۶۰	اگر آن ترک شیرازی به دست آرد دل ما را به خال هندویش بخشم سمرقند و بخارا را															
خط عروضی مصراع اول	اَ گَـر آ~~ن~~ تُـــرکِ شـیــرازی بِ دَسـتـارَد دِلِ مـــا را															
هجاهای مصراع اول	ءَ	گَر	آن	تُر	کِ	شی	را	زی	بِ	دَس	تا	رَد	دِ	لِ	ما	را
علامت هجایی مصراع اول	U	—	—	—	U	—	—	—	U	—	—	—	U	U	—	—
اختلاف هجاهای روبه‌روی هم																
علامت هجایی مصراع دوم	U	—	U	—	—	—	—	—	U	—	—	U	U	—	—	—
هجاهای مصراع دوم	بِ	خا	لِ	هِن	دو	یَش	بَخ	شَم	سَ	مَر	قَن	دُ	بُ	خا	را	را
خط عروضی مصراع دوم	بِ خـالِ هِـنـدویَـش بَـخـشَـم سَـمَـرقَـنـدُ بُـخـارا را															

بیت ۶۱	تو گر خواهی که جاویدان جهان یکسر بیارایی صبا را گو که بردارد زمانی برقع از رویت															
خط عروضی مصراع اول	تُ گَـر خـاهـی کِ جـاویـدا جَـهـان یِـکـسَـر بِـیـارایـی															
هجاهای مصراع اول	تُ	گَر	خا	هی	کِ	جا	وی	دان	جَ	ها	یِک	سَر	بِ	یا	را	یی
علامت هجایی مصراع اول	U	—	—	—	U	—	—	—	U	—	—	—	U	—	—	—
اختلاف هجاهای روبه‌روی هم																
علامت هجایی مصراع دوم	U	—	—	—	U	—	—	—	U	—	—	—	U	—	—	—
هجاهای مصراع دوم	صَ	با	را	گو	کِ	بَر	دا	رَد	زَ	ما	نی	بُر	قَ	عَز	رو	یَت
خط عروضی مصراع دوم	صَـبـا را گـو کِ بَـردارَد زَمـانـی بُـرقَـعَـز رویَـــت															

بیت ۶۲	چنانت دوست می‌دارم که گــر روزی فراق افتد تو صبر از من توانی کرد و من صبر از تو نتوانم															
خط عروضی مصراع اول	چُـنـانَـت دوسـت مـی‌دارَم کِ گَـر روزی فِـراقُـــفـتَـد															
هجاهای مصراع اول	چُ	نا	نَت	دو	ست	می	دا	رَم	کِ	گَر	رو	زی	فِ	را	قُف	تَد
علامت هجایی مصراع اول	U	—	—	—	U	—	—	—	U	—	—	—	U	—	—	—
اختلاف هجاهای روبه‌روی هم																
علامت هجایی مصراع دوم	U	—	—	—	U	—	—	—	U	—	—	—	U	—	—	—
هجاهای مصراع دوم	تُ	صَب	رَز	مَن	تَ	وا	نی	کَر	دُ	مَن	صَب	رَز	تُ	نَت	وا	نَم
خط عروضی مصراع دوم	تُ صَـبـرَز مَـن تَـوانـی کَـردُ مَـن صَـبـرَز تُ نَـتـوانَـم															

Ahmadi63amoozesh.com

بیت ۶۳	تو از هر در که باز آیی بدین خوبی و زیبایی دری باشد که از رحمت به روی خلق بگشایی															
خط عروضی مصراع اول	تُ اَز هَـر دَر کِ بـازایـی بِـدیـ~~ن~~ خـوبـی یُ زیـبـایـی															
هجاهای مصراع اول	تُ	اَز	هَر	دَر	کِ	با	زا	یی	بِ	دین	خو	بی	یُ	زی	با	یی
علامت هجایی مصراع اول	U	—	—	—	U	—	—	—	U	—	—	—	U	—	—	—
اختلاف هجاهای روبه‌روی هم																
علامت هجایی مصراع دوم	U	—	—	—	U	—	—	—	U	—	U	—	U	—	—	—
هجاهای مصراع دوم	دَ	ری	با	شَد	کِ	اَز	رَح	مَت	بِ	رو	یِ	خَلـ	ق	بُگ	شا	یی
خط عروضی مصراع دوم	دَری بـاشَـد کِ اَز رَحـمَـت بِ رویِ خَـلـق بُـگـشـایـی															

بیت ۶۴	غمـش در نهـان خانـه‌ی دل نشیند بـه نازی کـه لیلـی بـه محمـل نشیند											
خط عروضی مصراع اول	غَـمَـش دَر نَـهـا~~ن~~ خـانِ یِ دِل نِـشـیـنَـد											
هجاهای مصراع اول	غَ	مَش	دَر	نَ	ها	خا	نِ	یِ	دِل	نِ	شی	نَد
علامت هجایی مصراع اول	U	—	—	U	—	—	U	U	—	U	—	—
اختلاف هجاهای روبه‌روی هم												
علامت هجایی مصراع دوم	U	—	—	U	—	—	U	—	—	U	—	—
هجاهای مصراع دوم	بِ	نا	زی	کِ	لِی	لی	بِ	مَح	مِل	نِ	شی	نَد
خط عروضی مصراع دوم	بِ نـازی کِ لِـیـلـی بِ مَـحـمِـل نِـشـیـنَـد											

بیت ۶۵	بـه دنبال محمـل سبـک‌تر قدم زن مبـادا غبـاری بـه محمـل نشیند											
خط عروضی مصراع اول	بِ دُنـبـالِ مَـحـمِـل سَـبُـک تَـر قَـدَم زَن											
هجاهای مصراع اول	بِ	دُن	با	لِ	مَح	مِل	سَ	بُک	تَر	قَ	دَم	زَن
علامت هجایی مصراع اول	U	—	—	U	—	—	U	—	—	U	—	—
اختلاف هجاهای روبه‌روی هم												
علامت هجایی مصراع دوم	U	—	—	U	—	—	U	—	—	U	—	—
هجاهای مصراع دوم	مَ	با	دا	غُ	با	ری	بِ	مَح	مِل	نِ	شی	نَد
خط عروضی مصراع دوم	مَـبـادا غُـبـاری بِ مَـحـمِـل نِـشـیـنَـد											

بیت ۶۶	خـردمند شاهـا رعیّـت پنـاهـا کـه مخصـوص بـادی بـه تأییـد سرمد											
خط عروضی مصراع اول	خِـرَدمَـنـد شـاهـا رَعـیـیَـت پَـنـاهـا											
هجاهای مصراع اول	خِ	رَد	مَنـ	د	شا	ها	رَ	عی	یَت	پَ	نا	ها
علامت هجایی مصراع اول	U	—	—	U	—	—	U	—	—	U	—	—
اختلاف هجاهای روبه‌روی هم												
علامت هجایی مصراع دوم	U	—	—	U	—	—	U	—	—	U	—	—
هجاهای مصراع دوم	کِ	مَخـ	صو	ص	با	دی	بِ	تَأ	یی	دِ	سَر	مَد
خط عروضی مصراع دوم	کِ مَـخـصـوص بـادی بِ تَـأیـیـدِ سَـرمَـد											

بیت ۶۷	ای که گفتی هیچ مشکل چون فراق یار نیست گر امید وصل باشد همچنان دشوار نیست														
خط عروضی مصراع اول	اِی کِ گُـفـتـی هـیـچ مُـشـکِـل چُـن فِـراقِ یـار نـیـسـت														
هجاهای مصراع اول	اِی	کِ	گُف	تی	هیـ	چ	مُش	کِل	چُن	فِ	را	قِ	یا	ر	نیست
علامت هجایی مصراع اول	—	U	—	—	—	U	—	—	—	U	—	U	—	U	—
اختلاف هجاهای روبه‌روی هم															
علامت هجایی مصراع دوم	—	U	—	U	—	U	—	—	—	U	—	—	—	U	—
هجاهای مصراع دوم	گَر	ءُ	می	دِ	وَصـ	ل	با	شَد	هَم	چُ	نا	دُش	وا	ر	نیست
خط عروضی مصراع دوم	گَـر اُمـیـدِ وَصـل بـاشَـد هَـمـچُـنـان دُشوار نـیـسـت														

بیت ۶۸	فتنه ام بر زلف و بالای تو ای بدر منیر قامت است آن یا قیامت عنبر است آن یا عبیر													
خط عروضی مصراع اول	فِـتـنـه‌ام بَـــر زُلــفُ بـالـایِ تُ اِی بَـدرِ مُـنـیـر														
هجاهای مصراع اول	فِت	نِ	اَم	بَر	زُل	فُ	با	لا	یِ	تُ	اِی	بَد	رِ	مُ	نیر
علامت هجایی مصراع اول	—	U	—	—	—	U	—	—	U	U	—	—	U	U	—
اختلاف هجاهای روبه‌روی هم															
علامت هجایی مصراع دوم	—	U	—	—	—	U	—	—	—	U	—	—	—	U	—
هجاهای مصراع دوم	قا	مَ	تَس	تان	یا	قِ	یا	مَت	عَن	بَ	رَس	تان	یا	عَ	بیر
خط عروضی مصراع دوم	قـامَـتَـســتـان یـا قِـیـامَـت عَـنـبَـرَسـتـان یـا عَـبـیـر														

بیت ۶۹	مطلب طاعت و پیمان و صلاح از من مست که به پیمانه‌کشی شهره شدم روز الست													
خط عروضی مصراع اول	مَـطـلَـب طـاعَـتُ پِـیـمـانُ صَـلـاحَـز مَـنِ مَـسـت														
هجاهای مصراع اول	مَ	طَ	لَب	طا	عَ	تُ	پِی	ما	نُ	صَ	لا	حَز	مَ	نِ	مَست
علامت هجایی مصراع اول	U	U	—	—	U	U	—	—	U	U	—	—	U	U	—
اختلاف هجاهای روبه‌روی هم															
علامت هجایی مصراع دوم	U	U	—	—	U	U	—	—	U	U	—	—	U	U	—
هجاهای مصراع دوم	کِ	بِ	پِی	ما	نِ	کِ	شی	شُهـ	رِ	شُ	دَم	رو	زِ	ءَ	لَست
خط عروضی مصراع دوم	کِ بِ پِـیـمـانِ کِـشـی شُـهـرِ شُدَم روزِ اَلَـسـت														

بیت ۷۰	زلف آشفته و خوی کرده و خندان لب و مست پیرهن چاک و غزل‌خوان و صراحی در دست													
خط عروضی مصراع اول	زُلـفِ آشُـفـتِ وُ خَـی کَـردِ وُ خَـنـدان لَـبُ مَـسـت														
هجاهای مصراع اول	زُلـ	ف	آ	شُف	تِ	وُ	خی	کَر	دِ	وُ	خَن	دان	لَ	بُ	مَست
علامت هجایی مصراع اول	—	U	—	—	U	U	—	—	U	U	—	—	U	U	—
اختلاف هجاهای روبه‌روی هم															
علامت هجایی مصراع دوم	—	U	—	—	U	U	—	—	U	U	—	—	—		—
هجاهای مصراع دوم	پیـ	ر	هَن	چا	کُ	غَ	زَل	خا	نُ	صُ	را	حی	دَر		دَست
خط عروضی مصراع دوم	پـیـرهَـن چـاکُ غـزَلـخـانُ صُـراحـی دَر دَسـت														

بیت ۷۱	عیب رندان مکن ای زاهد پاکیزه‌سرشت که گناه دگران بر تو نخواهند نوشت													
خط عروضی مصراع اول	عِـیـبِ رِنـدان مَـکُـنـی زاهِـدِ پـاکـیـزِ سِـرِشـت														
هجاهای مصراع اول	عِی	بِ	رِن	دا	مَ	کُ	نی	زا	هِـ	دِ	پا	کی	زِ	سِ	رِشت
علامت هجایی مصراع اول	—	U	—	—	U	U	—	—	U	U	—	—	U	U	—
اختلاف هجاهای روبه‌روی هم															
علامت هجایی مصراع دوم	U	U	—	U	U	U	—	—	U	U	—	—	U	U	—
هجاهای مصراع دوم	کِ	گُ	نا	هِ	دِ	گَ	ران	بَ	تُ	نَ	خا	هَـ	د	نِ	وِشت
خط عروضی مصراع دوم	کِ گُـنـاهِ دِگَـرا بَـرتُ نَـخـاهَـنـد نِـوشـت														

بیت ۷۲	صوفی ار باده به اندازه خورد نوشش باد ور نه اندیشه این کار فراموشش باد												
خط عروضی مصراع اول	صـوفـیـــیَـر بـادِ بِ اَنـدازِ خُـرَد نـوشَـش بـاد													
هجاهای مصراع اول	صو	فی	یَر	با	دِ	بِ	اَن	دا	زِ	خُ	رَد	نو	شَش*	باد
علامت هجایی مصراع اول	—	—	—	—	U	U	—	—	U	U	—	—	—	—
اختلاف هجاهای روبه‌روی هم														
علامت هجایی مصراع دوم	—	U	—	—	U	U	—	—	U	U	—	—	—	—
هجاهای مصراع دوم	وَر	نَ	اَن	دی	شِ	یِ	این	کا	ر	فَ	را	مو	شَش*	باد
خط عروضی مصراع دوم	وَر نَ اَنـدیـشِ یِ ایـن کـار فَـرامـوشَـش بـاد													

بیت ۷۳	من که شب ها ره تقوا زده‌ام با دف و چنگ / این زمان سـر بـه ره آرم چـه حکایت باشد															
خط عروضی مصراع اول	مَـن کِ شَـبـهـا رَه تَـقـوا زَد اَم بـا دَفُ چَـنـگ															
هجاهای مصراع اول	مَن	کِ	شَب	ها	رَ	هِ	تَق	وا	زَ	دِ	اَم	با	دَ	فُ	چَنگ	
علامت هجایی مصراع اول	—	U	—	—	U	U	—	—	U	U	—	—	U	U	—	
اختلاف هجاهای روبه‌روی هم																
علامت هجایی مصراع دوم	—	U	—	—	U	U	—	—	U	U	—	—	—		—	
هجاهای مصراع دوم	این	زَ	ما	سَر	بِ	رَ	ها	رَم	چِ	حِ	کا	یَت	با		شَد	
خط عروضی مصراع دوم	ایـن زَمـان سَـر بِ رَهــارَم چِ حِـکـایَـت بـاشَـد															

تست فصل هفتم

تست ۱۴۶ کدام مصراع از چهار با مفاعلن ساخته‌شده است؟

۱) نساخـت داروی دردم نکـــرده مرهـــم ریشــم
۲) چــه کرده‌ام به جـای تو که نیستم سزای تو
۳) چو گل سلطان بستان است بلبل سر مپیچ از گل
۴) گــه سینه ز غــم سوختم و دوست نبخشید

تست ۱۴۷ کدام مصراع بر وزن «فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن» نیست؟

۱) روضه‌ی دولت به اقبال تو رضوان یافتـه
۲) نظــری کــردم و در عیـن عــذاب افتــادم
۳) کـز تو می‌بـاید روان بی‌قــرار ما قــرار
۴) می‌فروزی آتش و خود کور می‌گردی به نور

تست ۱۴۸ در کدام مصراع وزن‌واژه محذوف وجود دارد؟

۱) بـــه تنهـــایی انـــدر صفـــایی نبینـی
۲) بالای سـرو بوستـان رویی نـدارد دلستان
۳) گر تو شیرین زمانی نظری نیز به من کن
۴) همـه‌کس را مگـر این ذوق نباشد که مرا

تست ۱۴۹ مرز وزن‌واژه کدام گزینه به‌درستی نشان داده نشده است؟

۱)	چند گویی که چه چاره است و مرا درمان چیست			
	چند گویی	که چه چارَس	تُ مرا در	مان چیست
۲)	تو دیدی هیچ عاشق را که سیری بود از این سودا			
	تو دیدی هیـ	چ عاشق را	که سیری بو	د از این سودا
۳)	آتش زدی در عود ما نظّاره کن در دود ما			
	آتش زدی در	عود ما نَظ	ظاره کن در	دود ما
۴)	همچو آبی دیده در خود آفتاب و ماه را			
	همچو آبی	دیده در خود	آفتابُ	ماه را

تست ۱۵۰ وزن عروضی کدام موارد به درستی آمده است؟

الف) ز پی تـو هیـچ مرغی نپرد که پر نریزد	فعلاتن	فعلاتن	فعلاتن	فعلاتن
ب) دلـم آن جاست که آن دلبر عیار آن جاست	فعلاتن	فعلاتن	فعلاتن	فعِلن
ج) گلدسته‌ی امیدی بـر جان عاشقان نـه	مفعول	فاعلاتن	مفعول	فاعلاتن
د) داد خود را هم ستانم گـر کند وصلت حمایت	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلن

۱) الف – ب   ۲) ج – د   ۳) الف – د   ۴) ب – ج

تست ۱۵۱ وزن عروضی چند مورد به درستی نوشته شده است؟

الف) وفا را به عهد تو دشمن گرفتم (فعولن فعولن فعولن فعل)

ب) تو کجا نالی از این خار که در پای من است (فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلن)

ج) روز فراق دوستان شب‌خوش بگفتم خواب را (مفتعلن مفتعلن مفتعلن مفتعلن)

د) چه ریحان دسته بندم چون جهان گلزار می بینیم (مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن فعولن)

هـ) خشم است و آتش نگاهش یعنی تماشا ندارد (مستفعلن فاعلاتن مستفعلن فاعلاتن)

۱) یک ۲) دو ۳) سه ۴) چهار

تست ۱۵۲ کدام موارد هم وزن می باشند؟

الف) می چکد شیر هنوز از لب همچون شکرش

ب) من همان روز بگفتم که طریق تو گرفتم

ج) گر ملالی بود بود و گر خطایی رفت رفت

د) آخر ای بی رحم باری از دلی بر گیر باری

هـ) بیم آن است دمادم که چو پروانه بسوزم

۱) الف – ج ۲) ب – هـ ۳) ب – ج ۴) د ـ هـ

تست ۱۵۳ کدام مصراع بر وزن «مفتعلن مفتعلن مفتعلن مفتعلن» نیست؟

۱) دانه تویی دام تویی باده تویی جام تویی
۲) من نه حریف رفتنم از در تو به هر دری
۳) جسم مرا خاک کنی خاک مرا پاک‌کنی
۴) هر که درآمد به صفش یافت امان از طلبش

تست ۱۵۴ کدام بیت از نظر وزنی با ابیات دیگر یکسان نیست؟

۱) من از کجا پند از کجا باده بگردان ساقیا / آن جام جان‌افزای را برریز بر جان ساقیا
۲) تو جان جان افزاستی آخر ز شهر ماستی / دل بر غریبی می‌نهی این کی بود شرط وفا
۳) سجده کنم پیشکش آن قد و بالا چه شود؟ / دیده کنم پیشکش آن دل بینا چه شود؟
۴) ای رشک ماه و مشتری با ما و پنهان چون پری / خوش خوش کشانم می‌بری آخر نگویی تا کجا

تست ۱۵۵ چند مورد از مصراع‌های زیر از چهار وزن‌واژه دقیقا یکسان تشکیل شده‌اند؟

الف) تو برا بر آسمان‌ها بگشا طریق و مذهب
ب) بزن آن پرده نوشین که من از نوش تو مستم
ج) ای وصالت یک زمان بوده فراقت سال‌ها
د) از من مدان چون باغ اگر هر دم به رنگی می شوم
هـ) از رفیقان سبک پرواز تنها مانده‌ایم

۱) یک ۲) دو ۳) سه ۴) چهار

تست ۱۵۶ مرز وزن‌واژه کدام گزینه به‌درستی نشان داده نشده است؟

۱)	مرا چشمی است خون‌افشان ز دست آن کمان‌ابرو			
	مرا چشمیـ	ست خون افشان	ز دست آن	کمان ابرو
۲)	پادشاها لشکر توفیق همراه توآند			
	پادشاهاـ	لشکر تو	فیق هم	راه توآند
۳)	تا بو که یابم آگهی از سایه‌ی سرو سهی			
	تا بو که یا	بم آگهی	از سایه‌یِ	سرو سهی
۴)	می صوفی افکن کجا می‌فروشند			
	می صو	فی افکن	کجا می	فروشند

تست ۱۵۷ کدام موارد رکن محذوف ندارند؟

الف) بـــه کـــار اســت آتــش بـــه شب‌ها و روزان

ب)بــــه آب خـــــرابات غسلـــــم دهـــید

ج) گــل خنـــدان کــــــه نخـــــــندد چه کند

د) رقص کنان شعله زنان بر جه از این کار و مترس

هـ) تو چه پرسی که تو چونی و چگونه اسـت دلت

۱) الف - د ۲) ب – ج ۳) د – هـ ۴) ب – هـ

تست ۱۵۸ وزن واژه های کدام گزینه به درستی نشان داده نشده است؟

۱)	گر نه چون پروانه سوزی شمع را روشن چه بینی			
	گر نه چون پر	وانه سوزی	شمع را رو	شن چه بینی
۲)	صبر بسیار مفرمای من سوخته را			
	صبر بسیا	ر مفرما	ی من سوخ	ته را
۳)	ناقوس دیر عشق را بر چرخ بوقلمون زنیم			
	ناقوس دی	رِ عشق را	بر چرخ بو	قلمون زنیم
۴)	چرا هر لحظه چون طاووس در بوم دگر گردی			
	چرا هر لحـ	ظه چون طاوو	س در بوم	دِگر گردی

تست ۱۵۹ مرز وزن واژه کدام گزینه به درستی نشان داده نشده است؟

۱)	چون سرو سهی می کرد از قدّ تو آزادی			
	چون سرو	سهی می کرد	از قدّ	تو آزادی
۲)	حاصل من ز خطّ تو نیست به جز سیه‌رخی			
	حاصل من	ز خطّ تو	نیست به جز	سیه‌رخی
۳)	زلف تو هندو نژاد لعل تو کوثر نهاد			
	زلف تو هن	دو نژاد	لعل تو کو	ثر نهاد
۴)	که آنجا که قاف عشق است دستان چه کار دارد			
	که آنجا که	قاف عشقـــ	ت دستان چه	کار دارد

تست ۱۶۰ در کدام گزینه وزن‌واژه محذوف وجود ندارد؟

۱) از ســـر جـــان در گذر گـــر وصل جانان بایدت

۲) جـــان ز دست تو ندانم به چــــه بـــازی ببــرم

۳) چنین گفـــت کـــه این تـــاج و تخـــت و کلاه

۴) صبا گـــو باد می‌پیما و سوسن گو زبان می‌کش

تست ۱۶۱ تمام مصراع‌ها وزن واژه‌های یکسانی دارند به‌جز گزینه‌ی ....

۱) نتوان در خم ابروی سیاهش پیوست

۲) گفتمش روی تو صد ره ز قمر خوبتر است

۳) چند سوزیم من و شمع شبستان همه شب

۴) گر تو انکار کنی مستی ما را چه عجب

Ahmadi63amoozesh.com
@ahmadi63amoozesh
@aboozarahmadi63

تست ۱۶۲ مرز آوایی کدام مصراع به‌درستی مشخص نشده است؟

۱)

طالع اگر مدد دهد دامنش آورم به کف			
طالعگَر	مدد دهد	دامنشا	ورم به کف

۲)

ای نسیم سحر آرامگه یار کجاست			
ای نسیم	سحرارا	م گه یار	کجاست

۳)

دیدم نگار نازنین بر تخت زر در خواب خوش			
دیدم نگا	ر نازنین	بر تخت زر	در خواب خوش

۴)

پیام دوست شنیدن سعادت است و سلامت			
پیام دو	ست شنیدن	سعادتَس	ت و سلامت

تست ۱۶۳ کدام بیت با اوزان دیگر هم‌وزن نیست؟

۱) بدین گونه هرگز نیفتادم از چه — در این شیوه صد بار دیگر فتادم
۲) فروماندگان را به رحمت قریب — تضرّع کنان را به دعوت مجیب
۳) جهان سوز و بی‌رحمت و خیره‌کش — ز تلخیش روی جهانی ترش
۴) گر از نیستی دیگری شد هلاک — مرا هست بط را ز طوفان چه باک

تست ۱۶۴ وزن کدام بیت با مصراع «آتشی بر سرم از داغ جدایی می‌رفت» یکسان است؟

۱) چو گوی در همه عالم به جان بگردیدم — ز دست عشقم و چوگان هنوز در پی گوست
۲) عقل را با عشق خوبان طاقت سرپنجه نیست — با قضای آسمانی برنتابد جهد مرد
۳) آن بت چین و ختا را آن نگار بی‌وفا را — گو بکن باری خدا را جانب یاری رعایت
۴) از تو با مصلحت خویش نمی‌پردازم — همچو پروانه که می‌سوزم و در پروازم

تست ۱۶۵ مرز پایه‌های آوایی در کدام گزینه به‌درستی مشخص نشده است؟

۱)

روزه یک سو شد و عید آمد و دل‌ها برخاست			
روزه یک سو	شد و عید آ	کد و دل‌ها	برخاست

۲)

گوهر هرکس از این لعل توانی دانست			
گوهر هر	کس از این لعـ	ل توانی	دانست

۳)

از کران تا به کران لشکر ظلم است ولی			
از کران تا	به کران لشـ	کر ظلمست	ولی

۴)

چه کنم با دل مجروح که مرهم با اوست			
چه کنم با	دل مجرو	ح که مرهم	با اوست

تست ۱۶۶ در علامت هجاهای کدام گزینه، چهار بار الگوی هجایی «— U — —» تکرار شده است؟

۱) به کوی میکده هر سالکی که ره دانست
۲) همه عالم گواه عصمت اوست
۳) هر چه بودم منتظر آخر نیامد در کنارم
۴) تا به کی افتم و تا چند به پا برخیزم

تست ۱۶۷ وزن و پایه‌آوایی کدام گزینه با مصراع «روشن ندارد خانه را، قندیل ناآویخته» یکسان است؟

۱) ای که ز دیده غایبی در دل ما نشسته‌ای — حسن تو جلوه می‌کند و این همه پرده بسته‌ای
۲) ای عاشقان ای عاشقان پیمانه راگم کرده‌ام — زان مِی که در پیمانه‌ها اندر نگنجد خورده‌ام
۳) تا دلِ من رو به قناعت نهاد — ملک جهان را به جهان باز داد
۴) دل پی دلدار رفت دیده چو آن حال دید — اشک به دندان گرفت دامن و در پی دوید

تست ۱۶۸ تقطیع هجایی کدام مصراع مطابق الگوی هجایی زیر است؟

«— — U — U — — // — — U — U — —»

۱) مرغان آبی را چه غم، تا غم خورد مرغ هوا
۲) گر قاب قوس خواهی، دل راست کن چو تیری
۳) یک شمع از این مجلس، صد شمع بگیراند
۴) ای صوفیان عشق بدرّید خرقه‌ها

تست ۱۶۹ وزن‌واژهٔ بیت زیر کدام است؟

«یک عمر دور و تنها، تنها به جرم این‌که / او سرسپرده می‌خواست، من دل سپرده بودم»

۱) مَفعولُ مَفاعیلُن مَفعولُ مَفاعیلُن
۲) مُفتَعِلُن فاعِلُن مُفتَعِلُن فاعِلُن
۳) مَفعولُ فاعِلاتُن مَفعولُ فاعِلاتُن
۴) مُفتَعِلُن مَفاعِلُن مُفتَعِلُن مَفاعِلُن

تست ۱۷۰ وزن کدام بیت متفاوت است؟

۱) کیست آن فتنه که با تیر و کمان می‌گذرد / وان چه تیر است که در جوشن جان می‌گذرد
۲) تا کی ای دلبر دل من بار تنهایی کشد / ترسم از تنهایی احوالم به رسوایی کشد
۳) خرّم آن بقعه که آرامگه یار آنجاست / راحت جان و شفای دل بیمار آنجاست
۴) دلبرا پیش وجودت همه خوبان عدمند / سروران بر در سودای تو خاک قدمند

برای خرید نسخه چاپی یا تدریس ویدئویی این جزوه به سایت و یا کانال تلگرامی «آموزشگاه مجازی احمدی» مراجعه کنید.
برای کسب اطلاعات بیشتر در مورد این جزوات و پکیج‌ها به شماره ۰۹۱۲۳۷۰۸۴۷۶ در تلگرام یا واتساپ و یا به صورت SMS پیام بدهید.
Ahmadi63amoozesh.com
@ahmadi63amoozesh

فصل هشتم

اوزان همسان و ناهمسان و وزن شعر نو

در فصول گذشته آموختیم که ارکان عروضی یا پایه‌های آوایی یک مصراع، به دو روشِ سماعی و دسته‌بندی هجاها به دست می‌آید. و هم‌چنین دیدیم بر این مبنا ۳ نوع وزن حاصل می‌شود: **اوزان همسان تک‌پایه‌ای، اوزان همسان دولختی (دُوری) و اوزان ناهمسان.** و همچنین وزن ۹ بیت را بررسی کردیم و به دو روش فوق به دست آوردیم. در این فصل، تمام اوزانی که در هر یک از ۳ نوع وزن فوق وجود دارند، معرّفی می‌شوند. (در این فصل پس از تمام مراحل؛ از جمله: درست‌خواندن شعر، نوشتن به خط عروضی، تقطیع هجایی، علامت‌گذاری هجایی، به دست‌آوردن پایه‌های آوایی و اعمال اختیارات شاعری، وزن شعر را از نظر همسان و ناهمسان‌بودن بررسی می‌کنیم.)

الف – اوزان همسان تک پایه‌ای

ابیاتی هستند که تمام ارکان عروضی آن‌ها از یک رکن ساخته شده باشد.

در اوزان همسان ممکن است یک هجا از آخرین رکن، حذف شده و رکن آخر به صورت مَحذوف آمده باشد.

ارکانی که وزن همسان می‌سازند و رکن مَحذوف آن‌ها را در جدول زیر مشاهده می‌فرمائید.

۱	فاعِلاتُن	— U — —	فاعِلُن	— U —
۲	فَعَلاتُن	U U — —	فَعِلُن	U U —
۳	مُستَفعِلُن	— — U —		
۴	مُفتَعِلُن	— U U —		
۵	مَفاعیلُن	U — — —	فَعولُن	U — —
۶	فَعولُن	U — —	فَعَل	U —

توجّه: رکن مُستَفعِلُن و مُفتَعِلُن، مَحذوف ندارند.

توجّه: دقت داشته باشید یک «فعولن» هست که حالت محذوف «مفاعیلن» است و یک فعولن است که از ارکان اصلی است (مورد ۶).

۱	هر که چیزی دوست دارد جان و دل بر وی گمارد	فاعِلاتُن فاعِلاتُن فاعِلاتُن فاعِلاتُن
۲	عزم دیدار تو دارد جان بر لب آمده	فاعِلاتُن فاعِلاتُن فاعِلاتُن فاعِلُن
۳	دوست آن باشد که گیرد دست دوست	فاعِلاتُن فاعِلاتُن فاعِلُن
۴	نظر آوردم و بردم که وجودی به تو ماند	فَعَلاتُن فَعَلاتُن فَعَلاتُن فَعَلاتُن
۵	سینه از آتش دل در غم جانانه بسوخت	فَعَلاتُن فَعَلاتُن فَعَلاتُن فَعِلُن
۶	من از این خانه به در می‌نروم	فَعَلاتُن فَعَلاتُن فَعِلُن
۷	ای ساربان آهسته ران کارام جانم می‌رود	مُستَفعِلُن مُستفعِلُن مُستَفعِلُن مُستفعِلُن
۸	یار مرا غار مرا عشق جگر خوار مرا	مُفتَعِلُن مُفتَعِلُن مُفتَعِلُن مُفتَعِلُن
۹	ای همه هستی ز تو پیدا شده	مُفتَعِلُن مُفتَعِلُن فاعِلُن
۱۰	بیا تا گل برافشانیم و می در ساغر اندازیم	مَفاعیلُن مَفاعیلُن مَفاعیلُن مَفاعیلُن
۱۱	الهی سینه‌ای ده آتش‌افروز	مَفاعیلُن مَفاعیلُن فَعولُن
۱۲	غمش در نهان‌خانه‌ی دل نشیند	فَعولُن فَعولُن فَعولُن فَعولُن
۱۳	به نـام خداوند جـان و خـرد	فَعولُن فَعولُن فَعولُن فَعَل

توجّه: اوزان همسان دیگری نیز وجود دارند که کم‌کاربردتر می‌باشند و در کنکور به‌ندرت آمده‌اند.

مستفعلن مستفعلن مستفعلن فع

تا زنده‌ام از عشق او دل، بر نگیرم   بیهوده است این پندها ای شیخ نادان

فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن

دلبران عاشق کشند امّا نه چندان   بیدلان انده خورند امّا نــه چندین

فعلاتن فعلاتن فعلاتن

شکـر تَنگ تـو تُنگ شکـر آمـد   حلقـه‌ی لعـل تو دُرج گهـــر آمـد

مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن

شکستی پیش چشمم خرده‌های تو   تمــام بـــاور من رو خــراشیـده

فاعلن فاعلن فاعلن فاعلن

ای تتق بسته از تیره شب بر قمر   طوطی خطــت افکنــده پــر بر شکر

توجّه: اوزان بسیار معدودی نیز وجود دارند که هر مصراع دو وزن‌واژه دارد. مانند «مستفعلن مستفعلن»

توجّه: «مُفتَعِلُن مُفتَعِلُن فاعِلن» در اصل وزن همسان نمی‌باشد و فاعِلُن در واقع محذوف «مُفتَعِلُن» نیست ولی کتاب درسی به اشتباه آن را در اوزان همسان آورده است و من نیز به ضرورت تبعیّت از کتاب آن را در اوزان همسان آورده‌ام. رجوع شود به نام‌گذاری اوزان. می‌توان گفت: هر شعری که دو رکن اول آن یکسان باشد، وزن آن همسان است. همچنین اگر دو رکن اول شعری به ترتیب «فاعلاتن فعلاتن» بود، آن نیز همسان است.

توجّه: برای اینکه این ۱۳ وزن همسان را به راحتی حفظ کنید، می‌توانید از جدول زیر کمک بگیرید. با توجّه به اینکه اصلی‌ترین وزن، ۴ بار تکرار یک رکن است، ۶ وزن همسان از ۴ بار تکرار ۶ رُکن «فاعِلاتُن، فَعَلاتُن، مُستَفعِلُن، مُفتَعِلُن، مَفاعیلُن و فَعولُن» به دست می‌آید. یعنی ساختار ستون ۱ جدول زیر. از ۶ رُکن فوق، فقط ۳ رُکنِ «فاعِلاتُن، فَعَلاتُن و فَعولُن» با ساختار ستون ۲ می‌باشند. همچنیـن از ۶ رُکن فـوق، فقط ۴ رُکنِ «فاعِلاتُن، فَعَلاتُن، مُفتَعِلُن و مَفاعیلُن» با ساختار ستون ۳ می‌باشند.

برای سهولت در حفظ‌کردن می‌توانیم با توجّه به جدول فوق و ۱۳ وزن، رابطه‌های زیر را درست کنیم:

۱ – « فاعِلاتُن » در هر سه ساختار می‌آید.
۲ – « فَعَلاتُن » در هر سه ساختار می‌آید.
۳ – « مُستَفعِلُن » فقط با ساختار ستون ۱ می‌آید.
۴ – « مُفتَعِلُن » با دو ساختار ۱ و ۳ می‌آید!
۵ – « مَفاعیلُن » با دو ساختار ۱ و ۳ می‌آید.
۶ – « فَعولُن » با دو ساختار ۱ و ۲ می‌آید.

ساختار ۱	سالم	سالم	سالم	سالم	هر ۶ رکن این ساختار را دارند
ساختار ۲	سالم	سالم	سالم	مَحذوف	۳ رکن این ساختار را دارند
ساختار ۳	سالم	سالم	مَحذوف		۴ رکن این ساختار را دارند

پس این ۶ رکن را بشناسیم.

فاعِلاتُن	ساختار ۱ – ۲ – ۳	مُفتَعِلُن	ساختار ۱ – ۳
فَعَلاتُن	ساختار ۱ – ۲ – ۳	مَفاعیلُن	ساختار ۱ – ۳
مُستَفعِلُن	ساختار ۱	فَعولُن	ساختار ۱ – ۲

توجّه: همانطور که گفته شد اوزانی با ساختار ۳ وزن‌واژه سالم نیز وجود دارند. از آنجاییکه آن اوزان، هم بسیار کم‌کاربرد هستند و هم سابقه کنکوری آن‌ها در حد صفر است آن‌ها را در جدول فوق نیاوردم.

ب – اوزان همسان دولختی (دُوری)

ابیاتی هستند که هر مصراع آن‌ها ۴ رکن دارد و از نظر شکل ظاهری، رکن اوّل آن‌ها در رکن سوم، و رکن دوم آن‌ها در رکن چهارم تکرار می‌شود. و از نظر آوایی، مکثی میان هر مصراع وجود دارد و هر مصراع را به دو پاره یا لَخت تبدیل می‌کند. این ابیات را همسان دولَختی یا دُوری می‌گویند.

۱	ای باد بامدادی، خوش می‌روی به شادی	مَفعولُ فاعِلاتُن // مَفعولُ فاعِلاتُن (مُستَفعِلُن فَعولُن // مُستَفعِلُن فَعولُن)
۲	وقتی دل سودایی، می‌رفت به بستان‌ها	مَفعولُ مَفاعیلُن // مَفعولُ مَفاعیلُن (مُستَفعِلُ مَفعولُن // مُستَفعِلُ مَفعولُن)
۳	زاهد خلوت‌نشین، دوش به میخانه شد	مُفتَعِلُن فاعِلُن // مُفتَعِلُن فاعِلُن
۴	با لب او چه خوش بود، گفت و شنید و ماجرا	مُفتَعِلُن مَفاعِلُن // مُفتَعِلُن مَفاعِلُن
۵	به کجا رود کبوتر، چو اسیر باز باشد	فَعَلاتُ فاعِلاتُن // فَعَلاتُ فاعِلاتُن
۶	بیا به شام غریبان و آب دیده من بین	مَفاعِلُن فَعَلاتُن مَفاعِلُن فَعَلاتُن
۷	چندان که گفتم، غم با طبیبان	فَعلُن فَعولُن // فَعلُن فَعولُن (مُستَفعِلُن فَع // مُستَفعِلُن فَع)
۸	جان من است او هی مزنیدش	مُفتَعِلُن فَع // مُفتَعِلُن فَع
۹	ز پا فتادم بگیر دستم	مَفاعِلُن فَع // مَفاعِلُن فَع
۱۰	گر به بستان بی تو ایم خار شد گلزار ما	فاعِلاتُن فاعِلُن // فاعِلاتُن فاعِلُن
۱۱	جهان فرتوت باز، جوانی از سر گرفت	مَفاعِلُن فاعِلُن // مَفاعِلُن فاعِلُن
۱۲	دل بردی از من به یغما ای ترک غارتگر من	مُستَفعِلُن فاعِلاتُن مُستَفعِلُن فاعِلاتُن

توجّه: در بین اوزان فوق پنج شش وزن اول پُرکاربرد و باقی بسیار کم‌کاربرد هستند.

توجّه: اوزان دوری دیگری نیز وجود دارند.

۳ نکته مهم در مورد اوزان دوری: با توجّه به اینکـه معمولا یکی از سوالات کنکور در مورد اوزان دوری است، بهتر است به ۳ نکته زیر دقّت ویژه‌ای داشته باشید.

نکته۱: بعضی از اوزان دوری را می‌توان به دو روش دسته‌بندی هجایی کرد. در جدول فوق اوزان ۱ و ۲ و ۷ این ویژگی را دارند. به تقطیع هجایی این ابیات توجّه کنید.

هر کس به تماشایی رفتند به صحرایی							ما را که تو منظوری خاطر نرود جایی						
هَـر کَـس بِ تَـمـاشـایـی رَفـتَـنـد بِ صَـحـرایـی													
هَر	کَس	بِ	تَ	ما	شا	یی	رَف	تَن	د	بِ	صَح	را	یی
–	–	U	U	–	–	–	–	–	U	U	–	–	–
مَفعولُ			مَفاعیلُن				مَفعولُ			مَفاعیلُن			
مُستَفعِلُ				مَفعولُن			مُستَفعِلُ				مَفعولُن		
–	–	U	U	–	–	–	–	–	U	U	–	–	–
ما	را	کِ	تُ	مَن	ظو	ری	خا	طِر	نَ	رَ	وَد	جا	یی
مـا را کِ تُ مَـنـظـوری خـاطِـر نَـرَوَد جـایی													

بگذار تا بگریم چون ابر در بهاران							کز سنگ ناله خیزد روز وداع یاران						
بُـگـذار تـا بِـگـریَـم چُـن اَبـر دَرد بَـهـاران													
بُگ	ذا	ر	تا	بِ	گِر	یَم	چُن	اَبـ	ر	دَر	بَ	ها	ران
–	–	U	–	U	–	–	–	–	U	–	U	–	–
مَفعولُ			فاعِلاتُن				مَفعولُ			فاعلاتُن			
مُستَفعِلُن				فَعولُن			مُستَفعِلُن				فَعولُن		
–	–	U	–	U	–	–	–	–	U	–	U	–	–
کَز	سَنـ	گ	نا	لِ	خیـ	زَد	رو	زِ	وِ	دا	عِ	یا	ران
کَـز سَـنـگ نـالِ خـیـزَد روز وِداعِ یـاران													

از جان شیرین ممکن بود صبر					امّا ز جانان امکان ندارد				
اَز جانِ شیـرین مُـمـکِـن بُـوَد صَـبـر									
اَز	جا	نِ	شیـ	رین	مُم	کِن	بُ	وَد	صَبر
–	–	U	–	–	–	–	U	–	–
فَع لُن		فَعولُن			فَع لُن		فَعولُن		
مُستَفعلن				فَع	مُستَفعلن				فَع
–	–	U	–	–	–	–	U	–	–
اَم	ما	زِ	جا	نان	اِم	کان	نَ	دا	رَد
اَمـمـا زِ جـانـان اِمـکـان نَـدارَد									

نکته۲: شاعر در پایان نیم‌مصراع، می‌تواند مانند پایان مصراع، به جای هجای بلند، هجای کوتاه یا کشیده بیاورد. همانطور کـه در تقطیع مثال زیر می‌بینید شاعر در پایان نیم‌مصراع، به جای هجای بلند، هجای کشیده آورده است.

سلسله موی دوست حلقه‌ی دام بلاست   هر که در این حلقه نیست فارغ از این ماجراست

سلسله‌ی مـوی دوست، حلقـه‌ی دام بلاست							هر که در این حلقه نیست، فارغ از این ماجراست						
سِـلسِـلِ یِ مـویِ دوسـت حَـلـقِـ یِ دامِ بَـلـاسـت													
سِل	سِ	لِ	یِ	مو	یِ	دوست	حَل	قِ	یِ	دا	م	بَ	لاست
—	U	U	U	—	U	—	—	U	U	—	U	U	—
			*			*					*		
—	U	U	—	—	U	—	—	U	U	—	—	U	—
هَر	کِ	دَ	ری	حَل	قِ	نیست	فا	رِ	غ	زی	ما	جَ	راست
هَـر کِ دَریـن حَـلـقِـ نـیـست فـارِغـزیـ~~ا~~ مـاجَـراسـت													

نکته۳: یکی از ویژگی‌های اشعار دوری، مکث میان مصراع است. ولی هر شعری که در میانه آن مکث باشد، لزوما وزن دوری ندارد. طرّاحان سوال از این نکته برای تله‌ی تستی استفاده می‌کنند. شعر زیر از سعدی بر وزن «مُستَفعِلُن مُستَفعِلُن مُستَفعِلُن مُستَفعِلُن» است و در میانه آن مکث است ولی دوری نیست و همسان تک‌لختی است.

سعدی چو جورش می‌بری، نزدیک او دیگر مرو   ای بی‌بصر من می‌روم؟ او می‌کشد قلّاب را

شعر زیر از حافظ بر وزن «مَفاعیلُن مَفاعیلُن مَفاعیلُن مَفاعیلُن» است و در میانه آن مکث است ولی دوری نیست و همسان تک‌لختی است.

و گر رسم فنا خواهی، که از عالم براندازی   برافشان تا فرو ریزد، هزاران جان ز هـر مویت

تست بخش اول فصل هشتم (اوزان همسان)

تست ۱۷۱ کدام گزینه بر وزن «فعلات فاعلاتن فعلات فاعلاتن» است؟

۱) هرکه جانی دارد و در دل ندارد ترک جانان   دل به دلبر می‌سپارد جان به جانان می‌فرستد

۲) تا قیامت تو مپندار که هشیار توان شد   زین صفت مست می عشق تو کز جام الستم

۳) پای دل رمیده گر باز به دستم آمدی   ترک تو کردمی و خویش از همه وارهاندمی

۴) نه منم اسیر تنها به کمند یار زیبا   که به شهر او درآمد که نگشت شهر بندش؟

تست ۱۷۲ رکن پایانی کدام مصراع « فاعلن » است؟

۱) باری به کـام خویشتن آوردمـش در بر دمی

۲) صلایـی بـه شاهـان پیشینـه زن

۳) گفتم ای سلطان خوبان رحم کن بر این غریب

۴) بـرو از خانـه‌ی گردون به در و نان مطلب

تست ۱۷۳ کدام بیت بر وزن «مفاعلن فعلاتن مفاعلن فعلاتن» نیست؟

۱) گرم به گوشـه چشـمی شـکسـته وار ببینی   فلک شوم به بزرگـی و مشتری بـه سعادت

۲) مرا به دسـت تو خوشتـر هلاک جان گرامی   هزار بـاره کـه رفتن بـه دیگری بـه حمـایت

۳) گرم حیات بمانـد نمانـد این غم و حسـرت   و گـر نمیرد بلبل درخت گـل بـه بـر آید

۴) اگر عـداوت و جنـگ اسـت در میـان عرب   میان لیلی و مجنون محبت اسـت و صـفاسـت

Ahmadi63amoozesh.com

تست ۱۷۴ کدام گزینه با مصراع «یاد تو می‌رفت و ما عاشق و بیدل بدیم» هم‌وزن است؟

۱) هـر سحـــر از عشــق دمی می‌زنـــم
۲) هـوش خردمنـد را عشــق به تــاراج برد
۳) قوّت شرح عشق تو نیست زبان خامه را
۴) سرو خرامــان چـو قـدّ معتدلــت نیست

تست ۱۷۵ کدام گزینه با مصراع «دم به دم شعله‌زنان می‌سوزم» هم‌وزن است؟

۱) عشق را پیشانی ای باید چو میخ
۲) نتوانـــم کـــه نصیحــت شنــوم
۳) روز وصلــم قــرار دیدن نیســت
۴) مرا جامی بده وین جامـه بستــان

تست ۱۷۶ کدام مصراع با مصراع های دیگر هم وزن نیست؟

۱) بنشین بــرای از تــو گفتــن حــرف دارم
۲) بسیار می‌گفتم کـه دل با کس نپیوندم ولی
۳) من با کسی افتاده‌ام کز وی نپردازم به کس
۴) گر رفته باشم زین جهان باز آیدم رفته روان

تست ۱۷۷ هیچ‌کدام از ابیات زیر وزن‌واژه محذوف ندارند، به‌جز گزینه‌ی ...

۱) گه گه بـه چشم مرحمت در ما نظر می‌کن ولی — سلطان به چشم مرحمت در هر گدایی ننگرد
۲) صبا گو باد می‌پیما و سوسن گو زبان می‌کش — که بلبل را ز عشق گل قرار از دست بیرون شد
۳) حکم یونان یابد آن کش حکمت یونان بود — حکمت یـونان طلب گـر حکم یونان بایدت
۴) طائر دل که شود صید رخ و زلف دلارام — همچـو بلبل به گـل و سنبل تـر بازنماند

تست ۱۷۸ وزن کدام بیت با ابیات دیگر یکسان نیست؟

۱) عارضش بیـن بـر سر سرو ار ندیدی — گلستانی بر فراز سرو سیمین
۲) ای بسا خسرو که او فرهاد وار — در هوای شکّر شیرین بسوخت
۳) روز رخسار تو ماهی روشن است — خال هندویت سیاهی روشن است
۴) گفـت بی پروانـه نتـوان یافتـن — صحبتم را ز آنکه شمع خاورم

تست ۱۷۹ کدام مصراع‌ها باهم هم‌وزن می‌باشند؟

الف) رشته‌ای بر قمر انداخته کاین مار سیاه است
ب) این چه خلد است که چندین همه حور است اینجا
ج) چون درآیی نتوانم کـه مـراد از تـو بجویم
د) سر مویی نتوان جَست کنار از سر کویت
ه) ای به ناوک زده چشم تو یک اندازان را

۱) ب – د – ه
۲) الف – ج – د
۳) ب – ج – ه
۴) الف – ب – د

تست ۱۸۰ رکن پایانی کدام دو مصراع یکسان است؟

الف) ای لبت آب شکـر ریختـه است
ب) غمش در نهان‌خانهٔ دل نشیند
ج) دل به دست یار و غم در دل بماند
د) این چـه بویی است کـه ناگـه بدمید
ه) لبش با آتش اندر عین آب است

۱) الف - ب
۲) ج - د
۳) ج - ه
۴) ب - ه

تست ۱۸۱ به ترتیب چند مصراع وزن دوری و چند مصراع بر وزن «فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلاتن» است؟

– دو چشم مست میگونت ببرد آرام هشیاران
– چند بشاید به صبر دیده فرو دوختن
– خبر ما برسانید به مرغان چمن
– فتنه انگیزی و خون ریزی و خلقی نگرانت
– باز از شراب دوشین در سر خمار دارم
– کس به چشمم در نمی‌آید که گویم مثل اوست

۱) «دو» - «یک»
۲) «دو» - «دو»
۳) «یک» - «دو»
۴) «یک» - «یک»

Ahmadi63amoozesh.com

تست ۱۸۲ در بین ابیات زیر چند بیت وزن دوری دارند؟

الف) چو من چشیدم ز خود برفتم — چو مست گشتم ز خود برستم
ب) آن گل رخسار نگر نام گلستان چه بری — و آن قد و رفتار نگر سرو خرامان چه کنی
ج) هر زنده صاحب دل کز جان خبری دارد — چون از تو خبر یابد پیش خبرت میرد
د) آتشم چو در جان و دل زدی — خاطرم به دست آر و تن مزن
ه) چو سخن نگفت گفتم که چنین که هست پیدا — ز دهان او نصیبی نرسد به تنگدستان

۱) دو ۲) سه ۳) چهار ۴) پنج

تست ۱۸۳ وزن کدام مصراع‌ها غلط است؟

الف) عیب نبود چون به خوان وصل نبود دسترس (فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن)
ب) مرا به تیغ چه حاجت که جان بر افشانم (مفاعلن فعلاتن مفاعلن فعلاتن)
ج) ای شب قدر بی‌دلان طرّه دلربای تو (مفتعلن مفاعلن مفتعلن مفاعلن)
د) بر خاک کویش جان پایمالی (فعِلن فعولن فعِلن فعولن)
هـ) تا قیامت تو مپندار که هشیار توان شد (فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلن)

۱) الف - ج ۲) ب - هـ ۳) ب - د ۴) الف - هـ

تست ۱۸۴ تمام مصراع‌ها یا همسان تک‌پایه‌ای هستند یا همسان دولختی به‌جز گزینه‌ی ....

۱) ساقیا آمدن عید مبارک بادت
۲) باغ مرا چه حاجت سرو صنوبر است
۳) درخت دوستی بنشان که کام دل به بار آرد
۴) سرو گلستان من قامت دلجوی توست

تست ۱۸۵ کدام بیت وزن همسان ندارد؟

۱) دوش از مسجد سوی میخانه آمد پیر ما — چیست یاران طریقت بعد از این تدبیر ما
۲) شور شراب عشق تو آن نفسم رود ز سر — کاین سر پُر هوس شود خاک در سرای تو
۳) دیدم و آن چشم دل‌سیه که تو داری — جانب هیچ آشنا نگاه ندارد
۴) گریه‌ی شام و سحر شکر که ضایع نگشت — قطره‌ی باران ما گوهر یکدانه شد

تست ۱۸۶ در همه اوزان زیر وزن واژه یکسان وجود دارد به‌جز گزینه‌ی ...

۱) گر زلف سیه روزی از چهره بر اندازد — ماهی است تو پنداری کز شب سحر انگیزد
۲) در چمن افتد غلغل بلبل — چون تو درآیی سوی گلستان
۳) سیر نگردد به بحر تشنه‌ی دریای وصل — روی نتابد ز سیل غرقه طوفان عشق
۴) پای دل رمیده گر باز به دستم آمدی — ترک تو کردمی و خویش از همه او رهاندمی

تست ۱۸۷ کدام بیت را می‌توان به دو صورت دسته‌بندی هجایی کرد؟

۱) بسیار می‌گفتم که دل با کس نپیوندم ولی — دیدار خوبان اختیار از دست دانا می‌برد
۲) گر شب هجران مرا تاختن آرد اجل — روز قیامت زنم خیمه به پهلوی دوست
۳) رخت سرای عقلم تاراج شوق کردی — ای دزد آشکارا می‌بینم از نهانت
۴) به دریای غمت غرقم گریزان از همه خلقم — گریزد دشمن از دشمن که تیرش در کمان باشد

تست ۱۸۸ کدام بیت بر وزن «مفتعلن مفاعلن مفتعلن مفاعلن» نیست؟

۱) نیست مرا به جز بدن یک سر موی در میان — نیست تو را به جز میان یک سر موی بر بدن
۲) حسن غریب تو مرا کرد غریب دو جهان — فردی تو چون نکند از همگان فرد مرا؟
۳) ای که طبیب خسته‌ای، روی زبان من ببین — کاین دم و دود سینه‌ام بار دل است بر زبان
۴) شاهد دلربای من می‌کند از برای من — نقش و نگار و رنگ و بو تازه به تازه نو به نو

Ahmadi63amoozesh.com
@ahmadi63amoozesh
@aboozarahmadi63

تست ۱۸۹ کدام بیت هم دوری است و هم به دو صورت دسته‌بندی هجایی می‌شود؟

۱) تو امیر ملک حسنی به حقیقت ای دریغا / اگر التفات بودی به فقیر مستمندت
۲) حقّا که مـرا دنیا بی دوست نمی‌باید / بی تفرقه‌ی خاطر دنیا به چه کار آید
۳) تا غمـی پنهـان نباشد رقّتی پیدا نگردد / هم گلی دیده است سعدی تا چو بلبل می‌خروشد
۴) گرم به گوشه‌ی چشمی شکسته وار ببینی / فلک شوم به بزرگی و مشتری به سعادت

تست ۱۹۰ کدام ابیات به دو روش دسته‌بندی هجایی می‌شوند؟

الف) سرو را قامت خوب است و قمر را رخ زیبا / تـو نه آنی و نه اینی که هم این است و هم آنت
ب) گل نسبتی ندارد بـا روی دلفـریبت / تـو در میان گـل‌ها چون گل میان خاری
ج) خوش بـود یاری و یاری بـر کنار سبزه‌زاری / مهربانان روی بر هم و ز حسودان بـرکناری
د) بر چشم پر خون چون ابر گریم / بر دور گردون چون برق خندم
ه) روی خوش و آواز خوش دارند هـر یک لذتی / بنگر که لذت چون بـود محبوب خوش‌آواز را

۱) الف - ب ۲) ج - ه ۳) ب - د ۴) الف - د

تست ۱۹۱ وزن کدام دو مصراع نادرست نوشته‌شده است؟

الف) ساقیا وقت صبـوح آمد بیار آن جام را (فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن)
ب) تا دل اندر گره زلف پریشان تـو بستم (فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلن)
ج) ای شام زلفت بتخانه چین (مستفعلن فع مستفعلن فع)
د) شام شکستگان را هـرگز سحر نباشد (مفعول مفاعیلن مفعول مفاعیلن)
ه) مبرید نام عنبر بـر زلف چـون کمندش (فعلات فاعلاتن فعلات فاعلاتن)

۱) الف - ج ۲) ب - د ۳) الف - ه ۴) ب - ج

تست ۱۹۲ کدام یک از اوزان همسان دو لختی زیر ویژگی اوزان دوری را ندارد؟

۱) چو سر ز خاک برآرند هر کسی به امیدی / امید اهل مودت به جز لقای تو نبود
۲) هر زنده‌ی صاحب‌دل کز جان خبری دارد / چون از تو خبر یابد پیش خبرت میرد
۳) ای بت یاقوت‌لب وی مه نامهربان / شمع شبستان دل گلبن بستان جان
۴) شام شکستگان را هرگز سحر نباشد / وز روز تیره‌روزان تاریکـتر نباشد

تست ۱۹۳ وزن کدام مصراع نادرست نوشته‌شده است؟

۱) با روی چون گلنارش از برگ سمن بازآمدم (مستفعلن مستفعلن مستفعلن مستفعلن)
۲) روضه‌ی رضوان جان یعنی سرابستان دل (فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن)
۳) شبی با یار در خلوت مرا عیش نهانی بود (مفاعلن مفاعلن مفاعلن مفاعلن)
۴) چه خوش است باده خوردن به صبوح در گلستان (فعلات فاعلاتن فعلات فاعلاتن)

تست ۱۹۴ همه ابیات وزن دوری دارند، به‌جز:

۱) بر این یکی شده بودم که گرد عشق نگردم / قضای عشق درآمد بدوخت چشم درایت
۲) نیست زمام کام دل در کف اختیار مـن / گـر نه اجل فرا رسد زین همه وارهانمش
۳) دلم از غمت زمانی نتواند ار ننالد / مـژه یک دم آب حسرت نشکیبد ار نـریزد
۴) دل بر دو تن در داده‌ام ور می‌کشد استاده‌ام / کآخر ندانم بیش از این یا می‌کشد یا می‌برد

تست ۱۹۵ به ترتیب کدام مصراع‌ها همسان تک‌لختی و همسان دولختی می‌باشند؟

الف – خورشید زیر سایه‌ی زلف چو شام اوست / ب – وصفت نگنجد در بیان نامت نیاید در قلم
ج – زنده شود هر که پیش دوست بمیرد / د – وجودم به تنگ آمد از جور تنگی
هـ – ز هر که در نظر آید گذشته‌ای به نکویی / و – دگر به روی کسم دیده بر نمی‌باشد

۱) «الف ، د» - «ب ، هـ» ۳) «ج ، و» - «ب ، د» ۳) «ب ، د» - «هـ» ۴) «ب ، و» - «هـ»

Ahmadi63amoozesh.com
@ahmadi63amoozesh
@aboozarahmadi63

ج – اوزان ناهمسان

ابیاتی که هیچ نظم خاصی در میان هجاهای آن‌ها دیده نمی‌شود. یعنی اگر هجاهای آن‌ها را با برش‌های ۴ تا ۴ تا، ۳ تا ۳ تا، ۴ تا ۳ تا، ۳ تا ۴ تا و ... جدا کنیم، هیچ نظم خاصی در هجاهای آن‌ها دیده نمی‌شود. ولی در مجموع آهنگ و ریتم دلنشینی دارند و اتّفاقا در بعضی از این اوزان، نسبت به اوزان همسان، اشعار بیشتری سروده شده است. این اوزان ۱۰ مورد می‌باشند. **(اوزان ناهمسان دیگری نیز وجود دارد.)**

۱	تو به سیمای شخص می‌نگری	فَعَلاتُن مَفاعِلُن فَعِلُن	
۲	ای نام تو بهترین سرآغاز	مَفعولُ مَفاعِلُن فَعولُن	(مُستَفعِلُ فاعِلاتُ مُستَف)
۳	شخصی به هزار غم گرفتارم	مَفعولُ مَفاعِلُن مَفاعیلُن	(مُستَفعِلُ فاعِلاتُ مُستَفعَل)
۴	دیوانگان نه‌ایم که مستانیم	مَفعولُ فاعِلاتُ مَفاعیلُن	(مُستَفعِلُن مَفاعِلُ مُستَفعَل)
۵	ساقی به نور باده برافروز جام ما	مَفعولُ فاعِلاتُ مَفاعیلُ فاعِلُن	(مُستَفعِلُن مَفاعِلُ مُستَفعِلُن فَعَل)
۶	هر کس به زبانی صفت حمد تو گوید	مَفعولُ مَفاعیلُ مَفاعیلُ فَعولُن	(مُستَفعِلُ مُستَفعِلُ مُستَفعِلُ مُستَف)
۷	ای دوست بیا تا غم فردا نخوریم	مَفعولُ مَفاعیلُ مَفاعیلُ فَعَل	(مُستَفعِلُ مُستَفعِلُ مُستَفعِلُ فَع)
۸	این کوزه چو من عاشق زاری بوده‌است	مَفعولُ مَفاعیلُ مَفاعیلُن فَع	(مُستَفعِلُ مُستَفعِلُ مَفعولُن فَع)
۹	ماه فرو ماند از جمال محمد	مُفتَعِلُن فاعِلاتُ مُفتَعِلُن فَع	
۱۰	رواق منظر چشم من آشیانه توست	مَفاعِلُن فَعَلاتُن مَفاعِلُن فَعِلُن	

توجّه: چهار وزن اوّل ۳ رکن دارند. و شش وزن دیگر ۴ رکن دارند. و اوزان ۷ و ۸ وزن‌های رباعی می‌باشند.

نکته بسیار بسیار مهم: بعضی اوزان ناهمسان را نیز مانند بعضی از اوزان دولختی می‌توان **به دو صورت دسته‌بندی** هجایی کرد. مثلا در مثال ۶ اگر هجاها را با ترتیب دیگری دسته‌بندی و جدا کنیم، ارکان دیگری به دست می‌آید.

به تقطیع هجایی بیت زیر توجّه کنید.

بَس در طلبت کوشش بی‌فایده کردیم   چون طفل دوان در پیِ گنجشک پریده

بَس	دَر	طَ	لَ	بَت	کو	شِ	شِ	بی	فا	یِ	دِ	کَر	دیم
—	—	U	U	—	—	U	U	—	—	U	U	—	—
مُستَفعِلُ				مُستَفعِلُ				مُستَفعِلُ				مُستَف	
مَفعولُ			مَفاعیلُ				مَفاعیلُ				فَعولُن		
—	—	U	U	—	—	U	U	—	—	U	U	—	—
چُن	طِف	لِ	دَ	وان	دَر	پِ	یِ	گُن	جِش	کِ	پَ	ری	دِ

پس از اعمال اختیارات شاعری به ساختار هجایی فوق می‌رسیم. تقطیع اول نظم همسان و تقطیع دوم نظم ناهمسان دارد. هر چند این بیت و موارد مشابه آن با نظم ناهمسان شهرت یافته و نام‌گذاری شده‌اند، امّا نظم همسان آن‌ها بر نظم ناهمسان ترجیح دارد.

ساقی به نور باده برافروز جام ما   مطرب بگو که کار جهان شد به کام ما

سا	قی	بِ	نو	رِ	با	دِ	بَ	رَف	رو	ز	جا	مِ	ما
—	—	U	—	U	—	U	U	—	—	U	—	U	—
مُستَفعِلُن				مَفاعِلُ				مُستَفعِلُن				فَعَل	
مَفعولُ			فاعِلاتُ				مَفاعیلُ				فاعِلُن		
—	—	U	—	U	—	U	U	—	—	U	—	U	—
مُط	رِب	بِ	گو	کِ	کا	رِ	جَ	هان	شُد	بِ	کا	مِ	ما

نکته بسیار کلیدی: در سطح کنکور اوزانی که به ۲ صورت دسته‌بندی می‌شوند، با « مَفعولُ — — U » شروع شده‌اند.

Ahmadi63amoozesh.com
@aboozarahmadi63
@ahmadi63amoozesh

وزن شعر نیمایی

وزن شعر نیمایی: شعر کلاسیک ما غالبا مبتنی بر تساوی هجایی مصراع‌ها بود و نیمایوشیج برای رهایی از تنگناهای عروضی، شکل جدیدی از وزن را ایجاد کرد تا بهتر بتواند به محتوای شعر – که نیاز روز جامعه بود – بپردازد. نیما قید و شرط تساوی هجاهای دو مصراع را برداشت و دست شاعر را در سرودن شعر باز گذاشت؛ بی آنکه از زیبایی موسیقایی شعر قدیم بکاهد. برای نمونه در شعر زیر:

باغ بی‌برگی
خنده‌اش خونی است اشک‌آمیز
جاودان بر اسبِ یال‌افشان زردش می‌چمد در آن
پادشاه فصل‌ها پاییز

با غِ بی بَر گی	— / — — U — فاعِلاتُن فَع
خَن دِ اَش خو نیست اَش کا میز	— / — — U — / — — U — فاعِلاتُن فاعِلاتُن فَع
جا وِ دا بَر اَس بِ یا لَف شا نِ زَر دَش می چَ مَد دَر آن	— / — — U — / — — U — / — — U — / — — U — فاعِلاتُن فاعِلاتُن فاعِلاتُن فاعِلاتُن فَع
پا دِ شا هِ فَصل ها پا ییز	— / — — U — / — — U — فاعِلاتُن فاعِلاتُن فَع

همانطور که می‌بینید شاعر در مصراعی ۱ فاعِلاتُن، در مصراع دیگر ۲ فاعِلاتُن و در مصراع دیگر ۴ فاعِلاتُن آورده است. در واقع در شعر نیمایی ممکن است کوتاهی و بلندی مصراع‌ها و تعداد هجاها برابر نباشد. امّا امکان تغییر وزن وجود ندارد. مثلا شاعر نمی‌تواند یک مصراع را بر وزن «فاعِلاتُن» بسراید و مصراع دیگر را بر وزن «مَفاعیلُن».

توجّه: کوتاه و بلندی مصراع‌های یک شعر در شعر کهن و کلاسیک ما نیز سابقه داشته است. برای نمونه به شعر زیر که در قالب «مُستزاد» سروده شده است، توجّه کنید:

هر لحظه به شکلی بت عیّار برآمد — دل برد و نهان شد
هر دم به لباس دگران یار برآمد — گه پیر و جوان شد
گه نوح شد و کرد جهانی به دعا غرق — خود رفت به کشتی
گه گشت خلیل و به دل نار برآمد — آتش، گل از آن شد
یوسف شد و از مصر فرستاد قمیصی — روشنگر عالم
از دیده یعقوب چو انوار برآمد — تا دیده عیان شد
حقّا که هم او بود که اندر یَد بَیضا — می‌کرد شبانی
در چوب شد و در صفت مار برآمد — زان فخر کیان شد
می‌گشت دمی چند بر این روی زمین او — از بهر تفرجّ
عیسی شد و بر گنبد دوّار برآمد — تسبیح‌کنان شد
بالجمله هم او بود که می‌آمد و می‌رفت — هر قرن که دیدی
تا عاقبت آن شکل عرب‌وار برآمد — دارای جهان شد
منسوخ چه باشد؟ نه تناسخ به حقیقت — آن دلبر زیبا
شمشیر شد و در کف کرّار برآمد — قتّال زمان شد
نی نی که هم او بود که می‌گفت اناالحق — در صوت الهی
منصور نبود آن که بر آن دار برآمد — نادان به گمان شد
رومی سخن کفر نگفته است و نگوید — منکر مشویدش
کافر بود آنکس که به انکار برآمد — از دوزخیان شد

Ahmadi63amoozesh.com
@ahmadi63amoozesh
@aboozarahmadi63

تمرین: ابیات زیر را به خط عروضی بنویسید و تقطیع هجایی کنید.

۷۴ - ای پادشه خوبان داد از غم تنهایی / دل بی تو به جان آمد وقت است که بازآیی
۷۵ - کی شعر تر انگیزد خاطر که حزین باشد / یک نکته از این معنی گفتیم و همین باشد
۷۶ - هر تیر که در کیش است گر بر دل ریش آید / ما نیز یکی باشیم از جمله قربان‌ها
۷۷ - از هر طرف که رفتم جز وحشتم نیفزود / زنهار از این بیابان وین راه بی‌نهایت
۷۸ - دیدار یار غائب دانی چه ذوق دارد / ابری که در بیابان بر تشنه‌ای ببارد
۷۹ - بگذار تا بگریم چون ابر در بهاران / کزسنگ ناله خیزد روز وداع یاران
۸۰ - زاهد خلوت نشین دوش به میخانه شد / از سر پیمان برفت با سر پیمانه شد
۸۱ – سلسله‌ی موی دوست حلقه‌ی دام بلاست / هرکه در این حلقه نیست فارغ از این ماجراست
۸۲ – بِه که ز بهر سخن برنگشاید زبان / گر نتواند که مرد، سخن به پایان برد
۸۳ - تا تو به خاطر منی کس نگذشت بر دلم / مثل تو کیست در جهان تاز تو مهر بگسلم
۸۴ – جور بکن که حاکمان جور کنند بر رهی / شیر که پایبند شد تن بدهد به روبهی
۸۵ – سرو چمان من چرا میل چمن نمی‌کند / همدم گل نمی‌شود یاد سمن نمی‌کند
۸۶ - متناسبند و موزون حرکات دلفریبت / متوجّه است با ما سخنان بی‌حسیبت
۸۷ - شب عاشقان بی‌دل چه شبی دراز باشد / تو بیا کز اوّل شب در صبح باز باشد
۸۸ - بروید ای حریفان بکشید یار ما را / به من آورید آخر صنم گریز پا را
۸۹ – به هوش بودم از اول که دل به کس نسپارم / شمایل تو بدیدم نه صبر ماند و نه هوشم
۹۰ – ندانمت به حقیقت که در جهان به که مانی / جهان و هر چه در او هست و صورتند و تو جانی
۹۱ – سَل المَصانِعَ رکباً تَهیمُ فی الفَلَواتِ / تو قدر آب چه دانی که در کنار فراتی
۹۲ - ای بخت سرکش تنگش به برکش / گه جام زرکش گه لعل دلخواه
۹۳ - از دست زاهد کردیم توبه / و از فعل عابد استغفرالله
۹۴ - جهان فرتوت باز جوانی از سر گرفت / به سر ز یاقوت سرخ شقایق افسر گرفت
۹۵ - شکوفه طفلیست خرد تنش به نرمی حریر / رخش به رنگ سهیل لبش به بوی عبیر
۹۶ - چنان بود تابناک که زهره‌اش مشتری است / چو بر گشاید دهن به شکل انگشتری است

بیت ۷۴	ای پادشــه خوبـان داد از غــم تنهـــایی دل بی تو به جان آمد وقت است که بازآیی														
خط عروضی مصراع اول	اِی پـادِشَــهِ خــوبـان دادَز غَــمِ تَــنــهـایــی														
هجاهای مصراع اول	اِی	پا	دِ	شَ	هِ	خو	بان		دا	دَز	غَ	مِ	تَن	ها	یی
علامت هجایی مصراع اول	—	—	U	U	U	—	—		—	—	U	U	—	—	—
اختلاف هجاهای روبه‌روی هم															
علامت هجایی مصراع دوم	—	—	U	U	—	—	—		—	—	U	U	—	—	—
هجاهای مصراع دوم	دِل	بی	تُ	بِ	جان	آ	مَد		وَق	تَسـ	ت	کِ	با	زا	یی
خط عروضی مصراع دوم	دِل بـی تُ بِ جـا نـامَـد وَقـتَــســت کِ بـازایـی														

بیت ۷۵	کی شعر تر انگیزد خاطر که حزین باشد یک نکته از این معنی گفتیم و همین باشد														
خط عروضی مصراع اول	کِـی شِـعـرِ تَــرَنـگـیـزَد خـاطِـر کِ حَــزیــن بـاشَـد														
هجاهای مصراع اول	کِی	شِع	رِ	تَ	رَن	گی	زَد		خا	طِر	کِ	حَ	زین	با	شَد
علامت هجایی مصراع اول	—	—	U	U	—	—	—		—	—	U	U	—	—	—
اختلاف هجاهای روبه‌روی هم															
علامت هجایی مصراع دوم	—	—	U	U	—	—	—		—	—	U	U	—	—	—
هجاهای مصراع دوم	یِک	نُک	تِ	ءَ	زین	مَع	نی		گُف	تی	مُ	هَ	مین	با	شَد
خط عروضی مصراع دوم	یِـک نُـکـتِ اَزیــن مَــعـنـی گُـفـتـیـمُ هَـمـیــن بـاشَـد														

بیت ۷۶	هر تیر که در کیش است گر بر دل ریش آید مـا نیـز یکـی باشیم از جملـه‌ی قربان‌ها														
خط عروضی مصراع اول	هَــر تـیـر کِ دَر کـیـشَـسـت گَـر بَـر دِلِ ریـشـایَـد														
هجاهای مصراع اول	هَر	تیـ	ر	کِ	دَر	کی	شَست		گَر	بَر	دِ	لِ	ری	شا	یَد
علامت هجایی مصراع اول	—	—	U	U	—	—	—		—	—	U	U	—	—	—
اختلاف هجاهای روبه‌روی هم															
علامت هجایی مصراع دوم	—	—	U	U	—	—	—		—	—	U	U	—	—	—
هجاهای مصراع دوم	ما	نیـ	ز	یِ	کی	با	شیم		اَز	جُم	لِ	یِ	قُر	با	ها
خط عروضی مصراع دوم	مـا نـیـز یِـکـی بـاشـیـم اَز جُـمـلـِیِ قُـر بـان هـا														

بیت ۷۷	از هر طرف که رفتم جز وحشتم نیفزود زنهـار از ایـن بیابـان ویـن راه بی نهـایت														
خط عروضی مصراع اول	اَز هَـر طَـرَف کِ رَفـتَـم جُـز وَحـشَـتَـم نَـیَـفـزود														
هجاهای مصراع اول	اَز	هَر	طَ	رَف	کِ	رَف	تَم		جُز	وَح	شَ	تَم	نَ	یَف	زود
علامت هجایی مصراع اول	—	—	U	—	U	—	—		—	—	U	—	U	—	—
اختلاف هجاهای روبه‌روی هم															
علامت هجایی مصراع دوم	—	—	U	—	U	—	—		—	—	U	—	U	—	—
هجاهای مصراع دوم	زِن	ها	رَ	زین	بِ	یا	بان		وین	را	هِ	بی	نَ	ها	یَت
خط عروضی مصراع دوم	زِنـهـارَزیــن بِـیـابـان ویــن راهِ بـی نَـهـایَـت														

بیت ۷۸	دیـدار یـار غائـب دانی چـه ذوق دارد ابـری کـه در بیابـان بـر تشنه ای ببارد														
خط عروضی مصراع اول	دیــدارِ یـــارِ غـــائِـب دانـــی چِ ذُوق دارَد														
هجاهای مصراع اول	دی	دا	رِ	یا	رِ	غا	ئِب		دا	نی	چِ	ذُو	ق	دا	رَد
علامت هجایی مصراع اول	—	—	U	—	U	—	—		—	—	U	—	U	—	—
اختلاف هجاهای روبه‌روی هم															
علامت هجایی مصراع دوم	—	—	U	—	U	—	—		—	—	U	—	U	—	—
هجاهای مصراع دوم	اَب	ری	کِ	دَر	بِ	یا	بان		بَر	تِش	نِ	ای	بِ	با	رَد
خط عروضی مصراع دوم	اَبـری کِ دَر بِـیـابـان بَـر تِـشـنِ ای بِـبـارَد														

Ahmadi63amoozesh.com

بیت ۷۹	بگذار تـا بگـریم چـون ابـر در بهـاران کـز سنـگ نالـه خیـزد روز وداع یـاران													
خط عروضی مصراع اول	بُـگـذار تـا بِـگِـریَـم چُـن اَبْـر دَر بَـهـارا													
هجاهای مصراع اول	بُگ	ذا	ر	تا	بِ	گِر	یَم		چُن	اَبـ	ر	دَر	بَ	ها	ران
علامت هجایی مصراع اول	—	—	U	—	U	—	—		—	—	U	—	U	—	—
اختلاف هجاهای روبه‌روی هم															
علامت هجایی مصراع دوم	—	—	U	—	U	—	—		—	U	U	—	U	—	—
هجاهای مصراع دوم	کِز	سَنـ	گ	نا	لِ	خی	زَد		رو	زِ	وِ	دا	عِ	یا	ران
خط عروضی مصراع دوم	کِـز سَـنـگ نـالِ خـیـزَد روز وِداعِ یـارا													

بیت ۸۰	زاهـد خلـوت نشین دوش به میخانـه شد از سـر پیمـان برفـت با سـر پیمانه شد													
خط عروضی مصراع اول	زاهِـدِ خَـلـوَتْ نِـشـیـن دوش بِ مِـی خـانِ شُـد													
هجاهای مصراع اول	زا	هِـ	دِ	خَل	وَت	نِ	شین		دو	ش	بِ	مِی	خا	نِ	شُد
علامت هجایی مصراع اول	—	U	U	—	—	U	—		—	U	U	—	—	U	—
اختلاف هجاهای روبه‌روی هم															
علامت هجایی مصراع دوم	—	U	U	—	—	U	—		—	U	U	—	—	U	—
هجاهای مصراع دوم	اَز	سَ	رِ	پِی	ما	بِ	رَفت		با	سَ	رِ	پِی	ما	نِ	شُد
خط عروضی مصراع دوم	اَز سَـرِ پِـیـمـان بِـرَفـت بـا سَـرِ پِـیـمـانِ شُـد													

بیت ۸۱	سلسله‌ی مـوی دوست حلقـه‌ی دام بلاست هر که در این حلقه نیست فارغ از این ماجراست													
خط عروضی مصراع اول	سِـلـسِـلِ یِ مـوی دوسـت حَـلـقِـیِ دامِ بَـلـاسـت													
هجاهای مصراع اول	سِل	سِ	لِ	یِ	مو	یِ	دوست		حَل	قِ	یِ	دا	مِ	بَ	لاست
علامت هجایی مصراع اول	—	U	U	U	—	U	—		—	U	U	—	U	U	—
اختلاف هجاهای روبه‌روی هم															
علامت هجایی مصراع دوم	—	U	U	—	—	U	—		—	U	U	—	—	U	—
هجاهای مصراع دوم	هَر	کِ	دَ	رین	حَل	قِ	نیست		فا	رِ	غَ	زین	ما	جَ	راست
خط عروضی مصراع دوم	هَـر کِ دَریـن حَـلـقِـه نـیـسـت فـارِغَـزیـن مـاجَـراسـت													

بیت ۸۲	به که ز بهر سخن بر نگشاید زبان گر نتواند که مرد، سخن به پایان برد													
خط عروضی مصراع اول	بِـه کِ زِ بَـهـرِ سُـخَـن بَـر نَـگُـشـایَـد زَبـان													
هجاهای مصراع اول	بِه	کِ	زِ	بَهـ	رِ	سُ	خَن		بَر	نَ	گُ	شا	یَد	زَ	بان
علامت هجایی مصراع اول	—	U	U	—	U	U	—		—	U	U	—	—	U	—
اختلاف هجاهای روبه‌روی هم															
علامت هجایی مصراع دوم	—	U	U	—	—	U	—		U	—	U	—	—	U	—
هجاهای مصراع دوم	گَر	نَ	تَ	وا	نَد	کِ	مَرد		سُ	خَن	بِ	پا	یا	بَ	رَد
خط عروضی مصراع دوم	گَـر نَـتَـوانَـد کِ مَـرد سُـخَـن بِ پـایـان بَـرَد													

بیت ۸۳	تـا تـو بـه خاطر منی کس نگذشت بـر دلم مثـل تـو کیست در جهان تـا ز تو مهر بگسلم																
خط عروضی مصراع اول	تـا تُ بِ خـاطِـرِ مَـنـی کَـس نَـگُـذَشـت بَـر دِلَـم																
هجاهای مصراع اول	تا	تُ	بِ	خا	طِ	رِ	مَ	نی		کَس	نَ	گُ	ذَشـ	ت	بَر	دِ	لَم
علامت هجایی مصراع اول	—	U	U	—	U	U	U	—		—	U	U	—	U	—	U	—
اختلاف هجاهای روبه‌رویهم																	
علامت هجایی مصراع دوم	—	U	U	—	U	—	U	—		—	U	U	—	U	—	U	—
هجاهای مصراع دوم	مِث	لِ	تُ	کیـ	ست	دَر	جَ	هان		تا	زِ	تُ	مِهـ	ر	بُگ	سَ	لَم
خط عروضی مصراع دوم	مِـثـلِ تُ کـیـسـت دَر جَـهـا تـا زِ تُ مِـهـر بُـگـسَـلَـم																

Ahmadi63amoozesh.com

بیت ۸۴	جـور بکن کـه حاکمان جور کنند بـر رهی شیـر کـه پای‌بند شد تن بدهد بـه روبهی																
خط عروضی مصراع اول	جُـور بُـکُـن کِ حـاکِـما جُـور کُـنَـنـد بَـر رَهـی																
هجاهای مصراع اول	جُو	ر	بُ	کُن	کِ	حا	کِ	مان		جُو	ر	کُ	نَنـ	د	بَر	رَ	هی
علامت هجایی مصراع اول	—	U	U	—	U	—	U	—		—	U	U	—	U	—	U	—
اختلاف هجاهای روبه‌روی هم																	
علامت هجایی مصراع دوم	—	U	U	—	U	—	U	—		—	U	U	—	U	—	U	—
هجاهای مصراع دوم	شیـ	ر	کِ	پا	ی	بَنـ	د	شُد		تَن	بِ	دَ	هَد	بِ	رو	بَ	هی
خط عروضی مصراع دوم	شـیـر کِ پـایـبَـنـد شُـد تَـن بِـدَهَـد بِ روبَـهـی																

بیت ۸۵	سـرو چمـان من چـرا میل چمـن نمی‌کند همـدم گـل نمی‌شود یـاد سمـن نمی‌کند																
خط عروضی مصراع اول	سَـروِ چَـمـانِ مَـن چـرا مِـیـلِ چَـمَـن نِـمـی کُـنَـد																
هجاهای مصراع اول	سَر	وِ	چَ	ما	نِ	مَن	چِ	را		میـ	لِ	چَ	مَن	نِ	می	کُ	نَد
علامت هجایی مصراع اول	—	U	U	—	U	—	U	—		—	U	U	—	U	—	U	—
اختلاف هجاهای روبه‌روی هم																	
علامت هجایی مصراع دوم	—	U	U	—	U	—	U	—		—	U	U	—	U	—	U	—
هجاهای مصراع دوم	هَم	دَ	مِ	گُل	نِ	می	شَ	وَد		یا	دِ	سَ	مَن	نِ	می	کُ	نَد
خط عروضی مصراع دوم	هَـمـدَمِ گُـل نِـمـی شَـوَد یـادِ سَـمَـن نِـمـی کُـنَـد																

بیت ۸۶	متناسبند و مـوزون حرکـات دلفـریبت متـوجّه است بـا مـا سخنـان بی‌حسیبت																
خط عروضی مصراع اول	مُـتَـنـاسِـبَـندُ مُـوزو حَـرَکـاتِ دِلـفَـریـبَـت																
هجاهای مصراع اول	مُ	تَ	نا	سِ	بَن	دُ	مُو	زون		حَ	رَ	کا	تِ	دِل	فَ	ری	بَت
علامت هجایی مصراع اول	U	U	—	U	—	U	—	—		U	U	—	U	—	U	—	—
اختلاف هجاهای روبه‌روی هم																	
علامت هجایی مصراع دوم	U	U	—	U	—	U	—	—		U	U	—	U	—	U	—	—
هجاهای مصراع دوم	مُ	تِ	وَج	جِ	هَسـ	ت	با	ما		سُ	خَ	نا	نِ	بی	حِ	سی	بَت
خط عروضی مصراع دوم	مُـتِـوجـجِـهَـسـت بـا مـا سُـخَـنـانِ بـی حِـسـیـبَـت																

بیت ۸۷	شب عاشقان بی دل چـه شبـی دراز باشد تـو بیـا کـز اوّل شب در صبـح بـاز باشد																
خط عروضی مصراع اول	شَـبِ عـاشِـقـانِ بـی دِل چِ شَـبـی دِراز بـاشَـد																
هجاهای مصراع اول	شَ	بِ	عا	شِ	قا	نِ	بی	دِل		چِ	شَ	بی	دِ	را	ز	با	شَد
علامت هجایی مصراع اول	U	U	—	U	—	U	—	—		U	U	—	U	—	U	—	—
اختلاف هجاهای روبه‌روی هم																	
علامت هجایی مصراع دوم	U	U	—	U	—	U	U	—		U	U	—	U	—	U	—	—
هجاهای مصراع دوم	تُ	بِ	یا	کَ	زَو	وَ	لِ	شَب		دَ	رِ	صُبـ	ح	با	ز	با	شَد
خط عروضی مصراع دوم	تُ بِـیـا کَـزَو وَلِ شَـب دَرِ صُـبـح بـاز بـاشَـد																

بیت ۸۸	بـروید ای حـریفان بکشـید یـار مـا را بـه مـن آوریـد آخـر صنـم گریـز پا را																
خط عروضی مصراع اول	بِـرَویـد اِی حَـریفان بِـکِـشـیـد یـارِ مـا را																
هجاهای مصراع اول	بِ	رَ	ویـ	د	اِی	حَ	ری	فان		بِ	کِ	شیـ	د	یا	رِ	ما	را
علامت هجایی مصراع اول	U	U	—	U	—	U	—	—		U	U	—	U	—	U	—	—
اختلاف هجاهای روبه‌روی هم																	
علامت هجایی مصراع دوم	U	U	—	U	—	U	—	—		U	U	U	U	—	U	—	—
هجاهای مصراع دوم	بِ	مَ	نا	وَ	ریـ	د	آ	خِر		صَ	نَ	مِ	گُ	ریـ	ز	پا	را
خط عروضی مصراع دوم	بِ مَـنـا وَریـد آخِـر صَـنَـمِ گُـریـز پـا را																

Ahmadi63amoozesh.com

بیت ۸۹	به هوش بودم از اوّل که دل به کس نسپارم شمایـل تو بدیدم نـه صبـر ماند و نـه هوشم																
خط عروضی مصراع اول	بِ هـوش بـودَ مَـزوَوَل کِ دِل بِ کَـس نَـسِـپـارَم																
هجاهای مصراع اول	بِ	هو	ش	بو	دَ	مَ	زَو	وَل		کِ	دِل	بِ	کَس	نَ	سِ	پا	رَم
علامت هجایی مصراع اول	U	—	U	—	U	U	—	—		U	—	U	—	U	U	—	—
اختلاف هجاهای روبه‌روی هم																	
علامت هجایی مصراع دوم	U	—	U	U	U	U	—	—		U	—	U	—	U	U	—	—
هجاهای مصراع دوم	شَ	ما	یِ	لِ	تُ	بِ	دی	دَم		نَ	صَبـ	ر	ما	دُ	نَ	هو	شَم
خط عروضی مصراع دوم	شَـمـایِـلِ تُ بِـدیـدَم نَ صَـبـر مـانـدُ نَ هـوشَـم																

بیت ۹۰	ندانمت به حقیقت که در جهان به که مانی جهان و هر چه در او هست صورتند و تو جانی																
خط عروضی مصراع اول	نَـدا نَـمَـت بِ حَـقـیـقَـت کِ دَر جَـهـا بِ کِ مـانـی																
هجاهای مصراع اول	نَ	دا	نَ	مَت	بِ	حَ	قی	قَت		کِ	دَر	جَ	ها	بِ	کِ	ما	نی
علامت هجایی مصراع اول	U	—	U	—	U	U	—	—		U	—	U	—	U	U	—	—
اختلاف هجاهای روبه‌روی هم																	
علامت هجایی مصراع دوم	U	—	U	—	U	U	—	—		U	—	U	—	U	U	—	—
هجاهای مصراع دوم	جَ	ها	نُ	هَر	چِ	دَ	رو	هَسـ*		ت	صو	رَ	تَن	دُ	تُ	جا	نی
خط عروضی مصراع دوم	جَـهـانُ هَـر چِ دَرو هَـسـت صـورَتَـنـدُ تُ جـانـی																

بیت ۹۱	سَـلِ المَصانِـعَ رَکبـاً تَهیـمُ فی الفَلَـوات تـو قـدر آب چـه دانی کـه در کنـار فراتـی																
خط عروضی مصراع اول	سَـلِـل مَـصـانِـعَ رَکـبَـن تَـهـیـمُ فِـل فَـلَـواتـی																
هجاهای مصراع اول	سَ	لِل	مَ	صا	نِ	عَ	رَک	بَن		تَ	هی	مُ	فِل	فَ	لَ	وا	تی
علامت هجایی مصراع اول	U	—	U	—	U	U	—	—		U	—	U	—	U	U	—	—
اختلاف هجاهای روبه‌روی هم																	
علامت هجایی مصراع دوم	U	—	U	—	U	U	—	—		U	—	U	—	U	U	—	—
هجاهای مصراع دوم	تُ	قَد	رِ	آ	ب	چِ	دا	نی		کِ	دَر	کِ	نا	رِ	فُ	را	تی
خط عروضی مصراع دوم	تُ قَـدرِ آب چِ دانـی کِ دَر کِـنـارِ فُـراتـی																

بیت ۹۲	ای بخـت سـرکـش تنگـش بـه بـر کـش گـه جـام زرکـش گـه لعـل دلخـواه										
خط عروضی مصراع اول	ای بَـخـتِ سَـرکَـش تَـنـگَـش بِـ بَـر کَـش										
هجاهای مصراع اول	اِی	بَخ	تِ	سَر	کَش		تَن	گَش	بِ	بَر	کَش
علامت هجایی مصراع اول	—	—	U	—	—		—	—	U	—	—
اختلاف هجاهای روبه‌روی هم											
علامت هجایی مصراع دوم	—	—	U	—	—		—	—	U	—	—
هجاهای مصراع دوم	گه	جا	مِ	زَر	کَش		گَه	لَع	لِ	دِل	خاه
خط عروضی مصراع دوم	گـه جـامِ زَرکَـش گـه لَـعـلِ دِلـخـاه										

بیت ۹۳	از دسـت زاهـد کردیـم توبـه و از فعـل عـابد استغفـرالله										
خط عروضی مصراع اول	اَز دَسـت زاهِـد کَـردیـم تُـوب										
هجاهای مصراع اول	اَز	دَس	تِ	زا	هِد		کَر	دیـ	م	تُو	بِ
علامت هجایی مصراع اول	—	—	U	—	—		—	—	U	—	—
اختلاف هجاهای روبه‌روی هم											
علامت هجایی مصراع دوم	—	—	U	—	—		—	—	U	—	—
هجاهای مصراع دوم	وَز	فِع	لِ	عا	بِد		اَس	تَغ	فِ	رُل	لاه
خط عروضی مصراع دوم	وَز فِـعـلِ عـابِـد اَسـتَـغـفِـرُلـلاه										

بیت ۹۴	جهان فرتوت باز جوانی از سر گرفت به سر ز یاقوت سرخ شقایق افسر گرفت														
خط عروضی مصراع اول	جَهانِ فَرتوت باز جَوانی یَز سَر گِرِفت														
هجاهای مصراع اول	جَ	ها	نِ	فَر	تو	ت	باز		جَ	وا	نی	یَز	سَر	گِ	رِفت
علامت هجایی مصراع اول	U	—	U	—	—	U	—		U	—	—	—	—	U	—
اختلاف هجاهای روبه‌روی هم															
علامت هجایی مصراع دوم	U	—	U	—	—	U	—		U	—	U	—	—	U	—
هجاهای مصراع دوم	بِ	سَر	زِ	یا	قو	تِ	سُرخ		شَ	قا	یِ	قَف	سَر	گِ	رِفت
خط عروضی مصراع دوم	بِ سَر زِ یاقوتِ سُرخ شَقایِقَفسَر گِرِفت														

بیت ۹۵	شکوفه طفلیست خرد تنش به نرمی حریر رخش به رنگ سهیل لبش به بوی عبیر														
خط عروضی مصراع اول	شُکوفِ طِفلیست خُرد تَنَش بِ نَرمی حَریر														
هجاهای مصراع اول	شُ	کو	فِ	طِف	لیـ	ست	خُرد		تَ	نَش	بِ	نَر	می	حَ	ریر
علامت هجایی مصراع اول	U	—	U	—	—	U	—		U	—	U	—	—	U	—
اختلاف هجاهای روبه‌روی هم															
علامت هجایی مصراع دوم	U	—	U	—	U	U	—		U	—	U	—	U	U	—
هجاهای مصراع دوم	رُ	خَش	بِ	رَن	گِ	سُ	هِیل		لَ	بَش	بِ	بو	یِ	عَ	بیر
خط عروضی مصراع دوم	رُخَش بِ رَنگِ سُهِیل لَبَش بِ بویِ عَبیر														

بیت ۹۶	چنان بود تابناک که زهره‌اش مشتری است چو برگشاید دهن به شکل انگشتری است														
خط عروضی مصراع اول	چُنا~~ن~~ بُوَد تابناک کِ زُهرِاَش مُشتَریست														
هجاهای مصراع اول	چُ	نان	بُ	وَد	تا	ب	ناک		کِ	زُهـ	رِ	اَش	مُش	تَ	ریست
علامت هجایی مصراع اول	U	—	U	—	—	U	—		U	—	U	—	—	U	—
اختلاف هجاهای روبه‌روی هم															
علامت هجایی مصراع دوم	U	—	U	—	—	U	—		U	—	U	—	—	U	—
هجاهای مصراع دوم	چُ	بَر	گُ	شا	یَد	دَ	هَن		بِ	شِک	لِ	اَن	گُش	تَ	ریست
خط عروضی مصراع دوم	چُ بَر گُشایَد دَهَن بِ شِکلِ اَنگُشتَریست														

تست فصل هشتم

تست ۱۹۶ کدام مصراع بر وزن «مفعول مفاعیل مفاعیل فعولن» است؟

۱) خیزید ای میخوارگان تا خیمه برگردون زنیم
۲) آن شد که بار منّت ملاح بردمی
۳) هم سینه پر از آتش هم دیده پر آب اولی
۴) دیوانه شدم بر سر دیوانه قلم نیست

تست ۱۹۷ کدام مصراع بر وزن «مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن» است؟

۱) در گوش من مجال نمانده است پند را
۲) قصد شکار داری یا اتّفاق بستان
۲) امروز چه دانی تو که در آتش و آبم
۴) خوش می‌رود این سماع روحانی

تست ۱۹۸ کدام مصراع وزن ناهمسان دارد؟

۱) دشمنان را ز خون کفن سازیم
۲) زمانه ساغر شادی به یاد می‌گساران زد
۳) دگرم مگو که خواهم که ز درگهت برانم
۴) غیر از این صورت تصور کن وجودی دیگرم

Ahmadi63amoozesh.com
@ahmadi63amoozesh
@aboozarahmadi63

تست ۱۹۹ کدام مصراع وزن متفاوت دارد؟

۱) ای مرهــم ریش و مونـس جانم
۲) ما نیـز یـاد دوسـت نیفتـادیم
۳) گفتم که نریزم آب رخ زین بیش
۴) ای گلبـن بوسـتــان روحـانی

تست ۲۰۰ رکن پایانی کدام بیت «فعلن» نیست؟

۱) دلـم ببرد و بــه جــان زینهــار می ندهــد / کسی به شهر شما این کند به جـــای کسی
۲) صبح می‌خندد و من گریه‌کنان از غم دوست / ای دم صـبح چه داری خبر از مقدم دوســت
۳) یــار بــایــد کــه هــر چــه یــار کــنــد / بــر مــراد خــود اخــتـیــار کــنــد
۴) گر دلم در عشـق تو دیوانه شـد عیبش مکن / بدر بی‌نقصان و زر بی‌عیب و گل بی‌خــار نیست

تست ۲۰۱ وزن کدام بیت به هم ریخته است؟

۱) کمـان ســخـت کـه داد آن لطیف بـازو را / که تیر غمـــزه تمـــام است صید آهـــو را
۲) دیـار هـنـد و اقـالـیـم تـرک بسـپـارنـد / چــو چشم ترک تـــو بینند و زلــف هنـــدو را
۳) مرا کـه عزلـت عنقا گرفته بودم همه عمر / چـنـان اســیـر گـرفـتـی کـه بـاز تـیـهـو را
۴) بـه رنج بردن بـیـهـوده گـنـج نـتـوان برد / کـه بخت راســت فضـیـلت، نـه زور بـازو را

تست ۲۰۲ کدام مصراع بر وزن «فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلن» سروده شده است؟

۱) چون تو سرگردان نگشتی منکر گوی از چه گردی
۲) دوسـتـداران دوستکــام‌اند و حریفــان بـــا ادب
۳) باغبــان همچـــو نسیمـــم ز در خویـش مــران
۴) بیـــم آن است دمـادم که چـــو پروانـه بسوزم

تست ۲۰۳ کدام بیت را می‌توان به دو روش دسته‌بندی هجایی کرد؟

۱) عمریست تا من در طلب هر روز گامی می‌زنم / دست شفاعت هـــر زمــان در نیک نــامی می‌زنم
۲) اگر او بــه قصـــد جــانم کمر جفا ببندد / چه کنم که جان شــیرین نکنم فدای جانش
۳) کــــی ز دلم برون روی زانکه چو من نبوده‌ام / عشـق تو بوده است و بس در دل من به جان تو
۴) پس بر ســـر ایـن دو راهــی آز و نـیـاز / تــا هــیــچ نــمــانــی کــه نــمــی‌آیــی بــاز

تست ۲۰۴ کدام مصراع دولختی است؟

۱) تـا چنـد اسیــر عقـل هـــر روزه شویـم
۲) راهی است راه عشق که هیچش کرانه نیست
۳) ای لب و گفتار تو کام دل و قـوت جـان
۴) رقیـب آزارهـا فرمود و جـای آشتی نگذاشت

تست ۲۰۵ کدام مصراع وزن ناهمسان ندارد؟

۱) بـاور مکـن کـه دست ز دامن بدارمت
۲) روز گلستــان و نـوبهــار چــه خسبی
۳) هزار قرعه به نامـت زدیم و بـاز نگشتی
۴) کـس شک نکند کـــه ســرو بستـــانی

تست ۲۰۶ رکن پایانی کدام مصراع «مفاعیلن» است؟

۱) از لعل تو یک زمان شکیبم نیست
۲) روان از منظر چشمـم برون جست
۳) در آشفتگی زلفش آشوب شهـری
۴) خیـز که ما کرده‌ایم توبـه ز تقوی

تست ۲۰۷ پایه‌های آوایی کدام گزینه را می‌توان در دو بیت زیر مشاهده کرد؟

الف- گر دست دوستان نرسد باغ را چـه جرم / منعی کـه می‌رود گنـاه از باغبان توست
ب- شیوه عشق اختیار اهـل ادب نیست / بل چو قضا آید اختیار نماند

۱) فعلاتن – مفتعلن – فاعلاتن
۲) مفاعیل – مفاعلن – فع
۳) مفعول – فاعلات – مفتعلن
۴) مفتعلن – فاعلن – مفاعیلن

تست ۲۰۸ با توجه به ۳ بیت زیر کدام گزینه صحیح نیست؟

الف) باغ مزیّن چو بارگاه سلیمان / مرغ سحر برکشیده نغمه‌ی داوود
ب) عجب در آنکه تو مجموع و گر قیاس کنی / به زیر هر خم مویت دلی پراکنده است
ج) صاحب‌نظران این نفس گرم چو آتش / دانند که در خرمن من بیشتر افتاد

۱) هر سه بیت ناهمسان هستند.
۲) دو بیت را به دو روش می‌توان دسته‌بندی هجایی کرد.
۳) ابیات وزن واژه مشترک ندارند.
۴) وزن هیچ‌کدام از ابیات «مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن» نیست.

تست ۲۰۹ ابیات کدام گزینه هم ناهمسان هستند و هم به دو صورت دسته‌بندی هجایی می‌شوند؟

الف) گر تو شکرخنده آستین نفشانی / هر مگسی طوطی‌ای شوند شکر خا
ب) ای ذرّه تو در مقابل خورشید / بیچاره چه می‌کنی بدین خردی
ج) رنجور عشق دوست چنانم که هر که دید / رحمت کند مگر دل نامهربان دوست
د) هوشم نماند با کس اندیشه‌ام تویی بس / جایی که حیرت آمد سمع و بصر نباشد

۱) الف – ج
۲) ب - د
۳) ب – ج
۴) الف – د

تست ۲۱۰ کدام شعر بر وزن «مفتعلن فاعلات مفتعلن فع» است؟

۱) سرو گلستان من قامت دلجوی توست
۲) در گذر از ظلمت دل غرق سیاهی چه شوی
۳) گلبن عیش می‌دمد ساقی گلعذار کو
۴) دور به آخر رسید و عمر به پایان

تست ۲۱۱ چند مورد از ابیات زیر یا دوری هستند یا به دو صورت دسته‌بندی هجایی می‌شوند؟

الف) وصفش نداند کرد کس دریای شیرین است و بس / سعدی که شوخی می‌کند گوهر به دریا می‌برد
ب) چراغ مجلس مستان ز شمع چهره برافروز / ز بهر نقل حریفان شکر ز پسته فرو ریز
ج) اگر روم بدود اشک و دامنم گیرد / که از کمند محبّت کجا توانی جست
د) هر چند نمک چون شکرت شور جهانی است / لیکن لب لعلت نمکی بس شکرین است
هـ) تو دور و من از تو نیز هم دور / رنجور من و تو نیز رنجور

۱) یک
۲) دو
۳) سه
۴) چهار

تست ۲۱۲ چند مورد از ابیات زیر، هم ناهمسان هستند و هم به دو صورت دسته‌بندی هجایی می‌شوند؟

الف) ای ساقی آتش‌روی آن آب چو آتش ده / باشد که دلم آبی بر آتش غم ریزد
ب) تا چند اسیر رنگ و بو خواهی شد / چند از پی هر زشت و نکو خواهی شد
ج) هر که غریب است و پای بند کمندت / گر تو به تیغش زنی غریب نباشد
د) آن گل رخسار نگر نام گلستان چه بری / وان قد و رفتار نگر سرو خرامان چه کنی
هـ) گفتم که چشم مست تو خونم بریخت گفت / یک لحظه تن بزن که بخسبد که خسته است

۱) یک
۲) دو
۳) سه
۴) چهار

تست ۲۱۳ کدام بیت با هیچ یک از ابیات دیگر وزن واژه مشترک ندارد؟

۱) یاران همه مخمور و قدح پُر می ناب است / ما جمله جگر تشنه و عالم همه آب است
۲) نکنم خلاف رایش به جفا و جور دشمن / که محب دوست بیمی نبود ز هر گزندش
۳) هر دم به هوای خاک کویت / پر می‌زندم کبوتر دل
۴) گر گنج طلب داری از مار مترس ای دل / ور خرمن گل خواهی از خار مترس ای دل

تست ۲۱۴ کدام بیت از وزن اصلی غزل خارج شده است؟

۱) باده نوشی که در او روی و ریایی نبوَد / بهتر از زهد فروشی که در او روی و ریاست
۲) ما نه رندان ریاییم و حریفان نفاق / آن که او عالم همه است بدین حال گواست
۳) فرض ایزد بگذاریم و به کس بد نکنیم / و آن چه گویند روانیست، نگوییم رواست
۴) این چه عیب است کز آن عیب خلل خواهد بود / ور بُوَد نیز چه شد؟ مردم بی‌عیب خداست

Ahmadi63amoozesh.com
@ahmadi63amoozesh
@aboozarahmadi63

تست ۲۱۵ ترتیب ابیات زیر به لحاظ «ناهمسان با دودسته بندی هجایی، دولختی با یک دسته‌بندی هجایی، دولختی با دو دسته‌بندی هجایی، ناهمسان با یک دسته‌بندی هجایی» در کدام گزینه دیده می‌شود؟

الف) از آن به دیر مغانم عزیز می‌دارند — که آتشی که نمیرد همیشه در دل ماست
ب) با ضعف و ناتوانی همچون نسیم خوش باش — بیماری اندر این ره بهتر ز تندرستی
ج) در کعبه کوی تو هر آن کس که بیاید — از قبله ابروی تو در عین نماز است
د) چند به ناز پرورم مهر بتان سنگدل — یاد پدر نمی‌کنند این پسران ناخلف

۱) الف – ج – ب - د ۲) الف – ب – ج - د ۳) ج – د – ب - الف ۴) د – ب – ج – الف

تست ۲۱۶ کدام بیت همسان دولختی است؟

۱) خلاف سرو را روزی خرامان سوی بوستان آی — دهان غنچه بگشای و چو گلبن در گلستان آی
۲) تا چه خواهد کرد با من دور گیتی زین دو کار — دست او در گردنم یا خون من در گردنش
۳) خورشید به گل نهفت می نتوانم — و اسرار زمانه گفت می نتوانم
۴) نیست مرا به جز بدن یک سر موی در میان — نیست تو را به جز میان یک سر موی بر بدن

تست ۲۱۷ رکن پایانی کدام دو بیت یکسان است؟

الف) نه من ز بی‌عملی در جهان ملولم و بس — ملامت علما هم ز علم بی عمل است
ب) من بیچاره گردن به کمند — چه کنم گر به رکابش نروم
ج) آب از گل رخساره او عکس پذیرفت — و آتش به سر غنچه گلناز برآمد
د) صدفوار باید زبان درکشیدن — که وقتی‌که حاجت بود دُر چکانی
هـ) تدبیر چه سود از آنکه نتوان — آزاد شدن ز بند تقدیر

۱) الف - ج ۲) ب - د ۳) ج – د ۴) ب – هـ

تست ۲۱۸ در کدام گزینه وزن‌واژه «فعلاتن» دیده نمی‌شود؟

۱) ز هر که از رخ زیبای او خبر پرسم — چو نیک بنگرم آن هم ز شوق بی‌خبر است
۲) فتنه بنشان و یک زمان بنشین — که قیامت ز قامتت برخاست
۳) من اگر به خنده گویم دهنش به پسته ماند — مشنو که هیچ نبود به لطافت دهانش
۴) گر چو زنجیر به هم پیوستیم — این فروبستن درها ز کجاست

تست ۲۱۹ کدام گزینه می تواند مصراع دیگری از شعر «به قصد جان من آنکس که می‌کشد شمشیر» باشد؟

۱) هرکه او را ذره‌ای با ماه رویان مهر نیست
۲) اگر چنان‌که ندانی بپرس چوگان را
۳) به کمند تو گرفتار و به دام تو اسیر
۴) تو را که درد نباشد ز درد ما چه تفاوت

تست ۲۲۰ کدام‌یک از ابیات دولختی زیر ویژگی اوزان دوری را ندارد؟

۱) در پای تو افتادن شایسته دمی باشد — ترک سر خود کردن زیبا قدمی باشد
۲) شمع بخواهد نشست باز نشین ای غلام — روی تو دیدن به صبح روز نماید تمام
۳) نه توانگران ببخشند فقیر ناتوان را — نظری کن ای توانگر که به دیدنت فقیرم
۴) خفته خبر ندارد سر بر کنار جانان — کاین شب دراز باشد بر چشم پاسبانان

تست ۲۲۱ با توجه به ۳ بیت زیر کدام گزینه نادرست است؟

الف – بار بیفکند شتر چون برسد به منزلی — بار دل است همچنان گر به هزار منزلم
ب – کس مشکل اسرار اجل را نگشاد — کس یک قدم از دایره بیرون ننهاد
ج – چو غنچه بر سرم از کوی او گذشت نسیمی — که پرده بر دل خونین به بوی او بدریدم

۱) در بین ابیات فقط یک بیت ناهمسان وجود دارد.
۲) دو بیت از ابیات را می‌توان به دو صورت دسته‌بندی هجایی کرد.
۳) در بین ابیات دو بیت وزن دوری دارند.
۴) فقط در دو بیت وزن‌واژه «مفاعلن» وجود دارد.

Ahmadi63amoozesh.com
@ahmadi63amoozesh
@aboozarahmadi63

تست ۲۲۲ کدام وزن‌واژه را در هر دو بیت زیر می‌توان دید؟

الف) از در بخشندگی و بنده‌نوازی — مرغ هوا را نصیب و ماهی دریا

ب) روزی نبود بی تو که در یادم — صد خون دل ننوشم و صد حسرت

۱) فاعلاتُ ۲) فاعلن ۳) مفعولُ ۴) مفاعیلُ

تست ۲۲۳ وزن کدام مصراع‌ها نادرست است؟

الف) کس نیست که افتاده آن زلف دو تا نیست (مفعول مفاعیل مفاعیل فعل)

ب) خلوت‌گزیده را به تماشا چه حاجت است (مستفعلن مفاعل مستفعلن فعل)

ج) از لعل تو یک زمان شکیبم نیست (مفعول فاعلات مفاعیلن)

د) به سعی خود نتوان برد پی به گوهر مقصود (مفاعلن فعلاتن مفاعلن فعلاتن)

ه) بس که ببارید آب حسرتم از چشم (مفتعلن فاعلات مفتعلن فع)

۱) الف - ج ۲) ب - ه ۳) الف - د ۴) د - ه

تست ۲۲۴ با توجه به ۳ بیت زیر کدام گزینه صحیح نمی‌باشد؟

الف) به صدق کوش که خورشید زاید از نفست — که از دروغ سیه‌روی گشت صبح نخست

ب) مسند به گلستان بر تا شاهد و ساقی را — لب گیری و رخ بوسی می نوشی و گل بویی

ج) شب صحبت غنیمت دان و داد خوش‌دلی بستان — که مهتاب دل‌افروز است و طرف لاله‌زاری خوش

۱) دو بیت ناهمسان در ابیات وجود دارد.
۲) تنها یک بیت را می‌توان به دو روش دسته‌بندی هجایی کرد.
۳) یکی از ابیات نه دوری است و نه ناهمسان.
۴) تنها یکی از ابیات وزن دوری دارد.

تست ۲۲۵ با توجه به دو بیت زیر کدام گزینه نادرست است؟

الف) از در خویشم مران که از خم گیسو — حلق دلم بسته‌ای به حلقه‌ی زنجیر

ب) گر برکشی و گر بکشی رای رای توست — هر چیز کآن نه رای تو باشد نه رای ماست

۱) هر دو بیت ناهمسان هستند.
۲) یکی از ابیات را فقط به دو روش می‌توان دسته‌بندی هجایی کرد.
۳) دو بیت هیچ وزن واژه مشترکی با یکدیگر ندارند.
۴) در یکی از ابیات وزن واژه «فع» وجود دارد.

تست ۲۲۶ ترتیب ابیات زیر به لحاظ «دولختی با یک دسته‌بندی هجایی، ناهمسان با یک دسته‌بندی هجایی، ناهمسان با دو دسته‌بندی هجایی، دولختی با دو دسته‌بندی هجایی» در کدام گزینه دیده می‌شود؟

الف) چو طلعت تو مرا منتهای مقصود است — بیا که عمر من این پنج روز معدود است

ب) به تو با تو راز گویم به زبان بی‌زبانی — به تو از تو راه جویم به نشان بی‌نشانی

ج) زلف سیه چه آری در پیش چشم جادو — با ساحران بابل ثعبان چه کار دارد

د) تا کی ندهی داد من ای داد ز دستت — رحم آر که خون در دلم افتاد ز دستت

۱) الف — ج — د - ب ۲) ب — الف — د - ج ۳) ج — د — الف - ب ۴) ج — ب — د - الف

تست ۲۲۷ در بین مصراع‌های زیر به ترتیب چند مصراع ناهمسان و چند مصراع همسان دولختی است؟

- امروز یقین شد که تو محبوب خدایی
- خود که باشد که تو را بیند و عاشق نشود
- هر که را با دلستانی عیش می‌افتد زمانی
- همه عمر در فراقت بگذشت و سهل باشد
- من نیز به خدمتت کمر بندم
- روی گشاده‌ای صنم طاقت خلق می‌بری

۱) «یک» - «یک» ۳) «دو» - «دو» ۳) «یک» - «دو» ۴) «دو» - «یک»

تست ۲۲۸ وزن کدام بیت با دیگر ابیات متفاوت است؟

۱) پیاده ندیدی که جنگ آورَد / سرِ سرکشان زیر سنگ آورَد
۲) بیابد هوس‌کردن از سر به در / که دورِ هوس‌بازی آمد به سر
۳) به سبزه کجا تازه گردد دلم / که سبزه بخواهد دمید از گِلم
۴) آنچه دیدی برقرار خود نماند / این چه بینی هم نماند برقرار

تست ۲۲۹ بیت زیر با کدام بیت هم‌وزن است؟

«ای خوب‌تر از لیلی بیم است که چون مجنون / عشق تو بگرداند در کوه و بیابانم»

۱) وقتی دل سودایی می‌رفت به بستان‌ها / بی‌خویشتنم کردی بوی گل و ریحان‌ها
۲) به حسنِ خُلق و وفا کس به یار ما نرسد / تو را در این سخن انکار کار ما نرسد
۳) ز فراق چون ننالم من دل شکسته چون نی / که بسوخت بندبندم ز حرارت جدایی
۴) ای باد بامدادی خوش می‌روی به شادی / پیوند روح کردی پیغام دوست دادی

تست ۲۳۰ وزن بیت زیر در کدام گزینه درست ذکر شده است؟

«آن را که بصیرت نبود، یوسف صدّیق / جایی بفروشد که خریدار نباشد»

۱) مُستفعِلُ فاعلاتُ مُستَفعِلُ فَعَل
۲) مَفعولُ فاعلاتُ مفاعیلُ فاعلُن
۳) مُستَفعِلُن مفاعلُ مُستَفعِلُن فَعَل
۴) مَفعولُ مفاعیلُ مفاعیلُ فَعولُن

تست ۲۳۱ کدام بیت در وزن «مَفعولُ مَفاعِلُن مَفاعیلُن» سروده شده است؟

۱) ویرانهٔ آب و گل چون مسکن بوم آمد / این عرصه کجا شاید پرواز همایی را
۲) ای گشته چنان و آن چنان تر / هر جان که بدیده او چنین را
۳) در شهر که دیده است چنین شهر بقی را / در بر که کشیده است سهیل و قمری را
۴) صد شعلهٔ آتش است در دیده / از نکته دل که آتشین باشد

تست ۲۳۲ وزن مقابل کدام مصراع نادرست است؟

۱) ای صوفیان عشق بدرّید خرقه‌ها (مَفعولُ فاعلاتُ مفاعیل فاعِلُن)
۲) گنج در آستین و کیسه تهی (فاعلاتُن مَفاعِلُن فَعِلُن)
۳) کان حسن تو پنهان شدنی نیست بیا (مُستَفعِلُ مُستَفعِلُ مُستَفعِلُ مُستَف)
۴) سرمایه برفت و سود می‌جویم (مُستَفعِلُ فاعِلاتُ مُستَفعِل)

تست ۲۳۳ وزن همه گزینه ها به جز گزینه .... در مقابل آن درست نوشته شده است.

۱) سخن به لطف و کرم با درشت‌خوی مگوی (مفاعلن فعلاتن مفاعلن فعلاتن)
۲) جان گرامی نهاده بر کف دستیم (مفتعلن فاعلات مفتعلن فع)
۳) ندهد مرد هوشمند جواب (فعلاتن مفاعلن فعلن)
۴) از اکذب اوست احسن او (مفعول مفاعلن فعولن)

تست ۲۳۴ در بیت کدام گزینه یک هجا از آخرین پایه آوایی کاسته شده است؟

۱) بیا تا گل برافشانیم و می در ساغر اندازیم / فلک را سقف بشکافیم و طرحی نو در اندازیم
۲) نگارا چرا قول دشمن شنیدی / چرا بهر دشمن ز چاکر بریدی
۳) داد جاروبی به دست آن نگار / گفت کز دریا برانگیزان غبار
۴) مرا گر ز وصل تو رنگی بر آید / رها کن که نامه به ننگی برآید

تست ۲۳۵ در بین مصراع‌های زیر به ترتیب چند مصراع «ناهمسان» و چند مصراع «با دو دسته‌بندی هجایی» وجود دارد؟

- غمش در نهانخانهٔ دل نشیند
- دل من نه مرد آن است که با غمش برآید
- دیده نگه داشتیم تا نرود دل
- دل بی تو به جان آمد وقت است که بازآیی
- روا بُود که چنین بی‌حساب دل ببری؟
- سلسله‌ی موی دوست حلقه دام بلاست

۱) «یک» - «یک»
۳) «دو» - «دو»
۳) «یک» - «دو»
۴) «دو» - «یک»

Ahmadi63amoozesh.com
@ahmadi63amoozesh
@aboozarahmadi63

فصل نهم

اختیارات شاعری

گفتیم وزن شعر فارسی مبتنی بر تساوی هجاهاست. هم از نظر کمّی و هم‌کیفی. یعنی نه تنها این‌که تعداد هجاهای مصراع‌ها یکسان است، بلکه ترتیب قرار گرفتن هجاهای کوتاه و بلند در تمام مصراع‌ها هم یکسان است. مثلاً وقتی فردوسی اولین مصراع شاهنامه را بر وزن «U — — / U — — / U — — / U —» سرود، مجبور شد کل شاهنامه را بر همین وزن بسراید. و یا وقتی مولانا مصراع اوّل مثنوی معنوی را بر وزن «— U — — / — U — — / — U —» گفت، کل پنجاه و دو هزار مصراع را بر همین ترتیب هجایی سرود. همان‌طور که تصوّر می‌کنید، این رعایت و هماهنگی چیزی در حد معجزه است و معجزه هم از بشر امروزی ساقط است. لذا اختیاراتی به شاعران اجازه می‌دهد تا در شرایط خاص از این وزن‌ها و چیدمان هجایی خارج شوند و در مقابل هجای کوتاه، هجای بلند بیاورند و بالعکس. اختیارات شاعری در محل و یا در حالتی است که گوش فارسی‌زبانان، آن اختلاف را خیلی خارج از وزن نمی‌داند و استفاده از آن باعث بر هم خوردن نظم آوایی و شنیداری نمی‌شود. به مجموعه اختیاراتی که شاعران از آن‌ها استفاده می‌کنند تا شعرشان از وزن خارج نشود «اختیارات شاعری» می‌گویند.

اختیارات شاعری به دو دسته تقسیم می‌شوند: ۱- اختیارات زبانی ۲- اختیارات وزنی

۱- اختیارات زبانی:

اختیاراتی است که شاعر در صورت نیاز، با نحوه تلفّظ، در کیفیّت هجاها تغییری ایجاد می‌کند و هجای بلند را به هجای کوتاه و هجای کوتاه را به هجای بلند، نزدیک می‌کند.

اختیارات زبانی دو دسته است: **۱) حذف همزه ۲) تغییر کمّیّت مصوّت‌ها (و این خود نیز دو نوع است.)**

۱ – حذف همزه

«حذف همزه» از پرکاربردترین اختیارات شاعری است. و آن وقتی است که پیش از همزه یک صامت و بعد از همزه یک مصوّت بیاید. در این صورت، همزه حذف می‌شود و صامت قبل آن، به مصوّت بعد آن می‌چسبد. به الگوهای زیر توجّه کنید.

مَرد آمد	⇐	مرد امد
مـ ـَ ر د ء ا م ـَ د		مـ ـَ ر د ا مـ ـَ د
دِل‌اَنگیز	⇐	دِلَنگیز
د ـِ ل ء ـَ ن گ ی ز		د ـِ ل ـَ ن گ ی ز

یادآوری: کلمات «آمد، ایران، اوستا، اَحمد، اِعتماد، اُفتاد و...» با همزه « ء » شروع شده‌اند. (آی با کلاه و بی‌کلاه!)

در ابیات زیر، هنگام نوشتن به خط عروضی یا خوانش شعر، همزه‌ی آغازین کلمات مشخّص‌شده، حذف شده است.

بلند آن سر، که او خواهد بلندش — نژند آن دل، که او خواهد نژندش
هر کسی از ظنِّ خود شد یار من — از درون من نجست اسرار من
بشد تیز رُهّام با خود و گبر — همی گَرد رزم اندر آمد به ابر
شاهد نیاز نیست که در محضر آورند — در دادگاه عشق، رگ گردنت گواه

توجّه: حذف همزه آغازین یک اختیار است و شاعر می‌تواند آن را حذف نکند و تلفّظ کند. (حتّی اگر پیش از همزه، صامت باشد؛ یعنی حتّی اگر شرایط حذف وجود داشته باشد).

یقین، مرد را دیده، بیننده کرد — شد و تکیه بر آفریننده کرد
دارد اسارت تو به زینب اشارتی — از اشتیاق کیست که چشمت کشید راه؟
چو بگذشت از پس آن جنگ دشوار — از آن دریای بی‌پایاب آسان

نکته: حذف همزه زمانی ممکن است که واژه قبل آن، به صامت ختم شده باشد. اگر قبل از همزه، مصوّت باشد، حذف همزه معمولا غیرممکن است. در مثال‌های زیر، قبل همزه، مصوّت است، لذا همزه نمی‌تواند حذف شود.

اگر لطفش قرین حال گردد — همه ادبارها اقبال گردد
کدام دانه فرو رفت در زمین که نرُست؟ — چـرا بـه دانه‌ی انسانت این گمان باشد
گویند ز عشق کن جدایی — این نیست طریق آشنایی

توجّه: طبق نکته فوق، اگر پیش از همزه « ء »، مصوّت باشد، همزه حذف نمی‌شود. ولی در بعضی مواقع همزه و مصوّت قبل آن، هر دو حذف می‌شوند، از جمله موارد زیر:

که از ⇐ کَز (ک ـِ ء ـَ ز = کَز)
که او ⇐ کاو ⇐ کو (ک ـَ ء و = کو ، که به صورت «کاو» نوشته می‌شود)
که آن ⇐ کان (ک ـِ ء ا ن = کان)
زِ آن ⇐ زان (ز ـِ ء ا ن = زان)
داده است ⇐ دادَست (د ا د ـِ ء ـَ س ت = دادَست)

توجّه: در موارد زیر (و موارد مشابه) همزه و مصوّت بعد از آن، هر دو حذف می‌شوند.

دانا است ⇐ داناست (د ا ن ا + ء ـَ س ت = داناست)
خوبی است ⇐ خوبیست (خ و ب ی + ء ـَ س ت = خوبیست)
مینو است ⇐ مینوست (م ی ن و + ء ـَ س ت = مینوست)

نکته بسیار مهم: گفتیم اگر قبل از همزه (ء: ا – آ) مصوّت باشد، همزه اکثرا حذف نمی‌شود. یک نوع حذف همزه در این شرایط وجود دارد که تقریبا پُرکاربرد هم می‌باشد. و آن وقتی است که بعد از کلمه‌ی مختوم به مصوت بلند « ی » همزه آمده باشد. مانند مثال‌های زیر:

لیلی از : لیلی یَز — دلی آوردەام: دلی یاوردِاَم — لیلی آمد: لیلی یامد

از عمر من آنچه هست بر جای — بستان و به عمر لیلی افزای

اَز	عُم	رِ	مَ	نان	چِ	هَست		بَر	جای
—	—	U	U	—	U	—	U	—	—
—	—	U	U	—	U	—	—	—	—
بِس	تا	نُ	بِ	عُم	رِ	لِی	لی	یَف	زای

Ahmadi63amoozesh.com

تنم گر بسوزی به تیرم بدوزی جدا سازی ای خصم سر از تن من

تَ	نَم	گَر	بِ	سو	زی	بِ	تی	رَم	بِ	دو	زی
U	—	—	U	—	—	U	—	—	U	—	—
U	—	—	—	—	—	U	—	—	U	U	—
جُ	دا	سا	زی	یِی	خَصـــم		سَر	اَز	تَ	نِ	مَن

توجّه: در این حالت معمولا قبل همزه یک اختیار شاعری کوتاه تلفّظکردن مصوّت بلند دیده می‌شود. در دو مثال فوق «لی» و «زی» طبق اختیار شاعری کوتاه تلفّظکردن مصوّت بلند، به هجـای کوتاه تبدیل می‌شوند.

علی ای همای رحمت تو چه آیتی خدا را که به ما سوا فکندی همه سایه هما را

نکته بسیار مهم: **همزه کلمات مرکبی یا پیشوندی مانند «سرافراز، جنگ‌آور، مهرآیین، درآمد و ...» بدون شک حذف می‌شود. درواقع این یک اجبار است نه اختیار!**

مباحث چالشی حذف همزه

مبحث «حذف همزه» بسیار گسترده‌تر از آن چیزی است که معمولا اساتید کنکوری درس می‌دهند. این مبحث ساده گاه آنقدر اختلافی می‌شود که حتّی اساتید نام‌آور عروض در سطح دانشگاهی نیز سر یک موضوع بحث دارند و به توافقی نمی‌رسند. با توجّه بـه اینکه ما به جز موارد معدودی از کلمات - که مثلا در محل قافیه قرار می‌گیرند – به تلفّظ کهن واژگان دسترسی نداریم و دقیقا نمی‌دانیم که مثلا شاعران بزرگ ما بعضی از این موارد اختلافی را چگونه تلفّظ می‌کردند. و به فرض اگر دسترسی پیدا کنیم ممکن است افرادی بگویند که اصلا آن تلفّظ اهمیّت ندارد و تلفّظ امروزی مهم است. در این بحث نمی‌توانیم حق را به یک گـروه بدهیم و باقی را خاطی بدانیم. نظر من این است که تلفّظ معیار امروزی را اساس کار قرار بدهیم و نوع خوانش اساتید ادبیات، شاعران مطرح معاصر، دبیران و منسوبین به ادبیات و در نهایت عموم مردم را ملاک کار قرار بدهیم. اگر واقعیت را بخواهید با بررسی خوانش همین افراد متوجّه شده‌ام که اکثریت این افراد ترکیباتی مانند «جهان آرا» را با حذف همزه و به صورت «جهانارا» می‌خوانند. ولی طراحان کنکور هنوز تکلیف را روشن نکرده‌اند. این که می‌گویم طرّاحان کنکور به دلیل تایید علمی آن‌ها نیست بلکه برای بلاتکلیفی در این موضوع برای کنکور است! در ادامه شما را با ۴ نوع حذف همزه اختیاری آشنا می‌کنم که به گمانم فقط به دو مورد آن در کتب عروضی اشاره شده است. منظور بنده از **حذف همزه اختیاری** «حذف همزه‌ای است که از نظر عروضی حذف آن اجباری نیست ولی در خوانش اکثریّت افراد حذف همزه رخ می‌دهد.»

۱ – همزه بعد از «ن» ساکن بعد از مصوت بلند: در موارد زیر، واژه‌ی مشخّص‌شده را، هم با حذف همزه خوانده می‌شود، هم بدون حذف همزه ولی از نظر وزنی به حذف همزه نیاز نیست.

ای ساربان آهسته ران، کارام جانم می‌رود وان دل که با خود داشتم با دلستانم می‌رود
به خوناب شفق در دامن شام به خون آلوده ایران کهن دید

ای	سا	رِ	بان	آ	هِس	تِ	را	کا	را	مِ	جا	نَم	می	رَ	وَد
—	—	U	—	—	—	U	—	—	—	U	—	—	—	U	—
ای	سا	رِ	با	نا	هِس	تِ	ران	کا	را	مِ	جا	نَم	می	رَ	وَد

بِ	خون	آ	لو	دِ	ای	را	نِ	کُ	هَن	دید
U	—	—	—	U	—	—	—	U	—	—
بِ	خو	نا	لو	دِ	ای	را	نِ	کُ	هَن	دید

Ahmadi63amoozesh.com
@ahmadi63amoozesh
@aboozarahmadi63

۲ – همزه آغاز نیم‌مصراع دوم در اشعار دوری: زمانی که نیم‌مصراع اول با هجای کشیده یا «ن» ساکن بعد مصوت بلند تمام شود و اولین هجای نیم مصراع دوم با همزه شروع می‌شود، آن همزه نیز حین خوانده هم به صورت حذف شده خوانده می‌شود و هم حذف نشده ولی از نظر وزنی به حذف همزه نیاز نیست.

یا رب به که شاید گفت این نکته کـــه در عالم   رخساره به کس ننمود این شاهد هرجایی

یا	رَب	بِ	کِ	شا	یَد	گُفت	این	نُک	تِ	کِ	دَر	عا	لَم
—	—	U	U	—	—	—	—	—	U	U	—	—	—
یا	رَب	بِ	کِ	شا	یَد	گُف	تین	نُک	تِ	کِ	دَر	عا	لَم

میل ندارم بـه باغ اُنس نگیـرم به سرو   سروی اگر لایق است قد خرامان اوست

میـ	ل	نَ	دا	رَم	بِ	باغ	اُنـ	س	نَ	دا	رَم	بِ	سَرو
—	U	U	—	—	U	—	—	U	U	—	—	U	—
میـ	ل	نَ	دا	رَم	بِ	با	غُنـ	س	نَ	دا	رَم	بِ	سَرو

ما را نظر به خیر است از حسن ماهرویان   هر کو به شر کند میل او خود بشر نباشد

ما	را	نَ	ظَر	بِ	خیـ	رَست	اَز	حُس	نِ	ما	ه	رو	یان
—	—	U	—	U	—	—	—	—	U	—	U	—	—
ما	را	نَ	ظَر	بِ	خیـ	رَس	تَز	حُس	نِ	ما	ه	رو	یان

باز آ و جـان شیرین از من ستان بـه خدمت   دیگر چه برگ باشد درویش بی‌نوا را

با	زا	وُ	جا	نِ	شی	رین	از	مَن	سِ	تان	بِ	خِد	مَت
—	—	U	—	U	—	—	—	—	U	—	U	—	—
با	زا	وُ	جا	نِ	شی	ری	نَز	مَن	سِ	تان	بِ	خِد	مَت

۳ – همزه بعد از هجای کشیده با ساختار «صامت + مصوت بلند + صامت + صامت»:

چیست این سقف بلند ساده بسیار نقش   زین معما هیچ دانا در جهان آگاه نیست

چیـ	ست	این	سَق	فِ	بُ	لَن	دِ	سا	دِ	یِ	بِسـ	یا	ر	نَقش
—	U	—	—	U	U	—	U	—	U	U	—	—	U	—
چیـ	س	تین	سَق	فِ	بُ	لَن	دِ	سا	دِ	یِ	بِسـ	یا	ر	نَقش

حافظا علم و ادب ورز که در صحبت شاه   هـر که را نیست ادب لایق صحبت نبود

هَر	کِ	را	نیـ	ست	اَ	دَب	لا	یِ	قِ	صُح	بَت	نَ	بُ	وَد
—	U	—	—	U	U	—	U	—	U	U	—	—	U	—
هَر	کِ	را	نیـ	س	تَ	دَب	لا	یِ	قِ	صُح	بَت	نَ	بُ	وَد

Ahmadi63amoozesh.com

۴ – بیت زیر نیز یک حذف همزه اختیاری دارد ولی این خوانش، خوانش اقلیّت افراد است.

بیا که هاتف میخانه دوش با من گفت   که در مقام رضا باش و از قضا مگریـز

کِ	دَر	مَ	قا	مِ	رِ	ضا	با	شُ	اَز	قَ	ضا	مَگ	ریز
U	—	U	—	U	U	—	—	U	—	U	—	—	—
کِ	دَر	مَ	قا	مِ	رِ	ضا	با	ش	وَز	قَ	ضا	مَگ	ریز

توجّه: همچنین کنکور تکلیف کلماتی مانند «رضاست: رضا است، افکندست: افکنده است و ...» را نیز مشخّص نکرده است! یعنی مشخص نیست به طور مثال اگر ما نوشتار «نکوست» را دیدم آن را حذف همزه در نظر بگیریم یا خیر؟! در این گـونه موارد گاه با توجّه به گزینه‌های دیگر می‌توان نظر طراح سوال را فهمید ولی گاه هم گزینه‌های دیگر کمکی نمی‌کنند. مانند تست‌های شمارشی و ...

توجّه: در کنکور خارج کشور تیر ۱۴۰۱ طراح سوال «کز» را حذف همزه نگرفته است. می‌توان نتیجه گرفت مواردی مانند «بدین، بدان، کزین، کزان و مورد قبلی و ...» را نباید حذف همزه بگیریم.

۵ – همزه در هجای دوم اوزانی که با وزن فعلاتن شروع می‌شوند.

در ازل بست دلـم با سر زلفـت پیوند   تا ابد سر نکشد وز سر پیمان نرود

بسیاری از اهل فَن این گونه ابیات را بدون حذف همزه و به صورت « دَر ءَ زَل بَست دِ لَم با ...» یعنی بر وزن «فاعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلن» می‌خوانند ولی با توجه به اصل وزن که «فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلن» است، خوانش درست آن به صورت « دَ رَ زَل بَست دِ لَم با ...» درست است. این گونه حذف همزه‌ها به دلیل اختیار شاعری «آمدن فاعلاتن به جای فعلاتن در رکن اول مصراع» که در بخش اختیارات وزنی خواهید خواند، پیش می‌آید.

دَر	ءَ	زَل	بَست		دِ	لَم	با	سَ	رِ	زُل	فَت	پِی	وَند
—	U	—	—	U	U	—	—	U	U	—	—	—	—
U	U	—	—	U	U	—	—	U	U	—	—	—	—
دَ	رَ	زَل	بَست		دِ	لَم	با	سَ	رِ	زُل	فَت	پِی	وَند

در نهایت بنده حذف همزه را چند نوع می‌دانم.

۱: همزه‌هایی که همیشه حذف می‌شوند چه در شعر و چه در نثر و چه در گفتار عادی. مهرآفرین، درآمد و ...

۲: همزه‌هایی که باید حذف شوند و در صورت عدم حذف، وزن شعر به هم می‌ریزد. (این مورد اصلی‌ترین نوع حذف همزه است.)

۳: همزه‌هایی که هم می‌توان حذف کرد و هم می‌توان بدون حذف باقی گذاشت و در هر دو صورت وزن شعر به هم نمی‌ریزد. خود این حالت دو گونه است.

الف – همزه‌هایی که در اکثر مواقع در خوانش معیار حذف می‌شوند. مانند همزه آغاز نیم مصراع دوم و همزه بعد «ن» ساکن بعد از مصوت بلند.

ب – همزه‌هایی که در خوانش اکثریت حذف نمی‌شود ولی با حذف آن وزن شعر به هم نمی‌ریزد. مانند مثال شماره ۴ (که در مقام رضا باش و از قضا مگریز)

در آخر اینگونه می‌توان نتیجه گرفت که بهتر است طراح سوال بگوید در کجـا به حذف همزه نیاز داریم یا حذف همزه الزامی است. (مورد ۲)

۲ – تغییر کمّیّت مصوت‌ها

اگر به الگوهای هجایی و نوع واج آن‌ها توجّه کنیم، درمی‌یابیم که مصوّت‌های بلند، از نظر آوایی، دو برابر مصوّت‌های کوتاه یا صامت‌ها هستند. تغییر کمّیّت مصوّت‌ها به شاعر این امکان را می‌دهد که در صورت نیاز با بیشتر کشیدن مصوّت کوتاه، آن را به مصوّت بلند تبدیل کند، (تا هجای کوتاه یک مصراع را با هجای بلند مصراع مقابل یکسان کند) و یا با کم‌تر کشیدن مصوّت بلند، آن را به مصوّت کوتاه تبدیل کند، (تا هجای بلند یک مصراع را با هجای کوتاه مصراع مقابل، یکسان کند). همان‌طور که از توضیح فوق برمی‌آید، تغییر کمّیّت مصوّت‌ها دو نوع است:

الف – بلندتلفّظ‌کردن مصوّت کوتاه

ب – کوتاه‌تلفّظ‌کردن مصوّت بلند

توجّه: در عروض سنّتی «بلند تلفّظ کردن مصوت کوتاه» را «اشباع» و «کوتاه تلفّظ کردن مصوت بلند» را «تخفیف» می‌گویند.

الف : بلند تلفّظ کردن مصوّت کوتاه

شاعر می‌تواند در صورت نیاز، مصوّت کوتاه پایان کلمه را بلندتر و کشیده‌تر تلفّظ کند تا هجای کوتاه یک مصراع را با هجای بلند مصراع دیگر یکسان کند. این اختیار شاعری نیز، مانند «حذف همزه» جزء پُرکاربردترین اختیارات شاعری است. کم‌تر بیتی را می‌توان دید که این اختیار شاعری در آن استفاده نشده باشد. در واقع، در صورتِ اختلافِ نوعِ هجاهای مقابل دو مصراع (اختلاف کیفی، یکی کوتاه و یکی بلند)، با توجّه به رعایت نکات قبلی که آموخته‌ایم، اوّلین بررسی اختیارات را بر مبنای این اختیار انجام می‌دهیم.

این اختیار شاعری در سه حالت رخ می‌دهد.

الف – پایان کلمه (ـَـــِـــُـ) باشد. مانند: نه (نَ)، تو (تُ)، چو (چُ)، دو (دو عدد: دُ)، ترانه، خانه، ستاره، که (کِ) و ...

ب – واو عطف یا ربط بین دو کلمه: من و شما (منُ شما)، دل و جان (دلُ جان)، رفت و آورد (رفتُ آورد) و ...

ج – نقش‌نمای اضافه بین مضاف و مضاف‌الیه و موصوف و صفت: زنگِ خانه، پایِ علی، بابایِ خوب، لیلیِ ناز، ابرویِ یار

پایان کلمه ـَ	پایان کلمه ـُ	پایان کلمه ـِ	واو عطف و ربط و ...	نقش‌نمای اضافه (ـِ ، یِ)
وَ نه = نَ	تو چو دو(عدد)	دانه، خانه و ...	دل و جان، رفت و آمد رفتی و(یُ) گفتی	دلِ من، دلِ بزرگ بابایِ خوب، لیلی(یِ) ناز، بویِ تو

به تقطیع هجایی بیت زیر توجّه کنید.

چو در وقت بهار آیی پدیدار حقیقت پرده، برداری ز رخسار

چُ	دَر	وَق	تِ	بَ	ها	را	یی	پَ	دی	دار
U	—	—	U	U	—	—	—	U	—	—
U	—	—	—	U	—	—	—	U	—	—
حَ	قی	قَت	پَر	دِ	بَر	ادا	ری	زِ	رُخ	سار

همان‌طور که در الگوی هجایی دو مصراع مشخّص است، نوع هجای چهارم در مصراع اوّل با مصراع دوم متفاوت است. اختیار شاعری «بلند تلفّظ‌کردن مصوّت کوتاه» به شاعر این امکان را می‌دهد تا مصوّت کوتاه پایان کلمه را در صورت نیاز، بلند تلفّظ کند.

Ahmadi63amoozesh.com
@aboozarahmadi63
@ahmadi63amoozesh

تقطیع و علامت‌های بالا برای قبل از آموختن اختیارات شاعری بود. اکنون اختلاف دو هجای فوق را به صورت زیر اصلاح می‌کنیم.

چُ	دَر	وَق	تِ	بَ	ها	را	یی	پَ	دی	دار
U	—	—	~~U~~ —	U	—	—	—	U	—	—
U	—	—	—	U	—	—	—	U	—	—
حَ	قی	قَت	پَر	دِ	بَر	ادا	ری	زِ	رُخ	ساز

نکته: در بین سه مصوّت کوتاه (ـَـــِــُـ) مصوّت کوتاه « ـِ » بسیار زیاد و مصوّت کوتاه « ـَ » بسیار کم، مشمول این اختیار می‌شوند. اکنون برای هر سه مصوّت، مثال‌هایی آورده می‌شود.

بلندتلفّظ‌کردن مصوّت کوتاه « ـِ »

دست من بشکسته بودی آن زمان   چون زدم من بر سر آن خوش‌زبان

دَس	تِ	مَن	بِش	کَس	تِ	بو	دی	آ	زَ	مان
—	U	—	—	—	U	—	—	—	U	—
—	U	—	—	—	U	~~U~~ —	—	—	U	—
چُن	زَ	دَم	مَن	بَر	سَ	رِ	آن	خُش	زَ	بان

خروش سواران و اسپان ز دشت   ز بهرام و کیوان همی بر گذشت

خُ	رو	شِ	سَ	وا	را	نُ	اَس	بان	زِ	دَشت
U	—	~~U~~ —	U	—	—	U	—	—	U	—
U	—	—	U	—	—	U	—	—	U	—
زِ	بَهـ	را	مُ	کِی	وان	هَـ	می	بَر	گُ	ذَشت

گل به همه رنگ و برازندگی   می‌کند از پرتو من زندگی

گُل	بِ	هَـ	مِ	رَن	گُ	بَ	را	زَن	دِ	گی
—	U	U	~~U~~ —	—	U	U	—	—	U	—
—	U	U	—	—	U	U	—	—	U	—
می	کُ	نَ	دَز	پَر	تُ	وِ	مَن	زِن	دِ	گی

بلندتلفّظ‌کردن مصوّت کوتاه « ـُ »

تو مگـــر خود مرد صوفی نیستی؟   هست را از نسیه خیزد نیستی

تُ	م	گَر	خُد	مَر	دِ	صو	فی	نیـــس		تی
~~U~~ ـ	U	ـ	ـ	ـ	U	ـ	ـ	ـ	U	ـ
ـ	U	ـ	ـ	ـ	U	ـ	ـ	ـ	U	ـ
هَســـت		را	آز	نِس	یِ	خی	زَد	نیـــس		تی

یقین مرد را دیده بیننده کرد   شد و تکیه بر آفریننده کرد

یَـ	قین	مَر	د	را	دی	دِ	بی	نَن	دِ	کَرد
U	ـ	ـ	U	ـ	ـ	U	ـ	ـ	U	ـ
U	~~U~~ ـ	ـ	U	ـ	ـ	U	ـ	ـ	U	ـ
شُ	دُ	تِک	یِ	بَر	آ	فَ	ری	نَن	دِ	کَرد

ز آزار گُرد آفرید و هجیر   پر از درد بودند بُرنا و پیر

زِ	آ	زا	رِ	گُر	دا	فَ	ری	دُ	هُ	جیر
U	ـ	ـ	U	ـ	ـ	U	ـ	~~U~~ ـ	U	ـ
U	ـ	ـ	U	ـ	ـ	U	ـ	ـ	U	ـ
پُ	رَز	دَر	د	بو	دَنـــد		بُر	نا	وَ	پیر

بلندتلفّظ‌کردن مصوّت کوتاه « ـَ »

این اختیار معمولاً در واژه « نه » و « وَ » رخ می‌دهد. و بسیار کم‌کاربرد است.

نه غلط گفتم که نایب یا مَنوب   گر دو پنداری قبیح آید نه خوب

نَ	غَ	لَط	گُف	تَم	کِ	نا	یِب	یا	مَ	نوب
~~U~~ ـ	U	ـ	ـ	ـ	U	ـ	ـ	ـ	U	ـ
ـ	U	ـ	ـ	ـ	U	ـ	ـ	ـ	U	ـ
گَر	دُ	پِن	دا	ری	قَ	بی	حا	یَد	نَ	خوب

گفتم ار عریان شود او در عیان   نه تو مانی نه کنارت نه میان

گُف	تَ	مر	عُر	یانْ	شَ	وَد	او	دَر	عَ	یانْ
—	U	—	—	—	U	—	—	—	U	—
~~U~~ —	U	—	—	~~U~~ —	U	—	—	~~U~~ —	U	—
نَ	تُ	ما	نی	نَ	کِ	نا	رَت	نَ	مِ	یانْ

تأمّل کنان در خطا و صواب   به از ژاژخایان حاضر جواب

تَ	مَء	مُل	کُ	نان	دَر	خَ	طا	وَ - وُ	صَ	واب
U	—	—	U	—	—	U	—	~~U~~ —	U	—
U	—	—	U	—	—	U	—	—	U	—
بِ	هَز	ژا	ژ	خا	یا	نِ	حا	ضِر	جَ	واب

نکته بسیار مهم: گاه شاعر در دو هجای روبه‌روی هم از این اختیار شاعری استفاده می‌کند. در این صورت، تشخیص اختیار شاعری دشوار می‌شود.

به تقطیع بیت زیر توجّه کنید.

بـه خون گر کشی خاک من، دشمن من،   بجوشد گل اندر گل از گلشن من

بِ	خون	گَر	کِ	شی	خا	کِ	مَن	دُش	مَ	نِ	مَن
U	—	—	U	—	—	U	—	—	U	U	—
U	—	—	U	—	—	U	—	—	U	U	—
بِ	جو	شَد	گُ	لَن	دَر	گُ	لَز	گُل	شَ	نِ	مَن

در تقطیع فوق، در نگاه اوّل، با توجّه به عدم ناهماهنگی و یکسانی هجاها، تصوّر می‌شود که از اختیار شاعری استفاده نشده است، ولی با توجّه به وزن کلّ مصراع و ارکان دیگر متوجّه می‌شویم، در هجای یکی مانده به آخر، در هر دو مصراع، از اختیار شاعری بلندتلفّظ‌کردن مصوّت کوتاه استفاده شده است. من این گونه اختیار شاعری را اختیار شاعری **« نامحسوس و نامرئی »** می‌نامم. زیرا یکسانی دو هجای روبه‌رو باعث می‌شود که ما از اختیار شاعری غافل شویم.

بِ	خون	گَر	کِ	شی	خا	کِ	مَن	دُش	مَ	نِ	مَن
U	—	—	U	—	—	U	—	—	U	—	—
U	—	—	U	—	—	U	—	—	U	—	—
بِ	جو	شَد	گُ	لَن	دَر	گُ	لَز	گُل	شَ	نِ	مَن

کمانِ به‌زه را به بازو فکند   به بند کمر بر، بزد تیر چند

کَ	ما	نِ	ب	زِه	را	بِ	با	زو	فِ	کَند
U	—	~~U~~ —	U	—	—	U	—	—	U	—
U	—	~~U~~ —	U	—	—	U	—	—	U	—
بِ	بَن	دِ	کَ	مَر	بَر	بِ	زَد	تیـــــر		چَند

نکته بسیار مهم: برای یافتن اختیارات شاعری، بهتر است، علاوه بر مقایسه هجاهای روبه‌روی دو مصراع، به ارکان قبل و بعد و به اصل وزن هم توجّه داشته باشیم.

توجّه: « ه » در واژه « زِه » ملفوظ است. یعنی اختیار شاعری بلند تلفّظ‌کردن مصوّت کوتاه ندارد. در کلماتی مانند: بِه، مِه (مهتر)، کِه (کِهتر)، دِه، گَه، رَه و ... نیز « ه » ملفوظ است.

توجّه: «تو» در کلماتی مانند «توحید، توسن و...» هجای بلند است و اختیار شاعری «بلندتلفّظ کردن مصوّت کوتاه» برای آن صدق نمی‌کند. در واقع بین «ت» و «و»، مصوّت کوتاه « ـَ » وجود دارد. مانند کلمات «نَو، رَو، جَو، شَو و...»

نکته جالب و مهم: اختیار شاعری بلند تلفّظ‌کردن مصوّت کوتاه، در اوزانی مانند « مَفاعیلُن مَفاعیلُن فعولن»، « فاعِلاتُن فاعِلاتُن فاعِلُن» « فَعولُن فَعولُن فَعولُن فَعَل »، « مُستَفعِلُن مُستَفعِلُن مُستَفعِلُن مُستَفعِلُن » و هر وزنی که تعداد هجای بلند آن نسبت به هجای کوتاه بیشتر باشد، بیشتر دیده می‌شود.

نکته بسیار مهم: اگر تعداد «نقش‌نمای اضافه» یا «واو عطف: و «واو ربط» بیش از حد معمول باشد احتمال اختیار شاعری «بلند تلفّظ‌کردن مصوّت کوتاه» افزایش می‌یابد.

فریاد که از شش جهتم راه ببستند   آن خال و خط و زلف و رخ و عارض و قامت

فَر	یا	د	کِ	اَز	شِش	جَ	هَـ	تَم	را	ه	بِ	بَس	تَند
—	—	U	U	—	—	U	U	—	—	U	U	—	—
				❊				❊					
—	—	U	U	U	—	U	U	U	—	U	U	—	—
آن	خا	لُ	خَ	طُ	زُل	فُ	رُ	خُ	عا	رِ	ضُ	قا	مَت

من خاک کف پای سگ کوی تو هستم   کو خاک کف پای سگ کوی تو باشد

مَن	خا	کِ	کَ	فِ	پا	یِ	سَ	گِ	کو	یِ	تُ	هَس	تَم
—	—	U	U	U	—	U	U	U	—	U	U	—	—
				❊				❊					
—	—	U	U	U	—	U	U	U	—	U	U	—	—
کو	آن	کِ	کَ	فِ	پا	یِ	سَ	گِ	کو	یِ	تُ	با	شَد

Ahmadi63amoozesh.com

@aboozarahmadi63   @ahmadi63amoozesh

ب : کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند

توجّه: اختیار شاعری «کوتاه‌تلفّظ‌کردن مصوّت بلند» مخصوص مصوّت بلند « و » و « ی » می‌باشد که به ترتیب به مصوّت کوتاه « ـُ » و « ـِ » تبدیل می‌شوند.

همان‌طور که می‌توانستیم در شرایطی، مصوّت کوتاه را بلند تلفّظ کنیم، برعکس آن نیز ممکن است. یعنی می‌توانیم مصوّت بلند را کوتاه تلفّظ کنیم، تا هجای بلند را به هجای کوتاه تبدیل کنیم. به تقطیع بیت زیر توجّه کنید.

در دام فُتاده آهویی چند محکم شده دست و پای در بند

دَر	دا	م	فُ	تا	دِ	آ	هو	یی	چَند
—	—	U	U	—	U	—	—	—	—
—	—	U	U	—	U	—	U	—	—
مُح	کَم	شُ	دِ	دَس	تُ	پا	ی	دَر	بَند

هجاهای ستون هشتم دو مصراع با هم اختلاف دارند. پیش از این آموختیم با بلندتلفّظ‌کردن مصوّت کوتاه پایان کلمه، می‌توانیم هجای کوتاه را به هجای بلند تبدیل کنیم، امّا در این مثال، اولاً؛ با توجّه به وزن شعر «مَفعولُ مَفاعِلُن فَعولُن (مُستَفعِلُ فاعِلاتُ مُستَف)» این اجازه را نداریم، ثانیاً؛ واج «ی» اصلاً مصوّت نیست که بلند تلفّظ کنیم تا هجای کوتاه را با هجای بلند برابر کنیم! امّا اختیار شاعری کوتاه‌تلفّظ‌کردن مصوّت بلند، این اختیار را به ما می‌دهد که در شرایطی، مصوّت بلند را کوتاه تلفّظ کنیم.

گاه سوی وفـا روی، گاه سوی جفـا روی آن منی کجا روی، بی تو به سر نمی‌شود

گا	هْ	سو	یِ	وَ	فا	رُ	وی	گا	هْ	سو	یِ	جَ	فا	رُ	وی
—	U	—	—	U	—	U	—	—	U	—	—	U	—	U	—
—	U	U	—	U	—	U	—	—	U	U	—	U	—	U	—
آ	نِ	مَ	نی	کُ	جا	رُ	وی	بی	تُ	بِ	سَر	نِ	می	شَ	وَد

نکته بسیار مهم: **به جدول زیر دقّت کنید. این جدول شرایطی را نشان می‌دهد که ممکن است در صورت نیاز، مصوّت بلند، کوتاه تلفّظ شود. (این جدول بسیار مهم است.)**

اگر بعد از مصوّت بلند « و »	«ی» (یی) بیاید.	« یِ » بیاید.	« ء = ا ، آ » بیاید.	« و » بیاید.	مصوّت بیاید
	آهویی	ابروی من	آهو از – آهو آمد	آهو و گرگ	ابرویَت
اگر بعد از مصوّت بلند « ی »	«ی» (ای) بیاید.	« یِ » بیاید.	« ء = ا ، آ » بیاید.	« و » بیاید. (یُ)	مصوّت بیاید.
	لیلی ای	لیلی من (لیلی یِ من)	لیلی از – لیلی آمد	لیلی و مجنون	لیلی‌اَت

توجّه: در ادامه نکات جدول فوق را به طور مفصل با مثال شعری آورده‌ام.

نکته‌ی مهم: همزه بعد از مصوّت بلند، اگر حذف شود و مصوّت بلند به مصوّت دیگر برسد، مصوّت بلند می‌تواند طبق اختیار شاعری، کوتاه تلفّظ شود.

تنم گر بسوزی به تیرم بدوزی   جدا سازی ای خصم سر از تن من

تَ	نَم	گر	بِ	سو	زی	بِ	تیـ	رَم	بِ	دو	زی
U	—	—	U	—	—	U	—	—	U	—	—
			❊							❊	
U	—	—	—	—	—	U	—	—	U	U	—
جُ	دا	سا	زی	یِی	خَص	م	سَر	اَز	تَ	نِ	مَن

نکته‌ی بسیار مهم: اگر بعد از کلمات مختوم به « و » و « ی » مضاف‌الیه یا صفت بیاید، بعد از آن‌ها واج میانجی « ی » می‌آید و در اینصورت احتمال اختیار شاعری «کوتاه تلفّظ‌کردن مصوّت بلند» بسیار وجود دارد. نکته مهم اینجاست که « ی » میانجی بعد از کلمه مختوم به « ی » در نوشتار نمود ندارد و باید دقّت بیشتری شود.

آهوی چشم خوشش مردم به یک دیدن کشد   دیدنی کردم کش آن آهوی چینی بنگرید

آ	هو	یِ	چَش	مِ	خُ	شَش	مَر	دُم	بِ	یِک	دی	دَن	کُ	شَد
—	—	U	—	—	U	—	—	—	U	—	—	—	U	—
	❊	❊												
—	U	—	—	—	U	—	—	—	U	—	—	—	U	—
دی	دَ	نی	کَر	دَم	کِ	شا	آ	هو	یِ	چی	نی	بِن	گَ	رید

آن کس که نه آدمی است گرگ است   آهوکُشی آهوی بزرگ است

آ	کَس	کِ	نَ	آ	دَ	میـــست		گُر	گَست
—	—	U	U	—	U	—	U	—	—
			❊		❊	❊			
—	—	U	—	—	—	U	U	—	—
آ	هو	کُ	شی	یا	هو	یِ	بُ	زُر	گَست

ز شوخی گر چه آسایش نفهمیده است مژگانش   نظر با شوخی چشمش رگ خواب است پنداری

زِ	شو	خی	گَر	چِ	آ	سا	یِش	نَ	فَهـ	می	دَســـت		مُژ	گا	نَش
U	—	—	—	U	—	—	—	U	—	—	—	U	—	—	—
				❊	❊				❊						
U	—	—	—	—	U	—	—	U	—	—	—	U	—	—	—
نَ	ظَر	با	شو	خی	یِ	چَش	مَش	رَ	گِ	خا	بَســـت		پِن	دا	ری

نکته: مصوّت بلند « و »، در کلمات تک‌هجاییِ « **بو، رو، جو، مو و ...** » هیچ‌گاه کوتاه نمی‌شود و به صورت «بُ، رُ، جُ، مُ، و ...» در نمی‌آید. امّا کلمه «**سو**» در صورت اضافه‌شدن به کلمه‌ای دیگر (مانند: سویِ من)، ممکن است مشمول این اختیار شاعری شود و به صورت «سویِ: سُ یِ» تلفّظ شود.

نکته بسیار مهم: اگـر بعد از کلمه مختوم به « ی »، واو عطف یا ربط بیاید، امکان اختیار شاعری « کوتاه تلفّظ‌کردن مصوت بلند» وجود دارد.

ای یار جفا کرده پیوند بریده   این بود وفاداری و عهد تو ندیده

اِی	یا	رِ	جَ	فا	کَر	دِ	یِ	پِی	وَنـد		بـُ	ری	دِ
—	—	U	U	—	—	U	U	—	—	U	U	—	—
						❊			❊				
—	—	U	U	—	—	—	U	—	U	U	U	—	—
اِین	بو	د	وَ	فا	دا	ری	یُ	عَهـ	دِ	تُ	نَ	دی	دِ

نکته بسیار مهم: اگر بعد از کلمات مختوم به « ی » همزه بیاید، احتمال اختیار شاعری «کوتاه‌تلفّظ‌کردن مصوّت بلند» وجود دارد.

بود بقّالی و وی را طوطی‌ای   خوش‌نوایی سبز گویا طوطی‌ای

بو	د	بَق	قا	لی	یُ	وِی	را	طو	طی	ای
—	U	—	—	—	U	—	—	—	—	—
									❊	
—	U	—	—	—	U	—	—	—	—	—
خُش	نَ	وا	یی	سب	ز	گو	یا	طو	طی	ای

دست از این پیش کـه دارد که ما؟   زاری از این بیش که دارد که ما؟

دَست		ءَ	زین	پیش		کِ	دا	رَد	کِ	ما
—	U	U	—	—	U	U	—	—	U	—
	❊									
—	—	U	—	—	U	U	—	—	U	—
زا	ری	یَ	زین	بیش		کِ	دا	رَد	کِ	ما

از عمر من آنچه هست بر جای   بستان و به عمر لیلی افزای

اَز	عُم	رِ	مَ	نان	چِ	هَست		بَر	جای
—	—	U	U	—	U	—	U	—	—
							❊		
—	—	U	U	—	U	—	—	—	—
بِس	تا	نُ	بِ	عُم	رِ	لِی	لی	یَف	زای

Ahmadi63amoozesh.com

در قسمت مشخّص‌شده در تقطیع بیت زیر، به نظر شما اختیار شاعری کوتاه‌تلفّظ‌کردن مصوّت بلند وجود دارد؟

در خطاب آدمی ناطق بُدی   در نوای طوطیان حاذق بُدی

دَر	خِ	طا	بِ	آ	دَ	می	نا	طِق	بُ	دی
—	U	—	U	—	U	—	—	—	U	—
—	U	—	U	—	—	—	—	—	U	—
دَر	نَ	وا	یِ	طو	طی	یان	حا	ذِق	بُ	دی

توجّه: کتاب درسی نظام قدیم، مصوّت بلند در میان کلمات با پسوند «عامیانه»، کلمات با پیشوند «بیاموز» یا کلمه متصل به ضمیر «لیلی‌آت» را بدون اختیار «کوتاه تلفّظ کردن مصوّت بلند» آورده است و آن‌ها همچون کلمات ساده «زیاد، خیابان، سیاست و ...» می‌داند. ولی بعضی اساتید در این موارد بعضا اختلاف نظر دارند. دیگر کتب عروضی در این مورد اظهار نظر خاصی نکرده‌اند!

توجّه: کلمات مختوم به « و » اگـر « ی » نسبت، نکره، مصدری و ... بگیرند، احتمال این اختیار وجود دارد. آرزویی، ابرویی، جادویی

توجّه: کلمات مختوم به « ی »، اگر « ی » نسبت، نکره، مصدری و ... بگیـرند، احتمال این اختیار وجود دارد. البته در این صورت بین مصوّت بلند « ی » و « ی » دیگر، میانجی « ء » می‌آید.

لیلی‌ای باید که تا مجنون شوم   عاشقی، سرگشته‌ای، دلخون شوم

لِی	لی	ای	با	یَد	کِ	تا	مَج	نون	شَ	وَم
—	—	—	—	—	U	—	—	—	U	—
—	U	—	—	—	U	—	—	—	U	—
عا	شِ	قی	سَر	گَش	تِ	ای	دِل	خون	شَ	وَم

نکته بسیار مهم: کوتاه‌تلفّظ‌کردن مصوّت بلند، یک اختیار است نه اجبار! مثلا در بیت زیر شرایط برای کوتاه‌تلفّظ‌کردن مصوّت بلند « و » وجود دارد ولی دلیلی برای این کار وجود ندارد زیرا هجای بلند در جای خود قرار گرفته است.

بخور تا توانی به بازوی خویش   که سعیت بود در ترازوی خویش

بُ	خُر	تا	تَ	وا	نی	بِ	با	زو	یِ	خیش
U	—	—	U	—	—	U	—	—	U	—
U	—	—	U	—	—	U	—	—	U	—
کِ	سَع	یَت	بُ	وَد	دَر	تَ	را	زو	یِ	خیش

Ahmadi63amoozesh.com

توجّه: ضمایر متّصل « ـَم، ـَت، ـَش، ـِمان، ـِتان، ـِشان» اگر به کلمات مختوم به مصوّت بلند « و » و « ی » بچسبند، ممکن است، مصوّت بلند، کوتاه تلفّظ شود. (در این حالت میانجی « ی » بین آن‌ها قرار می‌گیرد.)

پیش کمان ابرویش لابه همی کنم؛ ولی   گوش کشیده است از آن گوش به من نمی‌کند

پی	شِ	کَ	ما	نِ	اَب	رو	یَش	لا	بِ	هَ	می	کُ	نَم	وَ	لی
—	U	U	—	U	—	—	—	—	U	U	—	U	—	U	—
						*									
—	U	U	—	U	—	U	—	—	U	U	—	U	—	U	—
گو	ش	کِ	شی	دِ	اَس	تَ	زان	گو	ش	بِ	مَن	نِ	می	کُ	نَد

توجّه: کتاب درسی نظام قدیم گفته بود « می » آغاز فعل، مانند « بیا، سیاسیت، میان و ...» می‌باشد و نباید آن را اختیار «کوتاه تلفّظ‌کردن مصوّت بلند» بدانیم. این ادّعا اشتباه است. دو مثال زیر، که بیت اول از حافظ و بیت دوم از سعدی است به خوبی نشان می‌دهند که « می » طبق اختیار شاعری «کوتاه تلفّظ کردن مصوّت بلند» هجای کوتاه در نظر گرفته شده است. چرا که اگر مانند «بیا، میان و ...» بود هیچ نباید به صورت هجای بلند می‌آمد.

دوش می‌آمد و رخساره برافروخته بود   تا کجا باز دل غمزده‌ای سوخته بود

دو	ش	می	آ	مَ	دُ	رُخ	سا	رِ	بَ	رَف	رو	خ	تِ	بود
—	U	—	—	U	U	—	—	U	U	—	—	U	U	—
—	U	—	—	U	U	U	—	U	U	—	—	U	U	—
تا	کُ	جا	با	ز	دِ	لِ	غَم	زَ	دِ	ای	سو	خ	تِ	بود

دوش بی روی تو آتش به سرم بر می‌شد   و آبی از دیده می‌آمد که زمین تر می‌شد

دو	ش	بی	رو	یِ	تُ	آ	تَش	بِ	سَ	رَم	بَر	می	شُد
—	U	—	—	U	U	—	—	U	U	—	—	—	—
	*				*								
—	—	—	—	U	-	—	—	U	U	—	—	—	—
وا	بی	یَز	دی	دِ	می	یا	مَد	کِ	زَ	مین	تَر	می	شُد

تست بخش اول فصل نهم (اختیارات زبانی)

تست ۲۳۶ در کدام بیت اختیار شاعری «حذف همزه» وجود ندارد؟

۱) گفتم ای سلطان خوبان رحم کن بـر این غریب — گفت در دنبال دل، رَه گم کند مســکین غریب
۲) گفتمش مگذر زمـــــانی، گفت معذورم بدار — خانه پروردی، چه تاب آرد غم چندین غریب
۳) می‌نماید عکس می، در رنگ روی مه‌وشـــت — همچو برگ ارغوان بر صــفحه‌ی نســرین غریب
۴) بس غریب افتاده است آن مــور خط گرد رخت — گر چه نبود در نگارســتان، خط مشــکین غریب

تست ۲۳۷ در کدام مصراع اختیار شاعری «کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند» وجود دارد؟

۱) آن که از مستی و دیوانگی‌ام نهی کند
۲) خون دل می‌خور و جان می‌ده و می‌سوز امشب
۳) آب رو ریخته‌ایم از پـی یک جـرعه شراب
۴) پیش جیحـــون ســـرشکـــم بروَد آب فرات

تست ۲۳۸ در ابیات زیر مجموعاً چند اختیار شاعری «حذف همزه» وجود دارد؟

ترا بر اشک چـون باران من گر خنده می‌آید — عجب نبود که در بستان بخندد غنچه از باران
الا ای شمع دلسوزان چراغ مجلس افروزان — به جبهـت ماه مه‌رویان به طلعت شاه عیّاران
ز ارباب کـرم لطفـی ورای آن نمی‌باشد — که ذیل عفـو می‌پوشند بر جرم گنهکاران

۱) یک ۲) دو ۳) سه ۴) چهار

تست ۲۳۹ اختیارات شاعری «کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند، بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه و حذف همزه» به ترتیب در کدام ابیات دیده می‌شود؟

الف) خواجو اگـر چـه در سر سودای ما رود — تا باشدش سـری سـر او و آسـتان ما
ب) دانی کـه بر عذار تو خال سیاه چیست — زاغی کـه بر کناره‌ی باغی نشسته است
ج) هر چـه در روی تو گویند به زیبایی هست — آن چه در چشم تو از شوخی و رعنـایی هست

۱) الف ــ ب ــ ج ۲) ج ــ ب - الف ۳) ب ــ ج - الف ۴) ج ــ الف - ب

تست ۲۴۰ در ابیات زیر به ترتیب چند «حذف همزه» وجود دارد؟

الف) دیشب آن رند کـه در حلقه خمّاران بود — بزد آهی و در خانه خمّار بسوخت
ب) تو کـه احوال دل سوختگان می‌دانی — مکن انکار کسی که از غـم این کار بسوخت
ج) اگـر از هستی خواجـو اثری باقی بود — این دم از آتش عشق تو بـه یک بار بسوخت

۱) یک، سه، دو ۲) یک، دو، سه ۳) دو، دو، دو ۴) دو، سه، سه

تست ۲۴۱ در کدام مصراع اختیار شاعری «کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند» وجود ندارد؟

۱) خالی از ذکر تو عضوی چه حکایت باشد
۲) عاشـقی کار سـری نیسـت که بر بالین اسـت
۳) تو کجا نالی از این خار که در پای من است
۴) نی نی ای بـاد مرو حـال من خســتـه مگو

تست ۲۴۲ تعداد اختیارات شاعری « بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه» در کدام گزینه به‌درستی آمده است؟

۱) نقش می‌بستم که گیرم گوشه‌ای زان چشم مست — طاقت و صبر از خم ابروش طاق افتاده بود (یک مورد)
۲) بلبل اندر ناله و گل خنده‌ی خوش می‌زند — چون نسوزد دل که دلبر در وی آتش می‌زند (یک مورد)
۳) کی شدی هاروت در چاه زنخدانش اسیر — گـر نگفتی شمّـه‌ای از حسن او ماروت را (دو مورد)
۴) در ازل داده است ما را ساقی لعل لبت — جرعه‌ی جامی کـه من مدهوش آن جامم هنوز (سه مورد)

تست ۲۴۳ در چند بیت از ابیات زیر «کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند» دیده می‌شود؟

الف) خواجو از عشق تو چون از سر هستی بگذشت / به وفات آمد و بر خاک درت کرد وفات
ب) ساقی شکّر دهان و مطرب شیرین سخن / همنشینی نیک کردار و ندیمی نیک نام
ج) عیب دل کردم که وحشی وضع و هر جایی مباش / گفت چشم شیر گیر و غنج آن آهو ببین
د) منزل سلمی که بادش هر دم از ما صد سلام / پر صدای ساربانان بینی و بانگ جرس

۱) یک ۲) دو ۳) سه ۴) چهار

تست ۲۴۴ با توجه به این سؤال که «آیا این بیت اختیار شاعری کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند دارد» کدام گزینه پاسخ غلط داده است؟

۱) هر شبی روزی و هر روز زوالی دارد / شب وصل من و معشوق مرا آخر نیست (دارد)
۲) عیب سعدی مکن ای خواجه اگر آدمی‌ای / کآدمی نیست که میلش به پری‌رویان نیست (دارد)
۳) به دم سرد سحرگاهی من باز نشست / هر چراغی که زمین از دل صهبا بگرفت (ندارد)
۴) ابروش کمان قتل عاشق / گیسوش کمند عقل داناست (ندارد)

تست ۲۴۵ در کدام بیت هر دو اختیار شاعری «کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند» و «بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه» وجود دارد؟

۱) بر روی چون مه ار چه بتابی کمند زلف / باری به هیچ روی ز من روی بر متاب
۲) آن هندوی سیه که توأش بنده کرده‌ای / بسیار قلب صف شکنان کو شکسته است
۳) جعد عروس ماهرخ حجله‌ی ظفر / گیسوی پرچم علم سدره سای ماست
۴) از نعیم روضه‌ی رضوان غرض دانی که چیست / وصل جانان ور نه جنّت بوستانی بیش نیست

تست ۲۴۶ در کدام مصراع اختیار شاعری «بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه» وجود دارد؟

۱) عیب جویانم حکایت پیش جانان گفته‌اند
۲) من خود این پیدا همی گویم که پنهان گفته‌اند
۳) دشمنی کردند با من لیکن از روی قیاس
۴) دوستی باشد که دردم پیش درمان گفته‌اند

تست ۲۴۷ در بیت زیر کدام قسمت «حذف همزه» ندارد؟

مده از دست و غنیمت شمر این یک دم را / که جهان یک دم و آن دم به جز از این دم نیست

۱) مده از دست ۲) شمر این ۳) به جز از ۴) از این دم نیست

تست ۲۴۸ در کدام گزینه فقط یک اختیار شاعری «بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه» وجود دارد؟

۱) من بدین خوبی و زیبایی ندیدم روی را / وین دلاویزی و دلبندی نباشد موی را
۲) روی اگر پنهان کند سنگین‌دل سیمین بدن / مشک غمّاز است نتواند نهفتن بوی را
۳) ای موافق صورت و معنی که در چشم من است / از تو زیباتر ندیدم روی و خوش‌تر خوی را
۴) ای گل خوش بوی اگر صد قرن بازآید بهار / مثل من دیگر نبینی بلبل خوش‌گوی را

تست ۲۴۹ کدام بیت هر دو نوع اختیار تغییر کمیت مصوت را داراست؟

۱) هر چه در روی تو گویند به زیبایی هست / و آن چه در چشم تو از شوخی و رعنایی هست
۲) به کمند سر زلفت نه من افتادم و بس / که به هر حلقه موییت گرفتاری هست
۳) دیگر این مرغ کی از بیضه برآمد که چنین / بلبل خوش‌سخن و طوطی شکّر خا شد
۴) شب برآنم که مگر روز نخواهد بودن / بامدادت که نبینم طمع شامم نیست

Ahmadi63amoozesh.com

تست ۲۵۰ در کدام بیت بیشترین اختیار شاعری «کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند» وجود دارد؟

۱) سرو زیبا و به زیبایی بالای تو نه — شهد شیرین و بـه شیرینی گفتار تو نیست
۲) همچو مستسقی بر چشمه نوشین زلال — سیر نتوان شدن از دیدن مهرافزایت
۳) آن‌که بر نسترن از غالیه خالی دارد — الحق آراسته خلقی و جمالی دارد
۴) ابرویش خم بـه کمان ماند و قد راست به تیر — کس ندیدم که چنین تیر و کمانی دارد

تست ۲۵۱ کدام بیت اختیار شاعری کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند دارد؟

۱) خوش‌تر ز عیش و صحبت و باغ و بهار چیست — ساقی کجاست گو سبب انتظار چیست
۲) هر وقت خوش که دست دهد مغتنم شمار — کس را وقوف نیست که انجام کار چیست
۳) پیوند عمر بسته به مویی است هوش دار — غمخوار خویش باش غم روزگار چیست
۴) معنی آب زندگی و روضه‌ی ارم — جز طرف جـویبار و می خوشگوار چیست

تست ۲۵۲ تعداد اختیار شاعری «بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه» در کدام گزینه نادرست است؟

۱) دمی بـا غم به سر بردن جهان یکدم نمی‌ارزد — بـه می بفروش دلق ما کـز این بهتر نمی‌ارزد (۱ مورد)
۲) به کوی می فروشانش به جـامی برنمی‌گیرند — زهی سجـاده تـقوا که یک ساغر نمی‌ارزد (۲ مورد)
۳) شکوه تاج سلطانی که بیم جان در او درج است — کلاهی دلکش است اما به تر ک سر نمی‌ارزد (۲ مورد)
۴) چه آسان می‌نمود اول غم دریا به بـوی سود — غلط کردم که این طوفان به صد گوهر نمی‌ارزد (۲ مورد)

تست ۲۵۳ در کدام ابیات هیچ‌یک از اختیارات زبانی وجود ندارد؟

الف) گـر بند می‌نهی و گـرم پند می‌دهی — هستم سزای بند ولـی جـای پند نیست
ب) در آرزوی روی تو خواجو چـو بیدلان — هـر شب بـه خون دیده کند آستین خضاب
ج) هـر لحظـه پیامی دهدم دیده‌ی خواجو — بی می طلب آب رخ از ما نتوان کرد
د) نـه شرط عشق بود با کمان ابروی دوست — کـه جـان سپر نکنی پیـش تیربارانش

۱) الف- ب
۲) ج- د
۳) الف- ج
۴) ب- د

تست ۲۵۴ در کدام بیت از اختیار شاعری «بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه» بیشتر استفاده‌شده است؟

۱) صبر ایوبی نکرده درد را درمان چه خواهی — حـزن یعقوبی ندیده بیت احزان را چه دانی
۲) گر نه چون پروانه سوزی شمع را روشن چه بینی — ور نه زین پیمانه نوشی شرط و پیمان را چه دانی
۳) تا تو را شوری نباشد لذّت شیرین چه یابی — تا تو را دردی نباشد قدر درمان را چه دانی
۴) چون تو سرگردان نگشتی منکر گوی از چه گردی — چون تو در میدان نبودی حال چوگان را چه دانی

تست ۲۵۵ در کدام بیت حذف همزه وجود ندارد؟

۱) صورت یوسف نادیده صفت می‌کردیم — چون بدیدیم زبان سخن از کار برفت
۲) بعد از این عیب و ملامت نکنم مستان را — که مرا در حق این طایفه انکار برفت
۳) در سرم بود که هرگز ندهم دل به خیال — به سرت کز سر من آن همه پندار برفت
۴) به خرابات چه حاجت که یکی مست شود — که به دیدار تو عقل از سر هشیار برفت

Ahmadi63amoozesh.com

@ahmadi63amoozesh
@aboozarahmadi63

اختیارات وزنی

اختیاراتی است کـه گـوش آن‌ها را حس می‌کند ولی ایراد نمی‌شمارد. اختیارات زبانی، اختیاراتی در نحوه تلفّظ بود ولی اختیارات وزنی، اختیاراتی در تغییر هجاهاست. اختیارات وزنی ۴ نوع هستند.

۱ – بلند بودن هجای پایان مصراع و نیم مصراع در ابیات دولختی یا دُوری

هجای پایانی مصراع‌ها (و نیم‌مصراع اوزان دوری) را همیشه بلند در نظر می‌گیریم، ولی شاعر می‌تواند به جای آن، از هجای کوتاه یا کشیده استفاده کند. مثلاً در بیت زیر که هجای پایانی آن هجای بلند است، شاعر در مصراع دوم هجای کشیده آورده است.

جـرم بیگانه نباشد که تو خود صورت خویش　　　گر در آیینه ببینی برود دل ز برت

جُر	مِ	بی	گا	نِ	نَ	با	شَد	کِ	تُ	خُد	صو	رَ	تِ	خیش
—	U	—	—	U	U	—	—	U	U	—	—	U	U	—
—	U	—	—	U	U	—	—	U	U	—	—	U	U	—
گَر	دَ	را	یی	نِ	بِ	بی	نی	بِ	رَ	وَد	دِل	زِ	بَ	رَت

در واقع هر وقت هجای پایانی مصراعی، کوتاه یا کشیده بود، شاعر از این اختیار شاعری استفاده کرده است. و در علامت‌گذاری هجاها، باید برای آن‌ها هجای بلند قرار بدهیم.

در ابیات زیر نیز شاعر در پایان نیم مصراع به جای هجای بلند، هجای کشیده آورده است.

دستی ز غمت بر دل، پایـی ز پیَت در گِل　　　با این همه صبرم هست، وز روی تو نتوانم

دَس	تِ	زِ	غَ	مَت	بَر	دل	پا	یی	زِ	پِ	یَت	دَر	گِل
—	—	U	U	—	—	—	—	—	U	U	—	—	—
—	—	U	U	—	—	—	—	—	U	U	—	—	—
با	این	هَ	مِ	صَبـ	رَم	هَست	وَز	رو	یِ	تُ	نَت	وا	نَم

و در بیت زیر:

گـر پیر مناجات است ور رند خراباتی　　　هـر کس قلمی رفته است، بر وی به سرانجامی

گَر	پی	رِ	مُ	نا	جا	تَست	وَر	رِن	دِ	خَ	را	با	تی
—	—	U	U	—	—	—	—	—	U	U	—	—	—
—	—	U	U	—	—	—	—	—	U	U	—	—	—
هَر	کَس	قَ	لَ	می	رَف	تَست	بَر	وِی	بِ	سَ	رَن	جا	می

نکته: این اختیار شاعری از نظر نوع وزن هیچ محدودیتی ندارد. یعنـی در هر وزنی ممکن است بیاید. لذا بسیار پُرکاربرد است.

۲ – آوردن فاعلاتن به جای فعلاتن در رکن اول مصراع

بعضی از اوزان شعر فارسی از جمله این ۴ وزن: «فَعَلاتُن مَفاعِلُن فَعِلُن» یا «فَعَلاتُن فَعَلاتُن فَعَلاتُن فَعَلاتُن» «فَعَلاتُن فَعَلاتُن فَعِلُن» «فَعَلاتُن فَعَلاتُن فَعِلُن» و ... با رکن «فَعَلاتُن» شروع می‌شوند. شاعر می‌تواند به جای «فَعَلاتُن» اوّل مصراع، «فاعِلاتُن» بیاورد.

گر من آلوده دامنم چه عجب   همه عالم گواه عصمت اوست

گَر	مَ	نا	لو	دِ	دا	مَ	نَم	چِ	عَ	جَب
—	U	—	—	U	—	U	—	U	U	—
U	U	—	—	U	—	U	—	U	U	—
هَـ	مِ	عا	لَم	گُ	وا	هِ	عِص	مَ	تِ	اوست

همان‌طور که می‌بینید شاعر در مصراع اوّل به جای «فَعَلاتُن»، «فاعِلاتُن» آورده است.

به گلستان نروم تا تو در آغوش منی   بلبل ار روی تو بیند طلب گل نکند

بِ	گُ	لِس	تان	نَ	رَ	وَم	تا	تُ	دَ	را	غو	شِ	مَ	نی
U	U	—	—	U	U	—	—	U	U	—	—	U	U	—
—	U	—	—	U	U	—	—	U	U	—	—	U	U	—
بُل	بُ	لَر	رو	يِ	تَ	بی	نَد	طَ	لَ	بِ	گُل	نَ	کُ	نَد

نکته: این اختیار شاعری بسیار پُرکاربرد است و ممکن است حتّی در تمام مصراع‌های یک شعر دیده شود.

نکته: وزن‌های زیر را بشناسیم. زیرا این اختیار شاعری در این اوزان رخ می‌دهد.

۱- فَعَلاتُن مَفاعِلُن فَعِلُن ← فاعِلاتُن مَفاعِلُن فَعِلُن

تو به سیمای شخص می‌نگری   ما در آثار صنع حیرانیم

۲- فَعَلاتُن فَعَلاتُن فَعِلُن ← فاعِلاتُن فَعَلاتُن فَعِلُن

بُـت خود را بِشکن خوار و ذلیل   نـامور شو به فتوّت چو خلیل

۳- فَعَلاتُن فَعَلاتُن فَعَلاتُن فَعَلاتُن ← فاعِلاتُن فَعَلاتُن فَعَلاتُن فَعَلاتُن

تو ندانی که چرا در تو کسی خیره بمانَد   تا کسی همچو تو باشد که در او خیره بمانی

۴- فَعَلاتُن فَعَلاتُن فَعَلاتُن فَعِلُن ← فاعِلاتُن فَعَلاتُن فَعَلاتُن فَعِلُن

بِـنشین بر لب جوی و گذر عمر ببین   کاین اشارت ز جهان گذران ما را بس

نکته‌ی بسیار مهم: نمی‌توانیم به جای فاعِلاتُن آغازین، فَعَلاتُن بیاوریم.

توجّه: این اختیار در رکن اوّل هر دو مصراع می‌تواند بیاید.

Ahmadi63amoozesh.com
@aboozarahmadi63
@ahmadi63amoozesh

نکته: اصل «فَعَلاتُن» است. پس اگر حتّی در تمام مصراع‌های یک شعر، به جای آن، «فاعِلاتُن» آمده باشد و تمام مصراع‌ها هم یکسان باشند، باز هم اختیار شاعری وجود دارد.

خرّم آن روی که در روی تو باشد همه عمر   وین نباشد مگر آن وقت که رای تو بود

خُر	رَ	مان	رو	ی	کِ	دَر	رو	یِ	تُ	با	شَد	هَـ	مِ	عُمر
—	U	—	—	U	U	—	—	U	U	—	—	U	U	—
—	U	—	—	U	U	—	—	U	U	—	—	U	U	—
وین	نَ	با	شَد	مَ	گَ	ران	وَق	ت	کِ	را	یِ	تُ	بُ	وَد

نکته‌ی بسیار بسیار مهم: هر گاه رکن اوّل فاعلاتن باشد، ولی رکن دوم فاعلاتن نباشد، قطعا اختیار شاعری «آمدن فاعلاتن به جای فعلاتن» داریم.

۳ – آوردن یک هجای بلند به جای دو هجای کوتاه (ابدال)

شاعر می‌تواند به جای دو هجای کوتاه کنار هم، یک هجای بلند بیاورد، مثلاً به جای رکن فَعِلُن « U U ــ »، شاعــر می‌تواند فَعْلُن « ــ ــ » بیاورد.

تنگ‌چشمان نظر به میوه کنند   ما تماشا کنان بستانیم

تَنـــگ		چَش	مان	نَ	ظَر	بِ	می	وِ	کُ	نَند
—	U	—	—	U	—	U	—	U	U	—
—	U	—	—	U	—	U	—	—		—
ما	تَ	ما	شا	کُ	نا	نِ	بُس	تا		نیم

توجّه: دقت کردید هر ۳ اختیار وزنی که تا اینجا خواندید را در این بیت می‌توانستید ببینید؟! هم پایان مصراع به جای هجای بلند، هجای کشیده آمده است. هم اوّل مصراع به جای فعلاتن، فاعلاتن آمده است و هم ابدال دارد.

نکته: هـر چند بـه جـای دو هجای کوتاه در رکن‌های فَعَلاتُن « U U ــ ــ »، مُفتَعِلُن « ــ U U ــ » و مُستَفعِلُ « ــ ــ UU » هم این اختیار شاعـــری به کـــار می‌رود و به صورت مَفعولُن « ــ ــ ــ » در می‌آیند، امّا اغلب کاربرد آن در رکن فَعِلُن « U U ــ » است کـــه درپایان مصراع می‌آید و به رکن فَعْلُن « ــ ــ » تبدیل می‌شود.

توجّه: اوزانی که رکن فعلن در پایان آن‌هاست.

۱- فَعَلاتُن مَفاعِلُن فَعِلُن ← فاعِـلاتُن مَفاعِلُن فَع لُن

تو به سیمای شخص می‌نگری   ما در آثار صنع حیرانیم

۲- فَعَـلاتُن فَعَـلاتُن فَعِـلُـن ← فاعِـلاتُن فَعَـلاتُن فَـع لُـن

شمعوش پیش رخ شاهد یار   دم به دم شعله‌زنان می‌سوزم

۳- فَعَـلاتُن فَعَـلاتُن فَعَـلاتُن فَعِـلُن ← فَعَـلاتُن فَعَـلاتُن فَعَـلاتُن فَـع لُـن

بِـنشین بر لب جوی و گذر عمر ببین   کاین اشارت ز جهان گذران ما را بس

۴- مَفاعِـلُـن فَعَـلاتُن مَفاعِـلُن فَعِـلُن ← مَفاعِلُن فَعَـلاتُن مَفاعِـلُن فَـع لُـن

به جان دوست که دشمن بدین رضا ندهد   کـــه در بـــه روی ببندند آشنایی را

توجّه: در این اختیار شاعری، «دو هجای کوتاه»، اصل است که به جای آن یک هجای بلند آمده است و برعکس آن امکان‌پذیر نیست. یعنی نمی‌توانیم به جای یک هجای بلند، دو هجای کوتاه بیاوریم.

توجّه: کتاب درسی این اختیار شاعری را مختصّ ارکانِ «فِعلُن، مُفتَعِلُن، فَعَلاتُن و مُستَفعِلُ» می‌داند. در حالیکه در ارکان دیگر نیز ممکن است ابدال رخ بدهد.

نکته مهم: در رباعی اختیار ابدال بسیار پُرکاربرد است. و بسیار پیش می‌آید که یک مصراع بر وزن «مَفعولُ مَفاعیلُ مَفاعیلُ فَعَل» (— U U — — U U — — U U —) باشد و مصراع دیگر همان رباعی بر وزن «مَفعولُ مُفاعیلُ مُفاعیلُن فَع» (— — U U — — U U — — — —) باشد.

ای کعبه به داغ ماتمت نیلی‌پوش   وز تشنگـی‌ات فُرات در جوش و خروش

اِی	کَع	بِ	بِ	دا	غِ	ما	تَ	مَت	نی	لی		پوش
—	—	U	U	—	U	—	U	—	—	—		—
—	—	U	U	—	U	—	U	—	—	U	U	—
وَز	تِش	نِ	گی	یَت	فُ	را	ت	دَر	جو	شُ	خُ	روش

توجّه: «گی» طبق اختیار شاعری کوتاه‌تلفّظ‌کردن مصوّت بلند، به «هجای کوتاه» تبدیل می‌شود.
توجّه: هرگاه تعداد هجاهای دو مصراع با هم برابر نبود، به احتمال ۹۹٪ این اختیار شاعری به کار رفته است.

نکته: این اختیار شاعری هم بسیار پرکاربرد است (مخصوص در تبدیل فِعلُن به فَع لُن) و ممکن است در تمام مصراع‌های یک شعر دیده شود.

ابدال در مفتعلن:

آب ز سبزه گرفت جوشن زنگارگون سوسن کان دید ساخت نیزه جوشن گذار													
آب زِ سَبزِ گِرِفت جُوشَنِ زِنگارگون													
آ	ب	زِ	سَب	زِ	گِ	رِفت	جُو	شَ	نِ	زِن	گا	ر	گون
—	U	U	—	—	U	—	—	U	U	—	—	U	—
—	—		—	—	U	—	—	U	U	—	—	U	—
سو	سَن		کان	دیـ	د	ساخت	نِی	زِ	یِ	جُو	شَن	نِ	گار
سوسَن کان دید ساخت نِیزِ یِ جُوشَن گُذار													

صبر کنم تا چه شود کار فرو بسته من هم بگشاید روزی تعبیه آرایی تو															
صَبر کُنَم تا چِ شَوَد کارِ فُرو بَستِ یِ مَن															
صَبـ	ر	کُ	نَم	تا	چِ	شَ	وَد	کا	رِ	فُ	رو	بَس	تِ	یِ	مَن
—	U	U	—	—	U	U	—	—	U	U	—	—	U	U	—
—	U	U	—	—	—		—	—	U	U	—	—	U	U	—
هَم	بِ	گُ	شا	یَد	رو		زی	تَع	بِ	یِ	آ	را	یی	یِ	تُ
هَم بُگُشایَد روزی تَعبی یِ آرایی یِ تُ															

Ahmadi63amoozesh.com

ابدال در فعلاتن:

رایت شاهان را صورت شیر است و پلنگ — بر سر رایت او سورت فتح و ظفر است														
رایَتِ شاهان را صورتِ شیرَستُ پَلَنگ														
را	یَ	تِ	شا	هان		را	صو	رَ	تِ	شی	رَس	تُ	پَ	لَنگ
—	U	U	—	—		—	—	U	U	—	—	U	U	—
*		*									*			
—	U	U	—	U	U	—	—	U	U	—	—	U	U	—
بَر	سَ	رِ	را	یَ	تِ	او	سُو	رَ	تِ	فَت	حُ	ظَ	فَ	رَست
بَر سَرِ رایَتِ او سُورَتِ فَتحُ ظَفَرَست														

ابدال در مستفعِلُ: این حالت اکثرا در رباعی پیش می‌آید.

من در عجبم ز می فروشان کایشان — به زانچه فروشند چه خواهند خرید												
مَـن دَر عَـجَـبَـم زِ مِـی فُـروشـان کیـشـان												
مَن	دَر	عَ	جَ	بَم	زِ	می	فُ	رو	شان	کی		شان
—	—	U	U	—	—	U	U	—	—	—		—
										*	*	
—	—	U	U	—	—	U	U	—	—	U	U	—
بِه	زا	چِ	فُ	رو	شَنـــد		چِ	خا	هَنـــد		خَ	رید
بِـه زان چِ فُـروشَـنـد چِ خـاهَـنـد خَـریـد												

توجّه: در بیت زیر نیز کـه بر وزن « مَفعولُ فاعِلاتُ مَفاعیلُ فاعِلُن » یا «مُستَفعِلُن مَفاعِلُ مُستَفعِلُن فَعِل» است، این اختیار شاعری در محل «مفاعِلُ» دیده می‌شود. البته در این اوزان بسیار نادر و کم است.

ما بندگـان حاجتمندیم و تـو کریـم   حاجت همیشه پیش کریمان بود روا

ما بندگان حاجتمندیم و تو کریم — حاجت همیشه پیش کریمان بود روا													
ما بَندِگانِ حاجَتمَندیمُ تُ کَریم													
ما	بَن	دِ	گا	نِ	حا	حَت		مَن	دی	مُ	تُ	کَ	ریم
—	—	U	—	U	—	—		—	—	U	—	U	—
مُستَفعِلُن				مَفاعِلُ				مُستَفعِلُن				فَعَل	
—	—	U	—	U	—	U	U	—	—	U	—	U	—
حا	جَت	هَ	می	شِ	پی	شِ	کَ	ری	ما	بُ	وَد	رَ	وا
حاجَت هَمیشِ پیشِ کَریمان بُوَد رَوا													

ای بی خبر بکوش که صاحب خبر شوی — تا راهــرو نباشی کـــی راهبــر شــوی													
ای بـی خَـبَـر بِـکـوش کِ صاحِـب خَـبَـر شَـوی													
ای	بی	خَ	بَر	بِ	کو	ش	کِ	صا	حِب	خَ	بَر	شَ	وی
—	—	U	—	U	—	U	U	—	—	U	—	U	—
مُستَفعِلُن				مَفاعِلُ				مُستَفعِلُن				فَعَل	
—	—	U	—	U	—	—		—	—	U	—	U	—
تا	را	ه	رُو	نَ	با	شی		کِی	را	ه	بَر	شَ	وی
تــا راهــرُو نَـبــاشـی کِـی راهــبَــر شَــوی													

توجّه: همانطور که احتمالا متوجّه شده‌اید، ابدال «فَعِلُن» به «فَعلُن» کاملا گوش‌نواز و زیباست ولی ابدال در ارکان دیگر موجب مکث و اصطلاحا سکته وزنی می‌شود. همین تذکّر بهترین نکته برای فهمیدن سماعی اختیار ابدال در ارکانی غیر از «فعلن» است!

نگاهی به سه اختیار وزنی در یک غزل سعدی

سعدی در غزل زیر فقط در ۶ مورد از «فَعِلُن» استفاده کرده و در ۱۸ مصراع، طبق اختیار شاعری به جای «فَعِلُن»، «فَعلُن» آورده است. همچنین اگر به اوّل هر دو مصراع دقّت کنیم، با وجود اینکه اصل وزن «فَعَلاتُن مَفاعِلُن فَعِلُن» است ولی شاعر فقط در ۲ مصراع « فَعَلاتُن» آورده است و در ۲۲ مصراع «فاعِلاتُن» آورده است. و در ۴ مصراع در پایان هجای بلند آمده و در ۲۰ مصراع هجای کشیده. نکته جالب این است که از ۲۴ مصراع فقط یک مصراع فاقد اختیارات وزنی است!

ما گدایان خیل سلطانیم — شهر بند هوای جانانیم
بنده را نام خویشتن نَبُود — هر چه ما را لقب دهند آنیم
گر برانند و گر ببخشایند — ره به جای دگر نمی‌دانیم
چون دلارام می‌زند شمشیر — سر ببازیم و رخ نگردانیم
دوستان در هوای صحبتِ یار — زر فشانند و ما سر افشانیم
مر خداوند عقل و دانش را — عیب ما گو مکن که نادانیم
هر گلی نو که در جهان آید — ما به عشقش هزار دستانیم
تنگ‌چشمان نظر به میوه کُنند — ما تماشاکنان بستانیم
تو به سیمای شخص می‌نگَری — ما در آثار صنع حیرانیم
هر چه گفتیم جز حکایتِ دوست — در همه عمر، از آن پشیمانیم
سعدیا بی وجود صحبتِ یار — همه عالم به هیچ نستانیم
ترک جان عزیز بتوان گفت — ترک یار عزیز نتوانیم

۴ – قلب

آوردن یک هجای کوتاه و یک هجای بلند به صورت برعکس در مصراع دیگر. این اختیار دو سویه است. یعنی می‌تواند بر عکس باشد. (U — ⇔ — U)

این اختیار از اختیارات شاعری بسیار کم‌کاربرد است و معمولا در مُفتَعِلُن « — U U — » و مَفاعِلُن « U — U — » دیده می‌شود و به جای هر کدام، دیگری را می‌توان آورد.

کیست که پیغام من به شهر شروان برد — یک سخن از من بدان مرد سخندان برد

کیـــــست		کِ	پِی	غا	مِ	مَن	بِ	شَه	رِ	شِر	وانْ	بَ	رَد
—	U	U	—	—	U	—	U	—	U	—	—	U	—
—	U	U	—	—	U	—	—	U	U	—	—	U	—
یِک	سُ	خَ	نَز	مَن	بِ	دانْ	مَر	دِ	سُ	خَن	دانْ	بَ	رَد

Ahmadi63amoozesh.com
@ahmadi63amoozesh
@aboozarahmadi63

Ahmadi63amoozesh.com

وزن این شعر «مُفتَعِلُن فاعِلُن // مُفتَعِلُن فاعِلُن» است. ولی شاعر طبق اختیار شاعری قلب، در قسمت دوم مصراع اوّل به جای مُفتَعِلُن « — U U — » مَفاعِلُن « U — U — » آورده است.

خاطر خاقانی از آن کعبه‌شناس شد که او در حرم خدایگان کرده به جان مجاوری															
خاطِرِ خاقانی یَزان کَعبِ شِناس شُد کِ او															
خا	طِ	رِ	خا	قا	نی	یَ	زان	کَع	بِ	شِ	نا	س	شُد	کِ	او
—	U	U	—	—	U	U	—	—	U	U	—	U	—	U	—
—	U	U	—	U	—	U	—	—	U	U	—	U	—	U	—
دَر	حَ	رَ	مِ	خُ	دا	ی	گان	کَر	دِ	بِ	جان	مُ	جا	وِ	ری
دَر حَرَمِ خُدایگان کَردِ بِ جان مُجاوِری															

دیده خاقانی اگر لاف جمال تو زند کس نکند قبول از او کان به مثال تو رسد															
دیدِ یِ خـاقـانـی یَـگَـر لافِ جَـمـالِ تُ زَنَـد															
دی	دِ	یِ	خا	قا	نی	یَ	گَر	لا	فِ	جَ	ما	لِ	تُ	زَ	نَد
—	U	U	—	—	U	U	—	—	U	U	—	U	—	U	—
—	U	U	—	U	—	U	—	—	U	U	—	U	—	U	—
کَس	نَ	کُ	نَد	قَ	بو	لَ	زو	کان	بِ	مِ	ثا	لِ	تُ	رِ	سَد
کَـس نَـکُـنَـد قَـبـولَـزو کـان بِ مِـثـالِ تُ رِسَـد															

نکته مهم: گفتیم که این اختیار شاعری بسیار کم‌کاربرد است. جالب است بدانید این اختیار شاعری نسبت به اختیارات شاعری دیگر تناسب کمتر از یک به هزار دارد. شاید اینگونه بتوانیم حکم کنیم که ابیاتی که اختیار شاعری قلب دارند بسیار محدود هستند و حتی می‌توان گفت ابیاتی که در تست‌ها استفاده می‌شوند تقریبا انگشت‌شمار هستند. و نکته بسیار جالب این است که بیشترین استفاده از این اختیار توسط خاقانی انجام شده و اتفاقا در خود واژه «خاقانی» این اختیار روی داده است. پس بهتر است این واژه را خوب در خاطر داشته باشید و همیشه به آن مشکوک باشید. البته قبلا هم گفته‌ام که ممکن است طراح سوال همین موضوع را دام تستی قرار بده و بیتی با واژه «خاقانی» بیاورد که این اختیار را نداشته باشد. ابیات زیر را بشناسید و سعی کنید اختیار قلب را در آن‌ها پیدا کنید.

بر دل خاقانی اگر داغ جفا نهی چه شد   او ز سگان کیست خود تا بردت به داوری

دست کسی بر نرسد به شاخ هویّت تو   تا رگ نخلیّت او ز بیخ و بن برنکنی

بر سر کویت چو سگان هر سحری کنم فغان   هیچ نگویی ای فلان تو ز سگان کیستی

پس چو تویی نگار من وز دو جهان بیزارم   به کار من کن نظری و گر نه دل بردارم

کیسه هنوز فربه است با تو ازان قوی دلم   چاره چه خاقانی اگر کیسه رسد به لاغری

من که هر آنچه داشتم اوّل ره گذاشتم   حال برای چون تویی اگر که لایقم بگو

نالهٔ خاقانی اگر دادستان شد از فلک   نالهٔ من نبست غم دادستان من کجا

سینه خاقانی اگر پاک بشویی از عنا   پیش خدایگان تو را بیش کند ثناگری

سینهٔ خاقانی و غم تا نزند ز وصل دم   دعوی عشق و وصل هم تا ز سگان کیست او

هر که تو را نیک خواه نیکویی او را دلیل   هر که تو را بد سگال ندامت او را ندیم

دل از امل دور کن زانکه نه نیکو بود   مصحف و افسانه را جلد به هم ساختن

نکته مهم: در اوزان مربوط به رباعی نیز این اختیار شاعری پُرکاربرد است.

آن قصر که جمشید در او جام گرفت						آهــو بچـه کرد و روبه آرام گرفت						
آن قَـصر کِ جَـمشـیـد دَرو جـام گِــرِفـت												
آن	قَصـ	ر	کِ	جَم	شیـ	د	دَ	رو	جا	م	گِ	رِفت
—	—	U	U	—	—	U	U	—	—	U	U	—
—	—	U	U	—	U	—	U	—	—	U	U	—
آ	هو	بَ	چِ	کَر	دُ	رو	بَ	ها	را	م	گِ	رِفت
آهـــو بَــچـِ کَــردُ روبَـهـــارام گِـرِفـت												

من هیچ ندانم که مرا آنکه سرشت						از اهل بهشت کرد یا دوزخ زشت						
مَــن هیـــچ نَـدانَـم کِ مَـرا آنـک سِـرِشـت												
مَن	هیـ	چ	نَ	دا	نَم	کِ	مَ	را	آن	کِ	سِ	رِشت
—	—	U	U	—	—	U	U	—	—	U	U	—
—	—	U	U	—	U	—	U	—	—	U	U	—
اَز	اَهـ	لِ	بِ	هِشـ	ت	کَر	د	یا	دو	زَ	خِ	زِشت
اَز اَهــلِ بِـهِـشــت کَـرد یــا دوزَخِ زِشـت												

نکات تکمیلی و پایانی

نکته مهم: اختلاف هجایی دو مصراع را – چه کمّی و چه کیفی - زمانی با اختیارات شاعری بررسی می‌کنیم که از مراحل قبل کاملاً مطمئن باشیم. از درست‌خواندن، درست‌نوشتن (خط عروضی)، تقطیع هجایی و تقسیم به ارکان، مطمئن باشیم.

نکته مهم: اوزان شعر فارسی به گونه‌ای است که معمولا بیش از ۲ هجای کوتاه و بیش از ۳ هجای بلند کنار هم نمی‌آید، پس اگر غیر از این دیدیم به احتمال زیاد اختیار شاعری داریم. (البته اگر درست تقطیع کرده باشیم!)

توجّه: فقط در وسط دو وزن «مَفعولُ مَفاعیلُن مَفعولُ مَفاعیلُن» و «مَفعولُ فاعِلاتُن مَفعولُ فاعِلاتُن»، بـه ترتیب ۵ و ۴ هجای بلند می‌آید. اگر شعری در وزن دیگری بود و بیش از ۳ هجای بلند در کنار هم آمده بود، حتما در آن قسمت اختیار شاعری داریم.

نکته جالب توجه: در کلام عادی و گفتار روزانه، نسبت هجـای بلند به کوتاه، تقریبا «دو به یک» است. یعنی تقریبا هجاهای بلند گفتار عادی ۲ برابر هجاهای کوتاه است. وقتی سخن عادی به شعر در می‌آید، باز هم تقریبا همینطور است یعنی تناسب «دو به یک». از این تناسب می‌توان نتیجه گرفت در اوزانی که هجاهای بلند از تناسب دو به یک بیشتر شوند، مثلا سه به یک بشوند مانند «فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن» یا «مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن»، احتمال وجود اختیار شاعری «بلند تلفّظ‌کردن مصوّت کوتاه» افزایش می‌یابد. همچنین در اوزانی که تعداد هجای بلند از نسبت دو به یک کمتر بشود و مثلا تعداد هجای بلند و کوتاه برابر باشد مانند «فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلاتن» یا «مفاعلن فعلاتن مفاعلن فعلن» احتمال اختیار شاعری «کوتاه تلفّظ‌کردن مصوّت بلند» افزایش می‌یابد. کافی است به ابیاتی که پیش از این به صورت تمرین آورده‌ام دقّت کنید. به وضوح این نکته قابل مشاهده است.

نکته‌ی بسیار مهم: گفتیم ممکن است در دو هجای مقابل هم، در هر دو مصراع اختیار شاعری وجود داشته باشد. ممکن است در هر دو مصراع به جای فَعَلاتُن اوّل، فاعِلاتُن آمده باشد، در هر دو مصراع به جای فَعِلُن، فَعلُن آمده باشد، در هر دو مصراع به جای هجای بلند پایان مصراع، هجای کوتاه یا کشیده آمده باشد، ممکن است در هر دو مصراع به جای مَفاعِلُن، مُفتَعِلُن آمده باشد (یا برعکس) و به طور

کلّی ممکن است در هر دو مصراع، در دو هجای رو به روی هم، به جای هجای کوتاه، هجای بلند آمده باشد (و یا برعکس). در این صورت به دلیل عدم اختلاف در دو مصراع، تشخیص وجود اختیار شاعری بسیار دشوار می‌شود، پس بهتر است علاوه بر مقایسه هجاهای روبه‌رو، به ارکان دیگر هم نظر داشته باشیم و اوزان را هم بشناسیم تا در صورت مغایرت با آن‌ها، متوجّه وجود اختیار شاعری بشویم.

نکته بسیار مهم: بهتر است این نکته را با این سوال مطرح کنم: با توجّه به تقطیع زیر؛ آیا در هجای اوّل مصراع دوم اختیار شاعری «بلند تلفّظکردن مصوّت کوتاه» وجود دارد؟

در دلم بود که بی دوست نباشم هرگز   چه توان کرد که سعی من و دل باطل بود

دَر	دِ	لَم	بو	د	کِ	بی	دو	ست	نَ	با	شَم	هَر	گِز
—	U	—	—	U	U	—	—	U	U	—	—	—	—
U	U	—	—	U	U	—	—	U	U	—	—	—	—
چِ	تَ	وان	کَر	د	کِ	سَع	یِ	مَ	نُ	دِل	با	طِل	بود

پاسخ: خیرررررر! در اینگونه موارد باید دقّت کنیم که اصل وزن «فَعَلاتُن فَعَلاتُن فَعَلاتُن فَعِلُن» است که به جای «فَعَلاتُنِ اوّلِ مصراع»، «فاعِلاتُن» آمده است.

نکته بسیار مهم: بهتر است این نکته را نیز با این سوال مطرح کنم: با توجّه به تقطیع زیر؛ آیا در هجای آخر مصراع اوّل اختیار شاعری «بلند تلفّظکردن مصوّت کوتاه» وجود دارد؟

ای پادشاه صورت و معنی که مثل تو   نادیده هیچ دیده و نشنیده هیچ گوش

ای	پا	دِ	شا	هِ	صو	رَ	تُ	مَع	نی	کِ	مِث	لِ	تُ
—	—	U	—	U	—	U	U	—	—	U	—	U	—
—	—	U	—	U	—	U	U	—	—	U	—	U	—
نا	دی	دِ	هیـ	چ	دی	دِ	ءُ	نَش	نی	دِ	هیـ	چ	گوش

پاسخ: خیرررررر! در اینگونه موارد باید اختیار به کار رفته را «بلند در نظر گرفتن هجای پایان مصراع» در نظر بگیریم.

نکته بسیار مهم: بهتر است این نکته را نیز با این سوال مطرح کنم: با توجّه به تقطیع زیر؛ آیا در قسمت مشخّص‌شده اختیار شاعری «قلب» وجود دارد؟

ز شوخی گر چه آسایش نفهمیده است مژگانش   نظر با شوخی چشمش رگ خواب است پنداری

زِ	شو	خی	گَر	چِ	آ	سا	یِش	نَ	فَهـ	می	دَســـت		مُژ	گا	نَش
U	—	—	—	U	—	—	—	U	—	—	—	U	—	—	—
				*	*										
U	—	—	—	—	U	—	—	U	—	—	—	U	—	—	—
نَ	ظَر	با	شو	خی	یِ	چَش	مَش	رَ	گِ	خا	بَســـت		پِن	دا	ری

پاسخ: خیرررررر! در این وزن اصلا اختیار شاعری قلب رخ نمی‌دهد. در این بیت به ترتیب ۲ اختیار شاعریِ «کوتاه تلفّظکردن مصوّت بلند» و «بلند تلفّظکردن مصوّت کوتاه» در کنار هم آمده است. این حالت بسیار محتمل است!

Ahmadi63amoozesh.com

نکته‌ی بسیار مهم و کلیدی

شما باید به ۲ نوع عروض سماعی تسلّط داشته باشید؛ **یکی تسلّط سماعی برای فهمیدن وزن یک مصراع**. مثلا با خواندن بفهمیم وزن یک شعر «فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلن» است. و **دیگری تسلّط سماعی برای درک اختیارات شاعری**. این ۲ با هم فرق دارند. مثلا یک دانش‌آموز با خواندن تشخیص می‌دهد که وزن یک بیت «فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلن» است، ولی نمی‌تواند اختیارات شاعری را سماعی تشخیص بدهد. در این موارد برای تشخیص سریع اختیارات شاعری، یک روش دیگر وجود دارد که کمی از روش سماعی بیشتر وقت می‌برد ولی نسبت به تقطیع هجایی زمان بسیار کمتری صرف می‌شود. آن روش را من **«تقطیع چشمی»** نامیده‌ام. در این روش علامت هجایی یک مصراع را روی برگه می‌نویسیم. مثلا (U U — — U U — — U U — — U U —) و مصراع‌ها را سریع بدون نوشتن تقطیع می‌کنیم و به علامت‌های هجایی که نوشته‌ایم دقّت می‌کنیم. در این حالت هر هجایی که با نوشته‌ی ما مطابقت نداشت اختیار شاعری دارد. شاید برای شما هم پیش آمده باشد که از دبیر خود و یا شخص دیگری، اختیار شاعری بیتی را بپرسید و او بعد از یک دقیقه خیره‌شدن به افُق پاسخ شما را بدهد! آن لحظه همان لحظه عزیز **«تقطیع چشمی یا ذهنی»** است.

با توجّه به تقطیع‌های هجایی زیر سعی کنید اختیارات شاعری هر بیت را به صورت «تقطیع چشمی» به دست بیاورید.

مَفاعِلُن فَعَلاتُن مَفاعِلُن فَعِلُن (U — U —   U U — —   U — U —   U U —)

نگاه من به تو و دیگـران به خود مشغول   معاشران ز می و عارفان ز ساقی مست

مَفعولُ فاعِلاتُ مَفاعیلُ فاعِلُن (— — U   — U — U   U — — U   — U —)

باز آ که در فراق تو چشم امیدوار   چون گوش روزه‌دار بر الله اکبر است

فَعَلاتُن فَعَلاتُن فَعَلاتُن فَعِلُن (U U — —   U U — —   U U — —   U U —)

هر که با شاهد گلروی به خلوت بنشست   نتواند ز سر راه ملامت برخاست

مَفعولُ مَفاعیلُ مَفاعیلُ فَعولُن (— — U   U — — U   U — — U   U — —)

سعدی در بستان هوای دگری زن   وین کشته رها کن که در او گلّه چریده است

فاعِلاتُن فاعِلاتُن فاعِلاتُن فاعِلُن (— U — —   — U — —   — U — —   — U —)

پیش از این من دعوی پرهیزگاری کردمی   باز می‌گویم که هر دعوی که کردم باطل است

Ahmadi63amoozesh.com

تمرین: ابیات زیر را به خط عروضی بنویسید و تقطیع هجایی کنید.

۹۷ - خیال روی تو در هر طریق همره ماست / نسیم موی تو پیوند جان آگه ماست

۹۸ – تو آن درخت گلـی کاعتدال قامت تو / ببرد قیمت سرو بلند بالا را

۹۹ - اگر مراد تو ای دوست بی‌مرادی ماست / مـراد خویش دگر باره من نخواهم خواست

۱۰۰ – هر آن کسی که در این حلقه نیست زنده به عشق / بر او نمرده به فتوای من نماز کنید

۱۰۱ - بگذار تا مقابل روی تو بگذریم / دزدیده در شمایل خوب تو بنگریم

۱۰۲ - ای بی‌خبر بکوش که صاحب‌خبر شوی / تا راهرو نباشی کی راهبر شوی

۱۰۳ - هرگز نمیرد آنکه دلش زنده شد به عشق / ثبت است بر جریده عالم دوام ما

۱۰۴ – دلبـر برفت و دلشدگان را خبـر نکرد / یاد حریف شهر و رفیق سفر نکرد

۱۰۵ - بی مهر رخت روز مرا نور نمانده است / وز عمـر مرا جــز شــب دیجــور نمــانده است

۱۰۶ - تا کی به تمنّای وصال تــو یگانه / اشکـم شــود از هــر مــژه چــون سیـل روانـه

۱۰۷ - ای یار جفا کرده پیوند بریده / ایــن بــود وفــاداری و عهــد تــو نـدیـده

۱۰۸ – مــا در خلــوت بــه روی خلــق ببستیــم / از همه بازآمدیم و با تو نشستیم

۱۰۹ - ماه فرو ماند از جمال محمّد / سرو نباشد به اعتدال محمّد

۱۱۰ - این که تو داری قیامت است نه قامت / و این نه تبسّم که معجزه است و کرامت

۱۱۱ - خلوت دل نیست جـای صحبت اضداد / دیو چو بیرون رود فرشته درآید

۱۱۲ - ای مرهم ریش و موسم جانم / چندین به مفارقت مرنجانم

۱۱۳ - آن کس که مرا به باغ می خواند / بی روی تو می‌برد به زندانم

۱۱۴ - جمعی که تو در میان ایشانی / ز آن جمع به در بود پریشانی

۱۱۵ - آن قصر که جمشید در او جام گرفت / آهو بچه کرد و روبه آرام گرفت

۱۱۶ - بهرام که گور می‌گرفتی همه عمر / دیدی که چگونه گور بهرام گرفت

۱۱۷ - ای دِل چو زمانه می‌کند غمناکت / ناگه برود ز تن روان پاکت

۱۱۸ - من بی می ناب زیستن نتوانم / بی باده کشید بار تن نتوانم

۱۱۹ - این کوزه چو من عاشق زاری بوده است / در بند سر زلف نگاری بوده است

۱۲۰ – من در عجبم ز می فروشان کایشان / بِــه زانـچه فــوشند چــه خواهنـد خــریـد

۱۲۱ - گویند کسان بهشت با حور خوش است / مـن می‌گویـم کـه آب انگـور خـوش است

۱۲۲ - هست از پس پرده گفت و گوی من و تو / چون پرده برافتد نه تو مانی و نه من

برای خرید نسخه چاپی یا تدریس ویدئویی این جزوه به سایت و یا کانال تلگرامی «آموزشگاه مجازی احمدی» مراجعه کنید.
برای کسب اطلاعات بیشتر در مورد این جزوات و پکیج‌ها به شماره ۰۹۱۲۳۷۰۸۴۷۶ در تلگرام یا واتساپ و یا به صورت SMS پیام بدهید.
Ahmadi63amoozesh.com
@ahmadi63amoozesh

بیت ۹۷	خیال روی تـو در هـر طریق همـره ماست — نسیـم مـوی تـو پیوند جـان آگـه ماست														
خط عروضی مصراع اول	خِـیـالِ رویِ تُ دَر هَـر طَـریق هَـمـرَ هِـ مـاسـت														
هجاهای مصراع اول	خِ	یا	لِ	رو	یِ	تُ	دَر	هَر	طَ	ریـ	ق	هَم	رَ	هِ	ماست
علامت هجایی مصراع اول	U	—	U	—	U	U	—	—	U	—	U	—	U	U	—
اختلاف هجاهای روبه‌روی هم															
علامت هجایی مصراع دوم	U	—	U	—	U	U	—	—	U	—	U	—	U	U	—
هجاهای مصراع دوم	نَ	سی	مِ	مو	یِ	تُ	پِی	وَن	دِ	جا	نِ	آ	گَ	هِ	ماست
خط عروضی مصراع دوم	نَـسـیـمِ مـویِ تُ پِـیـوَنـدِ جـانِ آگَـهِـمـاسـت														

بیت ۹۸	تـو آن درخـت گلـی کـاعتدال قامت تـو — ببـــرد قیمـــت ســـرو بلند بـــالا را														
خط عروضی مصراع اول	تُـ آ دِرَخـتِ گُـلـی کِـعـتِـدالِ قـامَـتِ تُ														
هجاهای مصراع اول	تُ	آ	دِ	رَخ	تِ	گُ	لی	کِعـ	تِ	دا	لِ	قا	مَ	تِ	تُ
علامت هجایی مصراع اول	U	—	U	—	U	U	—	—	U	—	U	—	U	U	—
اختلاف هجاهای روبه‌روی هم															
علامت هجایی مصراع دوم	U	—	U	—	U	U	—	U	U	—	U	—	—		—
هجاهای مصراع دوم	بِ	بُر	د	قِی	مَ	تِ	سَر	وِ	بُ	لَنـ	د	با	لا		را
خط عروضی مصراع دوم	بِـبُـرد قِـیـمَـتِ سَـروِ بُـلَـنـد بـالـا را														

بیت ۹۹	اگر مراد تو ای دوست بی مرادی ماست — مراد خویش دگـــر بـاره من نخواهم خواست														
خط عروضی مصراع اول	اَگَـر مُـرادِ تُ اِی دوسـت بـی مُـرادی یِ مـاست														
هجاهای مصراع اول	ءَ	گَر	مُ	را	دِ	تُ	اِی	دو	ست	بی	مُ	را	دی	یِ	ماست
علامت هجایی مصراع اول	U	—	U	—	U	U	—	—	U	—	U	—	—	U	—
اختلاف هجاهای روبه‌روی هم															
علامت هجایی مصراع دوم	U	—	U	—	U	U	—	—	U	—	U	—	—		—
هجاهای مصراع دوم	مُ	را	دِ	خیـ	ش	دِ	گَر	با	رِ	مَن	نَ	خا	هم		خاست
خط عروضی مصراع دوم	مُـرادِ خـیـش دِگَـر بـارِ مَـن نَـخـاهَـم خـاسـت														

بیت ۹۷	هر آن کسی که در این حلقه نیست زنده به عشق — بر او نمرده به فتوای من نماز کنید														
خط عروضی مصراع اول	هَـران کَـسی کِ دَرین حَـلقِ نیست زِنـدِ بِ عِـشق														
هجاهای مصراع اول	هـَ	ران	کَ	سی	کِ	دَ	رین	حَل	قِ	نیـ	ست	زِن	دِ	بِ	عِشق
علامت هجایی مصراع اول	U	—	U	—	U	U	—	—	U	—	U	—	U	U	—
اختلاف هجاهای روبه‌روی هم															
علامت هجایی مصراع دوم	U	—	U	—	U	U	—	—	U	—	U	—	U	U	—
هجاهای مصراع دوم	بَ	رو	نَ	مُر	دِ	بِ	فَت	وا	یِ	مَن	نَ	ما	ز	کُ	نید
خط عروضی مصراع دوم	بَـرو نَـمُـردِ بِ فَـتـوایِ مَـن نَـمـاز کُـنـیـد														

بیت ۱۰۱	بگذار تـا مقابـل روی تـو بگذریـم — دزدیده در شمایـل خوب تـو بنگریـم													
خط عروضی مصراع اول	بُـگـذار تـا مُـقـابِـلِ رویِ تُ بُـگـذَریـم													
هجاهای مصراع اول	بُگ	ذا	ر	تا	مُ	قا	بِ	لِ	رو	یِ	تُ	بُگ	ذَ	ریم
علامت هجایی مصراع اول	—	—	U	—	U	—	U	U	—	U	U	—	U	—
اختلاف هجاهای روبه‌روی هم														
علامت هجایی مصراع دوم	—	—	U	—	U	—	U	U	—	U	U	—	U	—
هجاهای مصراع دوم	دُز	دی	دِ	دَر	شَ	ما	یِ	لِ	خو	بِ	تُ	بِن	گَ	ریم
خط عروضی مصراع دوم	دُزدیـدِ دَر شَـمـایِـلِ خـوبِ تُ بِـنـگَـریـم													

بیت ۱۰۲	ای بی خبر بکوش که صاحب خبر شـوی تـا راهـــرو نباشـی کـی راهبـــر شـوی													
خط عروضی مصراع اول	اِی بـی خَـبَـر بِـکـوش کِ صـاحِـب خَـبَـر شَـوی													
هجاهای مصراع اول	اِی	بی	خَ	بَر	بِ	کو	ش	کِ	صا	حِب	خَ	بَر	شَ	وی
علامت هجایی مصراع اول	—	—	U	—	U	—	U	U	—	—	U	—	U	—
اختلاف هجاهای روبه‌روی هم														
علامت هجایی مصراع دوم	—	—	U	—	U	—	—		—	—	U	—	U	—
هجاهای مصراع دوم	تا	را	ه	رُو	نَ	با	شی		کِی	را	ه	بَر	شَ	وی
خط عروضی مصراع دوم	تـــا راهـــــرُو نَـبـاشـــی کِـــی راهـبَـــر شَـوی													

بیت ۱۰۳	هرگز نمیرد آنکه دلـش زنده شد بـه عشق ثبـت اسـت بـر جریـده عالـم دوام مـا													
خط عروضی مصراع اول	هَـرگِـز نَـمـیـرَدان کِ دِلَـش زِنـدِ شُـد بِ عِـشـق													
هجاهای مصراع اول	هَر	گِز	نَ	می	رَ	دا	کِ	دِ	لَش	زِن	دِ	شُد	بِ	عِشق
علامت هجایی مصراع اول	—	—	U	—	U	—	U	U	—	—	U	—	U	—
اختلاف هجاهای روبه‌روی هم														
علامت هجایی مصراع دوم	—	—	U	—	U	—	U	U	—	—	U	—	U	—
هجاهای مصراع دوم	ثَب	تَسـ	ت	بَر	جَ	ری	دِ	یِ	عا	لَم	دَ	وا	مِ	ما
خط عروضی مصراع دوم	ثَـبـتَـسـت بَـــر جَـریـدِیِ عـــالَـم دَوامِ مـــا													

بیت ۱۰۴	دلبر برفت و دلشدگان را خبر نکرد یاد حریف شهـــر و رفیق سفـــر نکرد													
خط عروضی مصراع اول	دِلـبَـر بِـرَفـتُ دِلـشُـدِگـــا را خَـبَـر نَـکَـــرد													
هجاهای مصراع اول	دِل	بَر	بِ	رَف	تُ	دِل	شُ	دِ	گا	را	خَ	بَر	نَ	کَرد
علامت هجایی مصراع اول	—	—	U	—	U	—	U	U	—	—	U	—	U	—
اختلاف هجاهای روبه‌روی هم														
علامت هجایی مصراع دوم	—	U	U	—	U	—	U	U	—	U	U	—	U	—
هجاهای مصراع دوم	یا	دِ	حَ	ری	فِ	شَهـ	رُ	رَ	فی	قِ	سَ	فَر	نَ	کَرد
خط عروضی مصراع دوم	یـــادِ حَـریـفِ شَـــهـــرُ رَفـیـقِ سَـفَـر نَـکَـــرد													

بیت ۱۰۵	بی مهـر رخـت روز مـرا نـور نمانده است وز عمـر مـرا جـز شب دیجـور نمانده است													
خط عروضی مصراع اول	بـی مِـهـرِ رُخَـت روزِ مَـــرا نـــور نَـمـانـدَسـت													
هجاهای مصراع اول	بی	مِهـ	رِ	رُ	خَت	رو	زِ	مَ	را	نو	ر	نَ	ما	دَست
علامت هجایی مصراع اول	—	—	U	U	—	—	U	U	—	—	U	U	—	—
اختلاف هجاهای روبه‌روی هم														
علامت هجایی مصراع دوم	—	—	U	U	—	—	U	U	—	—	U	U	—	—
هجاهای مصراع دوم	وَز	عُمـ	ر	مَ	را	جُز	شَ	بِ	دی	جو	ر	نَ	ما	دَست
خط عروضی مصراع دوم	وَز عُـمـر مَـــرا جُـز شَـبِ دیـجـور نَـمـانـدَسـت													

بیت ۱۰۶	تـا کـی بـه تمنّـای وصـال تـو یگانـه اشکـم شـود از هـر مـژه چـون سیـل روانـه													
خط عروضی مصراع اول	تـــا کِـــی بِ تَـمَـنـنـایِ وِصـالِ تُ یِـگـانِ													
هجاهای مصراع اول	تا	کِی	بِ	تَ	مَن	نا	یِ	وِ	صا	لِ	تُ	یِ	گا	نِ
علامت هجایی مصراع اول	—	—	U	U	—	—	U	U	—	U	U	U	—	—
اختلاف هجاهای روبه‌روی هم														
علامت هجایی مصراع دوم	—	—	U	U	—	—	U	U	—	—	U	U	—	—
هجاهای مصراع دوم	اَش	کَم	شَ	وَ	دَز	هَر	مُ	ژِ	چُن	سِیـ	ل	رَ	وا	نِ
خط عروضی مصراع دوم	اَشـکَـم شَـوَدَز هَـــر مُـــژِ چُـن سِـیـل رَوانِ													

Ahmadi63amoozesh.com

بیت ۱۰۷	ای یـار جفـا کـــرده پیونـد بریـده ایــن بــود وفـاداری و عهـــد تــو ندیـده													
خط عروضی مصراع اول	اِی یـارِ جَـفـا کَـردِیِ پِـیـوَنـد بُـریـدِ													
هجاهای مصراع اول	اِی	یا	رِ	جَ	فا	کَر	دِ	یِ	پِی	وَنـ	د	بُ	ری	دِ
علامت هجایی مصراع اول	—	—	U	U	—	—	U	U	—	—	U	U	—	—
اختلاف هجاهای روبه‌روی هم														
علامت هجایی مصراع دوم	—	—	U	U	—	—	—	U	—	U	U	U	—	—
هجاهای مصراع دوم	این	بو	د	وَ	فا	دا	ری	یُ	عَهـ	دِ	تُ	نَ	دی	دِ
خط عروضی مصراع دوم	ای بـــود وَفـــاداری یُ عَـهـدِ تُ نَـدیـدِ													

بیت ۱۰۸	مـا در خلـوت بـه روی خلـــق ببستـیم از همـــه بـازآمدیـم و بـا تـو نشستـیم												
خط عروضی مصراع اول	مـا دَرِ خَـلـوَت بِ رویِ خَـلـق بِـبَـسـتـیـم												
هجاهای مصراع اول	ما	دَ	رِ	خَل	وَت	بِ	رو	یِ	خَلـ	ق	بِ	بَس	تیم
علامت هجایی مصراع اول	—	U	U	—	—	U	—	U	—	U	U	—	—
اختلاف هجاهای روبه‌روی هم													
علامت هجایی مصراع دوم	—	U	U	—	—	U	—	U	—	U	U	—	—
هجاهای مصراع دوم	اَز	هَـ	مِ	با	زا	مَ	دی	مُ	با	تُ	نِ	شَس	تیم
خط عروضی مصراع دوم	از هَـمِ بـازامَـدیـمُ بـــا تُ نِـشَـسـتـیـم												

بیت ۱۰۹	مـاه فـــرو مـــاند از جمـــال محمّـد ســـرو نبـاشد بـــه اعتـــدال محمّـد												
خط عروضی مصراع اول	مـاه فُـرو مـانَـدَز جَـمـالِ مُـحَـمـمَـد												
هجاهای مصراع اول	ما	ه	فُ	رو	ما	نَ	دَز	جَ	ما	لِ	مُ	حَم	مَد
علامت هجایی مصراع اول	—	U	U	—	—	U	—	U	—	U	U	—	—
اختلاف هجاهای روبه‌روی هم													
علامت هجایی مصراع دوم	—	U	U	—	—	U	—	U	—	U	U	—	—
هجاهای مصراع دوم	سَر	و	نَ	با	شَد	بِ	اِع	تِ	دا	لِ	مُ	حَم	مَد
خط عروضی مصراع دوم	ســـرو نَـبـاشَـد بِ اِعـتِـدالِ مُـحَـمـمَـد												

بیت ۱۱۰	این کـه تـو داری قیامـت است نـه قامـت و این نـه تبسّم کـه معجـزه اسـت و کرامـت												
خط عروضی مصراع اول	ایــن کِ تُ داری قِـیـامَـت اَسـت نَ قـامَـت												
هجاهای مصراع اول	این	کِ	تُ	دا	ری	قِ	یا	مَ	تَسـ	ت	نَ	قا	مَت
علامت هجایی مصراع اول	—	U	U	—	—	U	—	U	—	U	U	—	—
اختلاف هجاهای روبه‌روی هم													
علامت هجایی مصراع دوم	—	U	U	—	—	U	—	U	—	U	U	—	—
هجاهای مصراع دوم	وین	نَ	تَ	بَس	سُم	کِ	مُع	جِ	زَس	تُ	کَ	را	مَت
خط عروضی مصراع دوم	ویـن نَ تَـبَـســـسُـم کِ مُـعـجِـزَسـتُ کَـرامَـت												

بیت ۱۱۱	خلـوت دل نیست جـای صحبـت اضـداد دیـو چـو بیـرون رود فـــرشته درآید												
خط عروضی مصراع اول	خَـلـوَتِ دِل نـیـسـت جـایِ صُـحـبَـتِ اَضـداد												
هجاهای مصراع اول	خَل	وَ	تِ	دِل	نیـ	ست	جا	یِ	صُح	بَ	تِ	اَض	داد
علامت هجایی مصراع اول	—	U	U	—	—	U	—	U	—	U	U	—	—
اختلاف هجاهای روبه‌روی هم													
علامت هجایی مصراع دوم	—	U	U	—	—	U	—	U	—	U	U	—	—
هجاهای مصراع دوم	دیـ	و	چُ	بی	رو	رَ	وَد	فِ	رِش	تِ	دَ	را	یَد
خط عروضی مصراع دوم	دیـو چُ بـیـرون رَوَد فِـرِ شـتِ دَرایَـد												

Ahmadi63amoozesh.com

بیت ۱۱۲	ای مرهـم ریـش و مونـس جانـم چندین بـه مفارقـت مرنجانـم										
خط عروضی مصراع اول	ای مَـرهَـمِ ریـشُ مـونِـسِ جـانَـم										
هجاهای مصراع اول	اِی	مَر	هَـ	مِ	ری	شُ	مو	نِ	سِ	جا	نَم
علامت هجایی مصراع اول	—	—	U	U	—	U	—	U	U	—	—
اختلاف هجاهای رو به روی هم											
علامت هجایی مصراع دوم	—	—	U	U	—	U	—	U	—	—	—
هجاهای مصراع دوم	چَن	دی	بِ	مُ	فا	رِ	قَت	مَ	رَن	جا	نَم
خط عروضی مصراع دوم	چَـنـدیـن بِ مُـفـارِقَـت مَـرَنـجـانَـم										

بیت ۱۱۳	آن کـس کـه مـرا بـه بـاغ می‌خواند بـی روح تـو می‌بـرد بـه زندانـم										
خط عروضی مصراع اول	آ کَس کِ مَـرا بِ بـاغ می خـانَـد										
هجاهای مصراع اول	آ	کَس	کِ	مَ	را	بِ	با	غ	می	خا	نَد
علامت هجایی مصراع اول	—	—	U	U	—	U	—	U	—	—	—
اختلاف هجاهای رو به روی هم											
علامت هجایی مصراع دوم	—	—	U	U	—	U	—	U	—	—	—
هجاهای مصراع دوم	بی	رو	یِ	تُ	می	بَ	رَد	بِ	زِن	دا	نَم
خط عروضی مصراع دوم	بی رویِ تُ مـی بَـرَد بِ زِنـدانَـم										

بیت ۱۱۴	جمعـی کـه تـو در میـان ایشـانی ز آن جمـع بـه در بـود پریشـانی										
خط عروضی مصراع اول	جَـمـعـی کِ تُ دَر مِـیـانِ ایـشـانـی										
هجاهای مصراع اول	جَم	عی	کِ	تُ	دَر	مِ	یا	نِ	ای	شا	نی
علامت هجایی مصراع اول	—	—	U	U	—	U	—	U	—	—	—
اختلاف هجاهای رو به روی هم											
علامت هجایی مصراع دوم	—	—	U	U	—	U	—	U	—	—	—
هجاهای مصراع دوم	زا	جمـ	ع	بِ	دَر	بُ	وَد	پَ	ری	شا	نی
خط عروضی مصراع دوم	زا جَـمـع بِ دَر بُـوَد پَـریـشـانـی										

بیت ۱۱۵	آن قصـر کـه جمشید در او جـام گـرفت آهـو بچـه کـرد و روبـه آرام گـرفت												
خط عروضی مصراع اول	آ قَـصـر کِ جَـمـشـیـد دَرو جـام گِـرِفـت												
هجاهای مصراع اول	آ	قَصـ	ر	کِ	جَم	شیـ	د	دَ	رو	جا	م	گِ	رِفت
علامت هجایی مصراع اول	—	—	U	U	—	—	U	U	—	—	U	U	—
اختلاف هجاهای روبه‌روی هم													
علامت هجایی مصراع دوم	—	—	U	U	—	U	—	U	—	—	U	U	—
هجاهای مصراع دوم	آ	هو	بَ	چِ	کَر	دُ	رو	بَ	ها	را	م	گِ	رِفت
خط عروضی مصراع دوم	آهـو بَـچِ کَـردُ رو بَـهـارام گِـرِفـت												

بیت ۱۱۶	بهـرام کـه گـور می‌گرفتی همـه عمـر دیدی کـه چگونـه گـور بهـرام گـرفت												
خط عروضی مصراع اول	بَـهـرام کِ گـور مـی گِـرِفـتـی هَـمِ عُـمـر												
هجاهای مصراع اول	بَهـ	را	م	کِ	گو	ر	می	گِ	رِف	تی	هَـ	مِ	عُمر
علامت هجایی مصراع اول	—	—	U	U	—	U	—	U	—	—	U	U	—
اختلاف هجاهای روبه‌روی هم													
علامت هجایی مصراع دوم	—	—	U	U	—	U	—	U	—	—	U	U	—
هجاهای مصراع دوم	دی	دی	کِ	چِ	گو	نِ	گو	ر	بَهـ	را	م	گِ	رِفت
خط عروضی مصراع دوم	دیـدی کِ چِـگـونِ گـور بَـهـرام گِـرِفـت												

Ahmadi63amoozesh.com

بیت ۱۱۷	ای دِل چـو زمانـه می کند غمنـاکت ناگـه بـرود ز تـن روان پـاکت											
خط عروضی مصراع اول	اِی دِل چُ زَمـانِ مـی کُـنَـد غَـمـنـاکَـت											
هجاهای مصراع اول	اِی	دِل	چُ	زَ	ما	نِ	می	کُ	نَد	غَم	نا	کَت
علامت هجایی مصراع اول	—	—	U	U	—	U	—	U	—	—	—	—
اختلاف هجاهای روبه‌روی هم												
علامت هجایی مصراع دوم	—	—	U	U	—	U	—	U	—	U	—	—
هجاهای مصراع دوم	نا	گه	بِ	رَ	وَد	زِ	تَن	رَ	وا	نِ	پا	کَت
خط عروضی مصراع دوم	نـاگـه بِـرَوَد زِ تَـن رَوانِ پـاکَـت											

بیت ۱۱۸	من بـی مـی ناب زیسـتن نتوانـم بـی بـاده کشـید بـار تـن نتوانـم											
خط عروضی مصراع اول	مَـن بـی مِـیِ نـاب زیـسـتَـن نَـتـوانَـم											
هجاهای مصراع اول	مَن	بی	مِ	یِ	نا	ب	زیـ	س	تَن	نَت	وا	نَم
علامت هجایی مصراع اول	—	—	U	U	—	U	—	U	—	—	—	—
اختلاف هجاهای روبه‌روی هم												
علامت هجایی مصراع دوم	—	—	U	U	—	U	—	U	—	—	—	—
هجاهای مصراع دوم	بی	با	دِ	کِ	شی	دِ	با	رِ	تَن	نَت	وا	نَم
خط عروضی مصراع دوم	بـی بـادِ کِـشـیـدِ بـارِ تَـن نَـتـوانَـم											

بیت ۱۱۹	این کـوزه چو من عاشـق زاری بوده است در بنـد سـر زلـف نگـاری بوده است											
خط عروضی مصراع اول	ایـن کـوزِ چُ مَـن عـاشِـقِ زاری بـودَسـت											
هجاهای مصراع اول	این	کو	زِ	چُ	مَن	عا	شِ	قِ	زا	ری	بو	دَست
علامت هجایی مصراع اول	—	—	U	U	—	—	U	U	—	—	—	—
اختلاف هجاهای روبه‌روی هم												
علامت هجایی مصراع دوم	—	—	U	U	U	—	U	U	—	—	—	—
هجاهای مصراع دوم	دَر	بَن	دِ	سَ	رِ	زُل	فِ	نِ	گا	ری	بو	دَست
خط عروضی مصراع دوم	دَر بَـنـدِ سَـرِ زُلـفِ نِـگـاری بـودَسـت											

بیت ۱۲۰	من در عجبم ز می فروشان کایشان به زانچه فروشند چه خواهند خرید												
خط عروضی مصراع اول	مَـن دَر عَـجَـبَـم زِ مـی فُـروشـان کیـشـان												
هجاهای مصراع اول	مَن	دَر	عَ	جَ	بَم	زِ	می	فُ	رو	شان	کی		شان
علامت هجایی مصراع اول	—	—	U	U	—	U	—	U	—	—	—		—
اختلاف هجاهای روبه‌روی هم													
علامت هجایی مصراع دوم	—	—	U	U	—	—	U	U	—	—	U	U	—
هجاهای مصراع دوم	بِه	زا	چِ	فُ	رو	شَنـ	د	چِ	خا	هَنـ	د	خَ	رید
خط عروضی مصراع دوم	بِـه زان چِ فُـروشَـنـد چِ خـاهَـنـد خَـریـد												

بیت ۱۲۱	گویند کسـان بهشـت بـا حـور خوش است مـن می‌گویـم کـه آب انگـور خوش است												
خط عروضی مصراع اول	گـویَـنـد کَـسـا بِـهِـشـت بـا حـور خُـشَـسـت												
هجاهای مصراع اول	گو	یَنـ	د	کَ	سا	بِ	هِشـ	ت	با	حو	ر	خُ	شَست
علامت هجایی مصراع اول	—	—	U	U	—	U	—	U	—	—	U	U	—
اختلاف هجاهای روبه‌روی هم													
علامت هجایی مصراع دوم	—	—	—		—	U	—	U	—	—	U	U	—
هجاهای مصراع دوم	مَن	می	گو		یَم	کِ	آ	بِ	اَن	گو	ر	خُ	شَست
خط عروضی مصراع دوم	مَـن مـی گـویَـم کِ آبِ اَنـگـور خُـشَـسـت												

Ahmadi63amoozesh.com

بیت ۱۲۲	هست از پـس پـرده گفت و گـوی من و تو — چـون پـرده بـرافتد نـه تـو مـانی و نـه من												
خط عروضی مصراع اول	هَـسـتَـز پَـسِ پَـردِ گُـفـتُ گـویِ مَـنُ تُ												
هجاهای مصراع اول	هَس	تَز	پَ	سِ	پَر	دِ	گُف	تُ	گو	یِ	مَ	نُ	تُ
علامت هجایی مصراع اول	—	—	U	U	—	U	—	U	—	U	U	U	—
اختلاف هجاهای روبه‌روی هم													
علامت هجایی مصراع دوم	—	—	U	U	—	—	U	U	—	—	U	U	—
هجاهای مصراع دوم	چُن	پَر	دِ	بَ	رُف	تَد	نَ	تُ	ما	نی	یُ	نَ	مَن
خط عروضی مصراع دوم	چُـن پَـردِ بَـرُفـتَـد نَ تُ مـا نی یُ نَ مَـن												

تست فصل نهم

تست ۲۵۶ در کدام مصراع اختیار شاعری «بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه» وجود دارد؟

۱) آتـش اندر پختگـان افتـاد و سوخـت
۲) عاشـقـان را کشـتـه می‌بینند خلـق
۳) گـلـبـنـان پـیـرایـه بـر خـود کـرده‌انـد
۴) کـایـن گـروه زنـدگـان دل مـرده‌انـد

تست ۲۵۷ در کدام بیت اختیار شاعری «ابدال» وجود دارد؟

۱) یـار بـایـد کـه هـر چـه یـار کـنـد — بـر مـراد خـود اخـتـیـار کـنـد
۲) زینهـار از کسی کـه در غـم دوسـت — پـیـش بـیـگـانـه زیـنـهـار کـنـد
۳) بـار یـاران بـکـش کـه دامـن گـل — آن بـرد کـاحـتـمـال خـار کـنـد
۴) خـانـه‌ی عشـق در خـرابـات اسـت — نـیـکـنـامـی در او چـه کـار کـنـد

تست ۲۵۸ در کدام گزینه اختیار شاعری «کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند» وجود دارد؟

۱) سـنبلش غارت ایمان نکند چـون نکند — لـب لـعـلـش مـدد جـان نـکـنـد چـون نـکـنـد
۲) گـر چـه دربان ندهد راه ولیکـن درویش — التمـاس از در سلطـان نکنـد چـون نکند
۳) هـر کـه زین رهگذرش پـای فرو رفت به گل — میـل آن سـرو خرامـان نکند چـون نکند
۴) چـون تو در بادیـه در دسـت نهی آب زلال — تشـنـه را آرزوی آن نـکـنـد چـون نـکـنـد

تست ۲۵۹ در کدام مصراع اختیار شاعری «آمدن فاعلاتن به جای فعلاتن» وجود دارد؟

۱) من بـه بـال کبریـا در اوج وحـدت می‌پرم
۲) مردم دیـده‌ی من غرقـه‌ی خونـاب چراست
۳) در شـب زلف تـو مهتابی خوش اسـت
۴) رخ و زلفت عوض شـام و سـحر بـود مرا

تست ۲۶۰ در کدام بیت ۳ نوع اختیار وزنی وجود دارد؟

۱) تـو یوسفی کـه فدای تو بـاد جـان عزیز — بیا کـه جـان عزیـز منـت خریـدار است
۲) دی دمی با غمگسـاری باز می‌گفتم غمی — از بـلای تـنـگ دسـتـی و جـفـای روزگـار
۳) زلف سـرگشـته که بر روی تو گشت آشـفته — گرد رخسار تـو دوران چـه کند گـر نکند
۴) هنگام سـحر گر بخرامی سـوی بسـتان — چـون زلف کژت سـرو سـهی در قدم افتد

تست ۲۶۱ در کدام گزینه اختیار وزنی وجود ندارد؟

۱) سخنی بلبل از لبش می‌گفت
۲) درد خواجو به صبر به نشود
۳) از تـو خالـی نبودمی یک دم
۴) نه چنانم که بی تو به بشوم

تست ۲۶۲ در بیت زیر چند اختیار شاعری وزنی وجود دارد؟

« گر من از دوست بنالم نفسم صادق نیست — خبر از دوست ندارد که ز خود باخبر است»

۱) دو ۲) سه ۳) چهار ۴) پنج

تست ۲۶۳ در بیت زیر چند اختیار زبانی وجود دارد؟

« ما امید از طاعت و چشم از ثواب افکنده‌ایم — سایه‌ی سیمرغ همّت بر خـراب افکنده‌ایـم»

۱) سه ۲) چهار ۳) پنج ۴) شش

تست ۲۶۴ در بیت زیر کدام اختیار شاعری وجود ندارد؟

«آن نـه تنهاست کـه با یـاد تو انسی دارد — تـا نگویـی کـه مرا طاقـت تنهایی هسـت»

۱) قلب
۲) ابدال
۳) آمدن فاعلاتن به‌جای فعلاتن
۴) بلند در نظر گرفتن هجای پایانی

تست ۲۶۵ در بیت زیر کدام اختیار شاعری به کار نرفته است؟

«ملامت از دل سعدی فرو نشوید عشق — سیاهی از حبشی چون رود که خود رنگ است»

۱) کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند
۲) ابدال
۳) حذف همزه
۴) بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه

تست ۲۶۶ در کدام گزینه اختیار شاعری قلب با تغییر کمیت مصوت همراه شده است؟

۱) من که هر آنچه داشـتم اوّل ره گذاشـتم — حـال برای چون تویی اگر کـه لایقم بگو
۲) ای که چو موی شـد تنم در هوس میان تو — هـیچ نـمی‌رود بـرون از دل مـن دهـان تـو
۳) سینه‌ی خاقانی اگــر دادستان شد از فلک — ناله‌ی مـــن نبسـت غم دادسـتان من کجا
۴) پای دل رمیده گر بــاز بــه دستم آمدی — تـــرک تو کردمی و خویش از همه وارهاندمی

تست ۲۶۷ در کدام بیت اختیار شاعری ابدال وجود دارد؟

۱) روشن از پرتو رویت نظری نیست که نیست — منّت خاک درت بر بصری نیست که نیست
۲) اشک غمّاز من ار سرخ برآمد چه عجب — خجل از کرده خود پرده دری نیست که نیست
۳) تا دم از شام سر زلف تو هر جا نزنند — با صبا گفت و شنیدم سحری نیست که نیست
۴) از وجودم قدری نام و نشان هست که هست — ور نه از ضعف در آن‌جا اثری نیست که نیست

تست ۲۶۸ در کدام بیت هیچ‌یک از اختیارات زبانی وجود ندارد؟

۱) ای دل نگفتمت که مشو پای بند او — زیرا که کبک را نبود طاقت عناب
۲) ای دل نگفتمت که اگر تشنه مرده‌ای — سیراب کی شود جگر تشنه از شراب
۳) ای دل نگفتمت که مرو در هوای دل — طاووس را چه غم ز هوا داری ذباب
۴) ای دل نگفتمت کـه مـرو در کمـند عشق — آخـر بـه قصد خویش چـرا می‌کنی شتاب

تست ۲۶۹ در بیت زیر کدام اختیار شاعری وجود ندارد؟

این همه شعبده‌ی خویش کـه می‌کرد اینجا — سامـری پیش عصـا و یـد بیضا می‌کـرد

۱) ابدال
۲) کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند
۳) حذف همزه
۴) بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه

تست ۲۷۰ **اختیارات شاعری زبانی ابیات زیر در کدام گزینه به ترتیب آمده است؟**

الف) گـر شاهدان نـه دنیی و دین می‌برند و عقل — پس زاهدان برای چـه خلوت گزیده‌اند
ب) نتوان در خـم ابروی سیاهش پیوست — آنکـه پیوند من سوخته بگسیخته است
ج) ابرویش خـم به کمان ماند و قد راست به تیر — کس ندیدم کـه چنین تیـر و کمـانی دارد

۱) کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند - بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه - کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند
۲) حذف همزه - بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه - کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند
۳) کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند - حذف همزه - بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه
۴) بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه - کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند - بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه

تست ۲۷۱ **در کدام بیت اختیار شاعری ابدال وجود دارد؟**

۱) جان من است او هی مزنیدش — آن من است او هی مبریدش
۲) آب من است او نان من است او — مثل ندارد باغ امیدش
۳) هر که ز صهبا آرد صفرا — کاسه سکبا پیش نهیدش
۴) عـام بیاید خاص کنیدش — خـام بیاید هم بپزیدش

تست ۲۷۱ **در همه ابیات ابدال وجود دارد به‌جز .....**

۱) چرا و چون نرسد بندگان مخلص را — رواست گر همه بد می‌کنی بکن که نیکوست
۲) می نوش ندانی از کجا آمده‌ای — خوش باش ندانی به کجا خواهی رفت
۳) گر حلال است که خون همه عالم تو بریزی — آن که روی از همه عالم به تو آورد نشاید
۴) آب ز سبزه گرفت، جوشن زنگـارگـون — سوسن کآن دید ساخت نیزه جوشن‌گـذار

تست ۲۷۳ **در کدام گزینه هیچ یک از اختیارات شاعری <u>وزنی</u> دیده نمی‌شود؟**

۱) هر چند که جانانه در دیده‌ی باز آید — تا دیده نمی‌دوزم جانانه نمی‌بینم
۲) قمری که دوست داری همه روز دل بر آن نه — که شبیت خون بریزد که در او قمر نباشد
۳) وه که در عشق چنان می‌سوزم — که به یک شعله جهان می‌سوزم
۴) نه آن شب است کـه کس در میان ما گنجد — به خاک پات اگر ذرّه در هوا گنجد

تست ۲۷۴ **در بیت زیر کدام اختیار شاعری به کار رفته است؟**

«گر ز دسـت زلف مشـکینت خطایی رفت رفت — ور ز هندوی شمـا بـر مـا جفـایی رفت رفت»

۱) ابدال — ۲) آمدن فاعلاتن به‌جای فعلاتن
۳)کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند — ۴) بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه

تست ۲۷۵ **در هر دو بیت کدام گزینه، هیچ یک از اختیارات وزنی وجود ندارد؟**

الف) به آب تیغ دلـم کشته است مرغ دلم — که نیم کشته بـه خـون چند بار برگردد
ب) به سر خـار مغیلان بروم با تـو چنان — بـه ارادت کـه یکی بـر سر دیبا نرود
ج) بازار حسن جملـه خوبان شکسته‌ای — ره نیست کـز تـو هیـچ خریداری بگذرد
د) در من این عیب قدیم است و به در می‌نرود — کـه مرا بی می و معشوق بـه سر می‌نرود

۱) الف - ب — ۲) ب - د — ۳) الف - د — ۴) ب - ج

تست ۲۷۶ **در کدام گزینه از اختیار شاعری «آمدن فاعلاتن به جای فعلاتن» استفاده نشده است؟**

۱) یوسف گم گشته‌ی ما زیر بند زلف توست — گه گهی ما را خبر زان زلف خم در خم فرست
۲) همه شب‌های غم آبستن روز طرب است — یوسف روز، به چاه شب یلدا بینند
۳) ساروان رخت به دروازه مبر کان سر کو — شاه‌راهی است که منزلگه دلدار من است
۴) شرمش از چشم می‌پرستان باد — نرگس مست اگر بروید باز

Ahmadi63amoozesh.com
@ahmadi63amoozesh
@aboozarahmadi63

تست ۲۷۷ در چند گزینه از اختیار شاعری «آمدن فاعلاتن به جای فعلاتن» استفاده نشده است؟

الف) تو عسل ما سرکه در دنیا و دین / دفع این صفرا بود سرکنگبین
ب) اگر او به قصد جانم کمر جفا ببندد / چه کنم که جان شیرین نکنم فدای جانش
ج) بنشین که نسیم صبحدم برخاست / برخیز که نوبت سحر بنشست
د) شکر تنگ تو تنگ شکر آمد / حلقه‌ی لعل تو درج گهر آمد
ه) من ندانم که ز کویش به جفا برگردم / گر براند ز در آن حور پریزاد مرا

۱) پنج ۲) چهار ۳) سه ۴) دو

تست ۲۷۸ در کدام ابیات اختیار شاعری «ابدال» وجود دارد؟

الف) رشته جان من سوخته بگسیخته باد / گر ز عشق سر زلفت ندهم جان همه شب
ب) مرا به جای تو ای یار یار دیگر نیست / ولی تو را چو من خسته یار بسیار است
ج) سر مویی نتوان جست کنار از سر کویت / مگر از موی میان تو کناری که تو دانی
د) فاخته در بزم باغ گویی خاقانی است / در سر هر شاخسار شعر سرای آمده

۱) الف - ب ۲) ج - د ۳) الف - ج ۴) ب - د

تست ۲۷۹ اختیار شاعری مقابل کدام بیت در آن بیت وجود ندارد؟

۱) روزگاریست که سودازده‌ی کوی توأم / خوابگه نیست مگر خاک سر کوی توأم (ابدال)
۲) به دو چشم تو که شوریده تر از بخت من است / که به روی تو من آشفته‌تر از روی توأم (بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه)
۳) چشم بر هم نزنم گر تو به تیرم بزنی / لیک ترسم که بدوزد نظر از روی توأم (حذف همزه)
۴) سعدی از پرده‌ی عشاق چه خوش می‌گوید / ترک من پرده برانداز که هندوی توأم (کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند)

تست ۲۸۰ در بیت زیر کدام اختیار شاعری به کار رفته است؟

«سست پیمانا چرا کردی خلاف عقل و رای / صلح با دشمن اگر با دوستانت جنگ نیست»

۱) کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند ۲) بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه
۳) حذف همزه ۴) ابدال

تست ۲۸۱ در کدام گزینه اختیار شاعری «قلب» وجود دارد؟

۱) ماه منی و ماه را چرخ فدای تو دهد / گر به دیار دشمنان وقت زوال تو رسد
۲) بر دل خاقانی اگر داغ جفا نهی چه شد / او ز سگان کیست خود تا بردت به داوری
۳) گر چه سپیدکاری است از همه روی کار تو / رو که قیامتی است هم زلف تو در سیه‌گری
۴) ای حرم تو از کرم بیت حرام خسروان / چون سخن من از نکت سحر حلال خاطری

تست ۲۸۲ با توجه به شعر نیمایی زیر کدام گزینه غلط است؟

«من صدای قدم خواهش را می‌شنوم
و صدای پای قانونی خون را در رگ
ضربان سحر چاه کبوترها
تپش قلب شب آدینه»

۱) در مصراع اول فقط یک اختیار وزنی وجود دارد.
۲) در مصراع دوم فقط یک اختیار وزنی وجود دارد.
۳) در شعر اختیار شاعری بلند در نظر گرفتن هجای پایان مصراع وجود دارد.
۴) وزن این شعر همسان است.

Ahmadi63amoozesh.com

تست ۲۸۳ در ابیات کدام گزینه اختیار شاعری «قلب» وجود دارد؟

الف) باز بنفشه رسید جانب سوسن دوتا — باز گل لعل پوش می‌بدارند قبا
ب) آن نفسی کـه با خودی یـار چو خار آیدت — وان نفسی کـه بی‌خودی یار چه کار آیدت
ج) هر که تـو را نیک خواه نیکویی او را دلیل — هـر که تـو را بد سگال ندامت او را ندیم
د) زهـره نداشت هیچ کس بر او دمی نفس زند — پخته شود از این سپس چون به تنور می‌رود

۱) الف - ب ۲) ج - د ۳) الف - ج ۴) ب - د

تست ۲۸۴ همه گزینه‌ها از اختیار وزنی یکسانی بهره برده‌اند به جز گزینه‌ی ...

۱) از بس خون‌ها که ریخت غمزه سر تیز او — عشق به انگشت پای می‌کند آن را شمار
۲) بر سر کویت چو سگان هر سحری کنم فغان — هیـچ نگویی ای فلان تو ز سگان کیستی
۳) از پی آن را که شب پرده‌ی راز من است — خواهم کز دود دل پرده کنم روز را
۴) هر که را نیست نمک گر چه نماید خدمت — خدمت او به حقیقت همه زرق است و ریا

تست ۲۸۵ در کدام گزینه هر دو اختیار شاعری «ابدال» و «قلب» وجود دارد؟

۱) یک تنه صد هزار تن می‌نهمت چو آفتاب — ار چه به صد هزار یل بدر ستاره لشکری
۲) خاک در خدایگان گـر به کف آوری در او — هشت بهشت و چار جوی از بر سدره بنگری
۳) تو گرد دلم گردان من گرد درت گردان — در دست تو در گردش سرگشته چو پرگارم
۴) پس چو تویی نگار من و ز دو جهان بی‌زارم — به کار من کن نظری و گرنه دل بردام

تست ۲۸۶ در ابیات کدام گزینه از اختیار وزنی یکسانی استفاده شده است؟

الف) عقل ز دست غمـت دست بـه سر می‌رود — بر سر کـوی تـو باد هـم به خطر می‌رود
ب) به ناامیدی از این در مـرو بـزن فالی — بود که قرعه دولت به نام ما افتد
ج) دیدم امروز بر زمین قمری — همچو سروی روان به رهگذری
د) شور و شراب عشق تو آن نفسم رود ز سر — کاین سر پـر هوس شود خـاک در سرای تو

۱) الف - ب ۲) الف - د ۳) ب - ج ۴) ج - د

تست ۲۸۷ در کدام گزینه از ۳ نوع اختیار وزنی استفاده نشده است؟

۱) درد دل پیش که گویم غم دل با که خورم — روم آن جا که مرا محرم اسرار آن جاست
۲) بی دهان تو اگر صد قدح نوش دهند — به دهان تو که زهر آید از آن نوش مرا
۳) دل چنین سخت نباشد کـه یکی بر سر راه — تشنه می‌میرد و شخص آب زلالی دارد
۴) چون تویی را چو منی در نظر آیدت هیهات — که قیامت رسد این رشته به هم یا نرسد

تست ۲۸۸ اختیار شاعری مشترک در هر دو بیت زیر کدام است؟

الف) هـر شبی روزی و هـر روز زوالی دارد — شب وصل من و معشوق مرا آخر نیست
ب) پیش از این من دعوی پـرهیزگاری کردمی — باز می‌گویم کـه هـر دعوی که کردم باطل است

۱) آمدن فاعلاتن به‌جای فعلاتن ۲) ابدال
۳)کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند ۴) حذف همزه

تست ۲۸۹ ترتیب ابیات زیر به لحـاظ داشتن اختیارات «کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند، ابدال، بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه» در کدام گزینه آمده است؟

الف) به مشک چین و چگل نیست بوی گل محتاج — کـه نافه‌هاش ز بندِ قبـایِ خویشتن است
ب) خواجو از عشق تو چون از سر هستی بگذشت — به وفـات آمد و بر خـاک درت کـرد وفات
ج) باش تا دیوانـه گوینـدم همـه فرزانگان — ترک جان نتوان گرفتن تا تو گویی عاقل است

۱) الف، ج، ب ۲) ب، ج، الف ۳) ب، الف، ج ۴) الف، ب، ج

Ahmadi63amoozesh.com
@ahmadi63amoozesh
@aboozarahmadi63

تست ۲۹۰ اختیار شاعری مشترک در دو بیت زیر کدام است؟

الف) آن پری‌زاده‌ی مه‌پاره کـه دلبند من است / کس ندانم کـه بـه جان در طلبش پویان نیست
ب) بسی بگفت خداوند عقـل و نشنیدم / که دل به غمزه خوبان مده که سنگ و سبوست

۱)آمدن فاعلاتن به‌جای فعلاتن
۲) ابدال
۳)کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند
۴) بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه

تست ۲۹۱ اختیار شاعری مقابل کدام بیت، در آن بیت وجود ندارد؟

۱) خصمی کـه تیر کافرش اندر غزا نکشت / خونش بـر بخت ابـروی همچون کمان دوست (تغییر کمیت مصوت)
۲) پس چو تویی نگار من و ز دو جهـان بیزارم / به کار من کن نظری و گر نه دل بردارم (قلب)
۳) گویی بط سفید جامه به صابون زده است / کبک دری ساق پای در قدح خون زده است (ابدال)
۴) گر چه چنگم بزنی پیش تو سر بـر نکنم / این‌چنین یار وفادار که بنوازی بـه (بلند در نظر گرفتن هجای پایانی)

تست ۲۹۲ اختیار شاعری مقابل کدام بیت در آن بیت وجود ندارد؟

۱) ز هر چه هست گزیر است و ناگزیر از دوست / به قول هـرکه جهان مهر بر مگیر از دوست (ابدال)
۲) دوش دور از رویت ای جان جانم از غم تاب داشت / ابر چشمم بر رخ از سودای دل سیلاب داشت (آمدن فاعلاتن به‌جای فعلاتن)
۳) آنان که در بهار به صحرا نمی‌روند / بوی خوش ربیع بر ایشان محرم است (بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه)
۴) مردم هلال عید بدیدند و پیش ما / عیدست و آنک ابروی همچون هلال دوست (کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند)

تست ۲۹۳ اختیار شاعری مقابل کدام بیت در آن بیت وجود ندارد؟

۱) سخت بـه ذوق می‌دهد باد ز بوستان نشان / صبح دمید و روز شد خیز و چراغ بر نشان (قلب)
۲) بخت باز آید از آن در که یکی چون تو در آید / روی میمون تو دیدن در دولـت بگشاید (ابدال)
۳) گوش دلـم بر در است تا چـه بیاید خبر / چشم امید به راه تا که بیارد پیام (بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه)
۴) این همه زورآوری و مردی و شیری / مرد ندانم که از کمند تو جسته است (کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند)

تست ۲۹۴ همه ابیات هم اختیار وزنی دارند هم زبانی به‌جز گزینه‌ی ...

۱) چند سوزیم من و شمع شبستان همه شب / چند سازیم چنین بی سرو و سامان همه شب
۲) خبر اندہ اورنگ اجدا ز گشت تخت / به سراپرده گلچهر خور آئین که برد
۳) خنک آن باد که بر خاک خرامان گذرد / خاصه بـر گلشن آن سرو خرامـان گذرد
۴) خبرت هست که شب تا به سحـر منتظرم / به سر کوی ستم تا خبـر او چه رسد

تست ۲۹۵ همه ابیات یا اختیار وزنی دارند یا زبانی به‌جز گزینه‌ی ...

۱) سپیده‌دم که صبا دامن سمن بدرد / ز مهر روی تو گل جیب پیرهن بدرد
۲) ما را به باغ رضوان کی التفات باشد / در روضه‌ی محبّـت رضوان چه کار دارد
۳) به بوی خال تو جانم اسیر زلف تو شد / برای مهره کسی جان فدای مار کند؟
۴) سرو را کار ببندد چو میان تنگ ببندی / روح را دل بگشاید چو تو بـرقع بگشایی

تست ۲۹۶ در چند مورد از اختیار شاعری «بلند در نظر گرفتن هجای کوتاه یا کشیده» استفاده شده است؟

الف) روی تو چـون نوبهـار جلوه‌گری می‌کند / زلف تو چون روزگار پرده دری می‌کند
ب) گـر بـر فلک رسیدی از روی تـو خیالی / در چشم هـر ستاره صد لالـه‌زار بودی
ج) دل گم شد از من بی‌سبب بر کن چراغ و دل طلب / چون یافتی بگشای لب که اینک دل صد چاک تو
د) سرمایه تویی چون تو شدی دل که و دین چه؟ / چون روز بشد دیده ز روزن چه نویسد
هـ) گـر بدانستی کـه خواهد مُـرد ناگه در میان / جامه چندین کـی تنیدی پیله گـرد خویشتن
و) نظری به دوستان کـن کـه هـزار بار از آن به / کـه تحیّتی نویسی و هدیّتـی فرستـی

۱) پنج
۲) چهار
۳) سه
۴) دو

Ahmadi63amoozesh.com
@ahmadi63amoozesh
@aboozarahmadi63

تست ۲۹۷ در بیت زیر کدام اختیار شاعری به کار نرفته است؟

«تشنگان به لب ای چشمه‌ی حیوان مردند / چند چون ماهی بر خشک توانند طپید»

۱) کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند
۲) حذف همزه
۳) بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه
۴) ابدال

تست ۲۹۸ در چند بیت از ابیات زیر از اختیارات شاعری «ابدال» استفاده نشده است؟

الف) اوّل کاین ملک به نامت نبود / وین ده ویرانه مقامت نبود
ب) آنکه چون بنده به هر موی اسیری دارد / کی رهایی دهد از بند گرفتاران را
ج) گفت که این نقش دگر چیست پر از خون جگر / گفتم این نقش من خسته‌دل و پای به گل
د) ای از پی آشوب ما از رخ نقاب انداخته / لعل تو سنگ سرزنش بر آفتاب انداخته
هـ) چه کنم چون ز گلستان امید / دیده‌ام را نصیب خار افتاد

۱) یک
۲) دو
۳) سه
۴) چهار

تست ۲۹۹ اختیار شاعری مقابل کدام بیت در آن بیت وجود ندارد؟

۱) یار من آنکه لطف خداوند یار اوست / بیداد و داد و رد و قبول اختیار اوست (حذف همزه)
۲) دریای عشق را به حقیقت کنار نیست / ور هست پیش اهل حقیقت کنار نیست (بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه)
۳) در عهد لیلی این همه مجنون نبوده‌اند / وین فتنه برنخاست که در روزگار اوست (کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند)
۴) دانی کدام خاک بر او رشک می‌برم / آن خاک نیکبخت که در رهگذار اوست (بلند درنظرگرفتن هجای پایانی)

تست ۳۰۰ ترتیب ابیات زیر به لحاظ داشتن اختیارات «قلب، ابدال، بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه» در کدام گزینه آمده است؟

الف) آرزومند کعبه را شرط است / کـه تحمل کند نشیب و فراز
ب) هر که نه عاشق شود تلخ شود کام او / هر که که دل از دست رفت نباشد آرام او
ج) سر جانان ندارد هر که او را خوف جان باشد / به جان گر صحبت جانان برآید رایگان باشد

۱) الف، ج، ب
۲) ب، ج، الف
۳) ب، الف، ج
۴) الف، ب، ج

آموزشگاه مجازی احمدی
برای خرید نسخه چاپی یا تدریس ویدئویی این جزوه به سایت و یا کانال تلگرامی «آموزشگاه مجازی احمدی» مراجعه کنید.
برای کسب اطلاعات بیشتر در مورد این جزوات و پکیج‌ها به شماره ۰۹۱۲۳۷۰۸۴۷۶ در تلگرام یا واتساپ و یا به صورت SMS پیام بدهید.
Ahmadi63amoozesh.com
@ahmadi63amoozesh
Ahmadi63amoozesh.com

فصل دهم

نامگذاری اوزان

در نظام قدیم، نام‌گذاری اوزان شعر از مباحث مهم و سخت کنکور بود. با وجود این‌که در قسمت پاورقی کتاب آمده بود و تأکید کرده بودند که از آن سؤال طرح نمی‌شود، هر ساله ۲ سؤال کنکور و ۲ نمره امتحان نهایی به این مبحث اختصاص داده می‌شد. در کتاب‌های جدید هم به صورت بسیار مختصری به آن اشاره شده است و در کنکور سراسری ۹۸ (در کنکورهای ۹۹ و ۱۴۰۰ به دلیل کرونا از این قسمت سوال نیامد.) و در چند امتحان نهایی که از این کتاب طرح گردید، سؤالات بسیار آسانی مطرح شد. با این وجود ممکن است این آسان‌بودن سؤالات فقط مختصّ همین سال اوّل بوده باشد. برای جلوگیری از نوشتن مطالب غیر ضروری، من نیز در حد کتاب و امتحان نهایی و چند کنکور برگزار شده و در حد همان اوزان همسان ـ که کتاب درسی نام آن‌ها را آورده است ـ به این مبحث می‌پردازم.

واحد شعر فارسی مصراع است **ولی برای نامگذاری، «بیت» واحد و ملاک نامگذاری است.** هر مصراع شعر فارسی ۲، ۳ یا ۴ رکن دارد. در نتیجه هر بیت ۴، ۶ یا ۸ رکن می‌شود.

شعر فارسی چهار رکن اصلی دارد: فاعِلاتُن (رَمَل)، مَفاعیلُن (هَزَج)، مُستَفعِلُن (رَجَز) و فَعولُن (مُتَقارِب)

اگر در یک بیت ۸ رکن سالم باشد، وزن آن شعر به این صورت است: بَحر........ مُثَمَّن سالم

اگر در یک بیت ۶ رکن سالم باشد، وزن آن شعر به این صورت است: بَحر........ مُسَدَّس سالم

و به ندرت اگر در یک بیت ۴ رکن سالم باشد، وزن آن شعر به این صورت است: بَحر .... مُرَبَّع سالم

در قسمت جای خالی نام رُکنی را می‌آوریم که در شعر آمده است.

به نام اوزان زیر دقّت کنید:

هر که چیزی دوست دارد، جان و دل بر وی گُمارد هر که محرابش تو باشی، سر ز خلوت بر ندارد

فاعِلاتُن فاعِلاتُن فاعِلاتُن فاعِلاتُن: بَحر رَمَل مُثَمَّن سالم

ای ساربان آهسته ران کارام جانم می‌رود وان دل کـه با خود داشتم با دلستانم می‌رود

مُستَفعِلُن مُستَفعِلُن مُستَفعِلُن مُستَفعِلُن: بَحر رَجَز مُثَمَّن سالم

بیا تا گل برافشانیم و می در ساغـر اندازیم فلک را سقف بشکافیم و طرحی نو دراندازیم

مَفاعیلُن مَفاعیلُن مَفاعیلُن مَفاعیلُن: بَحر هَزَج مُثَمَّن سالم

دل من همی داد گفتی گوایی که باشد مرا روزی از تو جدایی

فَعولُن فَعولُن فَعولُن فَعولُن: بَحر مُتَقارِب مُثَمَّن سالم

توجّه: همان‌طور که پیش از این خواندیم، ممکن است یک هجا از رکن پایانی حذف شده باشد. در این صورت به جای سالم، مَحذوف می‌نویسیم.

شعر زیر از چهار بار «فاعِلاتُن» ساخته شده است ولی از رکن پایانی آن یک هجا حذف شده است و به صورت «فاعِلاتُن فاعِلاتُن فاعِلاتُن فاعِلُن» درآمده است، لذا نام آن «بَحر رَمَل مُثَمَّن مَحذوف» است.

بلبلی برگ گلی خوش‌رنگ در منقار داشت و اندر آن بـرگ و نوا خوش ناله‌های زار داشت

شعر زیر نیز از چهار بار «فَعولُن» ساخته شده است ولی از رکن پایانی آن یک هجا حذف شده است و به صورت «فعولُن فَعولُن فَعولُن فَعَل» درآمده است و نام آن «بَحر مُتَقارِب مُثَمَّن مَحذوف» است.

چو عضوی به درد آورد روزگار — دگر عضوها را نماند قرار

شعر زیر از سه بار «مَفاعیلُن» ساخته شده است ولی از رکن پایانی آن یک هجا حذف شده است و به صورت «مَفاعیلُن مَفاعیلُن مَفاعی» در آمده است و چون «مَفاعی» با «فَعولُن» هم‌وزن است، از «فَعولُن» استفاده می‌کنیم که به گوش آشناتر است. لذا وزن بیت زیر «مَفاعیلُن مَفاعیلُن فَعولُن» می‌باشد و نام آن «بَحر هَزَج مُسَدَّس مَحذوف» است.

به دریا بنگرم دریا تو بینم — به صحرا بنگرم صحرا تو بینم

شعر زیر از سه بار «فاعِلاتُن» ساخته شده است ولی از رکن پایانی آن یک هجا حذف شده است و به صورت «فاعِلاتُن فاعِلاتُن فاعِلُن» در آمده است و نام آن «بَحر رَمَل مُسَدَّس مَحذوف» است.

خوش‌تر آن باشد که سِرّ دلبران — گفته آید در حدیث دیگران

نکته: با توجّه به درس‌نامه بسیار مختصر کتاب و با توجّه به اوزان محدود کتاب، قاعدتاً نباید وزنی غیر از این ۸ وزن فوق در کنکور بیاید.

در ذیل این ۸ وزن را با دسته‌بندی متفاوت مشاهده می‌فرمائید.

۱	فاعِلاتُن فاعِلاتُن فاعِلاتُن فاعِلاتُن	بَحر رَمَل مُثَمَّن سالم
۲	فاعِلاتُن فاعِلاتُن فاعِلاتُن فاعِلُن	بَحر رَمَل مُثَمَّن مَحذوف
۳	فاعِلاتُن فاعِلاتُن فاعِلُن	بَحر رَمَل مُسَدَّس مَحذوف
۴	مُستَفعِلُن مُستَفعِلُن مُستَفعِلُن مُستَفعِلُن	بَحر رَجَز مُثَمَّن سالم
۵	مَفاعیلُن مَفاعیلُن مَفاعیلُن مَفاعیلُن	بَحر هَزَج مُثَمَّن سالم
۶	مَفاعیلُن مَفاعیلُن فَعولُن	بَحر هَزَج مُسَدَّس مَحذوف
۷	فَعولُن فَعولُن فَعولُن فَعولُن	بَحر مُتَقارِب مُثَمَّن سالم
۸	فَعولُن فَعولُن فَعولُن فَعَل	بَحر مُتَقارِب مُثَمَّن مَحذوف

آموزش نام‌گذاری اوزان به روش دیگر

۱- با توجّه به این که واحد نام‌گذاری شعر فارسی، به تبعیّت از عروض عربی «بیت» است، تعداد ارکان یک مصراع را می‌شماریم و آن را ضرب در ۲ می‌کنیم و با توجّه به اینکه کمترین مصراع ۲ رکن و بیشترین مصراع ۴ رکن دارد، تعداد ارکان یک بیت ۴ (مُرَبَّع)، ۶ (مُسَدَّس) یا ۸ (مُثَمَّن) می‌باشد.

۲- با توجّه به درس‌نامه کتاب، نام اوزانی را از شما می‌خواهند که در یک بَحر سروده شده باشد. یعنی ابیاتی که وزن همسان دارند. و ارکان آن‌ها یکی از چهار رکن اصلی است.

فاعِلاتُن: رَمَل — مَفاعیلُن: هَزَج — مُستَفعِلُن: رَجَز — فَعولُن: مُتَقارِب

۳- اگر رکن پایانی مصراع به همین صورت باشد از لفظ «سالم» در پایان نام وزن استفاده می‌شود.

۴- اگر ارکان پایانی مصراع‌ها یک هجا کمتر از رکن اصلی داشت و به صورت مَحذوف بود، در پایان نام وزن، از واژه «مَحذوف» استفاده می‌شود.

فاعِلاتُن ← فاعِلُن (مَحذوف) — U — — ← — U —

مَفاعیلُن ← فَعولُن (مَحذوف) U — — — ← U — —

فَعولُن ← فَعَل (مَحذوف) U — — ← U —

توجّه: مُستَفعِلُن رُکنِ مَحذوف ندارد.

نام‌گذاری مفصّل‌تر و حرفه‌ای‌تر (برای مطالعه، این قسمت در کنکور نمی‌آید)

کتاب درسی به نام‌گذاری اوزانی پرداخته است که یا کاملاً از ارکان اصلی هستند (سالم) و یا فقط در رُکن پایانی یک هجا حذف شده است (مَحذوف). اما شعر فارسی اوزانی دارد که از ارکانی غیر از ارکان اصلی یا مَحذوف آن‌ها ساخته شده‌اند. به وزن مصراع‌هایی که در ادامه می‌آیند، دقّت کنید:

۱	کجا دانند حال ما سبک‌باران ساحل‌ها	مَفاعیلُن مَفاعیلُن مَفاعیلُن مَفاعیلُن
۲	الهی سینه‌ای ده آتش افروز	مَفاعیلُن مَفاعیلُن فَعولُن
۳	ای نام تو بهترین سرآغاز	مَفعولُ مَفاعِلُن فَعولُن
۴	شخصی به هزار غم گرفتارم	مَفعولُ مَفاعِلُن مَفاعیلُن
۵	تا کی به تمنّای وصال تو یگانه	مَفعولُ مَفاعیلُ مَفاعیلُ فَعولُن
۶	ای کعبه به داغ ماتمت نیلی‌پوش	مَفعولُ مَفاعیلُ مَفاعیلُن فَع
۷	ای دوست بیا تا غم فردا نخوریم	مَفعولُ مَفاعیلُ مَفاعیلُ فَعَل

برای نام‌گذاری اوزانی که جزء اوزان همسان نیستند و ارکان مختلفی در آن‌ها به کار رفته است، باید نام هر رُکن را بدانیم. چهار رُکن فاعِلاتُن(رَمَل)، مَفاعیلُن(هَزَج)، مُستَفعِلُن (رَجَز) و فَعولُن (مُتَقارِب)، ارکان اصلی شعر فارسی هستند. با تغییر در هجاهای آن‌ها ارکان دیگری حاصل می‌شود که هر کدام نام مخصوصی دارند.

U — — —	←	اگر هجای پایانی را حذف کنیم. U — — (فَعولُن)
U — — —	←	اگر هجای پایانی را به هجای کوتاه تبدیل کنیم. U — — U (مَفاعیلُ)
U — — —	←	اگر هجای سوم را به هجای کوتاه تبدیل کنیم. U — U — (مَفاعِلُن)
U — — —	←	اگر هجای اول را حذف کنیم و هجای پایانی را کوتاه کنیم. — — U (مَفعولُ)
U — — —	←	اگر دو هجای پایانی را حذف کنیم. U — (فَعَل)
U — — —	←	اگر هجای اوّل و دو هجای آخر را حذف کنیم. — (فَع)

به این رکن‌های حاصل شده از هَزَج، «زِحافات هَزَج» می‌گویند و هر کدام نامی دارند.

ارکان اصلی «فاعلاتُن، مُستَفعِلُن و فَعولُن» نیز زِحافاتی دارند که در جدول زیر مشاهده می‌فرمائید.

زِحافات فاعِلاتُن	زِحافات مَفاعیلُن	زِحافات مُستَفعِلُن	زِحافات فَعولُن
— U — — فاعِلاتُن: رَمَل	U — — — مَفاعیلُن: هَزَج	— — U — مُستَفعِلُن: رَجَز	U — — فَعولُن: مُتَقارِب
— U — فاعِلُن: مَحذوف — U — U فاعِلاتُ: مَکفوف U U — — فَعِلاتُن: مَخبون U U — U فَعَلاتُ: مَشکول U U — فَعِلُن: مَخبونِ مَحذوف — فَع: مَنحور	U — — فَعولُن: مَحذوف U — — U مَفاعیلُ: مَکفوف U — U — مَفاعِلُن: مَقبوض — — U مَفعولُ: اَخرَب — — — مَفعولُن: اَخرَم U — فَعَل: مَجبوب — فَع: اَبتَر	— U U — مُفتَعِلُن: مَطویّ U — U — مَفاعِلُن: مَخبون — — — مَفعولُن: مَقطوع	U — فَعَل: مَحذوف — — فَعلُن: اَثلَم

در نام‌گذاری اشعاری که از این زِحافات در آن‌ها استفاده شده است، به روش زیر عمل می‌کنیم.

۱- ابتدا رکن اصلی مصراع را تشخیص می‌دهیم. (ارکان اصلی: مَفاعیلُن، فاعِلاتُن، مُستَفعِلُن و فَعولُن)

۲- تعداد رکن هر بیت (مُربّع، مُسَدَّس و مُثَمَّن)

۳ - آوردن نام زُحافات به ترتیب (پرهیز از تکرار)

Ahmadi63amoozesh.com
@aboozarahmadi63
@ahmadi63amoozesh

اوزانی که از رُکن مَفاعیلُن و زِحافات آن حاصل می‌شود:

۱	مَفاعیلُن مَفاعیلُن مَفاعیلُن مَفاعیلُن	بَحر هَزَج مُثَمَّن سالم
۲	مَفاعیلُن مَفاعیلُن فَعولُن	بَحر هَزَج مُسَدَّس مَحذوف
۳	مَفعولُ مَفاعیلُ مَفاعیلُ فَعولُن	بَحر هَزَج مُثَمَّن اَخرَب مَکفوف مَحذوف
۴	مَفعولُ مَفاعِلُن فَعولُن	بَحر هَزَج مُسَدَّس اَخرَب مَقبوض مَحذوف
۵	مَفعولُ مَفاعیلُ مَفاعیلُن فَع	بَحر هَزَج مُثَمَّن اَخرَب مَکفوف اَبتَر
۶	مَفعولُ مَفاعیلُ مَفاعیلُ فَعَل	بَحر هَزَج مُثَمَّن اَخرَب مَکفوف مَجبوب

اوزانی که از رُکن فاعِلاتُن و زِحافات آن حاصل می‌شود:

۱	فاعِلاتُن فاعِلاتُن فاعِلاتُن فاعِلاتُن	بَحر رَمَل مُثَمَّن سالم
۲	فاعِلاتُن فاعِلاتُن فاعِلاتُن فاعِلُن	بَحر رَمَل مُثَمَّن مَحذوف
۳	فاعِلاتُن فاعِلاتُن فاعِلُن	بَحر رَمَل مُسَدَّس مَحذوف
۴	فَعِلاتُن فَعِلاتُن فَعِلاتُن فَعِلاتُن	بَحر رَمَل مُثَمَّن مَخبون
۵	فَعِلاتُن فَعِلاتُن فَعِلاتُن فَعِلُن	بَحر رَمَل مُثَمَّن مَخبون مَحذوف
۶	فَعِلاتُن فَعِلاتُن فَعِلُن	بَحر رَمَل مُسَدَّس مَخبون مَحذوف
۷	فَعِلاتُ فاعِلاتُن فَعِلاتُ فاعِلاتُن	بَحر رَمَل مُثَمَّن مَشکول

توجّه: نام رُکنِ «فَعِلُن»، «مَخبون مَحذوف» است. در موارد فوق چون برای رُکنِ «فَعِلاتُن»، «مَخبون» را نوشته بودیم، برای «فَعِلُن»، فقط «مَحذوف» را می نویسیم.

اوزانی که از رُکن مُستَفعِلُن و زِحافات آن حاصل می‌شود:

۱	مُستَفعِلُن مُستَفعِلُن مُستَفعِلُن مُستَفعِلُن	بَحر رَجَز مُثَمَّن سالم
۲	مُفتَعِلُن مُفتَعِلُن مُفتَعِلُن مُفتَعِلُن	بَحر رَجَز مُثَمَّن مَطویّ
۳	مُفتَعِلُن مَفاعِلُن مُفتَعِلُن مَفاعِلُن	بَحر رَجَز مُثَمَّن مَطویّ مَخبون

اوزانی که از رُکن فَعولُن و زِحافات آن حاصل می‌شود:

۱	فَعولُن فَعولُن فَعولُن فَعولُن	بَحر مُتَقارِب مُثَمَّن سالم
۲	فَعولُن فَعولُن فَعولُن فَعَل	بَحر مُتَقارِب مُثَمَّن مَحذوف
۳	فَعْلُن فَعولُن فَعْلُن فَعولُن	بَحر مُتَقارِب مُثَمَّن اَثلَم

رُکن مَفعولاتُ (— — — U) نیز از ارکان اصلی است و در یکی دو وزن از زِحافات آن استفاده شده است.

— U — U فاعِلاتُ: مطویّ

— U — فاعِلُن: مطویِّ مَکشوف

— فع: مَنحور

اکنون که زِحافات ارکان اصلی را آموختیم، تا این‌جا می‌توانیم اوزان را در سه دسته جای بدهیم.

۱- اوزانی که فقط از ارکان اصلی هستند.

۲- اوزانی که از ارکان اصلی و یک رکن مَحذوف آن هستند.

۳- اوزانی که از ترکیبات زِحافات یک رُکن هستند.

اکنون به وزن مصراع‌های زیر دقّت کنید:

۱	ما بی‌غمانِ مستِ دل از دست داده‌ایم	مَفعولُ فاعلاتُ مَفاعیلُ فاعِلُن
۲	دیوانگان نه‌ایم که مستانیم	مَفعولُ فاعلاتُ مَفاعیلُن
۳	با دوستان مروّت با دشمنان مدارا	مَفعولُ فاعِلاتُن مَفعولُ فاعِلاتُن
۴	ما گدایان خیل سلطانیم	فَعِلاتُن مَفاعِلُن فَعِلُن
۵	چو آفتاب می از مشرق پیاله برآید	مَفاعِلُن فَعِلاتُن مَفاعِلُن فَعِلاتُن
۶	بیا بیا که مرا با تو ماجرایی هست	مَفاعِلُن فَعِلاتُن مَفاعِلُن فَعِلُن
۷	عشق محمّد بس است و آل محمّد	مُفتَعِلُن فاعلاتُ مُفتَعِلُن فَع
۸	زاهد خلوت نشین، دوش به میخانه شد	مُفتَعِلُن فاعِلُن مُفتَعِلُن فاعِلُن
۹	قصّه عشقم همه عالم گرفت	مُفتَعِلُن مُفتَعِلُن فاعِلُن

با کمی دقّت در این اوزان درمی‌یابیم که این اوزان در سه دسته فوق جای ندارند و این‌ها اوزانی هستند که از زِحافات ۲ رکن اصلی حاصل شده‌اند. مثلاً «مَفعولُ فاعِلاتُ مَفاعیلُن» هم از زِحافات «مَفاعیلُن» دارد و هم از زِحافات «فاعِلاتُن». برای نام‌گذاری این اوزان باید نام ترکیب حاصله از دو رکن را بدانیم. در اوزان خوش‌آوا و معروف این رُکن‌ها با هم ترکیب شده‌اند.

۱- مَفاعیلُن + فاعِلاتُن: مُضارِع
۲- مُستَفعِلُن + فاعِلاتُن: مُجتَث
۳- مُستَفعِلُن مُستَفعِلُن مَفعولاتُ: سَریع
۴- فاعِلاتُن مُستَفعِلُن فاعِلاتُن: خَفیف
۵- مُستَفعِلُن مَفعولاتُ: مُنسرِح
۶- فاعِلاتُن مُستَفعِلُن: غَریب

اوزان ترکیبی در شش دسته فوق جای دارند. برای نام‌گذاری آن‌ها به مانند قبل عمل می‌کنیم ولی به جای استفاده از «رَمَل، هَزَج، رَجَز و مُتَقارِب» از شش اصطلاح فوق استفاده می‌کنیم.

۱	مَفعولُ فاعلاتُ مَفاعیلُ فاعِلُن	بحر مُضارِع مُثَمَّن اَخرَب مَکفوف محذوف
۲	مَفعولُ فاعِلاتُ مَفاعیلُن	بَحر مُضارِع مُثَمَّن اَخرَب مَکفوف
۳	مَفعولُ فاعِلاتُن مَفعولُ فاعِلاتُن	بحر مُضارِع مُثَمَّن اَخرَب
۴	مَفاعِلُن فَعِلاتُن مَفاعِلُن فَعِلاتُن	بَحر مُجتَث مُثَمَّن مَخبون
۵	مَفاعِلُن فَعِلاتُن مَفاعِلُن فَعِلُن	بَحر مُجتَث مُثَمَّن مَخبون مَحذوف
۶	مُفتَعِلُن فاعِلُن مُفتَعِلُن فاعِلُن	بَحر مُنسَرِح مُثَمَّن مَطویّ مَکشوف
۷	مُفتَعِلُن فاعِلاتُ مُفتَعِلُن فَع	بَحر مُنسَرِح مُثَمَّن مَطویّ مَنحور
۸	فَعِلاتُن مَفاعِلُن فَعِلُن	بَحر خَفیف مُسَدَّس مَخبون مَحذوف
۹	مُفتَعِلُن مُفتَعِلُن فاعِلُن	بَحر سَریع مُسَدَّس مَطویّ مَکشوف

توجّه: در مورد ۶ «فاعِلُن»، «مَطویّ مَکشوف» است.

اکنون پس از یادگیری اوزان ترکیبی، در می‌یابیم که انواع اوزان چهار دسته‌اند:

۱- اوزانی که فقط از ارکان اصلی هستند.

۲- اوزانی که از ارکان اصلی و یک رکن مَحذوف آن هستند.

۳- اوزانی که از ترکیبات زِحافات یک رکن هستند.

۴- اوزانی که از ۲ رکن اصلی یا زِحافات آن‌ها حاصل شده‌اند.

Ahmadi63amoozesh.com
@aboozarahmadi63
@ahmadi63amoozesh

توجّه: این اصطلاحات، حاصلِ اتّفاقی است که بر سر هر یک از ارکان اعمال می‌شود.

۱	حذف	حذف هجای آخر از رُکن‌های فاعلاتُن، مَفاعیلُن، فَعولُن	مَحذوف
۲	خَبن	تبدیل هجای بلند اول به هجای کوتاه از ارکان فاعِلاتُن و مُستَفعِلُن	مَخبون
۳	کَفّ	تبدیل هجای بلند آخر به هجای کوتاه در ارکان فاعِلاتُن و مَفاعیلُن و مُستَفعِلُن	مَکفوف
۴	شَکل	اعمال خَبن و کفّ در یک رُکن	مَشکول
۵	خَرب	تبدیل مَفاعیلُن به مَفعولُ	اَخرَب
۶	جَبّ	تبدیل مَفاعیلُن به فَعَل	مَجبوب
۷	قَبض	تبدیل مَفاعیلُن به مَفاعِلُن	مَقبوض
۸	خَرم	تبدیل مَفاعیلُن به مَفعولُن	اَخرَم
۹	زَلَل	باقی ماندن فاع از مَفاعیلُن	اَزَلّ
۱۰	بَتر	باقی ماندن فَع از مَفاعیلُ	اَبتَر
۱۱	ثَلم	باقی ماندن فَعلُن از فَعولُن	اَثلَم
۱۲	نَحر	باقی ماندن فَع از مَفعولاتُ	مَنحور
۱۳	طَیّ	تبدیل مَفعولاتُ به فاعلاتُ و مُستَفعِلُن به مُفتَعِلُن	مَطویّ
۱۴	طیّ و کَشف	تبدیل مَفعولاتُ به فاعِلُن	مطویّ مَکشوف
۱۵	قَطع	تبدیل مُستَفعِلُن به مَفعولُن	مَقطوع

تست فصل دهم

تست ۳۰۱ نام کدام مصراع‌ها درست است؟

الف) و صفت نیاید در بیان نامت نیاید در قلم (بحر رجز مثمن سالم)

ب) بلغزید دستم از آن زلف مشکین (بحر متقارب مثمن محذوف)

ج) آن شکایت‌ها که دارم از تو هم پیش تو گویم (بحر رمل مثمن محذوف)

د) چه روی است آن‌که دیدارش ببرد از من شکیبایی (بحر هزج مثمن سالم)

۱) الف ــ ب ۲) ج ــ د ۳) ب ــ ج ۴) الف ــ د

تست ۳۰۲ به ترتیب چند مصراع در بحر رمل و چند مصراع در بحر هزج می‌باشد؟

الف) ما دلی ایثار او کردیم و جانی یافتیم
ب) ای که زلفت شب قدر است و رخ زیبا عید
ج) درد دل خویش با که گویم
د) مرا یاقوت او قوت روان است
هـ) ای لبت می‌گون و جانم می‌پرست
و) دلم دیده از دوستان برنگیرد

۱) یک - یک ۲) یک – دو ۳) دو - دو ۴) دو - یک

تست ۳۰۳ کدام مصراع‌های زیر به ترتیب در بحر «رمل» و «هزج» سروده شده‌اند؟ پاسخ گزینه ۳

الف) دلبرا خورشید تابان ذره‌ای از روی توست
ب) دل من زحمت جان برنتابد
ج) ای پیک صبا حال پریچهره‌ی ما چیست؟
د) خویش را در کوی بی‌خویشی فکن
ه) نابوده مثلش در جهان دُرّ یتیمی پُربها
و) تنم تنها نمی‌خواهد که در کاشانه بنشیند

۱) « ب ، ج ، ه » - « الف » ۲) « ج ، د ، ه » - « ب » ۳) « الف ، د » - « ب ، و » ۴) « د ، و » - « الف ، ه »

تست ۳۰۴ نام وزن رو به روی کدام مصراع به تمامی درست است؟

۱) آن تویی یا سرو بستانی به رفتار آمده است (رَمَل مُثَمَّن سالم)
۲) بیا ای دل از اینجا پر بگیریم (هَزَج مُثَمَّن مَحذوف)
۳) خدایا به عزّت که خوارم مکن (مُتَقارِب مُثَمَّن سالم)
۴) آن کیست کاندر رفتنش صبر از دل ما می‌برد (رَجَز مُثَمَّن سالم)

تست ۳۰۵ وزن‌های عروضی «رَجَز مُثَمَّن سالم – هَزَج مُثَمَّن سالم – مُتَقارِب مُثَمَّن مَحذوف» به ترتیب در کدام گزینه آمده است؟

الف) سرا پا اگر زرد و پژمرده‌ایم / ولی دل به پاییز نسپرده‌ایم
ب) من و باد صبا مسکین دو سرگردان بی‌حاصل / من از افسون چشمت مست و او از بوی گیسویت
ج) امشب سبکتر می‌زند این طبل بی‌هنگام را / یا وقت بیداری غلط بوده است مرغ بام را

۱) ج ـ الف ـ ب ۲) ج ـ ب ـ الف ۳) ب ـ الف ـ ج ۴) الف – ج - ب

تست ۳۰۶ نام وزن کدام گزینه در کمانک رو به روی آن نادرست است؟

۱) آه سعدی اثر کند در کوه / نکند در تو سنگ دل اثری (رَمَل)
۲) نشاید که خوبان به صحرا روند / همه کس شناسند و هر جا روند (مُتَقارِب)
۳) ز اندازه بیرون تشنه‌ام ساقی بیار آن آب را / اول مرا سیراب کن وآنگه بده اصحاب را (رَجَز)
۴) مرا خود با تو چیزی در میان است / و گر نه روی زیبا در جهان است (هَزَج)

تست ۳۰۷ نام کدام مصراع‌ها به ترتیب «رمل مسدس محذوف» و «هزج مثمن سالم» است؟

الف) به دریایی درافتادم که پایانش نمی‌بینم
ب) یاد تو می‌رفت و ما عاشق و بیدل شدیم
ج) زلف او بر چرخ جولان می‌کند
د) این چه وجود است نمی‌دانمت
هـ) چشم اگر با دوست داری گوش با دشمن مکن
و) صبر از تو خلاف ممکنات است

۱) و - ب ۲) الف - هـ ۳) ج – الف ۴) هـ – د

تست ۳۰۸ نام وزن کدام بیت «رمل» نمی‌باشد؟

۱) خوش‌تر آن باشد که سرّ دلبران / گفته آید در حدیث دیگران
۲) راحت جان است رفتن با دلارامی به صحرا / عین درمان است گفتن درد دل با غمگساری
۳) عیب یاران و دوستان هنر است / سخن دشمنان نه معتبر است
۴) هر چه خواهی کن که ما را با تو روی جنگ نیست / پنجه بر زورآوران انداختن فرهنگ نیست

تست ۳۰۹ کدام مصراع‌ها به ترتیب در بحر «رجز، متقارب و رمل» سروده شده‌اند؟

الف) زلف تو هندو نژاد لعل تو کوثر نهاد
ب) می‌فروزی آتش و خود کور می‌گردی به دود!
ج) در مدح سلطان جهان باشم چو شمع آتش‌زبان
د) گفتم که نکته‌ای ز دهانت کنم بیان
هـ) ز رفعت فلک مانده حیران او

۱) الف – ج - د ۲) ج - هـ - ب ۳) الف – ب - د ۴) ب - هـ - ج

تست ۳۱۰ نام وزن کدام بیت «هَزَج مسدّس محذوف» است؟

۱) خوش‌تر آن باشد که سرّ دلبران / گفته آید در حدیث دیگران
۲) شراب از دست خوبان سلسبیل است / و گر خود خون میخواران سبیل است
۳) عیب یاران و دوستان هنر است / سخن دشمنان نه معتبر است
۴) من از آن حسن روزافزون که یوسف داشت دانستم / که عشق از پرده عصمت برون آرد زلیخا را

Ahmadi63amoozesh.com
@aboozarahmadi63
@ahmadi63amoozesh

تست ۳۱۱ کدام بیت در بحر «رَجَز مُثَمَّن سالم» سروده شده است؟

۱) گـر بـرود جان ما در طلب وصل دوست — حیف نباشد که دوست دوست‌تر از جان ماست
۲) آنان که خاک را به نظر کیمیا کنند — آیا بود کـه گوشه چشمی به ما کنند
۳) نی که می‌نالد همی در مجلس آزادگان — زان همی نالد کـه بر وی زخم بسیار آمده است
۴) برخیز تا یک سو نهیم این دلق ازرق‌فام را — بر باد قلاشی زنیم این شرک تقوا نام را

تست ۳۱۲ کدام مصراع‌ها به ترتیب در بحر «هزج، رجز، رمل» می‌باشند؟

الف) جان مژدگانی می‌دهد دل را که جانان می‌رسد
ب) آید سوی بیت‌الحزن، از مصر بوی پیرهن
ج) بیا بر چشم من بنشین اگر سرچشمه‌ای خواهی
د) من به بوی دانه‌ی خالش به دام افتاده‌ام
ه) لب شیرین تو هر دم شکر انگیزتر است
و) تا ابد گـو خیمه بر میخانه زن

۱) الف – و – ج
۲) ب – ه – و
۳) ج – الف – د
۴) د – ب – ه

تست ۳۱۳ نام وزن همه بیت‌ها به جز بیت .... «رَمَل مُثَمَّن مَحذوف» است.

۱) با جوانی سرخـوش است این پیـر بی تدبیر را — جهل باشد با جوانان پنچـه کردن پیر را
۲) لاابالی چه کند دفتر دانایی را — طاقت وعظ نباشد سر سودایی را
۳) صبحدم خاکی به صحرا برد باد از کوی دوست — بوستان در عنبـر سارا گـرفت از بـوی دوست
۴) هرچه خواهی کن که ما را با تو روی جنگ نیست — پنجه بـر زور آوران انداختن فرهنگ نیست

تست ۳۱۴ کدام ابیات به ترتیب در بَحر« مُتَقارِب مُثَمَّن محذوف»، «هَزَج مُسَدَّس مَحذوف» و«رَمَل مُسَدَّس مَحذوف» سروده شده اند؟

الف) خطا کردی بـه قـول دشمنان گـوش — که عهد دوستان کردی فراموش
ب) شبی یاد دارم کـه چشمـم نخفت — شنیدم که پروانه با شمع گفت
ج) جـان ندارد هـر کـه جانانش نیست — تنـگ عیش است آنکـه بستانیش نیست

۱) ب ـ الف ـ ج
۲) ب ـ ج ـ الف
۳) الف ـ ب ـ ج
۴) الف ـ ج ـ ب

تست ۳۱۵ نام وزن کدام بیت «رجز مربع سالم» است؟

۱) آب من است او نان من است او — مثل ندارد باغ امیدش
۲) حدی نداری در خوش لقایی — مثلی نداری در جان فزایی
۳) با یاد رویت می‌روم — جانا به سویت می‌روم
۴) گفتم ای سر خدا روی نهان کن — شکر خدا کرد و ثنا گفت و دعاها

تست ۳۱۶ نام وزن کدام بیت «رمل مثمن سالم» است؟

۱) به خدا اگر بمیرم که دل از تو برنگیرم — برو ای طبیبم از سر که دوا نمی‌پذیرم
۲) صبحدم بادی به صحرا برد باد از کوی دوست — بوستان در عنبر سارا گرفت از بوی دوست
۳) ما، در خلوت به روی خلق ببستیم — از همه باز آمدیم و با تو نشستیم
۴) یک حکایت سرگذشتم پیش آن جان بازگویی — گر چه از درد فراقم هست بسیاری شکایت

تست ۳۱۷ نام وزن کدام بیت «رجز مثمن سالم» است؟

۱) درمان درد عاشقان صبر است و من دیوانه‌ام — نه درد ساکن می‌شود نه ره به درمان می‌برم
۲) من بی‌مایه که باشم که خریدار تو باشم — حیف باشد که تو یار من و من یار تو باشم
۳) سعدیا چندان که خواهی گفت وصف روی یار — حسن گل بیش از قیاس بلبل بسیارگوست
۴) در سوخته پنهان نتوان داشتن آتش — ما هیچ نگفتیم و حکایت به در افتاد

تست ۳۱۸ نام وزن کدام بیت «متقارب مثمن سالم» است؟

۱) اگر پای در دامن آری چو کوه — سرت بگذرد ز آسمان در شکوه
۲) دریغ آیدت هر دو عالم خریدن — اگر قدر نقدی که داری بدانی
۳) عجب گر در چمن بر پای خیزی — که سرو راست پیشت خم نباشد
۴) گر بگیری نظیر من چه کنم — که مرا در جهان نظیر تو نیست

تست ۳۱۹ وزن و نام بَحر بیت زیر در کدام گزینه درست است؟

«طرفه می‌دارند یاران صبر من بر داغ و درد — داغ وردی کز تو باشد خوشتر است از باغ ورد»

۱) فاعِلاتُن فاعِلاتُن فاعِلاتُن فاعِلاتُن (رَمَل مُثَمَّن سالم)
۲) مُستَفعِلُن مُستَفعِلُن مُستَفعِلُن مُستَفعِلُن (رَجَز مُثَمَّن سالم)
۳) فاعِلاتُن فاعِلاتُن فاعِلاتُن فاعِلُن (رَمَل مُثَمَّن مَحذوف)
۴) مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن (هَزَج مُثَمَّن سالم)

تست ۳۲۰ کدام مصراع‌ها به ترتیب در بحر «متقارب، رمل، هزج» می‌باشند؟

الف) آشنایان را جراحت مرهم است — ب) برای خود نشاید در تو پیوست
ج) ماه است رویت یا ملک قند است لعلت یا نمک — د) مژده از من ستان به شادی وصل
هـ) به تنهایی اندر صفایی نبینی — و) با تو برآمیختنم آرزوست

۱) ب – و - ج　　۲) الف - هـ - د　　۳) ج – الف – د　　۴) هـ – الف - ب

آموزشگاه مجازی احمدی
برای خرید نسخه چاپی یا تدریس ویدئویی این جزوه به سایت و یا کانال تلگرامی «آموزشگاه مجازی احمدی» مراجعه کنید.
برای کسب اطلاعات بیشتر در مورد این جزوات و پکیج‌ها به شماره ۰۹۱۲۳۷۰۸۴۷۶ در تلگرام یا واتساپ و یا به صورت SMS پیام بدهید.
Ahmadi63amoozesh.com
@ahmadi63amoozesh

Ahmadi63amoozesh.com

فصل یازدهم

نمونه اوزان

۱ - نام این وزن بحر رمل مثمن سالم است. و از اوزان همسان تک لختی است.

مصراع اول	مصراع دوم
فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن	فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن
هر که شیرینی فروشد مشتری بر وی بجوشد	یا مگس را پر ببندد یا عسل را سر بپوشد
هر که شیری نی فروشد مشتری بر وی بجوشد	یا مگس را پر ببندد یا عسل را سر بپوشد
همچنان عاشق نباشد ور بود صادق نباشد	هر که درمان می‌پذیرد یا نصیحت می‌نیوشد
همچنان عا شِق نباشد وَر بُود صا دِق نباشد	هر که در مان می پذیرد یا نصیحت می‌نیوشد
گر مطیع خدمتت را کفر فرمایی بگوید	ور حریف مجلست را زهر فرمایی بنوشد
گر مطیعِ خدمتت را کفرِ فرما یی بگوید	ور حریفِ مجلست را زهرِ فرما یی بنوشد
شمع پیشت روشنایی نزد آتش می‌نماید	گل به دستت خوبرویی پیش یوسف می‌فروشد
شمعِ پیشت روشنایی نزدِ آتش می‌نماید	گل به دستت خوبرویی پیش یوسف می‌فروشد
سود بازرگان دریا بی‌خطر ممکن نگردد	هر که مقصودش تو باشی تا نفس دارد بکوشد
سود بازَر گان دریا بی‌خطر مُم کِن نگردد	هر که مقصو دَش تو باشی تا نفس دا رَد بکوشد
برگ چشمم می‌نخوشد در زمستان فراق	وین عجب کاندر زمستان برگ‌های تر بخوشد
برگِ چشمم می‌نخوشد در زمستا نِ فراق	وین عجب کان در زمستان برگ‌هایِ تر بخوشد
هر که معشوقی ندارد عمر ضایع می‌گذارد	همچنان ناپخته باشد هر که بر آتش نجوشد
هر که معشو قی ندارد عمر ضایع می‌گذارد	همچنان نا پخته باشد هر که بر آ تَش نجوشد
تا غمی پنهان نباشد رقّتی پیدا نگردد	هم گلی دیده است سعدی تا چو بلبل می‌خروشد
تا غمی پن هان نباشد رقّتی پی دا نگردد	هم گلی دی دَستِ سعدی تا چو بلبل می‌خروشد

۲ - نام این وزن بحر رمل مثمن محذوف است. و از اوزان همسان تک لختی است. این وزن در قصاید و غزلیات تقریبا پرکاربرد است. از اوزان پرکاربرد شعر فارسی است. این گونه اوزان را خوب یاد بگیرید. زیرا علاوه بر عروض در مباحث دیگری همچون آرایه و قرابت و دستور نیز در این وزن اشعار زیادی خواهید دید.

مصراع اول	مصراع دوم
فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن	فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن
زاهد ظاهرپرست از حال ما آگاه نیست	در حق ما هر چه گوید جای هیچ اکراه نیست
زاهد ظا هِر پرست از حال ما آ گاهِ نیست	در حقِ ما هر چه گوید جای هیچ اِک راهِ نیست
در طریقت هر چه پیش سالک آید خیر اوست	در صراط مستقیم ای دل کسی گمراه نیست
در طریقت هر چه پیشِ سالک آید خیرِ اوست	در صراط مستقیم ای دل کسی گُم راهِ نیست
تا چه بازی رخ نماید بیدقی خواهیم راند	عرصه شطرنج رندان را مجال شاه نیست
تا چه بازی رخ نماید بیدقی خوا هیمِ راند	عرصه‌ی شَط رنج رندان را مجالِ شاهِ نیست
چیست این سقف بلند ساده‌ی بسیار نقش	زین معمّا هیچ دانا در جهان آگاه نیست
چیست این سَق فِ بلندِ ساده‌ی بس یارِ نقش	زین معمّا هیچِ دانا در جهان آ گاهِ نیست

Ahmadi63amoozesh.com

این چه استغناست یا رب وین چه قادر حکمت است ——— کاین همه زخم نهان هست و مجال آه نیست
این چه استغ ناسِ یا رب وین چه قادر حکمت است ——— کاین همه زخ مِ نهان هس ت و مجالِ آهِ نیست
صاحب دیوان ما گویی نمی‌داند حساب ——— کاندر این طغرا نشان حسبة لله نیست
صاحب دی وان ما گو یی نمی‌دا نَد حساب ——— کاندر این طُغ را نشانِ حسبه لِل لاهِ نیست
هر که خواهد گو بیا و هر چه خواهد گو بگو ——— کبر و ناز و حاجب و دربان بدین درگاه نیست
هر که خواهد گو بیا وُ هر چه خواهد گو بگو ——— کبر و ناز و حاجب و در بان بدین در گاهِ نیست
بر در میخانه رفتن کار یکرنگان بود ——— خودفروشان را به کوی می فروشان راه نیست
بر در می خانه رفتن کار یکرَن گان بُوَد ——— خودفروشان را به کوی می فروشان راهِ نیست
هر چه هست از قامت ناساز بی اندام ماست ——— ور نه تشریف تو بر بالای کس کوتاه نیست
هر چه هست از قامت نا ساز بی اَن دامِ ماست ——— ور نه تشری فِ تو بر با لای کس کو تاهِ نیست
بنده پیر خراباتم که لطفش دایم است ——— ور نه لطف شیخ و زاهد گاه هست و گاه نیست
بنده پی رِ خرابا تَم که لطفش دایم است ——— ور نه لطف شیخ و زاهد گاه هست و گاهِ نیست
حافظ ار بر صدر ننشیند ز عالی مشربی است ——— عاشق دردی کش اندر بند مال و جاه نیست
حافظ ار بر صدر ننشی ند ز عالی مشربی است ——— عاشقِ دُر دی کش اندر بند مال و جاهِ نیست

۳ – نام این وزن بحر رمل مسدس محذوف است. و از اوزان همسان تک لختی است. این وزن تقریبا پرکاربرد است. مخصوصا در مثنوی‌ها. مثنوی معنوی مولانا منطق الطیر در این وزن سروده شده‌اند.

فاعلاتن فاعلاتن فاعلن ——— فاعلاتن فاعلاتن فاعلن
دردم از یار است و درمان نیز هم ——— دل فدای او شد و جان نیز هم
دردم از یا رَست و درمان نیز هم ——— دل فدایِ او شد و جان نیز هم
این که می‌گویند آن خوشتر ز حسن ——— یار ما این دارد و آن نیز هم
این که می‌گو یَند آن خوش تر ز حسن ——— یار ما این دارد و آن نیز هم
یاد باد آن کو به قصد خون ما ——— عهد را بشکست و پیمان نیز هم
یاد باد آن کو به قصدِ خون ما ——— عهد را بش کست و پیمان نیز هم
دوستان در پرده می‌گویم سخن ——— گفته خواهد شد به دستان نیز هم
دوستان در پرده می‌گو یَم سخن ——— گفته خواهد شد به دستان نیز هم
چون سر آمد دولت شب‌های وصل ——— بگذرد ایّام هجران نیز هم
چون سر آمد دُولَتِ شب های وصل ——— بگذرد اَی یام هجران نیز هم
هر دو عالم یک فروغ روی اوست ——— گفتمت پیدا و پنهان نیز هم
هر دو عالم یک فروغِ روی اوست ——— گفتمت پی دا و پنهان نیز هم
اعتمادی نیست بر کار جهان ——— بلکه بر گردون گردان نیز هم
اعتمادی نیس بر کا رِ جهان ——— بلکه بر گر دون گردان نیز هم
عاشق از قاضی نترسد می بیار ——— بلکه از یرغوی دیوان نیز هم
عاشق از قا ضی نترسد می بیار ——— بلکه از یر غوی دیوان نیز هم
محتسب داند که حافظ عاشق است ——— و آصف ملک سلیمان نیز هم
محتسب دا ند که حافظ عاشق است ——— و آصفِ مُل کِ سلیمان نیز هم

Ahmadi63amoozesh.com

۴ – نام این وزن بحر رمل مثمن مخبون است. و از اوزان همسان تک لختی است. (نام این وزن در کنکور اهمیتی ندارد.)

فعلاتن	فعلاتن	فعلاتن	فعلاتن
بخت بازآید از آن در که یکی چون تو درآید			
بخت بازآ	ید از آن در	که یکی چون	تو درآید
صبر بسیار بباید پدر پیر فلک را			
صبر بسیا	رِ بباید	پدر پی	رِ فلک را
این لطافت که تو داری همه دلها بفریبد			
این لطافت	که تو داری	همه دلها	بفریبد
رشکم از پیرهن آید که در آغوش تو خسبد			
رشکم از پی	رهَن آید	که در آغو	شِ تو خسبد
نیشکر با همه شیرینی اگر لب بگشایی			
نیشکر با	همه شیری	نی اگر لب	بگشایی
گر مرا هیچ نباشد نه به دنیا نه به عقبی			
گر مرا هی	چِ نباشد	نه به دنیا	نه به عقبی
دل به سختی بنهادم پس از آن دل به تو دادم			
دل به سختی	بنهادم	پس از آن دل	به تو دادم
با همه خلق نمودم خم ابرو که تو داری			
با همه خَل	قِ نمودم	خَمِ ابرو	که تو داری
گر حلال است که خون همه عالم تو بریزی			
گر حلال اس	تِ که خونِ	همه عالم	تو بریزی
چشم عاشق نتوان دوخت که معشوق نبیند			
چشم عاشق	نتوان دو	خ که معشو	قِ نبیند
سعدیا دیدن زیبا نه حرام است ولیکن			
سعدیا دی	دن زیبا	نه حرام اس	تِ ولیکن

فعلاتن	فعلاتن	فعلاتن	فعلاتن
روی میمون تو دیدن در دولت بگشاید			
روی میمو	نِ تو دیدن	دَرِ دُولت	بگشاید
تا دگر مادر گیتی چو تو فرزند بزاید			
تا دگر ما	دَرِ گیتی	چو تو فرزن	دِ بزاید
وین بشاشت که تو داری همه غمها بزداید			
وین بشاشت	که تو داری	همه غمها	بزداید
زهرم از غالیه آید که بر اندام تو ساید			
زهرم از غا	لیه آید	که بر اندا	مِ تو ساید
پیش نطق شکرینت چو نی انگشت بخاید			
پیش نطق	شکرینت	چو نی انگش	تِ بخاید
چون تو دارم همه دارم دگرم هیچ نباید			
چون تو دارم	همه دارم	دگرم هی	چِ نباید
هر که از دوست تحمّل نکند عهد نپاید			
هر که از دو	سِ تحمّل	نکند عهـ	دِ نپاید
ماه نو هر که ببیند به همه کس بنماید			
ماه نو هر	که ببیند	به همه کس	بنماید
آن که روی از همه عالم به تو آورد نشاید			
آن که روی از	همه عالم	به تو آور	دِ نشاید
پای بلبل نتوان بست که بر گل نسراید			
پای بلبل	نتوان بس	تِ که بر گل	نسراید
نظری گر بربایی دلت از کف برباید			
نظری گر	بربایی	دلت از کف	برباید

۵ – نام این وزن بحر رمل مثمن مخبون محذوف است. و از اوزان همسان تک لختی است. (نام این وزن در کنکور اهمیتی ندارد.)

از اوزان پرکاربرد شعر فارسی است. ین گونه اوزان را خوب یاد بگیرید. زیرا علاوه بر عروض در مباحث دیگری همچون آرایه و قرابت و دستور نیز در این وزن اشعار زیادی خواهید دید.

فعلاتن	فعلاتن	فعلاتن	فعلن
روشن از پرتو رویت نظری نیست که نیست			
روشن از پر	تُوِ رویت	نظری نی	سِ که نیست
ناظر روی تو صاحب نظرانند آری			
ناظر رو	یِ تو صاحب	نظران	د آری
اشک غمّاز من ار سرخ برآمد چه عجب			
اشک غمّا	زِ من ار سر	خِ برآمد	چه عجب
تا به دامن ننشیند ز نسیمش گردی			
تا به دامن	ننشیند	زِ نسیمش	گردی

فعلاتن	فعلاتن	فعلاتن	فعلن
منّت خاک درت بر بصری نیست که نیست			
منّت خا	کِ درت بر	بصری نی	سِ که نیست
سرّ گیسوی تو در هیچ سری نیست که نیست			
سرّ گیسو	یِ تو در هی	چِ سری نی	سِ که نیست
خجل از کرده خود پرده دری نیست که نیست			
خجل از کر	دهِٔ خود پر	ده دری نی	سِ که نیست
سیل خیز از نظرم رهگذری نیست که نیست			
سیل خیز از	نظرم ره	گذری نی	سِ که نیست

Ahmadi63amoozesh.com

تا دم از شـــام ســـر زلـــــف تو هر جا نزنند
تا دم از شا | مِ سَرِ زل | فِ تو هر جا | نزنند
با صبا گفت و شـنیدم سـحری نیسـت که نیسـت
با صبا گف | تُ شنیدم | سحری نی | سِ که نیست

من از این طالع شوریده برنجم ور نی
من از این طا | لعِ شوری | ده برنجم | ور نی
بهره‌مند از سر کویت دگری نیست که نیست
بهره‌مند از | سَرِ کویت | دگری نی | سِ که نیست

از حیای لب شیرین تو ای چشمه‌ی نوش
از حیایِ | لب شیری | نِ تو ای چش | مه‌ی نوش
غرق آب و عرق اکنون شکری نیست که نیست
غرق آب و | عرق اکنون | شکری نی | سِ که نیست

مصلحت نیست که از پرده برون افتد راز
مصلحت نی | سِ که از پر | ده برون اف | تد راز
ور نه در مجلس رندان خبری نیست که نیست
ور نه در مج | لسِ رندان | خبری نی | سِ که نیست

شیر در بادیه‌ی عشق تو روباه شود
شیر در با | دیه‌یِ عش | قِ تو روبا | هِ شود
آه از این راه که در وی خطری نیست که نیست
آه از این را | هِ که در وی | خطری نی | سِ که نیست

آب چشمم که بر او منّت خاک در توست
آب چشمم | که بر او مِن | نَتِ خاکِ | دَرِ توست
زیر صد منّت او خاک دری نیست که نیست
زیر صد مِن | نَتِ او خا | کِ دری نی | سِ که نیست

از وجودم قدری نام و نشان هست که هست
از وجودم | قدری نا | م و نشان هس | تِ که هست
ور نه از ضعف در آن جا اثری نیست که نیست
ور نه از ضع | فِ در آن جا | اثری نی | سِ که نیست

غیر از این نکته که حافظ ز تو ناخشنود است
غیر از این نک | ته که حافظ | ز تو ناخش | نود است
در سراپای وجودت هنری نیست که نیست
در سراپا | یِ وجودت | هنری نی | سِ که نیست

۶ – نام این وزن بحر رمل مسدس مخبون محذوف است. و از اوزان همسان تک لختی است. (نام این وزن در کنکور اهمیتی ندارد.)

فعلاتن | فعلاتن | فعلن

من از خانه به در می‌نروم
من از خا | نه به در می | نروم
من از این شهر به در می‌نروم
من از این شه | رِ به در می | نروم

منم و این صنم و باقی عمر
منم و این | صَنَم و با | قی عمر
من از او جای دگر می‌نروم
من از او جا | یِ دگر می | نروم

به خدا طوطی و طوطی بچه‌ام
به خدا طو | طی و طوی | بچه‌ام
جز سوی تنگ شکر می‌نروم
جز سوی تَن | گِ شکر می | نروم

یک زمانی که ز من دور شود
یک زمانی | که ز من دو | رِ شود
جز که در خون جگر می‌نروم
جز که در خو | نِ جگر می | نروم

گر جهان بحر شود موج زند
گر جهان بح | رِ شود مو | جِ زند
من به جز سوی گهر می‌نروم
من به جز سو | یِ گهر می | نروم

بلبل مستم و در باغ طرب
بلبل مس | تم و در با | غِ طرب
جز به سوی گل تر می‌نروم
جز به سوی | گل تر می | نروم

در سرم بوی می‌ای افتاده است
در سرم بو | یِ می‌ای اف | تاده است
تا چو می جز که به سر می‌نروم
تا چو می جز | که به سر می | نروم

این چنین باغ و چنین سرو چمن
این چنین با | غ و چنین سر | وِ چمن
جای آن هست اگر می‌نروم
جای آن هس | تِ اگر می | نروم

Ahmadi63amoozesh.com

۷ – نام این وزن بحر رجز مثمن سالم است. و از اوزان همسان تک لختی است.

مستفعلن	مستفعلن	مستفعلن	مستفعلن	مستفعلن	مستفعلن	مستفعلن	مستفعلن

جانا هزاران آفرین بر جانت از سر تا قدم — صانع خدایی کاین وجود آورد بیرون از عدم
جانا هزا | ران آفرین | بر جانت از | سر تا قدم — صانع خدا | یی کاین وجو | د آورد بی | رون از عدم

خورشید بر سرو روان دیگر ندیدم در جهان — وصفت نگنجد در بیان نامت نیاید در قلم
خورشید بر | سرو روان | دیگر ندی | دم در جهان — وصفت نگن | جد در بیان | نامت نیا | ید در قلم

گفتم چو طاووسی مگر عضوی ز عضوی خوبتر — می‌بینمت چون نیشکر شیرینی از سر تا قدم
گفتم چو طا | ووسی مگر | عضوی ز عض | وی خوبتر — می‌بینمت | چون نیشکر | شیرینی از | سر تا قدم

چندان که می‌بینم جفا امّید می‌دارم وفا — چشمانت می‌گویند لا ابروت می‌گوید نعم
چندان که می | بینم جفا | امّید می | دارم وفا — چشمانِ می | گویند لا | ابروت می | گوید نعم

آخر نگاهی بازکن وانگه عتاب آغاز کن — چندان که خواهی ناز کن چون پادشاهان بر خدم
آخر نگا | هی بازکن | وانگه عتا | ب آغاز کن — چندان که خوا | هی ناز کن | چون پادشا | هان بر خدم

چون دل ببردی دین مبر هوش از من مسکین مبر — با مهربانان کین مبر لاتقتلوا صید الحرم
چون دل ببر | دی دین مبر | هوش از منِ | مسکین مبر — با مهربا | نان کین مبر | لاتقتلوا | صید الحرم

خار است و گل در بوستان هرچ او کند نیکوست آن — سهل است پیش دوستان از دوستان بردن ستم
خار است و گل | در بوستان | هرچ او کند | نیکوست آن — سهل است پی | شِ دوستان | از دوستان | بردن ستم

او رفت و جان می‌پرورد این جامه بر خود می‌درد — سلطان که خوابش می‌برد از پاسبانانش چه غم
او رفت و جان | می‌پرورد | این جامه بر | خود می‌درد — سلطان که خوا | بش می‌برد | از پاسبا | نانش چه غم

می‌زد به شمشیر جفا می‌رفت و می‌گفت از قفا — سعدی بنالیدی ز ما مردان ننالند از الم
می‌زد به شم | شیرِ جفا | می‌رفت و می | گفت از قفا — سعدی بنا | لیدی ز ما | مردان ننا | لند از الم

***

۸ – نام این وزن بحر رجز مثمن مطوی مخبون است. و از اوزان همسان تک لختی است. (نام این وزن در کنکور اهمیتی ندارد.)

مفتعلن	مفتعلن	مفتعلن	مفتعلن	مفتعلن	مفتعلن	مفتعلن	مفتعلن

یار مرا غار مرا عشق جگرخوار مرا — یار تویی غار تویی خواجه نگهدار مرا
یارِ مرا | غار مرا | عشق جگر | خوار مرا — یارِ تویی | غارِ تویی | خواجه نگه | دارِ مرا

نوح تویی روح تویی فاتح و مفتوح تویی — سینه مشروح تویی بر در اسرار مرا
نوحِ تویی | روحِ تویی | فاتح و مف | توح تویی — سینه مَش | روحِ تویی | بر در اس | رارِ مرا

نور تویی سور تویی دولت منصور تویی — مرغ کُهِ طور تویی خسته به منقار مرا
نورِ تویی | سور تویی | دولت من | صور تویی — مرغِ کُـهِ | طورِ تویی | خسته به من | قارِ مرا

قطره تویی بحر تویی لطف تویی قهر تویی — قند تویی زهر تویی بیش میازار مرا
قطره تویی | بحر تویی | لطف تویی | قهر تویی — قندِ تویی | زهرِ تویی | بیش میا | زارِ مرا

حجره‌ی خورشید تویی خانه‌ی ناهید تویی — روضه‌ی امّید تویی راه ده ای یار مرا
حجره خور | شیدِ تویی | خانه‌ی نا | هیدِ تویی — روضهٔ اُمـ | میدِ تویی | راهِ ده ای | یارِ مرا

روز تویی روزه تویی حاصل دریوزه تویی — آب تویی کوزه تویی آب ده این بار مرا
روزِ تویی | روزه تویی | حاصل در | یوزه تویی — آبِ تویی | کوزه تویی | آبِ ده این | بارِ مرا

دانه تویی دام تویی باده تویی جام تویی — پخته تویی خام تویی خام بمگذار مرا
دانه تویی | دامِ تویی | باده تویی | جام تویی — پخته تویی | خامِ تویی | خامِ بمگ | ذارِ مرا

این تن اگر کم تندی راه دلم کم زندی — راه شدی تا نبدی این همه گفتار مرا
این تن اگر | کم تندی | راه دلم | کم زندی — راهِ شدی | تا نبدی | این همه گف | تارِ مرا

Ahmadi63amoozesh.com

۹ ــ نام این وزن بحر سریع مسدس مطوی مکشوف است. و از اوزان همسان تک لختی است. (نام این وزن در کنکور اهمیتی ندارد.)

مفتعلن	مفتعلن	فاعلن	مفتعلن	مفتعلن	فاعلن
ای نفسِ خرّمِ بادِ صبا			از برِ یار آمده‌ای، مرحبا		
ای نفسِ	خرّمِ با	دِ صبا	از برِ یا	ر آمده‌ای	مرحبا
قافله‌ی شب چه شنیدی ز صبح			مرغِ سلیمان چه خبر از سبا		
قافله‌ی	شب چه شنی	دی ز صبح	مرغِ سُلِی	مان چه خبر	از سبا
بر سرِ خشم است هنوز آن حریف			یا سخنی می‌رود اندر رضا		
بر سرِ خش	م استِ هنو	ز آن حریف	یا سخنی	می‌رود ان	در رضا
از درِ صلح آمده‌ای یا خِلاف			با قدمِ خوف رَوَم یا رَجا		
از درِ صُل	ح آمده‌ای	یا خِلاف	با قدمِ	خوفِ رَوَم	یا رَجا
بارِ دگر گر به سرِ کوی دوست			بگذری ای پیکِ نسیمِ صبا		
بارِ دگر	گر به سرِ	کویِ دوست	بگذری ای	پیکِ نسی	مِ صبا
گو رمقی بیش نمانْد از ضعیف			چند کند صورت بی‌جان بقا		
گو رمقی	بیشِ نمانْ	دَز ضعیف	چند کند	صورت بی	جان بقا
آن همه دلداری و پیمان و عهد			نیک نکردی که نکردی وفا		
آن همه دل	داری و پی	مان و عهد	نیک نَکَر	دی که نکر	دی وفا
لیکن اگر دور وصالی بُوَد			صلح فراموش کند ماجرا		
لیکن اگر	دورِ وصا	لی بُوَد	صلحِ فرا	موش کند	ماجرا
تا به گریبان نرسد دست مرگ			دست ز دامن نکنیمت رها		
تا به گری	بان نرسد	دست مرگ	دست ز دا	من نکنی	مت رها
دوست نباشد به حقیقت که او			دوست فراموش کند در بلا		
دوست نبا	شد به حقی	قت که او	دوسِ فرا	موشِ کند	در بلا
خستگی اندر طلبت راحت است			درد کشیدن به امید دوا		
خستگی ان	در طلبت	راحت است	دردِ کشی	دن به امی	دِ دوا
سر نتوانم که برآرم چو چنگ			ور چو دفم پوست بدرّد قفا		
سر نتوا	نم که برآ	رم چو چنگ	ور چو دفم	پوسِ بدر	رد قفا
هر سحر از عشق دمی می‌زنم			روز دگر می‌شنوم بر ملا		
هر سحر از	عشقِ دمی	می‌زنم	روز دگر	می‌شنوم	بر ملا
قصّه‌ی دردم همه عالم گرفت			در که نگیرد نفس آشنا		
قصّه‌ی در	دم همه عا	لم گرفت	در که نگی	رد نفس	آشنا
گر برسد ناله‌ی سعدی به کوه			کوه بنالد به زبان صدا		
گر برسد	ناله‌ی سع	دی به کوه	کوهِ بنا	لد به زبا	نِ صدا

۱۰ – نام این وزن بحر هزج مثمن سالم است. و از اوزان همسان تک لختی است.

مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن	مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن
درخت دوستی بنشان که کام دل به بار آرد	نهال دشمنی برکن که رنج بی‌شمار آرد
درخت دو / سِ تی بنشان / که کام دل / به بار آرد	نهال دش / منی برکن / که رنج بی / شمار آرد
چو مهمان خراباتی به عزّت باش با رندان	که درد سر کشی جانا گرت مستی خمار آرد
چو مهمان / خراباتی / به عزّت با / شِ با رندان	که درد سر / کشی جانا / گرت مستی / خمار آرد
شب صحبت غنیمت دان که بعد از روزگار ما	بسی گردش کند گردون بسی لیل و نهار آرد
شب صحبت / غنیمت دان / که بعد از رو / زِ گار ما	بسی گردش / کند گردون / بسی لیل و / نهار آرد
عماری دار لیلی را که مهد ماه در حکم است	خدا را در دل اندازش که بر مجنون گذار آرد
عماری دا / رِ لیلی را / که مهد ما / هِ در حکم است	خدا را در / دل اندازش / که بر مجنون / گذار آرد
بهار عمر خواه ای دل و گر نه این چمن هر سال	چو نسرین صد گل آرد بار و چون بلبل هزار آرد
بهار عم / رِ خواه ای دل / و گر نه این / چمن هر سال	چو نسرین صد / گل آرد با / ر و چون بلبل / هزار آرد
خدا را چون دل ریشم قراری بست با زلفت	بفرما لعل نوشین را که زودش با قرار آرد
خدا را چون / دل ریشم / قراری بس / تِ با زلفت	بفرما لع / لِ نوشین را / که زودش با / قرار آرد
در این باغ از خدا خواهد دگر پیرانه سر حافظ	نشیند بر لب جویی و سروی در کنار آرد
در این باغ از / خدا خواهد / دگر پیرا / نه سر حافظ	نشیند بر / لب جویی / یُ سروی / در کنار آرد

۱۱ – نام این وزن بحر هزج مسدس محذوف است. و از اوزان همسان تک لختی است.

مفاعیلن مفاعیلن (مفاعی) فعولن	مفاعیلن مفاعیلن (مفاعی) فعولن
سحر بلبل حکایت با صبا کرد	که عشق روی گل با ما چه‌ها کرد
سحر بلبل / حکایت با / صبا کرد	که عشق رو / یِ گل با ما / چه‌ها کرد
از آن رنگ رخم خون در دل افتاد	وز آن گلشن به خارم مبتلا کرد
از آن رنگِ / رخم خون در / دل افتاد	وز آن گلشن / به خارم مُب / تلا کرد
غلام همّت آن نازنینم	که کار خیر بی روی و ریا کرد
غلام هم / مَتِ آن نا / زنینم	که کار خِیـ / رِ بی روی و / ریا کرد
من از بیگانگان دیگر ننالم	که با من هر چه کرد آن آشنا کرد
من از بیگا / نگان دیگر / ننالم	که با من هر / چه کرد آن آ / شِنا کرد
گر از سلطان طمع کردم خطا بود	ور از دلبر وفا جستم جفا کرد
گر از سلطان / طمع کردم / خطا بود	ور از دلبر / وفا جستم / جفا کرد
خوشش باد آن نسیم صبحگاهی	که درد شب نشینان را دوا کرد
خوشش باد آن / نسیم صب / حِگاهی	که درد شب / نشینان را / دوا کرد
نقاب گل کشید و زلف سنبل	گره بند قبای غنچه وا کرد
نقاب گل / کشید و زل / فِ سنبل	گره بند / قبای غُنـ / چه وا کرد
به هر سو بلبل عاشق در افغان	تنعّم از میان باد صبا کرد
به هر سو بل / بل عاشق / در افغان	تنعّم از / میان بادِ / صبا کرد
بشارت بر به کوی می فروشان	که حافظ توبه از زهد ریا کرد
بشارت بر / به کوی می / فروشان	که حافظ تُو / به از زهد / ریا کرد
وفا از خواجگان شهر با من	کمال دولت و دین بوالوفا کرد
وفا از خوا / جگان شَهـ / رِ با من	کمال دُو / لت و دین بوال / وفا کرد

Ahmadi63amoozesh.com

۱۲ – نام این وزن بحر متقارب مثمن سالم است. و از اوزان همسان تک لختی است.

فعولن فعولن فعولن فعولن	فعولن فعولن فعولن فعولن
چنان خوب رویی بدان دلربایی	دریغت نیاید به هر کس نمایی
چنان خو / بِ رویی / بدان دل / ربایی	دریغت / نیاید / به هر کس / نمایی
مرا مصلحت نیست لیکن همان به	که در پرده باشی و بیرون نیایی
مرا مص / لحت نی / سِ لیکن / همان به	که در پر / ده باشی / یُ بیرون / نیایی
وفا را به عهد تو دشمن گرفتم	چو دیدم مرا فتنه تو بی‌وفایی
وفا را / به عهدِ / تو دشمن / گرفتم	چو دیدم / مرا فت / نه تو بی / وفایی
چنین دور از خویش و بیگانه گشتم	که افتاد با تو مرا آشنایی
چنین دو / رِ از خیـ / ش و بیگا / نه گشتم	که افتا / دِ با تو / مرا آ / شِنایی
اگر نه امید وصال تو بودی	ز دیده برون کردمی روشنایی
اگر نه / امیدِ / وصالِ / تو بودی	ز دیده / برون کر / دمی رُو / شَنایی
نیاید تو را هیچ غم بی دل من	کسی دید خود عید بی‌روستایی
نیاید / تو را هی / چِ غم بی / دل من	کسی دی / دِ خود عی / دِ بی‌رو / ستایی
من و غم ازین پس که دور از رخ تو	چه باشد اگر یک شبی پیشم آیی؟
من و غم / ازین پس / که دور از / رخ تو	چه باشد / اگر یک / شبی پی / شم آیی؟

۱۳ – نام این وزن بحر متقارب مثمن محذوف است. و از اوزان همسان تک لختی است.

فعولن فعولن فعولن فعل	فعولن فعولن فعولن فعل
سراپا اگر زرد و پژمرده‌ایم	ولی دل به پاییز نسپرده‌ایم
سراپا / اگر زرد و / پژمُر / ده‌ایم	ولی دل / به پایی / زِ نسپر / ده‌ایم
چو گلدان خالی لب پنجره	پر از خاطرات ترک خورده‌ایم
چو گلدا / ن خالی / لَبِ پن / جره	پر از خا / طرات / ترک خور / ده‌ایم
اگر داغ دل بود ما دیده‌ایم	اگر خون دل بود ما خورده‌ایم
اگر دا / غِ دل بو / دِ ما دی / ده‌ایم	اگر خو / نِ دل بو / دِ ما خور / ده‌ایم
اگر دل دلیل است آورده‌ایم	اگر داغ شرط است ما برده‌ایم
اگر دل / دلیل اس / تِ آور / ده‌ایم	اگر دا / غِ شرط اس / تِ ما بر / ده‌ایم
اگر دشنهٔ دشمنان گردنیم	اگر خنجر دوستان گُرده‌ایم
اگر دِش / نه‌یِ دُش / منان گر / دنیم	اگر خن / جَرِ دو / ستان گُر / ده‌ایم
گواهی بخواهید اینک گواه	همین زخم‌هایی که نشمرده‌ایم
گواهی / بخواهی / دِ اینک / گواه	همین زخ / مِ هایی / که نشمر / ده‌ایم
دلی سربلند و سری سر به زیر	از این دست عمری به سر برده‌ایم
دلی سر / بلند و / سری سر / به زیر	از این دس / تِ عمری / به سر بر / ده‌ایم

Ahmadi63amoozesh.com

۱۴ — این وزن جزء اوزان بسیار کم‌کاربرد است.

فاعلن فاعلن فاعلن فاعلن — فاعلن فاعلن فاعلن فاعلن

ای تتق بسته از تیره شب بر قمر — طوطی خطت افکنده پر بر شکر
ای تتق | بسته از | تیره شب | بر قمر — طوطیِ | خططت اف | کنده پر | بر شکر

خورده تاب از خم دلستانت کمند — گشته آب از لب دُرفشانت گهر
خورده تا | ب از خمِ | دلستا | نت کمند — گشته آ | ب از لبِ | دُرفشا | نت گهر

آهویت کرده بر شیر گردون کمین — افعیت گشته بر کوه سیمین کمر
آهویت | کرده بر | شیر گر | دون کمین — افعیت | گشته بر | کوه سی | مین کمر

هندویت رانده بر شاه خاور سپه — لشکر زنگت آورده بر چین حشر
هندویت | رانده بر | شاه خا | ور سپه — لشکر | زنگت آ | ورده بر | چین حشر

چشم پرخواب و رخسار همچون خورت — برده زین عاشق خسته دل خواب و خور
چشم پر | خواب و رخ | سار هم | چون خورت — برده زین | عاشق | خسته دل | خواب و خور

گشته هندوی خال تو مشک ختن — گشته لالای لفظ تو لؤلؤی تر
گشته هِن | دوی خا | لِ تو مُش | کِ ختن — گشته لا | لای لَف | ظِ تو لُؤ | لُؤی تر

نافه را از کمند تو دل در گره — لعل را از عقیق تو خون در جگر
نافه را | از کمن | دِ تو دل | در گره — لعلِ را | از عقی | ق تو خون | در جگر

ای که هر لحظه در خاطرم بگذری — یک زمان از سر خون ما در گذر
ای که هر | لحظه در | خاطرم | بگذری — یک زمان | از سرِ | خون ما | در گذر

سر نهادیم بر پایت از دست دل — تا چه آید ز دست تو ما را به سر
سر نها | دیم بر | پایت از | دست دل — تا چه آ | ید ز دس | تِ تو ما | را به سر

سکه‌ی روی زردم نبینی درست — زانکه نبود ترا التفاتی به زر
سکّه‌یِ | روی زر | دم نبی | نی درست — زانکه نَب | وَد ترا | التفا | تی به زر

تا تو شام و سحر داری از موی و روی — شام هجران خواجو ندارد سحر
تا تو شا | م و سحر | داری از | موی و روی — شام هج | ران خوا | جو ندا | رد سحر

۱۵ — از اوزان پرکاربرد دوری (دولختی) است و به دو صورت دسته‌بندی هجایی می‌شود.

مفعول مفاعیلن // مفعول مفاعیلن — مستفعِلُ مفعولن // مستفعِلُ مفعولن

ای پادشه خوبان داد از غم تنهایی — دل بی تو به جان آمد وقت است که بازآیی
ای پادشه خوبان | داد از غم تنهایی — دل بی تو به جان آمد | وقت استِ که بازآیی

دایم گل این بستان شاداب نمی‌ماند — دریاب ضعیفان را در وقت توانایی
دایم گل این بستان | شادابِ نمی‌ماند — دریابِ ضعیفان را | در وقت توانایی

دیشب گله‌ی زلفش با باد همی‌کردم — گفتا غلطی بگذر زین فکرت سودایی
دیشب گله‌یِ زلفش | با بادِ همی‌کردم — گفتا غلطی بگذر | زین فکرتِ سُودایی

صد باد صبا این جا با سلسله می‌رقصند — این است حریف ای دل تا باد نپیمایی
صد باد صبا این جا | با سلسله می‌رقصند — این استِ حریف ای دل | تا باد نپیمایی

مشــتاقی و مهجـــــوری دور از تو چنانم کرد | کز دســـت بخواهد شـــد پایاب شــکیبایی
مشتاقی و مهجوری   دور از تو چنانم کرد | کز دستِ بخواهد شد   پایابِ شکیبایی
یا رب به که شاید گفـــت این نکته که در عالم | رخســـاره به کس ننمود آن شـــاهد هرجایی
یا رب به که شاید گفت   این نکته که در عالم | رخساره به کس ننمود   آن شاهد هرجایی
ســـاقی چمن گل را بی روی تو رنگی نیســـت | شــمشـــاد خرامـان کن تـا بـاغ بیـارایی
ساقی چمن گل را   بی روی تو رنگی نیست | شمشاد خرامان کن   تا باغِ بیارایی
ای درد تـوأم درمـان در بســـتر نـاکـامی | و ای یاد توأم مونـــس در گوشـــه تنهایی
ای درد توأم درمان   در بستر ناکامی | و ای یاد توأم مونس   در گوشه‌ی تنهایی
در دایره‌ی قســـمـت مـا نقطـه‌ی تســـلیمیم | لطف آن چه تو اندیشـــی حکم آن چه تو فرمایی
در دایره‌ی قسمت   ما نقطه‌ی تسلیمیم | لطف آن چه تو اندیشی   حکم آن چه تو فرمایی
فکر خود و رای خود در عـالم رنـدی نیســـت | کفـر است در این مذهـب خودبینـی و خودرایی
فکر خود و رای خود   در عالم رندی نیست | کفر استِ در این مذهب   خودبینی و خودرایی
زیـن دایـره مـیـنـا خـونـیـن جـگـرم مِی ده | تـا حـل کنم این مشـکـل در ســـاغر مینـایی
زین دایره‌ی مینا   خونین جگرم مِی ده | تا حل کنم این مشکل   در ساغر مینایی
حافـظ شب هجـران شد بـوی خوش وصل آمد | شادی‌آت مبـارک بـــاد ای عاشـق شیـــدایی
حافظ شب هجران شد   بوی خوش وصل آمد | شادی‌آت مبارک باد   ای عاشق شیدایی

۱۶ – از اوزان پرکاربرد دوری (دولختی) است و به دو صورت دسته‌بندی هجایی می‌شود.

مفعول فاعلاتن   //   مفعول فاعلاتن | مستفعلن فعولن   //   مستفعلن فعولن
هرگـــــز حســـد نبردم بر منصـبی و مالی | الا بـر آن کـه دارد بـا دلـبـری وصـــالـی
هرگز حسد نبردم   بر منصبی و مالی | الا بر آن که دارد   با دلبری وصالی
دانـی کـدام دولـت در وصـــف مـی‌نـیـایـد | چشـــمی کـه باز باشـــد هر لحظه بر جمالی
دانی کدامِ دولت   در وصفِ می‌نیاید | چشمی که بازِ باشد   هر لحظه بر جمالی
خرّم تـنـی کـه محـبـوب از در فـرازش آیـد | چـــــون رزق نیکبختان بی محنت ســـؤالی
خرّم تنی که محبوب   از در فرازش آید | چون رزق نیکبِختان   بی محنت سؤالی
همـچـون دو مغـز بـادام انـدر یـکی خـزیـنـه | بـا هـم گـرفـتـه انـســـی وز دیـگـران مـلالـی
همچون دو مغز بادام   اندر یکی خزینه | با هم گرفته انسی   وز دیگران ملالی
دانـی کـدام جـاهـل بـر حـال مـا بـخـنـدنـد | کـاو را نبوده بـاشـــد در عمر خویش حـالی
دانی کدامِ جاهل   بر حال ما بخندند | کاو را نبوده باشد   در عمر خویشِ حالی
بعد از حبیـب بر من نگـذشـــت جز خیـالش | وز پیـکــــر ضـعیفم نگذاشـــت جز خیالی
بعد از حبیبِ بر من   نگذشتِ جز خیالش | وز پیکر ضعیفم   نگذاشِ جز خیالی
اوّل کـه گـوی بـردی مـن بـودمـی بـه دانـش | گـر ســـودمـنـد بـودی بی دولـت احـتـیـالـی
اوّل که گویِ بردی   من بودمی به دانش | گر سودمند بودی   بی دولت احتیالی
ســـال وصـــال بـا او یـک روز بـود گـویـی | و اکنون در انتظارش روزی بـه قـدر ســـالی
سال وصال با او   یک روزِ بود گویی | و اکنون در انتظارش   روزی به قدر سالی
ایّام را بـه مـاهـی یـک شـــب هلال بـاشـد | و آن مـاه دلســـتـان را هـر ابـرویی هـلالـی
ایّام را به ماهی   یک شب هلالِ باشد | و آن ماه دلستان را   هر ابرویی هلالی
صوفـی نظـــر نـبـازد جــز با چنین حریفـی | سعـدی غـزل نگـوید جـز بــر چنین غزالی
صـــوفی نظر نبازد   جز با چنین حریفی | ســـعدی غزل نگوید   جز بر چنین غزالی

۱۷ – از اوزان پرکاربرد دوری (دولختی) است و یک دسته بندی هجایی دارد.

مفتعلن فاعلن // مفتعلن فاعلن	مفتعلن فاعلن // مفتعلن فاعلن
سلسله‌ی موی دوست حلقه دام بلاست	هر که در این حلقه نیست فارغ از این ماجراست
سلسله‌ی موی دوست / حلقه‌یِ دام بلاست	هر که در این حلقه نیست / فارغ از این ماجراست
گر بزنندم به تیغ در نظرش بی‌دریغ	دیدن او یک نظر صد چو منش خونبهاست
گر بزنند به تیغ / در نظرش بی‌دریغ	دیدن او یک نظر / صد چو منش خونبهاست
گر برود جان ما در طلب وصل دوست	حیف نباشد که دوست دوست‌تر از جان ماست
گر برود جان ما / در طلب وصل دوست	حیف نباشد که دوست / دوس‌تر از جان ماست
دعوی عشّاق را شرع نخواهد بیان	گونه‌ی زردش دلیل ناله زارش گواست
دعوی عشّاقِ را / شرعِ نخواهد بیان	گونه‌یِ زردش دلیل / ناله زارش گواست
مایه‌ی پرهیزگار قوّت صبر است و عقل	عقل گرفتار عشق صبر زبون هواست
مایه‌یِ پرهیزگار / قوّت صبر است و عقل	عقلِ گرفتار عشق / صبرِ زبون هواست
دلشده‌ی پایبند گردن جان در کمند	زهره‌ی گفتار نه کاین چه سبب وان چراست
دلشده‌یِ پایبند / گردن جان در کمند	زهره‌یِ گفتار نه / کاین چه سبب وان چراست
مالک ملک وجود حاکم ردّ و قبول	هر چه کند جور نیست ور تو بنالی جفاست
مالک ملک وجود / حاکم ردّ و قبول	هر چه کند جورِ نیست / ور تو بنالی جفاست
تیغ برآر از نیام زهر برافکن به جام	کز قبل ما قبول وز طرف ما رضاست
تیغِ برآر از نیام / زهرِ برافکن به جام	کز قبل ما قبول / وز طرف ما رضاست
گر بنوازی به لطف ور بگدازی به قهر	حکم تو بر من روان زجر تو بر من رواست
گر بنوازی به لطف / ور بگدازی به قهر	حکم تو بر من روان / زجر تو بر من رواست
هر که به جور رقیب یا به جفای حبیب	عهد فرامش کند مدعی بی‌وفاست
هر که به جور رقیب / یا به جفای حبیب	عهدِ فرامش کند / مدّعیِ بی‌وفاست
سعدی از اخلاق دوست هر چه برآید نکوست	گو همه دشنام گو کز لب شیرین دعاست
سعدی از اخلاق دوست / هر چه برآید نکوست	گو همه دشنام گو / کز لب شیرین دعاست

۱۸ – از اوزان پرکاربرد دوری (دولختی) است و یک دسته بندی هجایی دارد.

مفتعلن مفاعلن // مفتعلن مفاعلن	مفتعلن مفاعلن // مفتعلن مفاعلن
تاب بنفشه می‌دهد طرّه‌ی مشکسای تو	پرده‌ی غنچه می‌درد خنده‌ی دلگشای تو
تابِ بنفشه می‌دهد / طرّه‌ی مشکسای تو	پرده‌یِ غنچه می‌درد / خنده‌یِ دلگشای تو
ای گل خوش نسیم من بلبل خویش را مسوز	کز سر صدق می‌کند شب همه شب دعای تو
ای گل خوش نسیم من / بلبل خویش را مسوز	کز سر صدقِ می‌کند / شب همه شب دعای تو
من که ملول گشتمی از نفس فرشتگان	قال و مقال عالمی می‌کشم از برای تو
من که ملولِ گشتمی / از نفس فرشتگان	قال و مقال عالمی / می‌کشم از برای تو
دولت عشق بین که چون از سر فقر و افتخار	گوشه‌ی تاج سلطنت می‌شکند گدای تو
دولت عشقِ بین که چون / از سر فقر و افتخار	گوشه‌یِ تاج سلطنت / می‌شکند گدای تو
خرقۀ زهد و جام می گر چه نه در خور همند	این همه نقش می‌زنم از جهت رضای تو
خرقه‌یِ زهد و جام می / گر چه نه در خورِ همند	این همه نقشِ می‌زنم / از جهت رضای تو

Ahmadi63amoozesh.com

شور شراب عشق تو آن نفسم رود ز سر	کاین سر پر هوس شود خاک در سرای تو
شور شراب عشق تو / آن نفسم رود ز سر	کاین سر پر هوس شود / خاک در سرای تو
شاه‌نشین چشم من تکیه‌گه خیال توست	جای دعاست شاه من بی تو مباد جای تو
شاه‌نشین چشم من / تکیه‌گه خیال توست	جای دعاسِ شاه من / بی تو مبادِ جای تو
خوش چمنیست عارضت خاصه که در بهار حسن	حافظ خوش کلام شد مرغ سخنسرای تو
خوش چمنیسِ عارضت / خاصه که در بهار حسن	حافظ خوش کلامِ شد / مرغ سخنسرای تو

۱۹ – از اوزان پرکاربرد دوری (دولختی) است و یک دسته بندی هجایی دارد.

فعلاتُ فاعلاتن // فعلاتُ فاعلاتن	فعلاتُ فاعلاتن // فعلاتُ فاعلاتن
شب عاشقان بی‌دل چه شبی دراز باشد	تو بیا کز اوّل شب در صبح باز باشد
شب عاشقان بی‌دل / چه شبی درازِ باشد	تو بیا کز اوّل شب / در صبحِ باز باشد
عجب است اگر توانم که سفر کنم ز دستت	به کجا رود کبوتر که اسیر باز باشد
عجب است اگر توانم / که سفر کنم ز دستت	به کجا رود کبوتر / که اسیرِ باز باشد
ز محبّتت نخواهم که نظر کنم به رویت	که محبّ صادق آنست که پاکباز باشد
ز محبّتت نخواهم / که نظر کنم به رویت	که محب صادق آنس / تِ که پاکبازِ باشد
به کرشمه‌ی عنایت نگهی به سوی ما کن	که دعای دردمندان ز سر نیاز باشد
به کرشمه‌یِ عنایت / نگهی به سوی ما کن	که دعای دردِمندان / زِ سر نیازِ باشد
سخنی که نیست طاقت که ز خویشتن بپوشم	به کدام دوست گویم که محل راز باشد
سخنی که نیسِ طاقت / که ز خویشتن بپوشم	به کدامِ دوسِ گویم / که محل رازِ باشد
چه نماز باشد آن را که تو در خیال باشی	تو صنم نمی‌گذاری که مرا نماز باشد
چه نمازِ باشد آن را / که تو در خیالِ باشی	تو صنم نمی‌گذاری / که مرا نمازِ باشد
نه چنین حساب کردم چو تو دوست می‌گرفتم	که ثنا و حمد گوییم و جفا و ناز باشد
نه چنین حسابِ کردم / چو تو دوسِ می‌گرفتم	که ثنا و حمدِ گویی / م و جفا و نازِ باشد
دگرش چو بازبینی غم دل مگوی سعدی	که شب وصال کوتاه و سخن دراز باشد
دگرش چو بازِ بینی / غم دل مگویِ سعدی	که شب وصالِ کوتا / ه و سخن درازِ باشد
قدمی که برگرفتی به وفا و عهد یاران	اگر از بلا بترسی قدم مجاز باشد
قدمی که برگرفتی / به وفا و عهد یاران	اگر از بلا بترسی / قدم مجازِ باشد

۲۰ – از اوزان کم‌کاربرد دوری (دولختی) است و یک دسته بندی هجایی دارد. (واقعیت این است که این وزن و بعضی از اوزان دیگر تمام ویژگی اوزان دوری را ندارند ولی کنکور آن‌ها را دوری می‌داند!)

مفاعلن فعلاتن // مفاعلن فعلاتن	مفاعلن فعلاتن // مفاعلن فعلاتن
هزار جهد بکردم که سر عشق بپوشم	نبود بر سر آتش میسّرم که نجوشم
هزارِ جهد بکردم / که سرّ عشقِ بپوشم	نبودِ بر سر آتش / میسّرم که نجوشم
به هوش بودم از اوّل که دل به کس نسپارم	شمایل تو بدیدم نه صبر ماند و نه هوشم
به هوشِ بودم از اوّل / که دل به کس نسپارم	شمایل تو بدیدم / نه صبرِ ماند و نه هوشم
حکایتی ز دهانت به گوش جان من آمد	دگر نصیحت مردم حکایت است به گوشم
حکایتی ز دهانت / به گوش جان من آمد	دگر نصیحت مردم / حکایتِ است به گوشم

مگر تو روی بپوشی و فتنه بازنشانی | که من قرار ندارم که دیده از تو بپوشم
مگر تو رویِ بپوشی ‌ یِ فتنه بازِنشانی | که من قـرارِ ندارم ‌ که دیده از تو بپوشم
من رمیده دل آن به که در سماع نیایم | که گر به پای درآیم به در برند به دوشم
من رمیده دل آن به ‌ که در سماعِ نیایم | که گر به پایِ درآیم ‌ به در برندِ به دوشم
بیا به صلح من امروز و در کنار من امشب | که دیده خواب نکرده است از انتظار تو دوشم
بیا به صلح من امرو ‌ ز و در کنار من امشب | که دیده خوابِ نکرده است ‌ (تَز) از انتظار تو دوشم
مرا به هیچ بدادی و من هنوز بر آنم | که از وجود تو مویی به عالمی نفروشم
مرا به هیچِ بدادی ‌ یِ من هنوزِ بر آنم | که از وجود تو مویی ‌ به عالمی نفروشم
به زخم خورده حکایت کنم ز دست جراحت | که تندرست ملامت کند چو من بخروشم
به زخمِ خورده حکایت ‌ کنم ز دست جراحت | که تندرستِ ملامت ‌ کند چو من بخروشم
مرا مگوی که سعدی طریق عشق رها کن | سخن چه فایده گفتن چو پند می‌ننیوشم
مرا مگویِ که سعدی ‌ طریق عشقِ رها کن | سخن چه فایده گفتن ‌ چو پندِ می‌ننیوشم
به راه بادیه رفتن به از نشستن باطل | و گر مراد نیابم به قدر وسع بکوشم
به راه بادیه رفتن ‌ به از نشستن باطل | و گـر مرادِ نیابم ‌ به قدرِ وسعِ بکوشم

۲۱– از اوزان کم‌کاربرد دوری (دولختی) است و یک دسته بندی هجایی دارد. جزء اوزان ابداعی معاصر است.

مستفعلن فاعلاتن // مستفعلن فاعلاتن | مستفعلن فاعلاتن // مستفعلن فاعلاتن
شلوار تا خورده دارد مردی که یک پا ندارد | خشم است و آتش نگاهش یعنی تماشا ندارد
شلوار تا خورده دارد ‌ مردی که یک پا ندارد | خشم است و آتش نگاهش ‌ یعنی تماشا ندارد
رخساره می‌تابم از او امّا به چشمم نشسته | بس نوجوان است و شاید از بیست بالا ندارد
رخساره می‌تابم از او ‌ امّا به چشمم نشسته | بس نوجوان است و شاید ‌ از بیسِ بالا ندارد
بادا که چون من مبادا چل سال رنجش پس از این | خود گر چه رنج است بودن «بادا مبادا» ندارد
بادا که چون من مبادا ‌ چل سال رنجش پس از این | خود گر چه رنج استِ بودن ‌ «بادا مبادا» ندارد
با پای چالاک پیما دیدی چه دشوار رفتم | تا چون رود او که پایی چالاک پیما ندارد؟
با پایِ چالاکِ پیما ‌ دیدی چه دشوارِ رفتم | تا چون رود او که پایی ‌ چالاکِ پیما ندارد؟
تق‌تق کنان چوبدستش روی زمین می‌نهد مهر | با آنکه ثبت حضورش حاجت به امضا ندارد
تق‌تق کنان چوبِدستش ‌ روی زمین می‌نهد مهر | با آنکه ثبت حضورش ‌ حاجت به امضا ندارد
لبخند مهرم به چشمش خاری شد و دشنه‌ای شد | این خوی‌گر با درشتی نرمی تمنّا ندارد
لبخند مهرم به چشمش ‌ خاری شد و دشنه‌ای شد | این خوی‌گر با درشتی ‌ نرمی تمنّا ندارد
بر چهره‌ی سرد و خشکش پیدا خطوط ملال است | یعنی که با کاهش تن جانی شکیبا ندارد
بر چهره‌ی سرد و خشکش ‌ پیدا خطوط ملال است | یعنی که با کاهش تن ‌ جانی شکیبا ندارد
گویم که با مهربانی خواهم شکیبایی از او | پندش دهم مادرانه گیرم که پروا ندارد
گویم که با مهربانی ‌ خواهم شکیبایی از او | پندش دهم مادرانه ‌ گیرم که پروا ندارد
رو می‌کنم سوی او باز تا گفت و گویی کنم ساز | رفته‌ست و خالی است جایش مردی که یک پا ندارد...
رو می‌کنم سوی او باز ‌ تا گفت و گویی کنم ساز | رفته‌ست و خالیسِ جایش ‌ مردی که یک پا ندارد...

۲۲ – از اوزان کم‌کاربرد دوری (دولختی) است.

مفتعلن فع // مفتعلن فع	مفتعلن فع // مفتعلن فع
جان من است او هی مزنیدش	آن من است او هی مبریدش
جان من است او هی مزنیدش	آن من است او هی مبریدش
آب من است او نان من است او	مثل ندارد باغ امیدش
آب من است او نان من است او	مثلِ ندارد باغِ امیدش
باغ و جنانش آب روانش	سرخی سیبش سبزی بیدش
باغ و جنانش آب روانش	سرخی سیبش سبزی بیدش
متّصل است او معتدل است او	شمع دل است او پیش کشیدش
متّصل است او معتدل است او	شمع دل است او پیشِ کشیدش
هر که ز غوغا وز سر سودا	سر کشد این جا سر ببریدش
هر که ز غوغا وز سر سُودا	سر کشد این جا سر ببریدش
هر که ز صهبا آرد صفرا	کاسه‌ی سکبا پیش نهیدش
هر که ز صهبا آرد صفرا	کاسه‌یِ سکبا پیش نهیدش
عام بیاید خاص کنیدش	خام بیاید هم بپزیدش
عامِ بیاید خاصِ کنیدش	خامِ بیاید هم بپزیدش
نک شه هادی زان سوی وادی	جانب شادی داد نویدش
نک شه هادی زان سوی وادی	جانب شادی دادِ نویدش
داد زکاتی آب حیاتی	شاخ نباتی تا به مزیدش
دادِ زکاتی آبِ حیاتی	شاخِ نباتی تا به مزیدش
باده چو خورد او خامش کرد او	زحمت برد او تا طلبیدش
باده چو خورد او خامش کرد او	زحمت برد او تا طلبیدش

۲۳– از اوزان بسیار کم‌کاربرد دوری (دولختی) است.

مفاعلن فعولن // مفاعلن فعولن	مفاعلن فعولن // مفاعلن فعولن
ستون این سرایی ز در برون چرایی	سرا که بی‌ستون شد نه پست گشت ویران
ستون این سرایی ز در برون چرایی	سرا که بی‌ستون شد نه پستِ گشتِ ویران
تو ماه آسمانی و ما شبیم تاری	شبی که مه نباشد غلس بود فراوان
تو ماه آسمانی یُ ما شبیمِ تاری	شبی که مه نباشد غلس بود فراوان
تو پادشاه شهری و ما کنار شهری	چو شهر ماند بی‌شه چه سر بود چه سامان؟
تو پادشاه شهری یُ ما کنار شهری	چو شهرِ ماند بی‌شه چه سر بود چه سامان؟
مها تویی سلیمان فراق و غم چو دیوان	چو دور شد سلیمان نه دست یافت شیطان
مها تویی سلیمان فراق و غم چو دیوان	چو دورِ شد سلیمان نه دستِ یافِ شیطان
تویی به جای موسی و ما تو را عصایی	به جز به کفّ موسی عصا نیافت برهان
تویی به جای موسی و ما تو را عصایی	بجز به کفّ موسی عصا نیافِ برهان
مسیح خوش دمی تو و ما ز گل چو مرغی	دمی بدم تو بر ما بر اوج بین تو جولان
مسیح خوش دمی تو و ما ز گل چو مرغی	دمی بدم تو بر ما بر اوجِ بین تو جولان

تو نوح روزگاری و ما چو اهل کشتی	چو نوح رفت کشتی کجا رهد ز طوفان؟
تو نوح روزگاری ‌ ‌ ‌ یُ ما چو اهل کشتی	چو نوح رفتِ کشتی ‌ ‌ ‌ کجا رهد ز طوفان؟
تویی خلیل ای جان همه جهان پرآتش	که بی‌خلیل آتش نمی‌شود گلستان
تویی خلیلِ ای جان ‌ ‌ ‌ همه جهان پرآتش	که بی‌خلیلِ آتش ‌ ‌ ‌ نمی‌شود گلستان
تو نور مصطفایی و کعبه پر بتان شد	هلا بیا برون کن بتان ز بیت رحمان
تو نور مصطفایی ‌ ‌ ‌ و کعبه پر بتان شد	هلا بیا برون کن ‌ ‌ ‌ بتان ز بیت رحمان
تو یوسف جمالی و چشم خلق بسته	نظر ز تو گشاید چو چشم پیر کنعان
تو یوسف جمالی ‌ ‌ ‌ یُ چشمِ خلقِ بسته	نظر ز تو گشاید ‌ ‌ ‌ چو چشم پیر کنعان

۲۴ – از اوزان بسیار کم‌کاربرد دوری (دولختی) است.

فاعلات فع	//	فاعلات فع	فاعلات فع	// فاعلات فع
سنبل سیه		بر سمن مزن	لشکر حبش	بر ختن مزن
سنبل سیه		بر سمن مزن	لشکر حبش	بر ختن مزن
ابر مُشک‌سا		بر قمر مسا	تاب طره	بر نسترن مزن
ابرِ مُشکِ‌سا		بر قمر مسا	تاب طرّه بر	نسترن مزن
تا دل شب		تیره نشکند	زلف را شکن	بر شکن مزن
تا دل شبِ		تیره نشکند	زلفِ را شکن	بر شکن مزن
از حرم به		بستانسرا میا	طعنه بر عروس	چمن مزن
از حرم به بُس		تانسرا میا	طعنه بر عرو	سِ چمن مزن
آتشم چو در		جان و دل زدی	خاطرم به دست	آر و تن مزن
آتشم چو در		جان و دل زدی	خاطرم به دس	تار و تن مزن
روح را که		طاووس باغ تست	همچو مرغ بر	بابزن مزن
روحِ را که طا		ووسِ باغ تست	همچو مرغِ بر	بابزن مزن
مطربا چو از		چنگ شد دلم	بیش از این ره	عقل من مزن
مطربا چو از		چنگِ شد دلم	بیش از این رهِ	عقل من مزن
ساقیا بدان		لعل آتشین	خنده بر عقیق	یمن مزن
ساقیا بدان		لعل آتشین	خنده بر عقی	قِ یمن مزن
دود سینه		خواجو ز سوز دل	همچو شمع در	انجمن مزن
دود سینه خوا		جو ز سوز دل	همچو شمعِ در	انجمن مزن

۲۵ – از اوزان بسیار کم‌کاربرد دوری (دولختی) است و دو دسته‌بندی هجایی دارد.

فعلن فعولن //	فعلن فعولن	مستفعلن فع //	مستفعلن فع
درد محبّت	درمان ندارد	راه مودّت	پایان ندارد
درد محبّت	درمان ندارد	راه مودّت	پایان ندارد
از جان شیرین	ممکن بود صبر	امّا ز جانان	امکان ندارد
از جان شیرین	ممکن بود صبر	امّا ز جانان	امکان ندارد

آنرا که در جان عشقی نباشد — دل بر کن از وی کو جان ندارد
آنرا که در جان | عشقی نباشد — دل بر کن از وی | کو جان ندارد
ذوق فقیران خاقان نیابد — عیش گدایان سلطان ندارد
ذوق فقیران | خاقان نیابد — عیش گدایان | سلطان ندارد
ای دل ز دلبر پنهان چه داری — دردی که جز او درمان ندارد
ای دل ز دلبر | پنهان چه داری — دردی که جز او | درمان ندارد
باید که هر کو بیمار باشد — درد از طبیبان پنهان ندارد
باید که هر کو | بیمارِ باشد — درد از طبیبان | پنهان ندارد
در دین خواجو مؤمن نباشد — هر کو به کفرش ایمان ندارد
در دین خواجو | مؤمن نباشد — هر کو به کفرش | ایمان ندارد

۲۶ – از اوزان بسیار کم‌کاربرد دوری (دولختی) است.

مفاعلن فاعلن // مفاعلن فاعلن — مفاعلن فاعلن // مفاعلن فاعلن

جهان فرتوت باز جوانی از سرگرفت — به سر ز یاقوت سرخ شقایق افسر گرفت
جهان فرتوتِ باز | جوانی از سرگرفت — به سر ز یاقوت سرخ | شقایق افسر گرفت
چو تیره زای سحاب بـر آسمان پر گرفت — ز چرخ اختر ربود ز نجم زیور گرفت
چو تیره زای سحاب | بر آسمان پرگرفت — ز چرخِ اختر ربود | زِ نجمِ زیور گرفت
که تاکند جمله را به فرق نسرین نثار
که تاکند جمله را | به فرق نسرین نثار

به بوستان سرخ گل چـرا همی لب گزد — نهان شود زیر برگ چو باد بر وی وزد
به بوستان سرخِ گل | چرا همی لب گزد — نهان شود زیر برگ | چو باد بر وی وزد
چو دخت دوشیزه‌ای که زیر چادر خزد — ز خوف نامحرمی که خواهدش لب مزد
چو دخت دوشیزه‌ای | که زیر چادر خزد — ز خوف نامحرمی | که خواهدش لب مزد
کناره گیرد همی ز بیم بوس و کنار
کناره گیرد همی | ز بیم بوس و کنار

صبا رخ ارغوان به شوخی از بس مکد — چو دانه‌های عقیق ز عارضش خون چکد
صبا رخ ارغوان | به شوخی از بس مکد — چو دانه‌های عقیق | زِ عارضش خون چکد
وزان ستم سرخ گل ز خشم چندان ژکد — که پوست در پیکرش چو نار می بترکد
وزان ستم سرخِ گل | ز خشمِ چندان ژکد — که پوسِ در پیکرش | چو نارِ می بترکد
بخوشدش خون دل چو دانه‌های انار
بخوشدش خون دل | چو دانه‌های انار

۲۷ – از اوزان ناهمسان پرکاربرد است. اصل این وزن «فعلاتن مفاعلن فعلن» است ولی اکثرا با توجّه به اختیار شاعری به جای فعلاتن، فاعلاتن و به جای فَعِلُن، فَع لُن می‌اید. این وزن یک دسته بندی هجایی دارد.

فعلاتن مفاعلن فعلن	فعلاتن مفاعلن فعلن
دل سراپرده محبّت اوست	دیده آیینه دار طلعت اوست
من که سر در نیاورم به دو کون	گردنم زیر بار منّت اوست
تو و طوبی و ما و قامت یار	فکر هر کس به قدر همّت اوست
گر من آلوده دامنم چه عجب	همه عالم گواه عصمت اوست
من که باشم در آن حرم که صبا	پرده دار حریم حرمت اوست
بی خیالش مباد منظر چشم	زان که این گوشه جای خلوت اوست
هر گل نو که شد چمن آرای	ز اثر رنگ و بوی صحبت اوست
دور مجنون گذشت و نوبت ماست	هر کسی پنج روز نوبت اوست
ملکت عاشقی و گنج طرب	هر چه دارم ز یمن همّت اوست
من و دل گر فدا شدیم چه باک	غرض اندر میان سلامت اوست
فقر ظاهر مبین که حافظ را	سینه گنجینه محبّت اوست

۲۸ – از اوزان ناهمسان پرکاربرد است و بیشتر در مثنوی‌ها به کار می‌رود. این وزن دو دسته بندی هجایی دارد.

مفعول مفاعلن فعولن	مستفعِلُ فاعلات مُستَف
دیر آمدی ای نگار سرمست	زودت ندهیم دامن از دست
بر آتش عشقت آب تدبیر	چندان که زدیم بازننشست
از روی تو سر نمی‌توان تافت	وز روی تو در نمی‌توان بست
از پیش تو راه رفتنم نیست	چون ماهی اوفتاده در شست
سودای لب شکردهانان	بس توبه صالحان که بشکست
ای سرو بلند بوستانی	در پیش درخت قامتت پست
بیچاره کسی که از تو ببرید	آسوده تنی که با تو پیوست
چشمت به کرشمه خون من ریخت	وز قتل خطا چه غم خورد مست
سعدی ز کمند خوبرویان	تا جان داری نمی‌توان جست
ور سر ننهی در آستانش	دیگر چه کنی دری دگر هست؟

۲۹ – از اوزان ناهمسان کم‌کاربرد است. این وزن دو دسته بندی هجایی دارد.

مفعول مفاعلن مفاعیلن	مستفعِلُ فاعلات مُستَفعَلَ
ای مرهم ریش و مونس جانم	چندین به مفارقت مرنجانم
ای راحت اندرون مجروحم	جمعیّت خاطر پریشانم
گویند بدار دستش از دامن	تا دست بدارد از گریبانم
آن کس که مرا به باغ می‌خواند	بی روی تو می‌برد به زندانم
وین طرفه که ره نمی‌برم پیشت	وز پیش تو ره به در نمی‌دانم
یک روز به بندگی قبولم کن	روز دگرم ببین که سلطانم
زان روز که سرو قامتت دیده	از یاد برفت سرو بستانم
آن دُرّ دو رسته در حدیث آمد	وز دیده بیوفتاد مرجانم
گویند صبور باش از او سعدی	بارش بکشم که صبر نتوانم
ای کاش که جان در آستین بودی	تا بر سر مونس دل افشانم

۳۰ – از اوزان ناهمسان کم‌کاربرد است. این وزن دو دسته‌بندی هجایی دارد.

مفعول فاعلات مفاعلین	مستفعلن مفاعل مفعولن
بـالا گـرفـت شــعـلـۀ طـغـیـان و	آتـش گـرفـت بـاغـچـه‌ای، بـاغـی
ســر بـاز کـرد کـیـنـۀ شـیـطـان و	از نـو نشــســت بـر دل مـا داغـی
یـک کـاروان بـه شـوق زیـارت رفت	اهـل شـهـود بـود و شـهـیـد آمد
از کـربـلای حـلّـه بـه خـوزسـتـان	یـک کـاروان شـهـیـد جـدیـد آمـد
در سـوگ پر کشـیـدنشـان این خـاک	هـرچـنـد داغـدارتـر از قـبـل اسـت
امـا بـه یـمـن خـون شـهـیـدانش	حـالا پـر افـتـخـارتـر از قـبـل اسـت
ایـنـان شـکـوه غـیـرت تـاریـخـنـد	ایـنـان بـزرگ قـافـلـۀ دهـرنـد
ایـنـان کـه آسـمـان شـده مأواشـان	آری سـتـارگـان هـمـیـن شـهـرنـد...

۳۱ – از اوزان ناهمسان پرکاربرد است. و تقریبا دومین وزن پرکاربرد شعر فارسی در قصاید و غزلیات است. این وزن دو دسته بندی هجایی دارد. این گونه اوزان را خوب یاد بگیرید. زیرا علاوه بر عروض در مباحث دیگری همچون آرایه و قرابت و دستور نیز در این وزن اشعار زیادی خواهید دید.

مفعولُ فاعلاتُ مفاعیلُ فاعلن	مستفعلن مفاعِلُ مستفعلن فَعَل
آنان که خاک را به نظر کیمیا کنند	آیا بود که گوشه چشمی به ما کنند
دردم نهفته به ز طبیبان مدّعی	باشد که از خزانه غیبم دوا کنند
معشوق چون نقاب ز رخ در نمی‌کشد	هر کس حکایتی به تصوّر چرا کنند
چون حسن عاقبت نه به رندی و زاهدی است	آن به که کار خود به عنایت رها کنند
بی معرفت مباش که در من یزید عشق	اهل نظر معامله با آشنا کنند
حالی درون پرده بسی فتنه می‌رود	تا آن زمان که پرده برافتد چه‌ها کنند
گر سنگ از این حدیث بنالد عجب مدار	صاحب دلان حکایت دل خوش ادا کنند
می خور که صد گناه ز اغیار در حجاب	بهتر ز طاعتی که به روی و ریا کنند
پیراهنی که آید از او بوی یوسفم	ترسم برادران غیورش قبا کنند
بگذر به کوی میکده تا زمره حضور	اوقات خود ز بهر تو صرف دعا کنند
پنهان ز حاسدان به خودم خوان که منعمان	خیر نهان برای رضای خدا کنند
حافظ دوام وصل میسّر نمی‌شود	شاهان کم التفات به حال گدا کنند

۳۲ – از اوزان ناهمسان پرکاربرد است. این وزن دو دسته بندی هجایی دارد. (همانطور که مشاهده می‌کنید دسته بندی نوع دوم «همسان» می‌باشد.

مفعولُ مفاعیلُ مفاعیلُ فعولن	مستفعلُ مستفعلُ مستفعلُ مُستَف
ای یار جفا کرده پیوند بریده	این بود وفاداری و عهد تو ندیده
در کوی تو معروفم و از روی تو محروم	گرگ دهن آلوده یوسف ندریده
ما هیچ ندیدیم و همه شهر بگفتند	افسانه مجنون به لیلی نرسیده
بس در طلبت کوشش بی فایده کردیم	چون طفل دوان در پی گنجشک پریده
مرغ دل صاحب نظران صید نکردی	الا به کمان مهره ابروی خمیده
میلت به چه ماند به خرامیدن طاووس	غمزت به نگه کردن آهوی رمیده
گر پای به در می‌نهم از نقطه شیراز	ره نیست تو پیرامن من حلقه کشیده
با دست بلورین تو پنجه نتوان کرد	رفتیم دعا گفته و دشنام شنیده
روی تو مبیناد دگر دیده سعدی	گر دیده به کس باز کند روی تو دیده

Ahmadi63amoozesh.com

۳۳ – از اوزان ناهمسان پرکاربرد است و یک دسته‌بندی هجایی دارد. اشعار معروف «ماه فروماند از جمال محمد» و «دیو چو بیرون رود فرشته درآید» در این وزن سروده شده است.

مفتعلن	فاعلات	مفتعلن	فع	مفتعلن	فاعلات	مفتعلن	فع

ما در خلوت به روی خلق ببستیم / از همه بازآمدیم و با تو نشستیم
هر چه نه پیوند یار بود بریدیم / وآنچه نه پیمان دوست بود شکستیم
مردم هشیار از این معامله دورند / شاید اگر عیب ما کنند که مستیم
مالک خود را همیشه غصّه گدازد / ملک پری پیکری شدیم و برستیم
شاکر نعمت به هر طریق که بودیم / داعی دولت به هر مقام که هستیم
در همه چشمی عزیز و نزد تو خواریم / در همه عالم بلند و پیش تو پستیم
ای بت صاحب دلان مشاهده بنمای / تا تو ببینیم و خویشتن نپرستیم
دیده نگه داشتیم تا نرود دل / با همه عیاری از کمند نجستیم
تا تو اجازت دهی که در قدمم ریز / جان گرامی نهاده بر کف دستیم
دوستی آن است سعدیا که بماند / عهد وفا هم بر این قرار که بستیم

۳۴ – از اوزان ناهمسان پرکاربرد است و یک دسته‌بندی هجایی دارد. این وزن پرکاربردترین وزن در قصاید و غزلیات است. این گونه اوزان را خوب یاد بگیرید. زیرا علاوه بر عروض در مباحث دیگری همچون آرایه و قرابت و دستور نیز در این وزن اشعار زیادی خواهید دید.

توجّه: به جای «فَعِلُن»، معمولا طبق اختیار شاعری «فَع لُن» می‌آید.

توجّه: این وزن را با وزن دوری «مفاعلن فعلاتن مفاعلن فعلاتن» اشتباه نگیرید. (یک هجا اختلاف دارند.)

مفاعلن	فعلاتن	مفاعلن	فعلن	مفاعلن	فعلاتن	مفاعلن	فعلن

شب فراق که داند که تا سحر چند است / مگر کسی که به زندان عشق دربند است
گرفتم از غم دل راه بوستان گیرم / کدام سرو به بالای دوست مانند است
پیام من که رساند به یار مهرگسل / که برشکستی و ما را هنوز پیوند است
قسم به جان تو گفتن طریق عزّت نیست / به خاک پای تو و آن هم عظیم سوگند است
که با شکستن پیمان و برگرفتن دل / هنوز دیده به دیدارت آرزومند است
بیا که بر سر کویت بساط چهرهٔ ماست / به جای خاک که در زیر پایت افکنده است
خیال روی تو بیخ امید بنشانده است / بلای عشق تو بنیاد صبر برکنده است
عجب در آن که تو مجموع و گر قیاس کنی / به زیر هر خم مویت دلی پراکنده است
اگر برهنه نباشی که شخص بنمایی / گمان برند که پیراهنت گل آکنده است
ز دست رفته نه تنها منم در این سودا / چه دست‌ها که ز دست تو بر خداوند است
فراق یار که پیش تو کاه برگی نیست / بیا و بر دل من بین که کوه الوند است
ز ضعف طاقت آهم نماند و ترسم خلق / گمان برند که سعدی ز دوست خرسند است

***

اصل وزن رباعی «مفعول مفاعیل مفاعیل فعولن» است ولی طبق اختیارات شاعری ممکن است این وزن به صورت‌های متفاوتی از جمله: «مفعول مفاعیل مفاعیلن فع»، «مفعول مفاعلن مفاعیل فعل»، «مفعول مفاعلن مفاعیلن فع» در بیاید.

دریاب که از روح جدا خواهی رفت	در پرده‌ی اسرار فنا خواهی رفت
می نوش ندانی از کجا آمده‌ای	خوش باش ندانی به کجا خواهی رفت

***

این قافله عمر عجب می‌گذرد	دریاب دمی که با طرب می‌گذرد
ساقی غم فردای حریفان چه خوری	پیش آر پیاله را که شب می‌گذرد

***

گویند بهشت و حور و کوثر باشد	جوی می و شیر و شهد و شکر باشد
پر کن قدح باده و بر دستم نه	نقدی ز هزار نسیه بهتر باشد

***

اسرار ازل را نه تو دانی و نه من	و این حرف معمّا نه تو خوانی و نه من
هست از پس پرده گفت و گوی من و تو	چون پرده برافتد نه تو مانی و نه من

***

وقت سحر است ای مایه ناز	نرمک نرمک باده خور و چنگ نواز
کآنها به جایند نپایند بسی	و آنها که شدند کس نمی‌آید باز

***

امشب ز غمت میان خون خواهم خفت	از بستر عافیت برون خواهم خفت
باور نکنی خیال خود را بفرست	تا در نگری که بی تو چون خواهم خفت

***

دل جز ره عشق تو نپوید هرگز	جان جز سخن عشق نگوید هرگز
صحرای دلم عشق تو شورستان کرد	تا مهر کسی در آن نروید هرگز

***

لبخند زدی بهار بی‌تاب شکفت	یک پنجره رو به روی مهتاب شکفت
آن لحظه که چشمه از نگاهت جوشید	احساس فرو خفته مرداب شکفت

***

Ahmadi63amoozesh.com

فصل دوازدهم

آزمون های سراسری

سوالات قافیه و عروض علوم و فنون کنکور داخل کشور تیر ۱۴۰۲

تست ۳۲۱ قافیه کدام بیت نادرست است؟

۱) ای پیک پی‌خجسته که داری نشان دوست / با ما مگو بجز سخن دل‌نشان دوست
۲) آن‌کس که ازو صبر محال است و سکونم / بگذشت، ده انگشت فروبرده به خونم
۳) چون من به نفس خویشتن این کار می‌کنم / بر فعل دیگران به چه انکار می‌کنم
۴) کنی ناخوش به ما بر زندگانی / اگر از ما دمی دوری گزینی

تست ۳۲۲ در کدام، بیت واژه‌های قافیه «وجه شبه» محسوب می‌شوند؟

۱) چشمی دارم چو لعل شیرین همه آب / بختی دارم چو چشم خسرو همه خواب
۲) ز خون رنگین بود چون لاله دامانی که من دارم / بود صدپاره همچون گل گریبانی که من دارم
۳) نه به شاخ گل نه بر سرو چمن پیچیده‌ام / شاخه‌ی تاکم به گرد خویشتن پیچیده‌ام
۴) چون شمع نیمه‌جان به هوای تو سوختیم / با گریه ساختیم و به پای تو سوختیم

تست ۳۲۳ وزن مقابل کدام مصراع «درست» است؟

۱) من از سطح سیمانی قرن می‌ترسم (فعولن فعولن فعولن فَعَل)
۲) دورها آوایی است که مرا می‌خواند (فاعلاتن فع لن فعلاتن فع)
۳) فریادشان تموّج شطّ حیات بود (مستفعلن مفاعلُ مستفعلُ فَعَل)
۴) گونه‌ی شب شسته بود از گریه‌ی مهتاب (فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فع)

تست ۳۲۴ وزن عروضی کدام سروده با ترانه زیر یکسان است؟

«ای سنگفرش راه که شب‌های بی سحر / تک بوسه‌های پای مرا نوش کرده‌ای»

۱) بشنوم بانگ خروسان را ز بام کلبه دهقان / می‌گریزم از تو تا در دامن صحرا
۲) دیگر این داس خموشی‌تان زنگار گرفت / به‌عبث هرچه درو کردید آواز مرا
۳) امشب به پارسایی خود دل نهاده‌ام / ای آفتاب وسوسه در من غروب کن
۴) بر آن شاخ بلند ای نغمه‌ساز باغ بی‌برگی / بمان تا بشنوند از شور آوازت

تست ۳۲۵ کدام مصراع‌های زیر به ترتیب، در بحر «رمل» و «رجز» سروده شده‌اند؟

الف) ساقیا کمتر می امشب از کرم دادی مرا
ب) هیچ از تو حاصلم نیست دردا که عین خار است
ج) زلفت از هر حلقه می‌بندد اسیری
د) باده در ده چند از این باد غرور
هـ) عمری است تا من در طلب هر روز گامی می‌زنم

۱) «الف و ج» - «د و هـ»
۲) «الف، د و هـ» - «ب»
۳) «ب و د» - «ج و هـ»
۴) «الف، ج و د» - «هـ»

Ahmadi63amoozesh.com
@ahmadi63amoozesh
@aboozarahmadi63

تست ۳۲۶ به ترتیب، چند مصراع وزن «دوری» دارد و چند مصراع در «بحر هزج مسدس محذوف» سروده شده است؟

- بجز سرگشتگی و گرد محنت حاصلش نبود / - راحت که شد مکرّر دلکوب‌تر ز رنج است
- دلم رفت و ندیدم روی دلدار / - به پرسش آمد و عاشق همین دو دم دارد
- از خم ابروی تواَم هیچ گشایشی نشد / - چه ره بود این که زد در پرده مطرب

۱) «سه» - «سه» ۳) «دو» - «دو» ۳) «سه» - «دو» ۴) «دو» - «سه»

تست ۳۲۷ در کدام ابیات سه نوع اختیار وزنی وجود دارد؟

الف) تا برآمد در جهان آوازه‌ی زلف و رخش / کیمیای کفر و دین را روز بازاری نماند
ب) تا سر زلف پریشان تو در جمع آمد / هیـچ مجموع ندانم کـــه پریشان تـو نیست
ج) یک مشت خاک غارت کردن نه مشکل است / بـس کـن کــه نـــه طلسم سکنـدر شکسته‌ای
د) نه عجب گر بچکد خون دل از چشم بهار / پیش آن غمزه خونین کـه بـه پیکان ماند

۱) «ب» - «د» ۳) «الف» - «ب» ۳) «ج» - «د» ۴) «الف» - «ج»

تست ۳۲۸ در کدام بیت، سه بار اختیار شاعری «قلب» به کار گرفته شده است؟

۱) ماهی و چون عیان شوی شمع هزار مجلسی / سـروی و چـون روان شـوی عشـق هزار لشکری
۲) ای رخ نورپاش تو پیشه گرفته دلبری / رونق آفتاب شد زان رخ همچو مشتری
۳) سینه‌ی خاقانی اگر بشویی از زنگ عنـا / پیش خدایگان تو را بیش کند ثناگری
۴) اشک مرا چو روی خود دار عزیز اگر تو را / در خورد آب و آفتاب از پی ساز گازری

تست ۳۲۹ همه موارد کاملاً در ابیات زیر مصداق پیدا می‌کند؛ بجز:

«دل‌تنگ و قدم تنگ و ره بادیه پر سنگ بیداری / در راه طلب کس به گرانباری من نیست
مردم همه خواب از پی آن هست / در عشق تو خواب از پی بیداری من نیست»

۱) بیت دوم با «تا تو را در دیده خود دیدم ای نور دو چشم/ همچو چشم خود ندیدم خواب را دیگر به خواب» تناسب مفهومی دارد.
۲) قافیه اشعار بر اساس قاعده «۲» سروده شده است و آرایه «تضاد، جناس و کنایه» در آن یافت می‌شود.
۳) ابیات را می‌توان به دو گونه دسته‌بندی هجایی کرد و همهٔ اختیارات زبانی در آن یافت می‌شود.
۴) در سروده حرف روی « ر » است و یک نوع اختیار وزنی در آن می‌توان یافت.

سوالات قافیه و عروض علوم و فنون کنکور خارج کشور تیر ۱۴۰۲

تست ۳۳۰ در کدام مورد هر دو واژه قافیه، «وجه شبه» محسوب می‌شوند؟

۱) رهی نغمه‌ی آتشین ساز کرد / زبان را چون نی نغمه‌پرداز کرد
۲) غمش در نهان‌خانه‌ی دل نشیند / به نازی که لیلی به محمل نشیند
۳) مرا بسوز و فرو ریخت هر چه دندان بود / نبود دندان لابل چراغ تابان بود
۴) روی تو چون نوبهار جلوه‌گری می‌کند / زلف تو چون روزگار پرده‌دری می‌کند

تست ۳۳۱ از میان ابیات زیر به ترتیب کدام بیت «ذوقافیتین» و قافیه کدام بیت نادرست است؟

الف) چون به دستان زدن گشادی دست / عشق، هشیار و عقل گشتی مست
ب) شراب لعل می‌سازد عرق را روی گلگونش / قدح لبریز برمی‌گردد از لب‌های میگونش
ج) تو را این همه ایدر آراسته است / اگر شهریاری و گر خواسته است
د) از رخش خواهند جای بوسه نافهمیدگان / در حرم محراب می‌جویند این نادیدگان

۱) «الف» - «ب» ۲) «ج» - «ب» ۳) «الف» - «د» ۴) «ج» - «د»

Ahmadi63amoozesh.com
@aboozarahmadi63
@ahmadi63amoozesh

تست ۳۳۲ وزن کدام سروده در مقابل آن نادرست است؟

۱) بر دوردست این ره چشمی در انتظار است (مفعولُ فاعلاتن مفعولُ فاعلاتن)

۲) موجیم و وصل ما از خود بریدن است (مستفعلن فَعَل مستفعلن فَعَل)

۳) شبی به حلقه‌ی درگاه دوست دل بندیم (مَفاعلن فعلاتن مفاعلن فَعلن)

۴) از زخم تا ستاره عروجی دوباره بود (مفعولُ فاعلاتُ مفاعلن فَعل)

تست ۳۳۳ در کدام بیت، وزن همسان و ناهمسان «هر دو» یافت می‌شود؟

۱) از پای فتادیم چو آمد غم هجران / در درد بمردیم چو از دست شفا رفت

۲) خودکرده بود غارت، عشقش حوالی دل / بازم به یک شبیخون بر ملک اندرون زد

۳) عیب دگران نگویم این بار / کاندر حق خویشتن شنودم

۴) ساقی بده ز جام جم ارباب شوق را / آن می که در پیاله چو خون سیاوش است

تست ۳۳۴ به ترتیب، وزن کدام مصراع‌ها «دوری» است و کدام مصراع‌ها در «بحر رجز» سروده شده است؟

الف) هر لب که بی آهی بود کم از لب چاهی بود

ب) هر جا که فتنه‌ای است در ابروت جا گرفت

ج) دارم دلی که هرگز نشکسته خاطری را

د) چه قیامت است جانا که به عاشقان نمودی

هـ) جانا کجا داری خبر از اشک بی آرام ما

۱) «الف ـ هـ»، «ب - ج»
۲) «ب - ج»، «الف ـ د»
۳) «ج ـ د»، «الف ـ هـ»
۴) «ب ـ د»، «ج ـ هـ»

تست ۳۳۵ کدام مصراع‌ها به ترتیب در بحر «رمل، متقارب و هزج» سروده شده‌اند؟

الف) ز سحرانگیزیت ای چشم کافر کیش حیرانم

ب) آبی نزدی بر آتشم هرگز

ج) سر از کمند نپیچم اگر تو صیادی

د) قتل ما ای دل به تیغ او مقدّر کرده‌اند

هـ) چو آشفته بازار بازارگانی

۱) «د» - «ب» - «ج»
۲) «د» - «هـ» - «الف»
۳) «ب» - «هـ» - «ج»
۴) «د» - «الف» - «هـ»

تست ۳۳۶ اختیارات شاعری مقابل کدام بیت «درست» است؟

۱) دست ما را ببست نیروی عشق / که ز اندازه پا برون ننهیم **(آوردن فاعلاتن به‌جای فعلاتن - ابدال)**

۲) عنقا بشد و فرّ همایش بماند / زیبنده تخت پادشاییش بماند **(قلب - کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند)**

۳) بسوختیم ز بیداد چرخ و خواهد سوخت / کسی که علم فراموش کرد و جهل آموخت **(ابدال - بلند بودن هجای پایانی)**

۴) میان جمع بنگر آن سر زلف پریشان را / اگر خواهی بدانی صورت حال پریشانم **(حذف همزه - بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه)**

تست ۳۳۷ در کدام، بیت اختیار شاعری «قلب» و «تبدیل مصوت کوتاه به بلند» هر دو وجود دارد؟

۱) بر دل خاقانی اگر داغ جفا نهی چه شد / او ز سگان کیست خود تا بَردت به داوری

۲) سال نو است ساقیا نوبر سال ما تویی / می که دهی سه‌ساله ده کاو کهن و تو نوبری

۳) ای حرم تو از کرم بیت حرام خسروان / چون سخن من از نکت سحر حلال خاطری

۴) خاطر خاقانی از آن کعبه شناس شد که او / در حرم خدایگان کرد به جان مجاوری

Ahmadi63amoozesh.com

تست ۳۳۸ **با توجه به ابیات، زیر کدام مورد نادرست است؟**

«از گوشه‌ی بامت سر پرواز ندارم ... ای کاش که مرغ دلم از بال و پر افتد
دانی که به یک زخم چرا جان نسپارم ... خواهم که سر و کار به زخم دگر افتد»

۱) حرف روی در ابیات « ر » است و در آن دو نوع اختیار وزنی به کار گرفته شده است.

۲) بیت اول با «دل نیست کبوتر که چو برخاست نشیند / از گوشه‌ی بامی که پریدیم، پریدیم» تضاد مفهومی دارد.

۳) قالب اشعار مورد استقبال ابن یمین قرارگرفته است. وی مضامین اخلاقی خود را در این قالب آشکار کرده است.

۴) وزن اشعار «مفعولُ مفاعیلُ مفاعیلُ فعولن» است و اختیار شاعری تغییر کمیت مصوت‌ها و حذف همزه در آن یافت می‌شود.

سوالات قافیه و عروض علوم و فنون کنکور دی ۱۴۰۱

تست ۳۳۹ **در کدام بیت قافیهٔ درونی بر اساس قاعدهٔ «۱» و تبصرهٔ قافیه سروده شده است؟**

۱) تا عشق و رندی است کیشم یکسان بود نوش و نیشم ... من دشمن جان خویشم گر او بود دشمن من

۲) تا در دلم جا گرفتی در سینه مأوا گرفتی ... بوی گل و سوسن آید از چاک پیراهن من

۳) من کیستم بینوایی با درد غم آشنایی ... هرلحظه گردد بلایی چون سایه پیرامن من

۴) بنشین چو گل در کنارم تا بشکفد گل ز خارم ... ای روی تو لاله‌زارم وی موی تو سوسن من

تست ۳۴۰ **در کدام بیت «ذوقافیتین» به چشم می‌خورد؟**

۱) اگر با پدر جنگ جوید کسی ... پدر بی‌گمان خشم گیرد بسی

۲) یکی باز را دیده بردوخته است ... یکی دیدها باز و پر سوخته است

۳) مگر کان فرومایه‌ی زشت کیش ... به کارش نیاید خر پشت ریش

۴) یکی سر برآر از گریبان غم ... به آرام دل با جوانان بچم

تست ۳۴۱ **با در نظر گرفتن اختیارات شاعری تقطیع کدام سروده «غلط» است؟**

۱) تو در نماز عشق چه خواندی (U– – UU – – – U –U)

۲) جان من و تو تشنه‌ی مهر بود (– U – UU – U – U – –)

۳) گامی به تو نزدیک و گامی دور (– – – U – – – U – –)

۴) پشت لبخندی پنهان هر چیز (– – – – UU – – U –)

تست ۳۴۲ **با توجه به بیت زیر کدام گزینه «درست» است؟**

«اشکم ز دیده قصّهٔ طوفان سؤال کرد ... چشمم جواب داد که از ما پدید شد»

۱) بیت دارای وزن دوری یا دولختی همسان است.

۲) در بیت هر دو اختیارات شاعری وزنی و زبانی موجود است.

۳) مصرع دوم دارای ۱۴ علامت هجایی است که سه هجای آن کشیده است.

۴) بیت در بحر رجز سروده شده است و به دو شکل دسته‌بندی هجایی می‌شود.

تست ۳۴۳ **وزن عروضی کدام سروده در مقابل آن نادرست است؟**

۱) گل من/ تو راز ما را ه کدام دیو گفتی؟ (فعلاتُ فاعلاتن/ فعلاتُ فاعلاتن)

۲) سر برافراشتن و افتادن/ دو برادر هستند (فاعلاتن فعلاتن فع لن/ فعلاتن فع لن)

۳) در روی من مخند/ شیرینی نگاه تو بر من حرام باد (مفعول مفاعیلن/ مفعول فاعلات مفاعیلن)

۴) بجنبید میغ/ خروشید رعد/ درخشید برقی به‌مانند تیر (فعولن فعل/ فعولن فعل/ فعولن فعولن فعولن فعل)

تست ۳۴۴ نام بحر مقابل کدام مصراع، نادرست است؟

۱) دل آخر ز دست غمش می‌گریزد (متقارب مثمن محذوف)
۲) چون شوم خاک رهش دامن بیفشاند ز من (رمل مثمن محذوف)
۳) غنیمت دان اگر روزی به شادی در رسی ای دل (هزج مثمن سالم)
۴) آخر نگاهی بازکن وقتی‌که از ما بگذری (رجز مثمن سالم)

تست ۳۴۵ در بیت زیر همهٔ اختیارات شاعری یافت می‌شود؛ به‌جز:

«مردگان چمن از دعوت حق زنده شدند / کفرهاشان همه از رحمت حق ایمان شد»

۱) بدال- بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه
۲) کوتاه تلفظ کردن مصوب بلند- حذف همزه
۳) حذف همزه- بلند تلفظ کردن هجای پایانی
۴) آوردن فاعلاتن به جای فعلاتن- ابدال

تست ۳۴۶ در کدام بیت همهٔ اختیارات زبانی به‌کاررفته است؟

۱) بگو که پرده‌سرا ساز را به ساز درآرد / مگر ترانه‌ای از قول آن نگار بگوید
۲) مشنو که شبی تا سحر از آتش سودا / منزلگه من خاک سر کوی تو نبود
۳) ای آفتاب روشن و ای سایهٔ همای / ما را نگاهی از تو تمام است اگر کنی
۴) سال‌ها کردیم قطع وادی عشقش ولیک / تا نپنداری که این راه را کرانی یافتم

تست ۳۴۷ همهٔ موارد در ابیات زیر «کاملاً» یافت می‌شود؛ به‌جز:

«هر که تأمل نکند در جواب / بیشتر آید سخنش ناصواب
یا سخن آرای چو مردم به هوش / یا بنشین چون حیوانان خموش»

۱) قالب ابیات مثنوی و سرایندهٔ آن نظامی گنجوی در قرن ششم است.
۲) قافیه بر اساس قاعدهٔ «۲» سروده شده است و «ب و ش» حرف روی است.
۳) سرودهٔ فوق با ضرب‌المثل «اگر گفتن سیم باشد، خاموشی زر است.» تناسب مفهومی دارد.
۴) ابیات فوق با بیت «کیست در این دیرگه دیر پای / کو لمن الملک زند جز خدای؟» هم‌وزن است.

آموزشگاه مجازی احمدی
برای خرید نسخه چاپی یا تدریس ویدئویی این جزوه به سایت و یا کانال تلگرامی «آموزشگاه مجازی احمدی» مراجعه کنید.
برای کسب اطلاعات بیشتر در مورد این جزوات و پکیج‌ها به شماره ۰۹۱۲۳۷۰۸۴۷۶ در تلگرام یا واتساپ و یا به صورت SMS پیام بدهید.
Ahmadi63amoozesh.com
@ahmadi63amoozesh

سوالات قافیه و عروض علوم و فنون کنکور داخل کشور تیر ۱۴۰۱

تست ۳۴۸ حروف اصلی قافیه در کدام بیت (مصوت + صامت + صامت) است؟

۱) در زلف تو بند بود داد دل ما — دربند کمند بود داد دل ما
۲) پرسیدم از هلال که قدت چرا خم است — گفتا خمیدن قدم از بارماتم است
۳) بر زلف تو باید که ره شانه ببندند — با مشک‌فروشان در کاشانه ببندند
۴) هان ای دل عبرت بین از دیده عبر کن هان — ایوان مداین را آیینه‌ی عبرت دان

تست ۳۴۹ «قاعده و تبصره قافیه» در کدام ابیات یکسان است؟

الف) صبا تو نگهت آن زلف مشک‌بو داری — به یادگار بمانی که بوی او داری
ب) سینه مالامال درد است ای‌دریغا مرهمی — دل ز تنهایی به جان آمد خدا را همدمی
ج) دیدم به خواب دوش که ماهی برآمدی — کز عکس روی او شب هجران سرآمدی
د) بیا بیا ماموزر این کینه‌داری — که حقّ صحبت دیرینه داری

۱) الف - ج ۲) ب - ج ۳) ب - د ۴) ج - د

تست ۳۵۰ وزن عروضی سرودهٔ زیر کدام است؟

«آسمان صاف و شب آرام/ بخت خندان و زمان رام»

۱) فاعلاتن فعلاتن فعلاتن فعِلن
۲) فعلاتُ فاعلاتن فعلاتُ فاعلاتن
۳) فاعلاتن فعلاتن فعلاتن فعل
۴) فاعلاتن فعلاتن فاعلاتن فعلاتن

تست ۳۵۱ نام وزن عروضی کدام مصراع در مقابل آن <u>غلط</u> آمده است؟

۱) روی تو از دل ببرد منزلت و قدرناز — (مفتعلن فاعلن مفتلعن فاعلن)
۲) جان مرا مست کنی مست چو بر من گذری — (مفتعلن مفاعلن مفتعلن مفاعلن)
۳) ز داغ حسن دگر لاله‌زار پیدا کرد — (مفاعلن فعلاتن مفاعلن فعِلن)
۴) ماندم به چمن شب شد و مهتاب برآمد — (مفعولُ مفاعیلُ مفاعیلُ فعولن)

تست ۳۵۲ بیت زیر «فاقد» کدام اختیار شاعری است؟

«از خنده‌رویی گردون فریب رحم مخور — که رخنه‌های قفس رخنه رهایی نیست»

۱) ابدال
۲) بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه
۳) کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند
۴) آوردن فاعلاتن به‌جای فعلاتن

تست ۳۵۳ در کدام بیت «سه نوع اختیار وزنی و دو اختیار زبانی» می‌توان یافت؟

۱) آه اگر دامن‌پاک تو نیارند به دست — خستگانی که دریدند گریبانی چند
۲) مستان بزم نعیش شرابی نداشتند — در عین بی‌خودی می‌نایی نداشتند
۳) چو مطربان سحر آهنگ زیر و بام کنند — معاشران صبوحی هوای جام کنند
۴) کسی است صاحب بختبلند و عمر دراز — که دست‌برسر آن زلف خم به خم دارد

تست ۳۵۴ نام بحر مقابل کدام مصراع درست است؟

۱) اگر هوشمندی به معنی گرای (متقارب مثمن سالم)
۲) به میدان محبّت خون‌بهایش از که بستانم (هزج مثمن محذوف)
۳) دامن آن گنج شادی را نیاوردم به دسته (رمل مثمن محذوف)
۴) جامی بکش تا جم شوی با اهل‌دل محرم شوی (رجز مثمن محذوف)

Ahmadi63amoozesh.com
@ahmadi63amoozesh
@aboozarahmadi63

تست ۳۵۵ کدام بیت دارای وزن دولختی (دودی) است و می‌توان آن را به دو صورت دسته‌بندی هجایی کرد؟

۱) ای آفتاب روشن و ای سایه همای / ما را نگاهی از تو تمام است اگر کنی
۲) دیوانه عشقت را جایی نظر افتاده است / کانجا نتواند رفت اندیشه دانایی
۳) عادت بخت من نبود آن‌که تو یادم آوری / نقد چنین کم اوفتد خاصه به دست مفلسی
۴) کشته معشوق را درد نباشدکه خلق / زنده به جانند و ما زنده به تأثیر او

تست ۳۵۶ با توجه به «علوم و فنون ادبی» کدام گزینه غلط است؟

«ترک دنیا به مردم آموزند / خویشتن سیم و غلّه اندوزند
عالم آن‌کسی بود که بد نکند / نه بگوید به خلق و خود نکند»

۱) شعر را در رده «ادبیات تعلیمی» می‌توان جا داد.
۲) ابیات بر اساس قاعده «۲» و تبصره قافیه سروده شده است.
۳) در سرود فوق اختیار شاعری آوردن فاعلاتن به‌جای فعلاتن یافت می‌شود.
۴) حذف همزه و کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند «هر دو» در ابیات مشهود است.

سوالات قافیه و عروض علوم و فنون کنکور خارج کشور تیر ۱۴۰۱

تست ۳۵۷ «قاعدهٔ قافیه» در کدام بیت متفاوت است؟

۱) چار دیوار قفس عشرت سرای ما بس است / شهربند دام باغ دلگشای ما بس است
۲) چه پروا از عتاب و ناز عشاق بلاجو را / که عشاق مدّ احسان می‌شمارد چین ابرو را
۳) گفتا برون‌شدی به تماشای ماه نو / از ماه ابروان منت شرم باد رو
۴) همه‌شب راه دلم بر خم گیسوی تو بود / آه از این راه که باریک‌تر از موی تو بود

تست ۳۵۸ «قاعده و تبصرهٔ قافیه» در کدام ابیات یکسان است؟

الف) تا با تو آرمیده‌ام از خود رمیده‌ام / منّت خدای را که چه خوش آرمیده‌ام
ب) از بس عرق شرم نشسته است به رویم / محروم ز نظّاره‌ی آن روی نکویم
ج) بوی رحمان از یمن آمد دل‌وجان تازه شد / دل چه و جان چه جهان از بوی رحمان تازه شد
د) چندان به سر کوی خرابات خرابم / کآسوده ز اندیشه‌ی فردای حسابم

۱) الف، ج
۲) الف، د
۳) ب، د
۴) ج، د

تست ۳۵۹ وزن عروضی سرودهٔ زیر کدام است؟

«تو قامت بلند تمنّایی ای درخت/ همواره خفته است در آغوشت آسمان/ بالایی ای درخت»

۱) مستفعلن مفاعلن/ مستفعلن مفاعلن/ مستفعلن فع
۲) مفاعلن فعلاتن فع/ مفاعلن فعلاتن مفاعلن/ مفاعلن فاعلن
۳) مفعولُ مفاعلن فعولن/ مفعولُ مفاعلن فعولن/ مفعولُ فعل
۴) مفعولُ فاعلاتُ مفاعیلُ فاعلن/مفعولُ فاعلاتُ مفاعیلُ فاعلن/ مفعولُ فاعلن

تست ۳۶۰ وزن کدام بیت دولختی (دوری) است و می‌توان آن را به دو صورت دسته‌بندی هجایی کرد؟

۱) آخر نه دل به دل رود، انصاف من بده / چون است من به وصل تو مشتاق و تو ملول
۲) تو جهان پاک داری نه وطن به خاک داری / چه شود اگر زمانی به جهان ما درآیی
۳) تو مست خواب نوشین تا بامداد و بر من / شب‌ها رود که گویی هرگز سحر نباشد
۴) کار فروبسته‌ام هیچ گشایش ندید / تا گره زلف را کارگشا کرده‌ای

تست ۳۶۱ وزن کدام ابیات همسان دولختی (دوری) است؟

الف) مرا هر آینه روزی تمام کشته بینی / گرفته دامن قاتل به هر دو دست ارادت
ب) بسیار کس شدند کمند اسیر عشق / تنها نه از برای من این شور و شر فتاد
ج) تو اسیر ملک هستی به حقیقت ای دریغا / اگر التفات بودی به فقیر مستمندت
د) هزار جان به ارادت همی تو را جویند / تو سنگدل به لطافت دلی نمی‌جویی

۱) الف، ج ۲) الف، د ۳) ب، ج ۴) ب، د

تست ۳۶۲ در کدام بیت «سه نوع اختیار وزنی و دو اختیار زبانی» می‌توان یافت؟

۱) مزرع امّید را یک دانه به زان خال نیست / دل ز خالش برگرفتن خالی از اشکال نیست
۲) کسی از سِرّ دل جام خبردار نشد / بی‌خبر باش که صاحب‌خبری پیدا نیست
۳) تو همان طایر فرخنده‌ی اوج شرفی / کز پرت شهپر جبریل امین خوش‌تر نیست
۴) گر بر من آن نگار پری‌چهره بگذرد / تشویشم از عقوبت دیو رجیم نیست

تست ۳۶۳ در کدام بیت همه اختیارات وزنی به‌جز «قلب» وجود دارد؟

۱) خامی و ساده‌دلی شیوه‌ی جانبازان نیست / خبری از بر آن دلبر عیار بیار
۲) نام تو می‌رفت و عارفان بشنیدند / هر دو به رقص آمدند سامع و قابل
۳) ز ملک تا ملکوتش حجاب بردارند / هر آن‌که خدمت جام جهان‌نما بکند
۴) مرا به کار جهان هرگز التفات نبود / رخ تو در نظر من چنین خوشش آراست

تست ۳۶۴ کدام سروده در «بحر هزج» است؟

۱) ای روح سرد زمستان!/ دیگر از آن طلوع دریایی چه مانده است/ جز این غروب زرد؟
۲) ما به خواب سرد و ساکت سیمرغان ره‌یافته‌ایم/ ما حقیقت را در باغچه پیدا کردیم
۳) چه آزاری است در این لحظه‌ها و یادها بیگانه بودن با شکیبایی/ چه آزاری است تنهایی
۴) بیا آب شو مثل یک واژه در سطر خاموشی‌ام/ بیا ذوب کن در کف دست من جرم نورانی عشق را

تست ۳۶۵ با توجّه به «عروض و قافیه» کدام مورد غلط است؟

«آشفته سخن چو زلف جانان خوش‌تر / چون کار جهان بی‌سروسامان خوش‌تر
مجموعه‌ی عاشقان بود دفتر من / مجموعه‌ی عاشقان پریشان خوش‌تر»

۱) خوش‌تر «ردیف» و «ن» حرف روی است.
۲) قافیهٔ ابیات فوق بر اساس قاعدهٔ «۲» سروده شده است.
۳) ابیات فوق را می‌توان به دو صورت دسته‌بندی هجایی کرد.
۴) اختیار شاعری «قلب و ابدال» هر دو در سرودهٔ فوق یافت می‌شود.

آموزشگاه مجازی احمدی
برای خرید نسخه چاپی یا تدریس ویدئویی این جزوه به سایت و یا کانال تلگرامی «آموزشگاه مجازی احمدی» مراجعه کنید.
برای کسب اطلاعات بیشتر در مورد این جزوات و پکیج‌ها به شماره ۰۹۱۲۳۷۰۸۴۷۶ در تلگرام یا واتساپ و یا به صورت SMS پیام بدهید.
Ahmadi63amoozesh.com
@ahmadi63amoozesh

سوالات قافیه و عروض علوم و فنون کنکور داخل کشور ۱۴۰۰

تست ۳۶۶ کدام ابیات «فاقد» ردیف است؟

الف) من قصه خویشتن بدو چون گویم / ترک است و به چوگان بزند چون گویم
ب) تنگ شد از غم دل، جای به من / یک دل و این همه غم وای به من
ج) مشو تا توانی ز رحمت بری / که رحمت برندت چو رحمت بری
د) گدایی که بر خاطرش بند نیست / به از پادشاهی که خرسند نیست
هـ) خوش آن که نگاهش به سر و پای تو باشد / آیینه صفت محو تماشای تو باشد

۱) ب – ج – د ۲) ب – د – ه ۳) الف – ج – د ۴) الف – ج – ه

تست ۳۶۷ کدام بیت، براساس قاعده و تبصره «۱» قافیه سروده شده است؟

۱) رفتی و نام تو ز زبانم نمی‌رود / و اندیشهٔ تو از دل و جانم نمی‌رود
۲) از پستهٔ تنگ خود آن یار شکر بوسه / دوشم به لب شیرین جان داد به هر بوسه
۳) زهی خورشید را داده رخ تو حسن و زیبایی / در لطف تو کس بر من نبندد گر تو بگشایی
۴) میر من خوش می‌روی کاندر سر و پا میرمت / خوش خرامان شو که پیش قدّ رعنا میرمت

تست ۳۶۸ وزنِ مصراع زیر با کدام مصراع، یکسان است؟

«گر خون من ز شیشه بریزد به جام او»

۱) کار فرو بسته‌ام هیچ گشایش ندید
۲) هیچ مرغِ دلی از حلقهٔ زلف تو نجست
۳) ز شرم عارض او لاله بست بر رخ ماه
۴) آگاهیش ز راحت عشّاق خسته نیست

تست ۳۶۹ در همهٔ ابیات هر دو اختیار «وزنی و زبانی» وجود دارد، به جز:

۱) گره به باد مزن گر چه بر مراد رود / که این سخن به مثل باد با سلیمان گفت
۲) حافظ ار آب حیات ازلی می‌خواهی / منبعش خاک در خلوت درویشان است
۳) مستم کن آن چنان که ندانم ز بی‌خودی / در عرصهٔ خیال که آمد کدام رفت
۴) زنهار از آن عبارت شیرین دلفریب / گویی که پستهٔ تو سخن در شکر گرفت

تست ۳۷۰ بیتِ زیر فاقد کدام «اختیار شاعری» است؟

«هر که در سایه‌ی تو باشد نیست / روز او را به آفتاب نیاز»

۱) ابدال ۲) حذف همزه ۳) بلند بودن جای پایان مصراع ۴) بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه

تست ۳۷۱ کدام بیت را «نمی توان» به دو صورت تقسیم‌بندی هجایی کرد؟

۱) سپهر با همه بی‌مهریش به مهر آمد / هنوز با من بیدل تو بر سر کینی
۲) گنجینهٔ مهر او در سینه نمی گنجد / کاشانه بدین تنگی یک باره خراب اولی
۳) ای خواجه برو بندهٔ آن زهره‌جبین باش / در بندگی خاک درش صدرنشین باش
۴) شاخ گلی که آبش از جوی دیده دادم / دورم ز خویشتن کرد با صد هزار خواری

تست ۳۷۲ کدام بیت «فاقد» وزن دوری (همسان دو لختی) است؟

۱) تا تو به گلشن آمدی با همه در کشاکشم / وه که تو در کنار گل من به میان آتشم
۲) در وادی محبّت دانی چه کار کردم / اول به سر دویدم آخر ز پا فتادم
۳) تا خیل غمت خیمه زد اندر دل تنگم / از تنگدلی با در و دیوار به جنگم
۴) ای کعبه‌ی مقصودم وی قبله‌ی آمالم / مپسند بدین روزم مگذار بدین حالم

Ahmadi63amoozesh.com
@ahmadi63amoozesh
@aboozarahmadi63

تست ۳۷۳ وزنِ کدام مصراع در مقابل آن «غلط» آمده است؟

۱) راز همه کرد افشا ننموده رخ زیبا (مفعول مفاعیل مفاعیل فعولن)

۲) نشستم از سر زلفش ولی به روز سیاهی (مفاعلن فعلاتن مفاعلن فعلاتن)

۳) امشب ای زلف سیه سخت پریشان شده‌ای (فاعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلن)

۴) دوش ز دست رقیب ساغر می خورده‌ای (مفتعلن فاعلن مفتعلن فاعلن)

تست ۳۷۴ با توجّه به عروض و قافیه کدام گزینه، در مورد رباعیِ زیر «غلط» ذکر شده است؟

«بازار قبول گل چو شد خوش خوش تیز — گفتم که به باغ در شو ای دلبر خیز
گل گفت که آب قدمش خیره مریز — ما دست گلابگر گرفتیم و گریز»

۱) ابیات را می‌توان به دو صورت دسته‌بندی هجایی کرد.

۲) در بیت اوّل از اختیار شاعری ابدال استفاده شده است.

۳) در بیت دوم شاعر دو بار مصوت کوتاه را بلند تلفظ کرده است.

۴) قافیهٔ رباعی بر اساس قاعده «۲» آمده است و حرف روی « ز » است.

Ahmadi63amoozesh.com

آموزشگاه مجازی احمدی
برای خرید نسخه چاپی یا تدریس ویدئویی این جزوه به سایت و یا کانال تلگرامی «آموزشگاه مجازی احمدی» مراجعه کنید.
برای کسب اطلاعات بیشتر در مورد این جزوات و پکیج‌ها به شماره ۰۹۱۲۳۷۰۸۴۷۶ در تلگرام یا واتساپ و یا به صورت SMS پیام بدهید.
Ahmadi63amoozesh.com
@ahmadi63amoozesh

سوالات قافیه و عروض علوم و فنون کنکور داخل کشور ۱۴۰۰

تست ۳۷۵ قاعدهٔ قافیه در مقابلِ کدام بیت، «غلط» آمده است؟

۱) ای برادر بشنوی رمزی و شعر و شاعری / تا ز ما مشتی گدا کس را به مردم نشمری (قاعدهٔ ۲)
۲) چون من به ره سخن فراز آیم / خواهم که قصیده‌ای بیارایم (قاعدهٔ ۲)
۳) اگر محوّل حال جهانیان نه قضاست / چرا مجاری احوالْ برخلافِ رضاست (قاعدهٔ ۱)
۴) در پای تو تا زلف چلیپای تو افتاد / بس دل که از این سلسله در پای تو افتاد (قاعدهٔ ۱)

تست ۳۷۶ توضیحِ روبه‌روی کدام بیت، در مورد قافیه درست است؟

۱) سپه را تو باش این زمان پیشرو / تویی کینه‌خواه جهاندار نو (قاعدهٔ ۱)
۲) ناقهٔ جسم دلی را بنده باش / تا شوی با روح صالح خواجه‌تاش (ذوقافیتین)
۳) دوش از در میخانه کشیدند به دوشم / تا روز جزا مست ز کیفیت دوشم (ش: حرف روی)
۴) خدایا مقصر به کار آمدیم / تهی‌دست و امیدوار آمدیم («یم» حروف الحاقی)

تست ۳۷۷ وزنِ کدام مصراع، در مقابلِ آن «غلط» آمده است؟

۱) چین زلف مشکین را بر رخ نگارم بین (مستفعلُ فاعلاتُ فعِلن)
۲) ای دل چو خطش سر زد پیوند از او مگسل (مفعول مفاعیلن مفعول مفاعلین)
۳) برخاست ز هر گوشه بلایی به کمینم (مفعول مفاعیل مفاعیل فعولن)
۴) مژگان مردم افکن چشمان کافرش بین (مستفعلن فعولن مستفعلن فعولن)

تست ۳۷۸ در کدام بیت «بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه، کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند و ابدال» همگی یافت می‌شود؟

۱) قوّت بازوی پرهیز به خوبان مفروش / که در این خیل حصاری به سواری گیرند
۲) رقص بر شعر تر و نالهٔ نی خوش باشد / خاصه رقصی که در آن دست نگاری گیرند
۳) حافظ ابنای زمان را غم مسکینان نیست / زین میان گر بتوان به که کناری گیرند
۴) خوش گرفتند حریفان سر زلف ساقی / گر فلکشان بگذارد که قراری گیرند

تست ۳۷۹ در بیتِ زیر همهٔ اختیارات شاعری یافت می شود، به‌جز:

«چون گل و می دمی از پرده برون آی و درآ / که دگر باره ملاقات نه پیدا باشد»

۱) قلب
۲) ابدال
۳) تغییر کمیت مصوت‌ها
۴) آوردن فاعلاتن به جای فعلاتن

تست ۳۸۰ وزنِ کدام مصراع با مصراعِ زیر، یکسان است؟

«خیال سرو قدانت به پیشواز آید»

۱) گوشم همه بر قولِ نی و نغمهٔ چنگ است
۲) بگشای روی زیبا ز گناه آن میندیش
۳) جریده رو که گذرگاه عافیت تنگ است
۴) به دامان فلک جایی سزای چون تو گوهر نیست

تست ۳۸۱ وزنِ کدام بیت «دوری» است؟

۱) باز آی و بر چشمم نشین ای دلستان نازنین / کآشوب و فریاد از زمین بر آسمانم می‌رود
۲) نعیم هر دو جهان پیش عاشقان بجوی / که این متاع قلیل است و آن عطای کثیر
۳) زاهد از ما به سلامت بگذر کاین می لعل / دل و دین می‌برد از دست بدان‌سان که مپرس
۴) به شوق چشمه‌ی نوشت چه قطره‌ها که فشاندم / ز لعل باده‌فروشت چه عشوه‌ها که خریدم

Ahmadi63amoozesh.com

تست ۳۸۲ کدام بیت را نمی‌توان به دو شکل، دسته‌بندی هجایی کرد؟

۱) رقصیدن سرو و حالت گل / بی‌صوت هزار خوش نباشد
۲) این مطرب از کجاست کـه ساز عراق ساخت / و آهنگِ بازگشت به راه حجاز کرد
۳) آخر بـه چه گویم هست از خود خبرم چون نیست / وز بهر چـه گویم نیست با وی نظرم چون هست
۴) آن که غـم جهان خورد کی خورد از حیات بر / پس تـو غم جهان مخور تا ز حیات برخوری

تست ۳۸۳ با توجه به بیتِ زیر، از دیدگاه «عروض و قافیه» کدام مورد «نادرست» است؟

«ای ظلمت شـب پرده‌ی خورشید جمـالت / وی کوکبه‌ی صبح جلودار جلالت»

۱) وزن بیت «مفعولُ مفاعیلُ مفاعیلُ فعولن» است.
۲) در بیت اختیار شاعری «تغییر کمیت مصوت» وجود دارد.
۳) «جمالت و جلالت» واژهٔ قافیه و «ت» حرف روی است.
۴) قافیهٔ بیت بر اساس قاعدهٔ «۲» و تبصرهٔ «۱» آمده است.

سوالات قافیه و عروض علوم و فنون کنکور داخل کشور ۱۳۹۹

تست ۳۸۴ قافیه در کدام بیت «یک گروه قیدی» است؟

۱) ای تاب‌داده گیسو حالی است بر دل من / از تاب بی‌حسابت وز پیـچ بی شماره
۲) آشفتگان عشقت گیرم کـه جمع گردند / جمـع از کجا توان کرد دل‌هـای پاره‌پاره
۳) با این سپاه مژگان از خانه گر درآیی / تسخیر می‌توان کرد شهـری به یک اشاره
۴) از لعل و چشمت آخـر دیدی که شد فروغی / ممنون به یک تبسم، قانع بـه یک نظاره

تست ۳۸۵ قافیه در کدام بیت «غلط» است؟

۱) مـرا چـون خلیـل آتشی در دل است / که پنداری این شعلـه بـر من گل است
۲) اجل ناگهان در کمینم کشد / همان به که آن نازنینم کشد
۳) نه خود را به آتش به خود می‌زنم / که زنجیر شوق است در گردنم
۴) گدایی که از پادشاه خواست دخت / قفا خورد و سودای بیهوده پخت

تست ۳۸۶ در همهٔ ابیات حذف «همزه» به چشم می‌خورد؛ به‌جز:

۱) برون خـرام و ببر گـوی خوبی از همه‌کس / سزای حور بده رونق پری بشکن
۲) چو عندلیب فصاحت فروشد ای حافظ / تو قدر او بـه سخن گفتن دری بشکن
۳) چو عطرسای شود زلف سنبل از دم باد / تو قیمتش بـه سر زلـف عنبری بشکن
۴) به زلف گـوی کـه آیین دلبری بگذار / به غمـزه گـوی که قلب ستمگری بشکن

تست ۳۸۷ وزنِ بیتِ زیر، با کدام بیت یکسان است؟

«فغان که منزل دور و دراز وادی عشق / نکـرد دل تهـی از ناله چون جـرس ما را»

۱) به سیر ماه از محفل مخـوان پروانهٔ ما را / که می‌گـردد خنک از پرتو مهتاب عیش ما
۲) سیاه در دو جهان باد روی موی سفید / که همچو صبح، گران‌سنگ ساخت خواب مرا
۳) به اسیران بلا ملک امان فرمودند / به فقیران گدا گنج سلاطین دادند
۴) نفحات صبح دانی ز چه روی دوست دارم / کـه به روی دوست ماند کـه برافکند نقابی

Ahmadi63amoozesh.com

تست ۳۸۸ در بیتِ زیر، همه اختیارات شاعری یافت می‌شود؛ به‌جز:

«قوّت بازوی پرهیز به خوبان مفروش / که در این خیل حصاری به سواری گیرند»

۱) بلند تلفّظ کردن مصوت کوتاه، قلب
۲) کوتاه تلفّظ کردن مصوت بلند، ابدال
۳) آوردن فاعلاتن به‌جای فعلاتن، حذف همزه
۴) بلند بودن هجای پایان مصراع، بلند تلفّظ کردن مصوت کوتاه

تست ۳۸۹ کدام ابیات را می‌توان به دو صورت دسته بندی هجایی کرد؟

الف) عشقم آتش زد و آب مژه از سر بگذشت / پی آن گوهر یکدانه به صحرا زده‌ام
ب) وقتی نشد که بی دوست بر حال خود نگریم / روزی نشد که در عشق بر کار خود نخندم
ج) ای بت دل‌پسند من هر سو موت بند من / کاکل تو کمند من طرّه تابدار هم
د) نقد جان بر سر سودای جنون باخته‌ایم / ایمن از وسوسه‌ی عقل زیان‌کار شدیم
هـ) از بس عرق شرم نشسته است به رویم / محروم ز نظّاره‌ی آن روی نکویم

۱) الف، ج
۲) الف، هـ
۳) ب – د
۴) ب، هـ

تست ۳۹۰ با توجّه به بیتِ زیر همهٔ موارد از دیدگاه «عروض و قافیه» درست است؛ به‌جز:

«در نمازم خم ابروی تو در یاد آمد / حالتی رفت که محراب به فریاد آمد»

۱) وزن بیت «فاعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلن» است.
۲) در بیت فوق قافیه بر اساس قاعده «۲» آمده است.
۳) شاعر از اختیارات شاعری «ابدال» و حذف همزه استفاده کرده است.
۴) در مصراع اول دو بار و در مصراع دوم یک‌بار، «حذف همزه» صورت گرفته است.

تست ۳۹۱ در بیتِ زیر، با توّجه به اختیارات شاعری تعداد هجاهای بلند و کشیده به ترتیب، کدام است؟

«از پای فتادیم چو آمد غم هجران / در درد بمردیم چو از دست دوا رفت»

۱) ده، پنج
۲) ده، شش
۳) یازده، چهار
۴) یازده، پنج

تست ۳۹۲ وزن همه ابیات «دوری» است؛ به‌جز:

۱) صید بیابان عشق چون بخورد تیر او / سر نتواند کشید پای ز زنجیر او
۲) ای که ز دیده غایبی در دل ما نشسته‌ای / حسن تو جلوه می‌کند وین همه پرده بسته‌ای
۳) بیا که در غم عشقت مشوشم بی تو / بیا ببین که در این غم چه ناخوشم بی تو
۴) می برزند ز مشرق شمع فلک زبانه / ای ساقی صبوحی در ده می شبانه

سوالات قافیه و عروض علوم و فنون کنکور خارج کشور ۱۳۹۹

تست ۳۹۳ در کدام بیت «قاعدهٔ قافیه» متفاوت است؟

۱) خوش آن که حلقه‌های سر زلف واکنی / دیوانگاه سلسله‌ات را رها کنی
۲) اولین گام از سمند عقل را پی می‌کنی / وادی بی‌منتهای عشق را طی می‌کنی
۳) زان فشانم اشک در هر رهگذاری / تا به دامان تو ننشیند غباری
۴) این چه دامی است که از سنبل مشکین داری / که به هر حلقهٔ آن صد دل مسکین داری

تست ۳۹۴ کدام بیت «ذوقافیتین» است؟

۱) کودکی در پیش تابوت پدر — زار مـی نالیـد و بـر مـی‌کوفـت سـر
۲) حیله آموزان جگرها سوخته — فعل ها و مکرها آموخته
۳) فتنـه و آشـوب و خـون‌ریـزی مجـوی — بـیش از ایـن شـمس تبریـزی مگـوی
۴) این سخن نه هم ز درد و سوز گفت — خوابناکی هرزه گفت و باز خفت

تست ۳۹۵ حذفِ همزه در کدام بیت بیشتر صورت گرفته است؟

۱) عاقبت سیلابم از سر بگذرد چون دم به دم — راه می‌گیرم بر آب چشم و دیگر می‌چکد
۲) ستیـزآوری کـار اهریمـن است — ستیـزه به پرخاش آبستـن است
۳) دامن گردون پر از خون جگر بینم به صبح — بس که در مهر تو اشک از چشم اختر می‌چکد
۴) گوییا عزم ندارد که شود روز امشب — یا درآید ز در آن شمع شب افروز امشب

تست ۳۹۶ وزنِ عروضی مصراع «چشم تماشای خلق در رخ زیبای اوست» با کدام مصراع همسان است؟

۱) گر مرد رهی با خبر از نالهٔ دل باش
۲) خوشتر از دانهٔ اشکم گهری پیدا نیست
۳) قطع نظر ز دشمن ما کرد چشم دوست
۴) تا بـه جفایت خوشم ترک جفا کرده‌ای

تست ۳۹۷ در همهٔ ابیات دو اختیار وزنی «فاعلاتن به جای فعلاتن و ابدال» وجود دارد؛ به جز:

۱) آب رخ پیش ما کسی دارد — کـه بـود خـاک آسـتان شـما
۲) اگر آن ابرو است و پیشانی — نکشـد هـیچ کـس کمـان شـما
۳) می‌کند مرغ جان ما پرواز — دم بـه دم سـوی آشـیان شـما
۴) چه بود گر به ما رساند باد — بـویی از طـرف بوسـتان شـما

تست ۳۹۸ در کدام بیت، اختیار وزنی قلب به کار رفته است؟

۱) ماهی و چون عیان شوی شمع هزار مجلسی — سروی و چون روان شوی عشق هزار لشکری
۲) از سر رشک سوختم زان همه سوزم از درون — با همه آب ساختی زان همه آبی از تری
۳) سـینه‌ی خاقـانی اگـر پـاک بشـویی از غبـار — پـیش خـدایگان تـو را بـیش کنـد ثنـاگری
۴) هم شکـری تو هم نمک با تو چه نسبت آب را — چند به رغم دوستان دشمن خویش پروری

تست ۳۹۹ در بیتِ زیر همهٔ موارد از دیدگاه «عروض و قافیه» درست است؛ به جز:

«نفسم گرفته زین شب در این حصار بشکن — در ایـن حصـار جـادویی روزگـار بشـکن»

۱) قافیهٔ بیت بر اساس قاعدهٔ «۲» آمده است.
۲) وزن بیت «فعلاتٌ فاعلاتن فعلاتٌ فاعلاتن» است.
۳) طبق اختیارات شاعری در بیت دو بار «همزه» حذف شده است.
۴) در بیت اختیارات شاعری (کوتاه تلفّظ کردن مصوت بلند) یافت می شود.

تست ۴۰۰ همهٔ ابیات در وزن همسان دو لختی سروده شده‌اند، به جز:

۱) زان پـرده مـی گشـاید دلبنـد نـازنینم — تا در نظر نیاید زیبا نگار چینم
۲) هر گوشه کمین کرده ابـروی کماندارش — در صید نظربازان بگشاده کمینش بین
۳) تـا بـه جفایـت خوشـم تـرک جفـا کـرده‌ای — این روش تازه را تازه بنا کرده‌ای
۴) قامت به ناز افراخت خلقی ز پا انداخته — دل‌ها مسخّر ساخته کشورستانی را ببین ؟

تست ۴۰۱ **دو مصراع کدام بیت، با توجّه به اختیارات شاعری از نظر تعداد و نظم هجاها، یکسان نیستند؟**

۱) صبحدم مرغ چمن با گل نوخاسته گفت / ناز کم کن که در این باغ بسی چون تو شکفت
۲) چون چشم تو دل می‌برد از گوشه‌نشینان / همراه تو بودن گنه از جانب ما نیست
۳) نه من سبوکش این دیر رند سوزم و بس / بسا سرا که در این کارخانه سنگ و سبوست
۴) ز درد عشق تو دوشم امید صبح نبود / اسیر عشق چه تاب شب دراز آرد؟

سوالات قافیه و عروض علوم و فنون کنکور داخل کشور ۱۳۹۸

تست ۴۰۲ **قافیه در همه ابیات درست است به جز:**

۱) از همه باشد به حقیقت گزیر / از تو نباشد که نداری نظیر
۲) ای خنده تو راهزن کاروان قند / ما نیش عشق خورده و لعل تو نوشخند
۳) گر چه آتش نیز هم جسمانی است / نه ز روح است و نه از روحانی است
۴) تو آنچ از تو سزد گفتی و کردی / غم جان من بیچاره خوردی

تست ۴۰۳ **قافیه در کدام بیت نادرست است؟**

۱) من کی‌ام آن را که شرح آن دهم؟ / ور دهم آن شرح، خط بر جان نهم
۲) چون بدیدش یاد آورد آنِ خویش / بی‌طمع شد ز اشتر آن یار و خویش
۳) مر مرا اینجا شکایت شکر شد / کفر ایمان گشت و ایمان کفر شد
۴) می‌نماید مار اندر چشم، مال / هر دو چشم خویش را نیکو بمال

تست ۴۰۴ **در بیت زیر، همه اختیارات شاعری یافت می‌شود به جز: ....**

«گذار بر ظلمات است خضر راهی کو / مباد کآتش محرومی آب ما ببرد»

۱) ابدال
۲) کوتاه تلفّظ‌کردن مصوّت بلند
۳) حذف همزه
۴) بلند تلفّظ‌کردن مصوّت کوتاه

تست ۴۰۵ **در کدام بیت، اختیار زبانی «تغییر مصوّت کوتاه به بلند و تغییر مصوّت بلند به کوتاه» صورت گرفته است؟**

۱) داغ محبّت است و بس خانه‌فروز جان و دل / نیست زِ روزن دگر روشنی این سرای را
۲) باده عقل‌سوز را داروی بیهُشی مزن / نیست به سرمه حاجت آن چشم جنون فزای را
۳) آن شکرین‌لبی که من ناله از او چو نی کنم / غوطه به زهر می‌دهد طوطی خوش‌نوای را
۴) سوخت بساط هستیم ریخت بنای طاقتم / چند پر از نفس دهم آه شکسته پای را

تست ۴۰۶ **وزن بیتِ زیر، کدام است؟**

«ای ساقی از آن پیش که مستم کنی از می / من خود ز نظر در قد و بالای تو مستم»

۱) مُستَفعِلُ مُستَفعِلُ مُستَفعِلُ فَع
۲) مَفعولُ مَفاعیلُ مَفاعیلُ فَعولُن
۳) مُستَفعِلُ فاعِلاتُ مُستَفعِلُ فَع
۴) مَفعولُ مَفاعِلُن مَفاعیلُن فَع

تست ۴۰۷ **نامِ وزنِ مقابلِ کدام مصرع، درست است؟**

۱) مرا مهر سیه چشمان زیر سر بیرون نخواهد شد : هَزَجِ مُثَمَّن سالم
۲) شوریده و شیدا کند هر دل که دلبر جا کند : رَمَلِ مُثَمَّن سالم
۳) فلک کار مرا افکند با نامهربان ماهی : هَزَجِ مُثَمَّن مَحذوف
۴) آشفته خاطر کرده‌ام جمعیّت عشّاق را : رَجَزِ مُثَمَّن مَحذوف

تست ۴۰۸ کدام دو بیت را می‌توان به دو صورت دسته‌بندی هجایی کرد؟

الف) دست به جان نمی‌رسد تا به تو برفشانمش / بر که توان نهاد دل تا ز تو واستانمش

ب) نه حسرت وصالش از دل به در توان کرد / نه صبر در فراقش زین بیشتر توان کرد

ج) من نمی‌گویم که عاقل باش یا دیوانه باش / گر به جانان آشنایی از جهان بیگانه باش

د) ساقی چمن گل را بی روی تو رنگی نیست / شمشاد خرامان کن تا باغ بیارایی

۱) الف ـ ب ۲) الف ـ ج ۳) ب ـ د ۴) ج ـ د

تست ۴۰۹ وزن کدام بیت با «تو قدر آب چه دانی که در میان فراتی» یکسان است؟

۱) هر آن کست که ببیند روا بود که بگوید / که من بهشت بدیدم به راستی و درستی

۲) هزار نقد به بازار کاینات آرند / یکی به سکّه صاحب‌عیار ما نرسد

۳) اگر روم ز پیَش فتنه‌ها برانگیزد / ور از طلب بنشینم به کینه برخیزد

۴) برو معالجه خود کن ای نصیحت‌گوی / شراب و شاهد شیرین که را زیانی داد

تست ۴۱۰ وزنِ مقابلِ کدام مصراع درست است؟

۱) چند نومید ز کوی تو دل زار آید: فاعِلاتُن فَعَلاتُن فَعَلاتُن فَعَلاتُن

۲) گوهر تاجم که در دست گدا افتاده‌ام: فاعِلاتُن فاعِلاتُن فاعِلاتُن فاعِلُن

۳) جهان و کار جهان جمله هیچ بر هیچ است: مَفاعِلُن فَعَلاتُن مَفاعِلُن فَعَلاتُن

۴) من و باد صبا مسکین، دو سرگردانِ بی‌حاصل: مَفاعیلُن مَفاعیلُن مَفاعیلُن فَعولُن

تست ۴۱۱ وزن مصراع‌های زیر، به ترتیب کدام است؟

«صبح خواهد شد / و به این کاسه آب / آسمان هجرت خواهد کرد»

۱) فاعِلاتُن فع لُن، فَعَلاتُن فع، فاعِلاتُن مَفعولُن فَع

۲) فاعِلاتُن فع، فَعَلاتُن فَعِلُن، فاعِلاتُن فَعَلاتُن فَع

۳) فاعِلاتُن فع، فاعِلاتُن فع لُن، فاعِلاتُن فَعَلاتُن فَع

۴) فَعَلاتُن فَع، فَعَلاتُن فَعِلُن، فَعَلاتُن فَعَلاتُن فَعِلُن

سوالات قافیه و عروض علوم و فنون کنکور خارج کشور ۱۳۹۸

تست ۴۱۲ در همه ابیات قافیه درست است؛ به جز:

۱) خویشتن را عارف و واله کُنی / خاک در چشم مروّت می‌زَنی

۲) ناگهان تمثال گرگ هِشته‌ای / سر برآورد از فراز پُشته‌ای

۳) گفت یک گوشه است آنِ باغبان / هست اینجا گرگ و او را پاسبان

۴) گر میسّرکردن حق ره بُدی / هر جهود و گبر از او آگه بُدی

تست ۴۱۳ در کدام بیت، قافیه «غلط» است؟

۱) پس این پیر از آن طفل نادان ترست / که از بهر مردم به طاعت درست

۲) مرا چون خلیل آتشی در دل است / که پنداری این شعله بر من گل است

۳) سر از گوی صورت به معنی کشید / قلم بر سر حرف دعوی کشید

۴) به نزدیک من شبرو راهزن / به از فاسق پارسا پیرهن

تست ۴۱۴ در همه ابیّات تغییر مصوّت بلند به کوتاه وجود دارد؛ به جز:

۱) تاتار هجر کرد سیاهی و عنبری — زان مشک‌های آهوی تاتارم آرزوست
۲) اندر دلم ز غمزه غمّازه فتنه هاست — فتنه‌نشان جادوی بیمارم آرزوست
۳) ساقی و سر دهی ز لب یارم آرزوست — بد مستی‌ای ز نرگس خمّارم آرزوست
۴) تا سوی گلشن طرب آیم خراب و مست — از گلشن وصال تو یک خارم آرزوست

تست ۴۱۵ بیتِ زیر، فاقد کدام اختیارات شاعری است؟

«طهارت ار نه به خون جگر کند عاشق — به قول مفتی عشقش درست نیست نماز»

۱) بلند تلفّظ کردن مصوّت کوتاه، قلب
۲) بلند تلفّظ کردن مصوّت کوتاه، ابدال
۳) حذف همره، بلند بودن هجای پایان مصراع
۴) حذف همزه، کوتاه تلفّظ کردن مصوّت بلند

تست ۴۱۶ وزنِ بیتِ زیر، کدام است؟

«کنون که کشتی ما در میان موج فتاد — اگر چنانکه مجال شنا بود غم نیست»

۱) مَفاعِلُن فاعِلاتُن مَفاعِلُن فَعِلُن
۲) مَفاعِلُن فَعِلاتُن مَفاعِلُن فَعِلُن
۳) مَفاعِلُن فَعَلاتُ مَفاعِلُن فَعِلُن
۴) مفاعیلُن فاعِلاتُن مَفاعِلُن فَعِلُن

تست ۴۱۷ وزن واژه‌ی شعر زیر، کدام است؟ «به چه خواهی بردن / در شبی این همه تاریک پناه»

۱) فَعَلاتُن فَعِلُن - فَعَلاتُن فَعَلاتُن فَعَلاتُن
۲) فَعَلاتُن فَعِلُن - فاعِلاتُن فاعِلاتُن فاعِلاتُن فَعِلُن
۳) فَعَلاتُن فَعِلُن - فاعِلاتُن فَعَلاتُن فَعِلُن
۴) فاعِلاتُن فَعَلاتُن فَعِلُن - فاعِلاتُن فَعَلاتُن فَعِلُن

تست ۴۱۸ کدام ابیات، دارای وزن (دُوری) شبیه به یکدیگرند؟

الف) آن روز قیامت را بر پای کند ایزد — که آیی پی دلجویی بر خاک شهیدانت
ب) ای بوستان خوبی خارم ز بی‌نوایی — بگذار تا بچینم برگی ز بوستانت
ج) جور بکن که حاکمان جور کنند بر رهی — شیر که پای‌بند شد تن بدهد به روبهی
د) وقتی دل سودایی می‌رفت به بستان‌ها — بی‌خویشتنم کردی بوی گل و ریحان‌ها

۱) ج ـ ب
۲) ب ـ د
۳) الف ـ ب
۴) الف ـ د

تست ۴۱۷ کدام بیت، در وزن «مَفعولُ فاعِلاتُ مَفاعیلُن» سروده شده است؟

۱) دزدند خودپرستی و خودکامی — با این دو فرقه راه نپیماید
۲) بس سقف شد خراب و نگشت آسمان خراب — بس عمر شد تمام و نشد روز و شب تمام
۳) خویشتن دیدن و از خود گفتن — صفت مردم کوته نظر است
۴) همیشه بار جفا بردن و نیاسودن — همیشه رنج طلب کردن و نرنجیدن

تست ۴۲۰ بَحرهای «مُتَقارِب، رَمَل، رَجَز و هَزَج» به ترتیب، مربوط به کدام ابیات است؟

الف) نردبان این جهان ما و منی است — عاقبت این نردبان بشکستنی است
ب) مرا نه سر نه سامان آفریدند — پریشانم پریشان آفریدند
ج) باز آی و بر چشمم نشین ای دلستان نازنین — که آشوب و فریاد از زمین بر آسمانم می‌رود
د) جهان را بلندی و پستی تویی — ندانم چه‌ای هر چه هستی تویی

۱) ج، ب، د، الف
۲) ج، ب، الف، د
۳) د، الف، ج، ب
۴) د، ب، ج، الف

تست ۴۲۱ **کدام بیت، در بَحر «رَمَل مُثَمَّن مَحذوف» است؟**

۱) صوفی بیا که آینه صافی است جام را / تا بنگری صفای می‌لعل فام را

۲) آن که جز کعبه مقامش نبود یاد لبت / بر در میکده دیدم که مقیم افتاده است

۳) ای که پرسی سرگذشتم پایم اندر گل فرو شد / زانکه در راه غمم جز اشک همراهی نباشد

۴) مرحبا ای پیک مشتاقان بده پیغام دوست / تا کنم جان از سر رغبت فدای نام دوست

Ahmadi63amoozesh.com

آموزشگاه مجازی احمدی

برای خرید نسخه چاپی یا تدریس ویدئویی این جزوه به سایت و یا کانال تلگرامی «آموزشگاه مجازی احمدی» مراجعه کنید.

برای کسب اطلاعات بیشتر در مورد این جزوات و پکیج‌ها به شماره ۰۹۱۲۳۷۰۸۴۷۶ در تلگرام یا واتساپ و یا به صورت SMS پیام بدهید.

Ahmadi63amoozesh.com
@ahmadi63amoozesh

فصل سیزدهم

آزمون های تالیفی

آزمون تالیفی شماره یک عروض و قافیه

تست ۴۲۲ قافیه کدام ابیات غلط است؟

الف) هرگـز این صـورت کند صـورتگری / یا چنین شاهد بود در کشوری

ب) جملـه گفتندش کـه ای خر گوش دار / خویش را اندازه خرگوش دار

ج) حلـق حیـوان چـون بریده شد به عدل / حلق انسان رست و افزونید فضل

د) خلاصه دو جهان است آن پـری چهره / چـو او نقـاب گشاید فنـا شـود زهره

ه) از فراق این خاک‌ها شوره شود / آب زرد و گَنده و تیره شود

۱) الف- ج ۲) ب- ه ۳) الف- د ۴) ج- ه

تست ۴۲۳ با توجه به مبحث قافیه کدام گزینه نادرست است؟

۱) دوش آگهی ز یار سفرکرده داد باد / من نیز دل به باد دهـم هـر چـه باد بـاد (ذوقافیتین)

۲) این جهان جنگ است کل، چون بنگری / ذرّه با ذرّه چو دین با کافری (قاعده «۲» قافیه)

۳) سحر بلبل حکایت با صبا کرد / که عشق روی گل با مـا چه‌ها کرد (قاعده «۱» قافیه)

۴) مطربِ جان، مونسِ مستان بود / نُقل و قوت و قوّت مست آن بود («ت» حرف روی)

تست ۴۲۴ کدام بیت بیشترین اختیار شاعری «حذف همزه» را دارد؟

۱) بده آن راح روان‌پرور ریحانی را / که به کاشانه کشیم آن بت روحانی را

۲) بشنو سخنی راست که امروز در آفاق / هر فتنه کـه هست از قد آن سیم بدن خاست

۳) صبح که از اشک فلک اشک ثریّا می‌ریخت / مهر دل آب رخم ز آتش سودا می ریخت

۴) گر از آن سنبل گلبوی سمن فرسا نیست / چیست این بوی دلاویز که با باد صباست

تست ۴۲۵ کدام ابیات هم ناهمسان هستند و هم به دو صورت دسته‌بندی هجایی می‌شوند؟

الف) گـر دولت وصالت خواهـد دری گشودن / سرهـا بدین تخیّـل بـر آستان توان زد

ب) دیده به دل می‌بـرد حکایـت مجنون / دیده ندارد که دل به مهر ندارد

ج) از شرم شود غرق عرق صبح جهانتاب / پیش رخ زیبای تو از روی صباحت

د) تـو آن کمند نداری کـه من خلاص بیابم / اسیر مـانـدم و درمان تحمّـل است و تذلّل

هـ) بـر خـوان تو این شکـر کـه می‌بینم / بی‌فایده‌ای مگس که می‌رانی

۱) الف – ب ۲) ب - د ۳) ج – هـ ۴) الف – د

Ahmadi63amoozesh.com

تست ۴۲۶ کدام مصراع می‌تواند مصراع دیگری از شعر «گفتم از ورطه عشقت به صبوری به درآیم» باشد؟

۱) پنجه با ساعد سیمین نه به عقل افکندم
۲) ای گل خوش بوی اگر صد قرن باز آید بهار
۳) هرکه از یار تحمّل نکند یار مگویش
۴) ور تو را با خاکساری سر به صحبت در نیاید

تست ۴۲۷ در کدام بیت هیچ‌یک از اختیارات زبانی وجود ندارد؟

۱) دائم ز خود سفر چو شرر می‌کنیم ما / نقد حیات صرف سفر می‌کنیم ما
۲) چون گردباد نیش دو صد خار می‌خوریم / گر جامه از غبار به بر می‌کنیم ما
۳) در پاکی گهر ز صدف دست برده‌ایم / آبی که می‌خوریم گهر می‌کنیم ما
۴) از رخنه‌ی دل است رهی گر به دوست هست / زین راه اختیار سفر می‌کنیم ما

تست ۴۲۸ در کدام بیت هیچ‌یک از اختیارات وزنی دیده نمی‌شود؟

۱) شبنمی نیست در این باغ به محرومی من / که دلم خون شد و بر لاله عذاری نزدم
۲) رهین وحشت خویشم که می‌برد هر دم / به سیر عالم دیگر، دل رمیده مرا
۳) نتواند که نهد بر سر کوی تو قدم / مگر آن‌کس که نخست از سر سر در گذرد
۴) ریشه دوانید عشق در جگر تشنه‌ام / سوختگی دود کرد از دل افگار من

تست ۴۲۹ در دو بیت زیر کدام اختیارات اختیار شاعری بیشتر به‌کاررفته است؟

الف) در جوانی توبه کن تا از ندامت برخوری / نیست چون دندان، لب خود را گزیدن مشکل است
ب) تا نگردد جذبه‌ی توفیق صائب دستگیر / از گل تعمیر ، پای خود کشیدن مشکل است

۱) حذف همزه
۲) آمدن فاعلاتن به جای فعلاتن
۳) بلند در نظر گرفتن هجای پایان مصراع
۴) بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه

تست ۴۳۰ با توجه به رباعی زیر کدام گزینه نادرست است؟

«تا چند اسیر رنگ و بو خواهی شد / چند از پی هر زشت و نکو خواهی شد
گر چشمه زمزمی و گر آب حیات / آخر به دل خاک فرو خواهی شد»

۱) در بیت اوّل اختیار شاعری ابدال وجود دارد.
۲) این شعر را به دو روش می‌توانیم دسته‌بندی هجایی کنیم.
۳) مصراع آخر هیچ اختیار زبانی‌ای ندارد.
۴) قافیه این رباعی بر اساس قاعده «۱» است.

آزمون تالیفی شماره دو عروض و قافیه

تست ۴۳۱ کدام ابیات بر اساس قاعده «۲» قافیه هستند و الحاقی دارند؟

الف) دیده از دیدار خوبان برگرفتن مشکلست / هرکه ما را این نصیحت می‌کند بی‌حاصلست
ب) خسرو آن است که در صحبت او شیرینی است / در بهشت است که هم خوابه حورالعینی است
ج) هرکس به تماشایی رفتند به صحرایی / ما را که تو منظوری خاطر نرود جایی
د) ای از بهشت جزوی و از رحمت آیتی / حق را به روزگار تو با ما عنایتی

۱) الف، ب
۲) ج، د
۳) الف، ج
۴) ب، د

Ahmadi63amoozesh.com
@ahmadi63amoozesh
@aboozarahmadi63

تست ۴۳۲ با توجه به مبحث قافیه توضیح مقابل کدام بیت نادرست است؟

۱) جهان چون زلف و خط و خال و ابروست / که هر چیزی به‌جای خویش نیکوست (قاعده «۱» قافیه)
۲) خرّم آن بقعه که آرامگه یار آنجاست / راحت جان و شفای دل بیمار آنجاست (قاعده «۲» قافیه)
۳) اتفاقم به سر کوی کسی افتاده است / که در آن کوی چو من کشته بسی افتاده است («ی» حرف روی)
۴) از هر چه می‌رود سخن دوست خوشتر است / پیغام آشنا نفس روح‌پرور است (حروف قافیه ـَ ر)

تست ۴۳۳ تعداد «حذف همزه» در مقابل کدام بیت نادرست است؟

۱) ز ایّام اگر چه تیره بود روز عمر ما / فرخنده روز آنکه در ایّام ما بود (۲ مورد)
۲) بوی گل شاخ فرح در باغ خاطر می نشاند / جام می زنگ غم از آیینه‌ی جان می‌زدود (۱ مورد)
۳) دهانش گویی از تنگی که هیچ است / بدان تنگی ندیدم در جهان هیچ (۲ مورد)
۴) مرا که از درت امّید فتح بابی نیست / در دولتی چشم است بر رهت مفتوح (۲ مورد)

تست ۴۳۴ کدام دو بیت با یکدیگر هم وزن هستند؟

الف) تاجداری نیست الا بر در خوبان گدایی / پادشاهی نیست الا پیش مهرویان غلامی
ب) گفتم از ورطه عشقت به صبوری به درآیم / باز می‌بینم و دریا نه پدید است کرانش
ج) سفله را قوّت مده چندان که مستولی شود / گرگ را چندان‌که دندان تیزتر خونریزتر
د) در هوای زلف بسته‌ات در فریب چشم مستت / ساکن میخانه گردد زاهد صاحب‌ولایت

۱) الف - ب
۲) ب – د
۳) ب - ج
۴) الف - د

تست ۴۳۵ در کدام بیت سه نوع اختیار وزنی به کار نرفته است؟

۱) نخل ما را ثمری نیست به جز گرد ملال / طعمه خاک شود هر که فشاند ما را
۲) یا رب آشفتگی زلف به دستارش ده / چشم بیمار بگیر و دل بیمارش ده
۳) همه شب قافله‌ی ناله‌ی من در راه است / گر چه فریاد رسی همچو جرس نیست مرا
۴) دشمن خانگی از خصم برونی بترست / بیشتر شکوه یوسف ز برادر باشد

تست ۴۳۶ ترتیب ابیات زیر به لحاظ «دوری با یک دسته‌بندی هجایی، ناهمسان با دودسته بندی هجایی، ناهمسان با یک دسته‌بندی هجایی، دوری با دودسته بندی هجایی» در کدام گزینه به‌درستی آمده است؟

الف) آتش عشق تو چون زبانه برآرد / از دلسنگ آه عاشقانه برآرد
ب) هر راز که اندر دل دانا باشد / باید که نهفته‌تر ز عنقا باشد
ج) گر بی تو بود جنّت بر کنگره ننشینم / ور با تو بود دوزخ در سلسله آویزم
د) من به خیال زاهدی گوشه‌نشین و طرفه آنک / مغبچه‌ای ز هر طرف می‌زندم به چنگ و دف

۱) الف، ج، ب، د
۲) الف، د، ب، ج
۳) د، ب، الف، ج
۴) د، ب، ج، الف

تست ۴۳۷ در کدام بیت اختیارات شاعری «حذف همزه، بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه، کوتاه تلفظ مصوت بلند» وجود دارد؟

۱) از دست دل سوخته و دیده خونبار / یک لحظه نبودیم جدا ز آتش و از آب
۲) خواجو ار تشنه بمیرد به جز از مردم چشم / آبی این طایفه بر لب نچکانند او را
۳) گرم دعای شما ورد جان بود چه عجب / که هست روز و شب اوراد من دعای شما
۴) اگر از هستی خواجو اثری باقی بود / این دم از آتش عشق تو بیکبار بسوخت

تست ۴۳۸ در بیت زیر کدام اختیار شاعری وجود ندارد؟

« بر دل خاقانی اگر داغ جفا نهی چه شد / او ز سگان کیست خود تا بردت به داوری »

۱) ابدال ۲) قلب ۳) حذف همزه ۴) کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند

تست ۴۳۹ با توجه به شعر زیر کدام گزینه نادرست است؟

«بلبلی برگ گلی خوش رنگ در منقار داشت / و اندر آن برگ و نوا خوش نالـه‌های زار داشت
گفتمش در عین وصل این ناله و فریاد چیست / گفت ما را جلوه معشوق در این کار داشت»

۱) نام وزن این ابیات «بحر رمل مثمّن محذوف» است.

۲) بیت اول دو اختیار «بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه» دارد.

۳) مصراع آخر بدون اختیار حذف همزه می‌باشد.

۴) ابیات نه دوری هستند نه ناهمسان و نه به دو روش دسته‌بندی هجایی می‌شوند.

آزمون تالیفی شماره سه عروض و قافیه

تست ۴۴۰ قاعده قافیه کدام ابیات نادرست نوشته‌شده است؟

الف) جز به من التفات کی کردی / غم زشت و نکو کجا خوردی (قاعده «۱»)
ب) گفت استاد احولی را کاندر آ / رو برون آر از وثاق آن شیشه را (قاعده «۲»)
ج) دلیل کاروانم اشک آه سرد را مانم / اثر پرداز داغم حرف صاحب درد را مانم (قاعده «۲»)
د) ای سر سودایی من رفته در سودای تو / باد سر تا پای من قربان سر تا پای تو (قاعده «۱»)

۱) الف، ب ۲) ج، د ۳) الف، ج ۴) ب، د

تست ۴۴۱ الگوی قافیه چند بیت بر اساس «مصوت+ صامت+ صامت+ الحاقی» است؟

الف) با فراقت چند سازم برگ تنهایيم نیست / دستگاه صبر و پایاب شکیباییم نیست
ب) دوش می‌آمد و رخساره برافروخته بود / تا کجا باز دل غمزده‌ای سوخته بود
ج) عشق است غمگسار دل دردمند را / آتش گره ز کار گشاید سپند را
د) به دور کاکل و زلف تو سنبلستان‌ها / شده است خواب پریشان به چشم بستان‌ها
ه) از نمکدان تو محشر گرد بیرون رانده‌ای / برق پیش خوی تندت پای در گل مانده‌ای

۱) یک ۲) دو ۳) سه ۴) چهار

تست ۴۴۲ تعداد حذف همزه کدام ابیات یکسان است؟

الف) دل را که مرده بود حیاتی به جان رسید / تا بویی از نسیم می‌اش در مشام رفت
ب) مستم کن آن چنان‌که ندانم ز بیخودی / در عرصه خیال که آمد کدام رفت
ج) نقد دلی که بود مرا صرف باده شد / قلب سیاه بود از آن در حرام رفت
د) بر بوی آن که جرعه جامت به ما رسد / در مصطبه دعای تو هر صبح و شام رفت

۱) الف ـ ب ۲) ج ـ د ۳) ب ـ ج ۴) الف ـ د

تست ۴۴۳ کدام مصراع‌ها وزن‌واژه (رکن) محذوف دارند؟

الف) کنون که شهر گرفتی روا مدار خراب
ب) توحید بر ما عرضه کن تا بشکنیم اصنام را
ج) گر من از عهدت بگردم ناجوانمردم نه مردم
د) سست پیمانا چرا کردی خلاف عقل و رای
ه) در دلم هیچ نیاید مگر اندیشه وصلت

۱) الف ـ ب ۲) ج ـ د ۳) الف ـ د ۴) ج ـ هـ

تست ۴۴۴ کدام ابیات هم دوری هستند و هم به دو صورت دسته‌بندی هجایی می‌شوند؟

الف) بر من که صبوحی‌زده‌ام خرقه حرامست / ای مجلسیان راه خرابات کدامست
ب) من فتنه زمانم وان دوستان که داری / بی‌شک نگاه‌دارند از فتنه زمانت
ج) خاطر عام برده‌ای خون خواص خورده‌ای / ما همه صید کرده‌ای خود ز کمند جسته‌ای
د) باشد که تو خود روزی از ما خبری پرسی / ور نه که برد هیهات از ما به تو پیغامی
هـ) ای دل ز دلبر پنهان چه داری / دردی که جز او درمان ندارد

۱) الف ـ هـ ۲) ب ـ د ۳) ج ـ هـ ۴) الف ـ ج

تست ۴۴۴ در هرکدام از ابیات زیر به ترتیب چند اختیار شاعری «بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه» وجود دارد؟

الف) غلام آن سبک‌روحم که با من سر گران دارد / جوابش تلخ و پنداری شکر زیر زبان دارد
ب) برون از خوردن و خفتن حیاتی هست مردم را / به جانان زندگانی کن بهایم نیز جان دارد

۱) یک ـ یک ۲) یک ـ دو ۳) دو ـ یک ۴) دو ـ دو

تست ۴۴۶ نوع اختیارات وزنی کدام ابیات یکسان است؟

الف) ما ترک سر بگفتیم تا درد سر نباشد / غیر از خیال جانان، در جان و سر نباشد
ب) کاشکی صد چشم از این بی‌خوابتر بودی مرا / تا نظر می‌کردمی در منظر زیبای تو
ج) کلک مشکین تو روزی که ز ما یاد کند / ببرد اجر دو صد بنده که آزاد کند
د) بیان شوق چه حاجت که سوز آتش دل / توان شناخت ز سوزی که در سخن باشد

۱) الف ـ ب ۲) ج ـ د ۳) الف ـ د ۴) ب ـ ج

تست ۴۴۷ کدام بیت اختیار شاعری «قلب» دارد؟

۱) کی ز دلم برون روی زانکه چو من نبوده‌ام / عشق تو بوده است و بس در دل من به جان تو
۲) پای دل رمیده گر باز به دستم آمدی / ترک تو کردمی و خویش از همه وا رهاندمی
۳) باز رهایی‌ام بده از قفس فراق خود / شام مرا سحر بکن نگار نازنین من
۴) چون بت رود ساز من چنگ به ساز در زند / من به فغان نواگری یاد دهم رباب را

تست ۴۴۸ با توجه به ابیات زیر کدام گزینه صحیح نمی‌باشد؟

الف) تا دیده دیده است رخ دلربای او / دل در بلای دیده و جان در بلای اوست
ب) کیست که گوید به بارگاه سلاطین / حال گدایان دلشکسته مسکین
ج) من و باد صبا مسکین دو سرگردان بی‌حاصل / من از افسون چشمت مست و او از بوی گیسویت

۱) بیت «الف» را به دو روش می‌توان دسته‌بندی هجایی کرد.
۲) بیت «الف» و «ب» وزن‌واژه مشترک دارند.
۳) نام وزن بیت «ج» «بحر هزج مثمّن سالم» است.
۴) یکی از ابیات وزن دوری دارد.

برای خرید نسخه چاپی یا تدریس ویدئویی این جزوه به سایت و یا کانال تلگرامی «آموزشگاه مجازی احمدی» مراجعه کنید.
برای کسب اطلاعات بیشتر در مورد این جزوات و پکیج‌ها به شماره ۰۹۱۲۳۷۰۸۴۷۶ در تلگرام یا واتساپ و یا به صورت SMS پیام بدهید.
Ahmadi63amoozesh.com
@ahmadi63amoozesh
Ahmadi63amoozesh.com

آزمون تالیفی شماره چهار عروض و قافیه

تست ۴۴۹ چند مورد از ابیات زیر فاقد ردیف هستند؟

الف) بنگر آن‌ها را که آخر دیده‌اند — حسرت جان‌ها و رشک دیده‌اند
ب) می نگر در خود چنین جنگ گران — پس چه مشغولی به جنگ دیگران
ج) غم خویش در زندگی خور که خویش — به مرده نپردازد از حرص خویش
د) آتش خشم است در رویش جهان — زنده می‌گردند از بویش جهان
ه) چراغ روی تو را شمع گشت پروانه — مرا ز خال تو با حال خویش پروا نه

۱) دو ۲) سه ۳) چهار ۴) پنج

تست ۴۵۰ با توجه به مبحث قافیه، توضیح مقابل کدام گزینه غلط است؟

۱) آنک از کبرش دلت لرزان بود — چون شوی چون پیش تو گریان شود («ن» حرف روی)
۲) دردی است درد عشق که هیچش طبیب نیست — گر دردمند عشق بنالد غریب نیست (ذوقافیتین)
۳) صبحدم خاکی به صحرا برد باد از کوی دوست — بوستان در عنبر سارا گرفت از بوی دوست (قاعده «۱» قافیه)
۴) ای که از سرو روان قد تو چالاکتر است — دل به روی تو ز روی تو طربناکتر است (قافیه با الحاقی)

تست ۴۵۱ کدام وزن‌واژه‌ها در هر دو بیت زیر وجود دارد؟

الف) گر راه بود بر سر کوی تو صبا را — در بندگی‌ات عرضه کند قصّه ما را
ب) هر ذره که در خاک زمینی بوده است — پیش از من و تو تاج و نگینی بوده است

۱) مفعول ـ فعولن ۲) مفعول ـ مفاعیل ۳) مفاعیل ـ مفاعلن ۴) مفاعلن ـ فعولن

تست ۴۵۲ وزن کدام مصراع‌ها درست آمده است؟

الف) امیدوار چنانم که کار بسته برآید (مفاعلن فعلاتن مفاعلن فعلن)
ب) درماندگی‌ام به هیچ نشمردی (مفعول مفاعلن مفاعیلن)
ج) کس مشکل اسرار اجل را نگشاد (مستفعلن مستفعلن مستفعلن مستف)
د) اینان شکوه غیرت تاریخند (مفعول فاعلات مفاعیلن)

۱) الف - ب ۲) ج – د ۳) الف – ج ۴) ب - د

تست ۴۵۳ در کدام بیت هم ابدال و هم یک اختیار زبانی وجود دارد؟

۱) چه کند بنده که گردن نبرد فرمان را — چه کند گوی که عاجز نشود چوگان را
۲) سروبالایِ کمان‌ابرو اگر تیر زند — عاشق آن است که بر دیده نهد پیکان را
۳) بهای روی تو بازار ماه و خور بشکست — چنان که معجز موسی طلسم جادو را
۴) دیار هند و اقالیم ترک بسپارند — چو چشم ترک تو بینند و زلف هندو را

تست ۴۵۴ همه ابیات هم ناهمسانند و هم به دو روش دسته‌بندی هجایی می شوند به‌جز:

۱) هر دم به روی زرد فرو ریزدم سرشک — چشمم نگر که می‌دهد از جام زر شراب
۲) دی بر در دیر دُرد نوشان — آشوب خروش مرد و زن بود
۳) ز آتشکده و کعبه غرض سوز و نیازست — و آنجا که نیاز است چه حاجت به نمازست
۴) آب رخ ما بری و باد شماری — خون دل ما خوری و باک نداری

Ahmadi63amoozesh.com

تست ۴۵۵ کدام بیت هم دوری است و هم یک اختیار وزنی دارد؟

۱) فرهاد شورانگیز اگر در پای سنگی جان بداد / گفتار شیرین بی سخن در حالت آرد سنگ را
۲) آن مه طوبی خرام گر به چمن بگذرد / سرو خرامان برد قامت او را نماز
۳) از آب دیده صد ره طوفان نوح دیدم / وز لوح سینه نقشت هرگز نگشت زایل
۴) هر سحری که نسترن پرده ز رخ برافکند / باد صبا به بوی گل رو به چمن نهد چو من

تست ۴۵۶ ابیات زیر به ترتیب درمجموع چند اختیار شاعری «حذف همزه و بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه» دارند؟

الف) داغ پنهانم نمی‌بینند و مهر سر به مهر / آنچه بـر اجـزای ظاهـر دیده‌اند آن گفـته‌اند
ب) پیش از این گویند سعدی دوست می‌دارد تو را / بیش از آنت دوست می‌دارم کـه ایشان گفـته‌اند

۱) دو ـ چهار ۲) دو ـ سه ۳) سه ـ چهار ۴) سه ـ سه

تست ۴۵۷ با توجه به بیت زیر کدام گزینه غلط است؟

« بـه نا امیدی از این در مـرو بـزن فـالی / بود که قرعه دولت به نام ما افتد »

۱) یک اختیار «بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه» در این بیت وجود دارد.
۲) مصراع اول دو «حذف همزه» دارد.
۳) در هر دو مصراع اختیار شاعری «ابدال» وجود دارد.
۴) یک اختیار شاعری «کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند» در بیت وجود دارد.

آزمون تالیفی شماره پنج عروض و قافیه

تست ۴۵۸ قافیه چند بیت غلط است؟

الف) چون کنی خیـره دوستی دعـوی / همه گفتار هرزه بی‌معنی
ب) سهل باشد نیز مهترزادگی / که بود غرّه به مال و بارگی
ج) کافران هم‌جنس شیطان آمده / جانشان شاگرد شیطانان شده
د) این جهان دام است و دانه‌ش آرزو / در گریز از دام‌ها روی آر زو

۱) یک ۲) دو ۳) سه ۴) چهار

تست ۴۵۹ چند مورد از ترکیبات زیر می‌توانند با هم قافیه شوند؟

«رَفته، خُفته – سوزناک، طربناک - برگشته، کُشته – شـب‌ها، دریـا – رفـت، رخـت- جانانه، مـردانه–
آسودگی، افتادگی – زار، لاله‌زار- می‌سوزی، می‌سازی »

۱) سه ۲) چهار ۳) پنج ۴) شش

تست ۴۶۰ در هرکدام از ابیات زیر به ترتیب چند اختیار شاعری حذف همزه وجود دارد؟

الف) خیره آن دیده که آبش نبرد گریه عشق / تیـره آن دل کـه در او شمـع محبّت نبود
ب) چون طهارت نبود کعبه و بتخانه یکی است / نبـود خیـر در آن خانـه کـه عصمت نبود

۱) یک ـ یک ۲) یک ـ دو ۳) دو ـ یک ۴) دو ـ دو

تست ۴۶۱ نام عروضی کدام مصراع‌ها درست است؟

الف) من از عالم بـه جز کویش ندارم منزلی دیگر (بحر هزج مثمن سالم)
ب) تا تو را شوری نباشد لذّت شیرین چه یابی (بحر رمل مثمن محذوف)
ج) من خاک آن بـادم کـه او بـوی دلارام آورد (بحر رجز مثمن محذوف)
د) حذر کن ز یاری که یاریش نیست (بحر متقارب مثمن محذوف)

۱) الف – ب ۲) ج – د ۳) ب – ج ۴) الف - د

تست ۴۶۲ کدام بیت فاقد اختیار وزنی است؟

۱) گر کنم در سر وفات سری / سهل باشد زیان مختصری
۲) نه حرام است در رخ تو نظر / که حرام است چشم بر دگری
۳) ببری هوش و طاقت زن و مرد / گر تردّد کنی به بام و دری
۴) آه سعدی اثر کند در کوه / نکند در تو سنگ دل نظری

تست ۴۶۳ ترتیب ابیات به لحاظ دارا بودن اختیارات «کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند، ابدال، بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه» در کدام گزینه آمده است؟

الف) سهو و خطای بنده گرش اعتبار نیست / معنی عفـو و رحمـت پروردگـار چیست
ب) هر راهرو کـه ره بـه حریـم درش نبرد / مسکین بـرید وادی و ره در حـرم نداشت
ج) آن چـه زر می‌شود از پرتـو آن قلب سیاه / کیمیایی است که در صحبت درویشان است

۱) ب – ج - الف ۲) ب- الف – ج ۳) ج – الف - ب ۴) ج- ب - الف

تست ۴۶۴ کدام بیت اختیار شاعری «قلب» دارد؟

۱) باز برافراختیم رایت سلطان عشق / بار دگر تاختیم بر سر میدان عشق
۲) ملک جهان کـرده‌ایم فدای گیسوی یار / گوی دل افکنده‌ایم در خم چوگان عشق
۳) جان چه بود تا کنیم در ره عشقش نثار / پای ملـخ چون بریم نزد سلیمان عشق
۴) عقل درین دیر کیست مست شراب الست / روح در این باغ چیست بلبل بستان عشق

تست ۴۶۵ ابیات همه گزینه‌ها یا ناهمسان هستند یا به دو روش دسته‌بندی هجایی می‌شوند به‌جز گزینه‌ی ...

۱) گفتم که چرا صورتت از دیده نهان است / گفتا که پری را چه کنم رسم چنان است
۲) بیار جام و مکن نسبتم به زهد و ورع / که من به ساغر و پیمانه گشته‌ام منصوب
۳) سحر چـو بوی گل از طـرف مرغزار برآید / نوای زیر و بم از جان مرغ زار برآید
۴) ای آفتاب رویت در اوج دلفروزی / وی تیر چشم مستت در عین دیده دوزی

تست ۴۶۶ با توجه به رباعی زیر کدام گزینه صحیح نیست؟

«وقت سحر است خیز ای مایه ناز / نرمک نرمک باده خور و چنگ نواز
کآنها که بجایند نپایند بسی / و آنها که شدند کس نمی‌آید باز

۱) بیت اول فاقد اختیار تغییر کمیت مصوت‌هاست.
۲) بیت اول اختیار شاعری ابدال دارد.
۳) بیت دوم فاقد اختیار وزنی نمی‌باشد.
۴) در مجموع سه اختیار شاعری حذف همزه وجود دارد.

آزمون تالیفی شماره شش عروض و قافیه

تست ۴۶۷ تعداد گروه کلماتی که می‌توانند با هم‌قافیه شوند، در کدام گزینه بیشتر است؟

۱) آزرده، خورده - موسی، دنیا - نشَسته، نشُسته - کوهسار، جویبار

۲)کُشته، گُفته - لولیان، روان - میغ، ستیغ – قند، سپند

۳) بادپا، باغ‌ها - کوره، گیره - شاعری،دلخوری - افتادگی، آوارگی

۴) آمده، شده - پاسبان، باغبان - صورتگر، مصوّر – کاشته، کاسته

تست ۴۶۸ با توجه به مبحث قافیه کدام گزینه غلط است؟

۱) نور حق در مسجد و در دیر نیست / در دل است آن نور آن در سیر نیست (قافیه بر مبنای یکسانی مصوت+ صامت)

۲) در اقصای عالم بگشتم بسی / به سر بردم ایّام با هر کسی (قافیه بر مبنای قاعده «۲»)

۳) گر مستمند و بادل غمگینم / خیره مکن ملامت چندینم («ن» حرف روی)

۴) امشب غنیمت دارمت باشم غلام و چاکرت / فردا ملک بی‌هش شود هم عرش بشکافد قبا (بدون قافیه میانی)

تست ۴۶۹ کدام مصراع‌ها هم‌وزن هستند؟

الف) بیم آن است که دمادم چو پروانه بسوزم

ب) شب بر آنم که مگر روز نخواهد بودن

ج) به خواب در نرود چشم بخت من همه عمر

د) آفتاب است آن پری‌رخ یا ملائک یا بشر

ه) کیست آن لعبت خندان که پری‌وار برفت

و) کس ندیدم که چنین تیر و کمانی دارد

۱) الف، ج، ه ۲) ب، ه و ۳) الف، د، و ۴) ب، ج، د

تست ۴۷۰ کدام بیت هم «دوری» است و هم یک اختیار شاعری «بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه»» دارد؟

۱) بگذشت و بازم آتش در خرمن سکون زد / دریای آتشینم در دیده موج خون زد

۲) بار بی اندازه دارم بر دل از سودای جانان / آخر ای بی‌رحم باری از دلی برگیر باری

۳) گر شب هجران مرا تاختن آرد اجل / روز قیامت زنم خیمه به پهلوی دوست

۴) عشاق به درگهت اسیرند بیا / بدخویی تو بر تو نگیرند بیا

تست ۴۷۱ نام وزن عروضی کدام دو مورد درست است؟

الف) بخت بازآید از آن در که یکی چون تو درآید (بحر رمل مثمن سالم)

ب) به جان گر صحبت جانان برآید رایگان باشد (بحر رجز مثمن سالم)

ج) تا کی ای دلبر دل من بار تنهایی کشد (بحر رمل مثمن محذوف)

د) وفا را به عهد تو دشمن گرفتم (بحر متقارب مثمن سالم)

۱) الف، ب ۲) الف، ج ۳) ج، د ۴) ب، د

تست ۴۷۲ در کدام گزینه «اختیار وزنی» وجود ندارد؟

۱) من آن فریب که در نرگس تو می‌بینم / بس آب روی که با خاک ره برآمیزد

۲) المنّهُ لِلّه که در میکده باز است / زان رو که مرا بر در او روی نیاز است

۳) تاب بنفشه مـی‌دهد طرّهٔ مشکسای تو / پرده غنچه می‌درد خنده دلگشای تو

۴) نتواند که نهد بر سر کوی تو قدم / مگر آن‌کس که نخست از سر جان درگذرد

Ahmadi63amoozesh.com
@ahmadi63amoozesh
@aboozarahmadi63

تست ۴۷۳ در بیت زیر کدام اختیارات شاعری وجود دارد؟

«همدم به جز صراحی و جام شراب نیست　　　خرّم کسی که دامن همدم گرفته است»

۱) کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند - بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه
۲) کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند - آمدن فاعلاتن به‌جای فعلاتن
۳) ابدال - بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه
۴) ابدال - کوتاه تلفظ کردن مصوبت بلند

تست ۴۷۴ اختیار شاعری نوشته‌شده مقابل کدام بیت در آن وجود دارد؟

۱) جز عشق بتان نهی است در ملّت مشتاقان　　جز کیش مغان کفر است در مذهب دین‌داران　　(ابدال)
۲) تیر ترا منم هدف گر تو خدنگ می‌زنی　　تیغ ترا منم سپر گر تو اسیر می‌کشی　　(قلب)
۳) این نه طریق محبّت است و مودّت　　وین نبود شرط دوست داری و یاری　　(کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند)
۴) هر زمان از اشک میگون ساغرم پر می‌شود　　خون دل نوشم تو پنداری مگرکان باده است　　(بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه)

تست ۴۷۵ با توجه به شعر نیمایی زیر کدام گزینه غلط است؟

«رفته بودم سر حوض
تا ببینم شاید، عکس تنهایی خود را در آب
آب در حوض نبود»

۱) یک اختیار شاعری کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند دارد.
۲) یک اختیار شاعری بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه دارد.
۳) اختیار شاعری ابدال دارد.
۴) اختیار شاعری آمدن فاعلاتن به جای فعلاتن دارد.

آموزشگاه مجازی احمدی
برای خرید نسخه چاپی یا تدریس ویدئویی این جزوه به سایت و یا کانال تلگرامی «آموزشگاه مجازی احمدی» مراجعه کنید.
برای کسب اطلاعات بیشتر در مورد این جزوات و پکیج‌ها به شماره ۰۹۱۲۳۷۰۸۴۷۶ در تلگرام یا واتساپ و یا به صورت SMS پیام بدهید.
Ahmadi63amoozesh.com
@ahmadi63amoozesh
Ahmadi63amoozesh.com

۱	۴	۲۶	۴	۵۱	۳	۷۶	۱	۱۰۱	۲	۱۲۶	۳	۱۵۱	۲	۱۷۶	۱	۲۰۱	۳	۲۲۶	۲
۲	۴	۲۷	۳	۵۲	۱	۷۷	۳	۱۰۲	۴	۱۲۷	۲	۱۵۲	۲	۱۷۷	۳	۲۰۲	۳	۲۲۷	۲
۳	۳	۲۸	۱	۵۳	۳	۷۸	۴	۱۰۳	۱	۱۲۸	۳	۱۵۳	۲	۱۷۸	۱	۲۰۳	۴	۲۲۸	۴
۴	۱	۲۹	۳	۵۴	۱	۷۹	۳	۱۰۴	۱	۱۲۹	۲	۱۵۴	۳	۱۷۹	۲	۲۰۴	۳	۲۲۹	۱
۵	۴	۳۰	۱	۵۵	۴	۸۰	۳	۱۰۵	۳	۱۳۰	۲	۱۵۵	۲	۱۸۰	۴	۲۰۵	۳	۲۳۰	۴
۶	۱	۳۱	۴	۵۶	۲	۸۱	۳	۱۰۶	۴	۱۳۱	۳	۱۵۶	۲	۱۸۱	۱	۲۰۶	۱	۲۳۱	۴
۷	۲	۳۲	۲	۵۷	۱	۸۲	۲	۱۰۷	۲	۱۳۲	۲	۱۵۷	۱	۱۸۲	۳	۲۰۷	۳	۲۳۲	۳
۸	۱	۳۳	۱	۵۸	۳	۸۳	۲	۱۰۸	۲	۱۳۳	۲	۱۵۸	۲	۱۸۳	۲	۲۰۸	۲	۲۳۳	۱
۹	۲	۳۴	۳	۵۹	۴	۸۴	۴	۱۰۹	۴	۱۳۴	۱	۱۵۹	۴	۱۸۴	۲	۲۰۹	۳	۲۳۴	۳
۱۰	۳	۳۵	۳	۶۰	۴	۸۵	۳	۱۱۰	۳	۱۳۵	۲	۱۶۰	۴	۱۸۵	۳	۲۱۰	۴	۲۳۵	۴
۱۱	۳	۳۶	۲	۶۱	۴	۸۶	۴	۱۱۱	۳	۱۳۶	۲	۱۶۱	۱	۱۸۶	۱	۲۱۱	۳	۲۳۶	۳
۱۲	۲	۳۷	۱	۶۲	۲	۸۷	۳	۱۱۲	۴	۱۳۷	۱	۱۶۲	۲	۱۸۷	۳	۲۱۲	۲	۲۳۷	۱
۱۳	۲	۳۸	۳	۶۳	۲	۸۸	۲	۱۱۳	۳	۱۳۸	۲	۱۶۳	۱	۱۸۸	۲	۲۱۳	۳	۲۳۸	۱
۱۴	۱	۳۹	۲	۶۴	۱	۸۹	۱	۱۱۴	۳	۱۳۹	۴	۱۶۴	۴	۱۸۹	۲	۲۱۴	۲	۲۳۹	۲
۱۵	۲	۴۰	۴	۶۵	۴	۹۰	۴	۱۱۵	۲	۱۴۰	۴	۱۶۵	۳	۱۹۰	۳	۲۱۵	۳	۲۴۰	۳
۱۶	۲	۴۱	۴	۶۶	۴	۹۱	۳	۱۱۶	۱	۱۴۱	۳	۱۶۶	۳	۱۹۱	۲	۲۱۶	۴	۲۴۱	۲
۱۷	۲	۴۲	۳	۶۷	۳	۹۲	۲	۱۱۷	۳	۱۴۲	۲	۱۶۷	۲	۱۹۲	۱	۲۱۷	۳	۲۴۲	۴
۱۸	۴	۴۳	۲	۶۸	۴	۹۳	۱	۱۱۸	۱	۱۴۳	۲	۱۶۸	۲	۱۹۳	۳	۲۱۸	۳	۲۴۳	۳
۱۹	۳	۴۴	۳	۶۹	۲	۹۴	۴	۱۱۹	۴	۱۴۴	۳	۱۶۹	۳	۱۹۴	۴	۲۱۹	۲	۲۴۴	۳
۲۰	۲	۴۵	۱	۷۰	۱	۹۵	۳	۱۲۰	۴	۱۴۵	۱	۱۷۰	۲	۱۹۵	۳	۲۲۰	۳	۲۴۵	۲
۲۱	۳	۴۶	۱	۷۱	۳	۹۶	۴	۱۲۱	۳	۱۴۶	۳	۱۷۱	۴	۱۹۶	۴	۲۲۱	۲	۲۴۶	۳
۲۲	۲	۴۷	۲	۷۲	۴	۹۷	۳	۱۲۲	۴	۱۴۷	۳	۱۷۲	۳	۱۹۷	۱	۲۲۲	۱	۲۴۷	۴
۲۳	۲	۴۸	۲	۷۳	۲	۹۸	۱	۱۲۳	۴	۱۴۸	۴	۱۷۳	۴	۱۹۸	۱	۲۲۳	۱	۲۴۸	۲
۲۴	۳	۴۹	۲	۷۴	۲	۹۹	۱	۱۲۴	۲	۱۴۹	۳	۱۷۴	۲	۱۹۹	۲	۲۲۴	۱	۲۴۹	۳
۲۵	۱	۵۰	۳	۷۵	۱	۱۰۰	۳	۱۲۵	۴	۱۵۰	۴	۱۷۵	۲	۲۰۰	۴	۲۲۵	۳	۲۵۰	۱

Ahmadi63amoozesh.com

۲۵۱	۴	۲۷۶	۱	۳۰۱	۴	۳۲۶	۲	۳۵۱	۲	۳۷۶	۳	۴۰۱	۴	۴۲۶	۳	۴۵۱	۲	۴۷۶	
۲۵۲	۳	۲۷۷	۳	۳۰۲	۴	۳۲۷	۱	۳۵۲	۴	۳۷۷	۱	۴۰۲	۳	۴۲۷	۲	۴۵۲	۴	۴۷۷	
۲۵۳	۱	۲۷۸	۴	۳۰۳	۳	۳۲۸	۳	۳۵۳	۱	۳۷۸	۱	۴۰۳	۳	۴۲۸	۳	۴۵۳	۲	۴۷۸	
۲۵۴	۱	۲۷۹	۱	۳۰۴	۴	۳۲۹	۲	۳۵۴	۳	۳۷۹	۱	۴۰۴	۴	۴۲۹	۴	۴۵۴	۴	۴۷۹	
۲۵۵	۳	۲۸۰	۲	۳۰۵	۲	۳۳۰	۴	۳۵۵	۲	۳۸۰	۳	۴۰۵	۱	۴۳۰	۳	۴۵۵	۲	۴۸۰	
۲۵۶	۴	۲۸۱	۲	۳۰۶	۱	۳۳۱	۲	۳۵۶	۴	۳۸۱	۴	۴۰۶	۲	۴۳۱	۴	۴۵۶	۱	۴۸۱	
۲۵۷	۴	۲۸۲	۱	۳۰۷	۳	۳۳۲	۴	۳۵۷	۳	۳۸۲	۴	۴۰۷	۱	۴۳۲	۳	۴۵۷	۱	۴۸۲	
۲۵۸	۴	۲۸۳	۲	۳۰۸	۳	۳۳۳	۱	۳۵۸	۲	۳۸۳	۳	۴۰۸	۳	۴۳۳	۱	۴۵۸	۲	۴۸۳	
۲۵۹	۲	۲۸۴	۲	۳۰۹	۲	۳۳۴	۳	۳۵۹	۴	۳۸۴	۳	۴۰۹	۱	۴۳۴	۴	۴۵۹	۲	۴۸۴	
۲۶۰	۳	۲۸۵	۴	۳۱۰	۲	۳۳۵	۲	۳۶۰	۳	۳۸۵	۱	۴۱۰	۲	۴۳۵	۲	۴۶۰	۲	۴۸۵	
۲۶۱	۴	۲۸۶	۲	۳۱۱	۴	۳۳۶	۳	۳۶۱	۱	۳۸۶	۴	۴۱۱	۲	۴۳۶	۴	۴۶۱	۴	۴۸۶	
۲۶۲	۳	۲۸۷	۲	۳۱۲	۳	۳۳۷	۴	۳۶۲	۲	۳۸۷	۲	۴۱۲	۳	۴۳۷	۴	۴۶۲	۲	۴۸۷	
۲۶۳	۴	۲۸۸	۳	۳۱۳	۲	۳۳۸	۴	۳۶۳	۱	۳۸۸	۱	۴۱۳	۲	۴۳۸	۱	۴۶۳	۱	۴۸۸	
۲۶۴	۱	۲۸۹	۳	۳۱۴	۱	۳۳۹	۳	۳۶۴	۳	۳۸۹	۴	۴۱۴	۴	۴۳۹	۲	۴۶۴	۲	۴۸۹	
۲۶۵	۴	۲۹۰	۲	۳۱۵	۳	۳۴۰	۲	۳۶۵	۴	۳۹۰	۴	۴۱۵	۱	۴۴۰	۱	۴۶۵	۳	۴۹۰	
۲۶۶	۳	۲۹۱	۴	۳۱۶	۴	۳۴۱	۱	۳۶۶	۳	۳۹۱	۴	۴۱۶	۲	۴۴۱	۲	۴۶۶	۱	۴۹۱	
۲۶۷	۴	۲۹۲	۲	۳۱۷	۱	۳۴۲	۳	۳۶۷	۳	۳۹۲	۳	۴۱۷	۳	۴۴۲	۳	۴۶۷	۱	۴۹۲	
۲۶۸	۴	۲۹۳	۴	۳۱۸	۲	۳۴۳	۳	۳۶۸	۴	۳۹۳	۱	۴۱۸	۴	۴۴۳	۳	۴۶۸	۱	۴۹۳	
۲۶۹	۲	۲۹۴	۴	۳۱۹	۳	۳۴۴	۱	۳۶۹	۱	۳۹۴	۳	۴۱۹	۱	۴۴۴	۲	۴۶۹	۲	۴۹۴	
۲۷۰	۱	۲۹۵	۳	۳۲۰	۴	۳۴۵	۲	۳۷۰	۲	۳۹۵	۴	۴۲۰	۳	۴۴۵	۳	۴۷۰	۱	۴۹۵	
۲۷۱	۳	۲۹۶	۲	۳۲۱	۴	۳۴۶	۳	۳۷۱	۱	۳۹۶	۴	۴۲۱	۴	۴۴۶	۱	۴۷۱	۳	۴۹۶	
۲۷۲	۳	۲۹۷	۳	۳۲۲	۱	۳۴۷	۱	۳۷۲	۳	۳۹۷	۲	۴۲۲	۴	۴۴۷	۳	۴۷۲	۴	۴۹۷	
۲۷۳	۲	۲۹۸	۱	۳۲۳	۴	۳۴۸	۱	۳۷۳	۱	۳۹۸	۳	۴۲۳	۴	۴۴۸	۴	۴۷۳	۱	۴۹۸	
۲۷۴	۴	۲۹۹	۲	۳۲۴	۳	۳۴۹	۳	۳۷۴	۳	۳۹۹	۳	۴۲۴	۴	۴۴۹	۴	۴۷۴	۳	۴۹۹	
۲۷۵	۴	۳۰۰	۳	۳۲۵	۴	۳۵۰	۴	۳۷۵	۲	۴۰۰	۴	۴۲۵	۳	۴۵۰	۱	۴۷۵	۲	۵۰۰	

Ahmadi63amoozesh.com